

سخن بسیار است و عرصه سخن تنگ است اگر خدا خواهد در محل مناسب بیان شود انشاء الله تعالی یا با ذکر  
 ربی اخبرنی فقال وعزتی وجلالی ما ادرك العابدون درك البكاء عندی وانی لا یجئ لمم فی الرقیق  
 الاصل قصر الا شکرهم فیه احد قال قلت یا رسول الله ای المؤمنین اکیس قال کثر عملت  
 ذکر او احسنهم له استعداد الیا باذتر اذ ادخل النور انقلب الفصح القلب واستوسع  
 قلت فما علامته ذلك با بے انت وای فی یا رسول الله قال الانامة الی داس  
 الخلود والتجانی عن داس العسر وروا الاستعداد للموت قبل نزوله  
 اسے ابو ذر بدستی کہ پروردگار من مرا خبر داد و فرمود کہ لعزت و بجلال خود سو گندہ سچورم کہ نمی یاندہ با بیان از  
 هیچ عملی آنچه از گریہ بیاید نزد من از ثواب و قرب و بدرستی کہ من از برای اسے ایشان بنا میکنم در اعلام مرتبت  
 در جوار پیغمبران و مقربان خود قصری را کہ سچکس در آن قصر و مرتبه با ایشان شریک نباشد ابو ذر گفت کہ عرض  
 کردم کہ یا رسول الله صلے الله علیہ و آلہ کہ ام یک از مومنان زیر کتر و عاقل تر اند فرمود آمانکہ یا دیگر بشیر میکنند  
 و ہتہ اورا نیکو تر دست میکنند اسے ابو ذر چون نورد در دل آدمی داخل شد آن دل کشادہ و فراخ میشود  
 ابو ذر گفت کہ علامت اینحال چیست پروردارم فدای تو باد یا رسول الله فرمود کہ علامت نور بودن کشادگی  
 دل میل آدمیت بسوی آخرت کہ خانہ جاوید است و رجوع کردن بکاری کہ بر اسے آن خانہ بکار آید و بہاوتی  
 کردن از دنیا کہ خانہ فریب و مکر و غفلت است و مستعد و ہتیا شدن برای مرگ پیش از آنکہ در رسد بہ آنکہ احادیث  
 در باب فضل گریستن بر اسے خدا سابقا ایراد نمودیم و از عقل و شریع معلوم است کہ تضرع بہر گاہ بی نیاز بودن  
 سادت دنیا و آخرت و گریہ با مراتب بسیار است و ہر کسی در غر مرتبہ خود از ان بہرہ سیردگی بگیرد و ان را  
 میطلبد و دیگر خلاصی جہنم میطلبد و دیگر سے بہشت میطلبد و دیگری قرب میطلبد تا بر تہ سبحان کہ از ہر قطرہ صد ہزار گندہ  
 میبرد و بیج لذتی را برابر باین نمیکند و چنانچہ در آخرت کسی شریک قصدا ایشان نیست در دنیا کسی نیز از لذت ایشان  
 خبر ندارد و احادیث بسیار در باب یاد مرگ کردن و باعمال صالحہ ہمسای در و دآن فعلن کہ چون در رسد آدمی را حسرت بنا  
 نیز گذشت و معنی دل را نیز بیان کردیم در روشنی دل بعلم و معرفت و محبت و نیات صادقہ و صفات حسنہ می باشد  
 زیرا کہ چنانچہ روشنی ہای ظاہری دیدہ ظاہر را بینا میکند کہ تمیز کند میان اشیا و حقیقت الوان و اشخاص را بداند  
 و راہ ہای ظاہری را گم نکند و چنان علم و مسارت موجب نیست کہ دیدہ دل بینا شود و نفس ناطقہ انسانی کہ از ان  
 تعبیر بقلب میکنند تمیز میان نیک و بد کند و راہ حق را بیابد و گم نکند و چنان ہر یک از صفات حسنہ و نیات صحیحہ کہ  
 اورا باعمال شائستہ را ہنمائی میانہ بمنزلہ چراغی و شعلے بلکہ خورشیدی اند برای نفس و باین انوار در دہکما

و کثرت ذکر

کمال حاصل ہوا تھا نیست از علم و معرفت و انواع کمالات روحانی و کشادگی دل کنیہ از استعداد قبول علوم حق و معارف  
 نامی است زیرا کہ در ہستی اشقیما مانند نظر فیست بیان ہر کہ گنجایش بیج چیزند کشف شدہ باشد لہذا بیج ہدایتی در ان  
 داخل نشود و قبول بیج شے نمیکند و دیکہا سوسنان در گنجایش معارف مختلف است بسبب کمال و نقص ایشان  
 در مرتبہ میان ایشان از بابت پالہ است کہ گنجایش انہ کے از علوم و معارف دارد و اگر زیادہ از قدر  
 عوامہ ایشان برات ہر چیزند سر بہ سر و در از بسیار ہی عبادات و کمالات وسعت زیادہ میشود و استعداد قبول  
 معارف بیشتر میشود تا آنکہ بجز در ایاتی میشود کہ ہر چند ہر اے سے محتاجی برادر ہر چیزند مطلقاً از جا بر نمی آورد آن ہر  
 معنوی بسبب این کشادگی میشود و این کشادگی سبب ادراک قبول حق میگردد کہ قبائح دنیا و دیدہ ہا را بداند و ترک انہا  
 نماید و محاسن آسمان سمند و درجات شیعہ آخرت و کمالات معنوی را دانستہ طالب انہا شود و تحصیل انہا خود را  
 در گزیردہ یا با ذراتی اللہ و لا تعالی الناس انک تخشی اللہ فیکرموک و قلبک فاجراً یا با ذرات لیکن  
 انک لیکمل شے نیت صحتی فی اللہم و الاکل یا با ذرات لیعظم جلال اللہ فی صدرک فلا تکلمہ لما ینکرہ  
 یا با ذرات نذالعلیہم اللہم اخرہ و عند الخیر اللہم اخرہ اسے ابو ذر از شاہی خود پیر تیز و از شدہ تیرس  
 و بعد از چند روز ہنگام از قدرت ترمی براسے ایکہ ترا گرامی وارند دولت باطل بنجو روید ہا باشد ای ابو ذر باید کہ ترا  
 در ہر کار سے کہ کنیت ترمی باشد کہ جمع کار بار از براسے خدا کنی حتی خواب کردن و چیز سے خوردن را  
 بپوشد باید کہ ہر سینہ و جلال و بزرگواری خدا عظیم باشد و خدا را سیک یا دکنی چنانچہ جاہلان سگ را کہ دیدند سگوند  
 کہ خداوند از او را خوار کن چون بچک بر خورند سگوند کہ خداوند او را خوار کن و احادیث در مذمت ریا داروں  
 کتاب ایراد نزدیک و از حضرت امام موسی کاظم صلوات اللہ علیہ منقول است کہ حضرت عیسیٰ علی نبینا و علیہ السلام  
 بھواریان نزد آمد کہ بچی و کستی میگویم کہ بکار شما منی آید کہ ظاہر خود را بنگ کنسید کہ خوش آیندہ باشد و دیکہا  
 شما فاسد باشد و پوست بدن خود را پاکیزہ کنسید و دیکہا سے شما کثیف و پر چرک باشد سہا شید از بابت خواب  
 کہ آرد خوب از خود بیرون میکنسد و نجایہ و سبوس را در میان خود نگاه میدارد و همچنین شما کلام حکمے را از زبان  
 خود بیرون می آورد براسے مردم دیکندہ و بہ ہا را در سینہ خود نگاه میدارد اسے نیدہ اسے دنیا مثل شامشل  
 چراغیت کہ مردم را روشنی میدہد و خود را میسوزاند اسے گردہ نبی اسرائیل در مجالس علما خود را در آورید اگر چہ  
 ایکہ ہر از را در دیدہ خود را آن مجالس برسانید بکستی کہ حق تقدسے زندہ میکند و لہما سے مردم را نور حکمت چنانچہ  
 اسے دیکندہ میسوزاند و شہادہ حقیرتہ سہبہ از حضرت امیر المؤمنین منقولست کہ خود شما حال بندہ  
 از ہر چیزند کہ مردم را روشن کند و مردم را از شناسند و مردم را شناسند و حق تعالی اورا شناسد

بسیار از او یاد کردی

واز خوشنود باشد اینجاعت چراغها سے راہ ہایت اندک حق تعالیٰ سے برکت ایشان دفع میکند ہر نعمتہ مبارک کنند  
 کہ مردم را بشبہ اندازد و برہے ایشان میکند و در ہر نعمتی را ایشان افتاسے اسرار ایہ خود میکند و جنگا  
 در یا کندہ نیستند و بدانکہ کسی کہ عظمت الہی در نفس او مستقر گردیدہ و پستی دنیا و اہل دنیا براسے او ظاہر شدہ  
 و قدر اوقات عمر عزیز خود را دانستہ در ہر امر سے تارضای خدا را در ان زمانہ دنیا بد کہ بکار آخرت او می آید متوجہ  
 آن کار نمیشود و عمر خود را بطلالت ضائع نمیکند پس اگر خواہد چیزی سے بخورد و چون منظور اصلی او تحصیل سعادت  
 آخرت است براسے این طعام بخورد کہ از عبادت الہی ضعیف نشود و او را قوت بندگی بہر سہ و اگر نیتے جب واقع  
 منظور او باشد و محض گذرانیدن خاطر نباشد طعام خوردن او باین نیت عبادت میشود و این طعام ہمہ نور  
 میشود و قوی کہ ازان حاصل میشود صرت بندگی خدا میشود و همچنین خواب را براسے این میکند کہ در هنگام عبادت  
 حضور قلب داشتہ باشد و عمل بفرمودہ الہی کردہ باشد تا بدن و عقل او ضعیف نشود و اگر بہ بیت انخلا میرود  
 براسے این میرود کہ خود را از کثافات و نجاسات پاکیزہ کند کہ در وقت عبادت مطہر و عذفا باشد و با حضور قلب  
 نماز تواند کرد و مجملے از تحقیق انبیام در اول کتاب گذشتہ و در ان مقام جناب مقدس نبوی باین معنی اشارہ  
 فرمودند کہ باید ترا در ہر کار سے نیتی باشد و بیج کار را باین نیت قربت بجا نیوری حتی در خواب کردن و طعام خوردن و  
 آنچه حضرت فرمودند کہ باید عظمت الہی را ملاحظہ نمائی و خدا را در مقامہا سے سهل یا دشمنی مراد نیست کہ از روی سے  
 بی اعتنائی در ہر مقام خدا را یاد کنی بی آنکہ غرض تو یاد خدا یا توسل باو باشد و اگر نہ گذشت کہ ذکر خدا در ہر حال خوب  
 و در احادیث وارد است کہ در صغیر و کبیر ہر باید کہ بجز استوسل باشتہ و از دستمان جویند و جمع حاجات  
 خود را از خود و بزرگ از سوال نمایند و این معنی عین تعظیم الہی است کہ خود را و قدرت و توانائی خود را ناچیز دانند  
 و در جمیع امور خود را محتاج خداوند خود دانند و بدانند کہ کوچک و بزرگ نزد او یک نسبت دارد و تفصیل این معنی  
 انشاء اللہ بعد ازین مذکور خواہد شد۔ **ہا باخبر ان لله ملائكة قياما من خيفته ما رفعوا من ساهم**  
**حترذ في الصور النفاة الاخرة فيقولون جميعا سبحانك و سبحانك ما عبدناك كما ينبغي**  
**لك ان تعبدوا لو كان لرجل عمل سبعين نبيا لاستقل عمله من شدة ما يرى يومئذ ولو ان**  
**دلو اصب من غسل من فمطعم الشمس لقلت منه جاجم في مغربها ولو نزلت جهنم زفر ليرى**  
**ملك مقرب ولا يرى مرسل الا خرت جانيا لركبته يقول ربنا نفسي حتى ينسى ابراهيم**  
**اصفاق عليهما السلام يقول يا رب انا خليلك ابراهيم فلا تنسني انا ابو ذر بدستك حق تعالیٰ**  
**لکے چند ہست کہ پوستہ استیادہ انداز خون الہی و سر بالانیکند تا روزیکہ در صور ہر سہ دیدن آخر کہ بکے خلق**

باید نیت

آن زنده میشود پس جمیع ملایکه در آن حال میگویند که خداوند ترا منزه اسیدانیم از جمیع نقائص و عیبهها و از بیکه عبادت  
 با قابل درگاه تو باشد و ترا بر جمیع نعمتها شکر میکنیم و عبادت تو نکرده ایم چنانچه ترا در است که ترا عبادت کنند و اگر  
 شخصی عمل بمقتاد پیغمبر داشته باشد هر آئینه عمل خود کسریل خواهد شمرد از شدت ایهوالی که در آن روز مشاهده مینماید  
 و اگر در کوی از خلیفین جهنم که چرک دریم اهل جهنم است که قرنها در دیگهای جهنم جوشیده در مشرق آفتاب بریزند  
 هر آئینه از حدت و حرارت آن جوش آید مغز سرتان جاعلیکه در مغرب آفتاب اند و چون جهنم در صحرای محشر بخیزد  
 و صحنه آید نمازخانه که نه ملک مقرب و نه پیغمبر مرسله مگر آنکه بزبان خود فریاد و هر یک استغاثه کنند که پروردگارا  
 بر نفس مرا رحم کن و مرا نجات بخش و همه در آن دقیقه خود با شنیدند حتی ابراهیم خلیل خدا استحق فرزند خود را فراموش  
 کند و بحال خود مشغول باشد و گوید که ای پروردگارا من خلیل لوام ابراهیم مرادین روز از رحمت خود فراموش  
 گن و لطف خود را از من باز گیر بدانکه از جمله عقایدیست که اقرار با آنها واجبست و از ضروریات مذہب است  
 را کفار آنها کفر است اقرار کردن به بهشت و دوزخ است و آیه اعتقاد داشت که بهشت و دوزخ الحسالی  
 موجود اند چنانچه بسند معتبر منقولست که ابوالصلت هروی از حضرت علی بن موسی الرضا سوال نمود که بهشت  
 و دوزخ آیا اکنون وجود هستند فرمود که بلی و بدستیکه حضرت رسول صلی الله علیه و آله داخل بهشت شدند  
 و جهنم را مشاهده فرمودند در شب معراج ابوالصلت عرض نمود که جمعی میگویند که حق تعالی مقدر فرموده است  
 که موجود سازد بهشت و دوزخ را و هنوز خلق نفرموده است حضرت فرمود که جمعی که این سخن را میگویند از راستینند  
 و از ایشان نیستیم کسی که انکار خلق بهشت و دوزخ کند تکذیب پیغمبر کرده است و تکذیب ما کرده است و بیخ  
 یسر از ولایت ما ندارد و همیشه در بخشش جهنم خواهد بود و بعد از آن حضرت استدلالات با آیات و احادیث فرمودند  
 که دلالت بر خلق آنها میکنند و بسند معتبر از محمد بن مسلم منقولست که حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که در بهشت  
 که نیست خالی نیست از ارواح مؤمنان از روزیکه خدا او را خلق فرموده است و جهنم خالی نیست از ارواح کفار  
 بگردار از روزی که خدا عود جل آنرا خلق کرده است و آیات و اخباریکه دلالت بر این مطلب کند بسیار  
 است و آیه اعتقاد داشت که کفار مخلد اند در عذاب جهنم و عذاب ایشان هرگز از ایشان بر طرف نمیشود و ایشان  
 غیر ایشان از مرتبه که غیر شیعیه اثنی عشری اند هر یک که در مذہب خود متعصب و راسخ اند و عقل ایشان کامل است  
 و حجت بر ایشان تمام شده است ایشان نیز در جهنم مخلد خواهند بود و اگر عقل ایشان ضعیف باشد و در مذہب  
 باطل خود راسخ نباشند و محبت ما را بلیت علیهم السلام داشته باشند مثل زمان و جمعی که ضعیف العقل اند و چندان  
 تمیز میان حق و باطل نمیتوانند که در حال ایشان سو قوت با ما آئی و ممکن است که حق تعالی بفضول خود ایشان را

در این باب در حدیث آمده است

در این باب در حدیث آمده است

و

از جهنم نجات دهد و فاسق و صاحب گناهان کبیره از شعیبان اثنا عشری ایشان مستحق شفاعت درشت هستند  
 و ممکن است که حق تعالی بفضول کامل خود ایشان را بیاورد و بجهنم نبرد و اگر بجهنم روند البته بخندند و خواهند بود و آخر  
 نجات می یابند و داخل بهشت میشوند کسی که منکر ضروری از ضروریات دین باشد مثل و بوب نماز و روز و حج و زکوة  
 و بهشت و دروغ و عدا و حیالی دیگر آنها از امور که ضروری این شده است و هر که صاحب آن دین است آنرا  
 شنیده است او کافر و مرتد است و مخلد در آتش جهنم است هر چند کسب ظاهر اظهار اسلام کند و تفصیل این کلام  
 را این مقام گنجایش ندارد و بسند صحیح از ابوبصیر منقول است که بخدمت حضرت صادق عرض نمودم که اساتید فرزندان  
 مرا برسان از عذاب الهی که در عالم بسیار قساوت بسیار ساینده است فرمود که ای ابو محمد مستند باش برای اندک گناهی  
 دور و دراز که از گناهی آخرت است که از نهایت نیست و فکر آن زنده گانی را بکن و تشبیه آنرا درست کن و بیستی که در  
 روز بروز حضرت رسول آمد و ترش کرده و آثار اندوه از چهره اش ظاهر بود و پیش از آن هر گاه که می آمد متبسم و خند  
 و خوشحال می آمد پس حضرت فرمود که ای جبرئیل چرا امروز چنین غمگیناکی و محزون آمده جبرئیل گفت که امروز  
 در هوا را که بر آتش جهنم میدیدند از دست گذاشتند فرمودند که دو هوا آتش جهنم چیست ای جبرئیل گفت که  
 محرق است که امر فرمود که هزار سال بر آتش جهنم میدیدند تا سفید شد پس هزار سال دیگر دیدند تا سفید شد پس هزار  
 سال دیگر دیدند تا سیاه شد و اکنون سیاه است و تاریک و اگر قطره از ضریح که عرق اهل جهنم و چرک و بویم در دنیا  
 زانکار است که در دنیا سیاه است و چشم چو مشید و لب و لیس آب با اهل جهنم میخورند در آب است اهل دنیا بریزند بر آتش  
 جمیع اهل دنیا از گدازش میزند و اگر یک حلقه از زنجیر است که هفتاد و نه است و برگردن اهل جهنم میگذازند بر دنیا  
 بگذارد از گرمی آن تمام دنیا بگذارد اگر پیراهنی از پیراهنهای اهل آتش را در زمین و آسمان بیاورند اهل دنیا  
 بوی بد آن هلاک شوند چون جبرئیل اینها را بیان فرمود حضرت رسول و جبرئیل هر دو بگریه درآمد پس حق تعالی  
 بلکه را فرستاد و بسوا ایشان که پروردگار شما سلام میرساند شما را و میفرماید که سن شما را این گروانیدم از نیک گنا  
 کنید که مستوجب عذاب من شود پس بعد از آن هر گاه که جبرئیل بخدمت آنحضرت می آمد متبسم و خندان بود پس  
 حضرت صادق فرمود که در آنروز اهل آتش عظمت جهنم و عذاب الهی را میدانند و اهل بهشت عظمت بهشت و نعم  
 آنرا میدانند و چون اهل جهنم داخل جهنم میشوند هفتاد و نه سال است میکنند تا خود را با لباس جهنم میپوشانند پس چون بکنار جهنم  
 رسیدند ملائکه گریه ای آید هر کله ایشان میگویند تا بقعر جهنم برسند پس بپوشانند ایشان را تا نیکتر سیدهند و پوست  
 نازک بر بدن ایشان می پوشانند که عذاب در ایشان بیشتر تاثیر کند پس حضرت ابوبصیر گفت که آنچه گفته ام در این  
 گفت پس است مراد کافی است پس بدستبر از عمر بن ثابت منقول است که حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود

در جهنم زانوی جبرئیل است

که اهل جهنم در آتش فریاد میکنند مانند سگان و گرگان که فریاد کنند از شدت آنچه ایشان میرسد از الم عذاب الهی  
 چه گمان داری ای عمر و یگر و بی که ایشان را مرگ نماند که از عذاب نجات یابند و عذاب ایشان هرگز بیک نمیشود  
 و در میان آتش تشنه و گرسنه باشند و گران و گنگان و کوران باشند و در پای ایشان سباه شده باشد و محروم  
 و نادم و پشیمان و غضب کرده پروردگار خود باشند رحم بر ایشان نکنند و عذاب ایشان را تخفیف ندهند و آتش بر  
 ایشان افزونند و از جسم گرم جهنم بعضی آب آتشانند و از زقوم جهنم بعضی طعام خورد و اعتبار بپای آتش بر آنها  
 ایشان را احدی نبرد و گزای آبن بر سر ایشان کوبند و ملائکه بسیار غایب بسیار کشید ایشان را در شکنجه دارند و ایشان  
 زخم نمی کشند و بر روی ایشان را در آتش میکشند و با شیاطین ایشان را در زنجیر میکشند و در غلها و بند ایشان  
 را مقید میاندند که عاگتند دعای ایشان مستجاب نمیشود و اگر حاجتی طلبند بر آورده نمیشود و نیست حال  
 بخت که جهنم میروند و منقول است در تفسیر این آیه که حق تعالی سیزه یابد که جبار معاند را لعنت کند گانی دنیا  
 جهنم می برند و بخورد او میدهند از آبی که روان شود از پوست و گوشت اهل جهنم از چرک دریم و زردی که  
 از آن دوزخیان چکد و تکلیف در پنج تمام جرمه میخورد آنرا و بگوشش فرو نمیبسردد از غایت تلخی و گسسته  
 و از همه طرقت مرگ باو میرسد و بحال مرگ میباشد و آرزو می کند ولیکن او را مرگ نمی باشد و نمی میرد  
 جدا از هر عذاب عذابی سخت تر بر اوست او هست فرمود که آن صدمه جهنم را چون نزدیک او می آورند در زمین  
 بریان میشود و پوست و گوشت رویش در آن میریزد پس چون میخورد و جمع امعاء و احتشاشش پاره پاره میشود  
 و بزریش می ریزد و از هر یک او ایشان مانند رودخانه از چرک دریم روان میشود و آنقدر سیگر بند که از آب دیگر  
 ایشان نهر جاری میشود و در روپا که ایشان جو با هم میرسد بعد از آن اشک منقطع میشود و خون جگر  
 اشک می بارند بجه یک کشتیها در آب دیده ایشان جاریست میتوان کرد و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام  
 منقول است که جهنم را هفت در است از یک در فرعون و هامان و قارون که کنا به از ابو بکر و عمر و عثمان  
 است داخل میشوند و از یک در دیگر شرکان و کافران داخل میشوند از آن جا عتیکه هرگز ایشان بخندند  
 تا آورده اند و از یک در بنی افسوس داخل میشوند که مخصوص ایشان است و کسی با ایشان در آن در شریک  
 نیست و یک در دیگر اب لیلی است و یک در دیگر باب سقر است و یک در دیگر باب باو میرسد که هر که از آن  
 در داخل شد هفتاد سال در جهنم فرو میرزند پس جهنم جوشی میزند و ایشان را بطبقه بالا سه جهنم می افکند  
 باز هفتاد سال دیگر فرو میرزند و ابداً در جهنم حال ایشان نیست و یک در در بیت که از آن در دشمنان با هم  
 با بیگانه کرده و هر که یاری ما کرده داخل جهنم میشوند و این در نزد گنبد است و گوی و شدتش از همه بیشتر است

و منقول است از ابن عباس که در پیروی نبوت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام آمدند و پرسیدند که بهشت و دوزخ  
در کجا است حضرت فرمود که بهشت در آسمان است و دوزخ در زمین است و تسبیح معتبر منقول است که از حضرت صادق علیه السلام  
از معنی فلق فرمود که دره ایست و جنم که در آن هفتاد هزار خانه است و در هر خانه هفتاد هزار یورت است و در هر یورتی هفتاد هزار  
مار سیاه هست و در شکم هر ماری هفتاد هزار بیوی زهر است و جمیع اهل جنم را بر این دره گذری افتد و در حدیث دیگر فرمود  
که این آتش شاکه در دنیا هست یک جزو است از هفتاد جزو از آتش جنم که هفتاد مرتبه آنرا تا با خاموش کرده اند و باز  
افروخته شده است و اگر چنین نیکو و بد چکس طاقت نزوکی آن نداشت و بدتر شیکه جنم را در روز قیامت بصورتی عسری  
خواهند آورد که صراط را بر روی آن بگذارند پس جنم فریادی در عرش بر آورد که جمیع ملائکه کفرین و انبیای مسلمین از جنم  
آن بزانوی استغاثه در آیند و در حدیث دیگر منقول است که غساق و ادوی است و جنم که در آن سه صد و سی قصر است و در هر  
سه صد خانه است و در هر خانه چهل زاویه است و در هر زاویه ماریست و در هر شکم ماری سه صد و سی فقر است و در زمین  
عقرب سه صد و سی بیوی زهر است و اگر یکی از آن عقرب باز هر خود را بر جمیع اهل جنم بریزد از برای پلاک همه کانیست و در حدیث  
دیگر منقول است که در کات جنم هفت است مرتبه اول جمیم است که اهل آن مرتبه را بشکهای تافته میدارند که دماغ ایشان  
مانند یک بچوش می آید و مرتبه دوم نطی است که حق تعالی در وصف آن میفرماید که بسیار کشنده است دست و پا سه  
شکران را پای پوست سر ایشان را بچانه دیکند کسی را که پشت کرده بر حق و در گردانید از محبوب و مطلق و جمع کرده مالک  
و نیار و حفظ کرده و حقوق کسی را از آن او اندوده مرتبه سوم سفر است که حق تعالی در وصف آن میفرماید که سقس  
آتش است که باقی نمیگذارد پوست و گوشت و عروق و عصاب و عظام را بلکه همه را میسوزاند و باز حق تعالی آن اجزای  
باز میگرداند و آتش دست بر نمیدارد و باز میسوزاند و آتش است بسیار سیاه کننده پوست کافران را یا ظاهر و جوهر است  
برای ایشان و بر او موکل اند و زوده ملک یا نوزده نوع از ملائکه و مرتبه چهارم حطه است که از آن شراره با  
جدا میشود مانند کوشک عظیم که گویا شتران زرد داند که بر هوا میروند و هر کرا در آن افکنند او را در هم میشکند و میگوید  
مانند سره و روح از ایشان مفارقت نمی نماید چون مانند سره ریزه شدند حق تعالی ایشان را بحالت اول بریزد و آن  
و طبقه پنجم آدی است که در آسماگر و بی هستند که فریاد میکنند که ای مالک کعبه یا و ابرس چون مالک بفریاد ایشان  
سیر ظرفی از آتش بر میگردد که مملو است از چرک و خون و عرقی که از بدنهای ایشان جاری شده مانند مس که خفت  
و با ایشان می خوراند پس چون بنزدیک روی ایشان می آورد پوست و گوشت روی ایشان در آن میسوزد  
از شدت حرارت آن چنانچه حق تعالی میفرماید که برای ستمگاران آماده کرده ایم آتش را که احاطه کند با ایشان  
سراپوده است آن و اگر استغاثه نمایند از شکل بفریاد ایشان میروند بآبی که مانند مس گداخته باشد که چون پیش

بزرگترین عقوبت است آن

و ایشانی بر بند بریان کند و واسه ایشان را بدشته ایست مثل از برای ایشان و بدتکیه گاه ایست آتش از برای  
 ایشان و چه کرد و در او به اندازند هفتاد سال در آتش فرود و هر چند که پوستش بسوزد حق تعالی بدل آن پوست دیگر  
 بر بندش بر ویاند طبقه ششم سیزده است که در آن سه صد سراسر پرده از آتش هست و در هر سراسر پرده سه صد قصر از آتش هست  
 و در هر قصری سه صد خانه از آتش هست و در هر خانه سه صد طوق از عذاب مقرر است و در آنجا ملایم و عقربها از آتش هست و در  
 در آنجا ملایم و عقربها از آتش برای این آن طبلی میا کرده اند چنانچه من سجانه و تعالی میفرماید که ما میا کرده ایم برای کافران بخیر  
 و عقربها از آتش افروخته و طبقه هفتم هفتم است که فلق در آنجا است و آن چاهی است و در آنجا چنانچه شش صد است  
 میشود و این طبقه بدترین طبقات است و صعد و کوه ایست از مس در میان جنم و آثار و در خانه ایست از مس که در آنجا  
 که بر دور آن کوه جاب است و این موضع بدترین جایی است و از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه  
 منقول است که در جنم وادعی هست که آنرا سقر می نامند که از آن روز که خدا آنرا خلق کرده است نفس آتشیده است  
 و اگر نه آنرا از حضرت فریاد که بقدر سوراخ سوزنی نفس کشد هر آنیکه جمیع آنچه در روی زمین است بسوزاند و اهل جنم خدا پناه  
 بگیرند از حرارت و گند و بدی و کثافت آن وادی و آنچه خدا در آنجا برای اهلش مپا فرموده از عذاب خود در آن ایست  
 کوهیست که جمیع اهل آن وادی پناه بگیرند خدا از گرمی و تقض و کثافت آن کوه و غذا بهائی که خدا در آنجا برای اهلش  
 مقرر فرموده در آن کوه دره هست که اهل آن کوه خدا استعاده مینمایند از گرمی و گند و کثافت آن دره و غذا بهائی  
 آن و در آن دره چاهیست که اهل آن دره از گرمی و تقض و کثافت و قدرت و عذاب شدید آن چاه خدا پناه بگیرند  
 و در آن چاه ماری هست که جمیع اهل آن چاه از خبثت و تقض و کثافت آن مار و آنچه خدا در دنیا مپا فرموده  
 خدا استعاده مینمایند و در شکم آن مازفت صندوق است که آنجا جامی خلک از است نامی گذشته است و دو کس ازین  
 است اما آن خلک قابل است که براد خود با سیل را کشت و عمر دست که با آب سیم منازعه کرد و گفت من سیم زنده  
 میگردد و فرعون است که دعوی خدا را کرد و پیود است که بیودر اگر راه کرد و پوشش است که نزاری را گمراه کرد و درین  
 است و در آنی میخا بود که عمر که ایمان بخدا نیاوردند و بسند صحیح از حضرت صادق منقول است که حضرت رسول  
 صلوات الله علیه و آله فرمودند که شبی که بعراج میرفتم در عرض راه صدای مهیبی شنیدم که از آن خالف شدم چیریل گفت  
 که شنیدی یا محمد گفت بله گفت که این سنگی بود که هفتاد سال قبل ازین از کنای جنم انداخته بودم اکنون بقعرش رسید  
 فرمود که بعد از آن استحضرت را خندان ندیدند تا از دنیا مفارقت فرمود پس حضرت رسول فرمود که چون داخل آسمان  
 اول شدم هر یکی که مرادید خندان و خوشحال شد تا آنکه رسیدم ملکی که از آن عظیم تر ندیدم بهیچ بسیار منکر و غضب  
 از پیشش ظاهر شد یکی ملائکه دیگر از تحت و دعا نسبت بمن سجا آوردند او سجا آورد لیکن سخندید و خوش حالی که

کوهیست که جمیع اهل آن وادی پناه بگیرند خدا از گرمی و تقض و کثافت آن کوه و غذا بهائی که خدا در آنجا برای اهلش مقرر فرموده در آن کوه دره هست که اهل آن کوه خدا استعاده مینمایند از گرمی و گند و کثافت آن دره و غذا بهائی آن و در آن دره چاهیست که اهل آن دره از گرمی و تقض و کثافت و قدرت و عذاب شدید آن چاه خدا پناه بگیرند و در آن چاه ماری هست که جمیع اهل آن چاه از خبثت و تقض و کثافت آن مار و آنچه خدا در دنیا مپا فرموده خدا استعاده مینمایند و در شکم آن مازفت صندوق است که آنجا جامی خلک از است نامی گذشته است و دو کس ازین است اما آن خلک قابل است که براد خود با سیل را کشت و عمر دست که با آب سیم منازعه کرد و گفت من سیم زنده میگردد و فرعون است که دعوی خدا را کرد و پیود است که بیودر اگر راه کرد و پوشش است که نزاری را گمراه کرد و درین است و در آنی میخا بود که عمر که ایمان بخدا نیاوردند و بسند صحیح از حضرت صادق منقول است که حضرت رسول صلوات الله علیه و آله فرمودند که شبی که بعراج میرفتم در عرض راه صدای مهیبی شنیدم که از آن خالف شدم چیریل گفت که شنیدی یا محمد گفت بله گفت که این سنگی بود که هفتاد سال قبل ازین از کنای جنم انداخته بودم اکنون بقعرش رسید فرمود که بعد از آن استحضرت را خندان ندیدند تا از دنیا مفارقت فرمود پس حضرت رسول فرمود که چون داخل آسمان اول شدم هر یکی که مرادید خندان و خوشحال شد تا آنکه رسیدم ملکی که از آن عظیم تر ندیدم بهیچ بسیار منکر و غضب از پیشش ظاهر شد یکی ملائکه دیگر از تحت و دعا نسبت بمن سجا آوردند او سجا آورد لیکن سخندید و خوش حالی که



و دیگران داشتند و داشت از جبرئیل پیغمبر که این است که من از دیدنش بسیار ترسان شدم گفتم گنجایش دارد که از تو تبری و ما هر  
از تو ترسانیم این ملک خازن جنم است و برگزیننده پدیده است و از روی که حق تعالی او را والی چنان گردانیده است تا حال هر  
خشم غضبش بر دشمنان خدا و اهل عصیت زیاد میگردد و خدا این ملک را خواهد فرمود که انعام از ایشان بکشد و اگر کسی  
بخنده ملاقات کرده بود یا بعد ازین میگرداند البته بر روی تو میخندد و از دیدن تو اظهار فرح مینماید پس من بر او سلام  
کردم و در سلام من نمود و در بشارت بهشت داد پس من جبرئیل گفتم چون جمیع اهل سماوات و اراضی اطاعت مینمودند  
بفرما که آتش و دوزخ را بمن بنمای جبرئیل گفت کسی ملک بجهنم باز آتش جنم را پس برده را برگرفت و در ایام جنم کشود  
ناگاه از آن زمان بانه آسمان بلند شد و ساحل گردید و بخروش آمد که من در کیم شدم پس گفتم ای جبرئیل بگو که پدیده را بنیاد از  
نه حال ملک و فرمود آن زمانه که بجای خود برگرد پس برگشت و در حدیث دیگر وارد شده است در تفسیر این آیه که  
که حق تعالی میفرماید که بریده شده است برای کافران با سائر آتش که این آیه برای بنی امیه نازل شده است که آتش  
ایشان را فرا گیرد و چنانچه جامه آدمی را از تن بیرون کند و بر زمین ایشان چنان بیاید و در کونان ایشان برسد و با بال  
ایشان بیان سر ایشان برسد و بعد ازین آیه حق تعالی میفرماید که بریزید از آلهامی سر ایشان بلی همشان که گدازد از  
غایت حرارت آنچو در شکل ایشان است از شش و اعضا و پوستهای ایشان را بوی ایشان گرز باز آید آنرا و کرده اند که  
که خواهند که بیرون آیند از آتش از کثرت حرمت و اله بر گردانند ایشان را آن گرز با آتش و گویند با ایشان که چشمید خدای آتش  
سوزان را و در حدیثی وارد شده است که اگر گزنی از آن گرز را در زمین گذارند جمیع انس و جن جمع شوند و خواهند که  
اگر بر دارند بتوانند بر پشت و از حضرت امیر المؤمنین نقل است که فرمود که برای اهل عصیت نجات در میان آتش و دوزخ  
و پای ایشان را در تیر کمر کرده اند و دست پای ایشان را در گردن غل کرده اند و بر بنهای ایشان پیراهنهای نس  
گردخته پوشانیده اند و جبهه با آتش برای ایشان بریده برایشان بسته اند و در میان خدایان گرفتار اند که گزیش نهایت رسیده  
و در ایام جنم را بر روی ایشان بسته اند پس هرگز آن در سارافیکشان بند هرگز نمیشود و داخل نمیشود و هرگز نس  
از ایشان بر طرف نمیشود و عقاب ایشان پوسته شده بدست و عقاب ایشان همیشه تازه است تا ناز ایشان نماند  
و در عمر ایشان بر می آید با ملک استغاثه میکنند که از پیر درگاه خود بطلبند که ما را بمیراند و در جواب میگوید که همیشه درین عذاب  
خواهید بود و بسته معتبر از حضرت صادق علیه السلام نقل است که در جنم جای هست که اهل جنم از او بسته تا دوزخ نمانند  
و آن جای هر شکریه بار عذاب است و هر شیطان تهر و در شکریه که ایمان بر او قیامت نداشته باشد و هر که عداوت اهل محبت  
در بسته باشد و فرمود که کسی که در جنم عذابش از دیگران سبکتر باشد کسی است که در روی آتش باشد و در فعل از آتشش  
در پای او باشد و در فعلش از آتش باشد که شدت حرمت مغز و مغش مانند دیگر سجوش باشد و گمان کند که است

این حدیث در تفسیر آیه است

اهل جهنم غذایش سخت تر است و حال آنکه عذاب او از همه سهل تر است و در عذبتش دیگر وارد شده است که فلق بجای است در جهنم  
 که اهل جهنم از شدت حرارت او استعاضه مینمایند و او از خدا طلب نمود که نفس بکشد چون نفس کشید جمیع جهنم را سوزانید و در آن  
 چاه صدوقی است از آتش که اهل آن چاه از گرمی و حرارت آن صدوق استعاضه مینمایند و آن تابوتی است که در آن تابوت  
 شش کس از پیشینیان و شش کس از پسینیان جا دارند اما شش کس اول تسبیح آدم است که بر او در کشت و عمر و دو کس از اهل  
 راد آتش اندخت و فرعون و سامری که گو ساله پرستی را درین نمودند و آن کسی که یهود را بعد از پیغمبر ایشان گمراه کرد و آن  
 کسی که نصاری را بعد از پیغمبرشان گمراه کرد و اما آن شش کس آخر آنرا بی چند که ایمان بخدا تیاوردند یعنی ابو بکر است  
 و عمر و عثمان و معاویه و سر کرده خوارج نهروان و ابن ملجم و آنحضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که فرمود  
 که اگر درین سجد صد هزار نفر یا زیاده باشند یکی از اهل جهنم نفس بکشد و اثر آن بایشان برسد هر آینه مسی و هر که در آن  
 بسوزد و فرمود که در جهنم ما را هست بگندگی گردن مشترک آن که یکی از ایشان که میگردد کسی را چهل قرن یا چهل سال  
 و در آن میماند و عقربها هست بدشتی اشتر که اثر گزیدن آنها نیز اینقدر از مدت میماند و از عبد الله عباس منقول است  
 که جهنم را هفت در است و بر هر دری هفتاد هزار گوه است و در هر گوهی هفتاد هزار دره است و در هر دره هفتاد هزار وادی است  
 و در هر وادی هفتاد هزار سنگ است و در هر سنگانی هفتاد هزار خانه است و در هر خانه هفتاد هزار مار است که طول هر مار  
 سه روزه راه است و نیش هاشمی آن مار با نیش خلههای طولانی است و می آید نیز و یک فرزند آدم و میگردد یک چشمان  
 و لباسی او را و جمیع پوست و گوشت او را از استخوانهایش میکشد پس چون میگردد از آن مار در نهری از نهرهای جهنم  
 می افتد که چهل سال یا چهل قرن در آن نهر فرو میرود و بگردد معتبر از حضرت صادق منقول است که حق تعالی به چکس را  
 خلق را فرموده است مگر آنکه نمرس و در بهشت و منزلی و جهنم برای او مقرر فرموده پس چون اهل بهشت در بهشت و اهل جهنم  
 و اهل جهنم در جهنم ساکن میشوند منادی ندا میکند اهل بهشت را که نظر کنید بسوی جهنم پس مشرف میشوند و نظر میکنند  
 بسوی جهنم و مشرکهای ایشان را در جهنم بایشان مینمایند که این منازل نیست که اگر مصیبت الهی میکردید داخل این  
 منازل میشد پس چندان ایشان را فرج و شادی رود و هر که اگر مرگ در بهشت باشد میرند از شادی آنکه از چنین عذاب  
 نجات یافته اند پس منادی ندا کند اهل جهنم را که بجانب بالا نظر کنید و منازل ایشان را در بهشت و لغتنامه که در آنجا  
 مقرر شده بایشان بنمایند و بگویند بایشان که اگر اطاعت الهی میکردید باین منازل مشرف میشدید پس  
 ایشان را عالی رود و از آنده که اگر مرگ باشد میرند پس منازل اهل جهنم را در بهشت ببنیکو کاران دهند و منزل  
 اهل بهشت را در جهنم ببنیکو کاران دهند و این است تفسیر این آیه که حق تعالی در شان اهل بهشت میفرماید که ایشانند  
 و ایشان که بهشت را در جهنم ببنیکو کاران دهند و با کار خراهند و در بهشت صحیح از حضرت صادق منقول است که چون

در هر دره هفتاد هزار وادی است

اهل بهشت داخل بهشت شوند و اهل جهنم بنجم در آید و نادمی از جانب رب العزت ندا کند که ای اهل بهشت  
 و ای اهل جهنم اگر بگویم بصورتی از صورتها در آید خواهید شناخت اما گویند ز پس بیاورند مرگ را بصورت گوسفند  
 سیاه و سفیدی و در میان بهشت و دوزخ برآرد و ایشان گویند که ببینید این مرگ است پس حق تعالی امر فرماید  
 که آنرا هیچ نماند و فرماید که ای اهل بهشت همیشه در بهشت خواهید بود و شمار مرگ نیست و ای اهل جهنم همیشه در جهنم  
 خواهید بود و شمار مرگ نخواهد بود و این روز است که خداوند عالمیان فرموده است که تیرسان ایشان را از روز حشرت  
 در روزی که کار هر کس منقضی شده باشد و سپایان رسیده باشد و ایشان را از آن روز غافلند حضرت فرمود که مراد این  
 روز است که حق تعالی اهل بهشت و جهنم را فرمان دهد که همیشه در جای خود بمانید و مرگ ایشان را نماند که در آن روز  
 اهل جهنم حسرت برند و سووی نند و امید ایشان منقطع گردد و ای اهل بهشت که ای اهل جهنم که ای اهل جهنم که ای اهل جهنم  
 الدنیا فی کل یوم یظلمون و الاضاعت لها الاخرى افضل مما یظلمون و ای اهل جهنم که ای اهل جهنم که ای اهل جهنم  
 من یشاء اهل الجنة لشر الیوم فی الدنیا الصیق من یظلم الیوم و ما حیلته ان یصار له  
 ای ابو ذر گزنی از زنان اهل بهشت از آسمان اول مشرف شود و در دنیا نظر کند در شب تاری هر آینه زمین از  
 نور جمال او روشن شود بهتر از آنکه روشن میشود و از ماه شب چهارده و هر آینه بوی خوش او برسد و شام جمیع اهل زمین  
 و اگر جامه از جامهای اهل بهشت را در روز دنیا بکشایند هر آینه هر که بسوی او نظر نماید برپوشش شود و دیده او  
 تاب عینک او نیاید و هیچ از ابو بصیر منقول است که خدمت حضرت صادق عرض کردم که یا بن رسول الله چه چیز است  
 از اوصاف بهشت بفرما که مرا شاق گردانی فرمود که ای ابو محمد بدستی که بوی بهشت را از هزار سال راهی شنوند و  
 پست ترین اهل بهشت را آنقدر رسیده اند که اگر جمیع انس جن و منزل او وارد شوند و از طعام و شراب او بخورند هم بر او  
 کافی باشد و از چیزی کم نشود و سهل ترین اهل بهشت چون داخل بهشت میشود و سبب باغ بنظر آدمی آید چون داخل  
 باغ پست تر میشود و در آن مشاهده نماید از زنان و خدمتکاران و هنر و میوه و آنقدر که خدا خواهد پس چون حمد و شکر  
 آنی بجای آورد میگوند با او که بجانب بالا نظر کن چون نظر میکند در آسمان نعمت و کرامت چند مشاهده نماید که در باغ  
 اول ندیده است پس گوید که پروردگارا این را نیز بمن کرامت فرما خطاب برسد که اگر این را بدیدم شاید که باز دیگر بر او  
 بطلبی باو گوید که نه همین مرا کافیست و ازین بهتر نمی باشد پس چون بان حدیقه در آید مسرت و شادی او عظیم شود پس  
 و شکر آنی بجا آورد پس خطاب رسد که در حین انظار بروی او بکشایند و چون در ایشانند ضحاک آنچه در بهشت دوم  
 دیده بود در آنجا مشاهده نماید و فرج و سرورش مضاعف گردد و بگوید پروردگارم تر هست جدی که احسانی آن نتوان بود  
 که منت نهادی بر من به بهشت ما و نجات بخشیدی مرا از آتش ابولیس گفت که چون این بشارت را شنیدم گریتم

در بهشت است که ای اهل بهشت

در بهشت در جنت آن

و گفته اند ای تو شوم دیگر بفرما و شوق مرا زیاد گردان فرمود که ای ابو محمد در بهشت هنری هست که در وطن آن هنر  
کنیز را از زمین روئیده است چون مومن یکی از آن کنیزان بگذرد و او را خوش آید او را از زمین بیس کند و حق است  
بجای او دیگری میروید و آن را بصره گفتند فدای تو کردم دیگر بفرما فرمود که مومن را در بهشت هشتصد دختر باکره پند  
و چهار هزار زن شیب و دوزن از حور العین که است میفرمایند ابو بصیر گفت هشتصد دختر باکره با او میدهند فرمود که بی  
هر گاه که با هر یک از آنها مقاربت مینماید باکره اندگفت فدای تو کردم حور العین را از چه چیز خلاق کرده فرمود که از  
تربت نوزادی بهشت مخلوق شده که مغز ساقامی ایشان از زیر بختاد حله نمایانست و جگر مومن آینه حور العین است  
و جگر حور العین آینه مومن است که از غایت لطافت و صفا چهره خود را در آن مشاهده مینماید گفت فدای تو کردم  
آیا حور العین را حنفی هست که آن تکلم نمایند فرمود که بی شش میگویند که هرگز خلایق بآن خوشی سخن نشنیده اند گفتند  
سخن ایشان چیست گفت میگویند که ما نیم خالدار است که پوسته خوابیم بود و مردن ما را نمی باشد و ما نیم تنم کنند گاه  
و شادمان که هرگز ما را ندیده و بد حالی مینماید و ما نیم که در سرای خلد پوسته تقسیم و هرگز از آن بدر نمیرویم ما نیم که پوسته  
را معنی خوشنودیم و در هیچ حال غضب دشمنی آیم خود شاد حال کسی که از برای ما خلق شده است و خوش حال کسی که ما  
از برای او خلق شده ایم ما نیم آنانکه اگر یک تا از لعن ما داده آسمان بیاورند نوز آن دید ما را خیره کند و بسند معتبر از  
حضرت امیر المومنین منقول است که فرمود که بهشت را هشت دست از یک در پیغمبران و صد یقان داخل میشوند و از  
در دیگر شهیدان و صالحان داخل میشوند و از پنج در شیعیان و دوستان داخل میشوند و من می ایستم بر سر اطو و دعا میکنند و  
میگویم خداوند البسلاست بگذران شیعیان و دوستان مرا و هر که مرا یاوری کرده و با ما است من اعتقاد داشته است  
در دار دنیا در آن حال نذر از نتهای عرش الهی در رسد که دعای ترا مستجاب کردیم و ترا شفاعت دادیم و شیعیان تو  
پس هر یک از شیعیان و دوستان من و آنانکه یاوری من کرده اند و با دشمنان من جهاد کرده اند بهر گز و اربا گفتار  
شفاعت کنند مقتاد هر کس از همسایگان خویشان و دوستان خود را و از در هشتم سایر مسلمانان داخل میشوند از آن  
جماعتی که اقرار بشهادتین داشته باشند و در دل ایشان بقدر فده از بغض با اهل بیت نیاشد و بسند صحیح از حضرت امام  
جعفر صادق منقول است که فرمود که هر کسی که حق سبحانه تعالی در بهشت برای بندگان مومن خود در هر جمعه کرامتی مقرر  
فرموده پس چون روز جمعه شود حق تعالی بلکه را نزد بنده مومن میفرستد با حلق چون آن ملک بد بهشت مومن برسد  
بدباندان میگوید که از مومن نهیست بگیرد تا من نیز و او آیم پس بدباندان نیز مومن می آیند و میگویند که فرستاده  
پروردگارت بر در است او و نهیست میطلب پس او نیز بان خود میگوید که مرا چه باید کرد ایشان میگویند که ای سید  
بزرگ با حق آن خداوند یک بهشت را به حضرت تو داده کرامتی برای تو ازین بهتر نیست که پروردگار تو یک در بهشت

بنزد فرستاد پس ملک در آید آن دو طه را بیاورد مومن یکی را بر کند و یکی را بر دوش انگند و با یک حق تعالی روان شود و بهر چوئی  
 که گذرد از نور او روشن شود و بیاید تا وعده گاه رحمت و کرامت پس چون در آنجا مومنان بجای جمع گردند مشتاقانند از آنجا جلال و کرامت  
 خود بر ایشان تجلی نماید پس ایشان بسجده در آیند خطاب رسد که ای بندگان من سر بر دارید که امروز روز سجده و عبادت نیست  
 مشقت و کلفت طاعت و تکلیف مال از شما بر داشته هم پس ایشان گویند کسی پروردگار ما چه چیز ازین بهتر میباشد که با کرامت کرده  
 و بهشت را با عطا فرموده جواب فرماید که بشما عطا کرده ام هفتاد برابر آنچه اکنون دارید از جمیع نعمتها و کرامتها پس در هر جمعه مومن  
 بر سیکرد و با هفتاد برابر آنچه داشته است پیش از آن جمعه و اینست که حق تعالی میفرماید که نزد ما زیادهای رحمت و کرامت هست  
 در روز زید و زجده است شبش بسیار سفید و برون رست و درفش بسیار نورانی است پس بسیار خادار درین شب و روز  
 تنزیه کنید مانند گفتن سبحان الله و بزرگی یاد کنید مانند گفتن الله اکبر و لا اله الا الله بسیار بگویند حمد و ثنا  
 الهی بسیار بکنند با گفتن الحمد لله و غیر آن از ثناهای خدا و صلوات بر محمد و آل محمد بسیار بفرستند پس چون بنده مومن از وصفا  
 بزیگرو و بهر چیز که میگذرد آثار از نور خود در روشن میکند تا آنکه نوزدان خود می آید زناش میگویند که بحق تکی خداوند یک بهشت را  
 بر ما بلیح گردانیده است ای سید ما هرگز ترا بحسن امروز ندیده ایم بود جواب گوید که از تجلی نور جلال پروردگار خود نور و بهلاسن یافتند  
 بعد از آن حضرت فرمود که زمان بهشت مشک نمیدارند و حائض نمیشوند و بدخونی نمیدارند و آدمی گفت که فدای تو گردم میخواهم  
 از چیزی سوال نمایم و شرم میکنم از آن آیا در بهشت غنای باشد فرمود که بدستی که در بهشت درختی هست که حق تعالی او میفرماید  
 با و نار که بران درخت میوزند و آنرا بکرت می آورند و از آن نغمه چند صادر میشود که خلایق بهرگز بخوبی آن نشنیده باشند  
 پس حضرت فرمود که آن جزای کسی است که در دنیا ترک شنیدن غنا از ترس الهی کرده باشد و آدمی میگوید که گفتم فدای  
 تو گردم دیگر بفرما از اوصاف بهشت فرمود که حق تعالی بهشتی بید قدرت خود خلق فرموده است که هیچ چشمی با ندیده و  
 مخلوقی بران مطلع نگردد و پروردگار عالم هر سج از آن یکشاید و میفرماید که شمیر و بومی خوش خود را بر اهل بهشت زیاده بفر  
 نیست که حق تعالی میفرماید که پس نمیداند نفسی با آنچه منعی شده است برای ایشان از چیزهایی که موجب روشنی چشم و سرور  
 ایشان است بجزای کارهای خیر که در دنیا میکردند و لا حضرت امیر المؤمنین منقول است که طوبی درختی است در بهشت که  
 در خانه پیغمبر است و هیچ مومنی در بهشت نیست مگر آنکه در خانه او شاخ از آن درخت هست که خواستش چه چیزیکه در خاطرش  
 در آید آن شاخ برای او حاضر میسازد و اگر سوار تند روی در سایه آن درخت صد سال بتازد بدین میتواند رفت و اگر کلاسه  
 از آن درخت پرواز کند آنقدر که پیش رود و از پیری بیفتد بالای آن درخت نرسد پس سعی نماید در تحصیل چنین کرامتی و بوند  
 مستبر و دیگر از اخضر منقول است که در بهشت درختی هست که از بالایش حلما میریزد و از پایتیش اسپان ابلیق برین دو جام کرده  
 بیرون می آید که بالها دارند و سنگین و بول ندارند پس دوستان خدا بران اسپان سوار شوند و آنهاره از می کنند بر جانیکه

از کرامت و اوصاف آن

ایشان خواهند پس میگویند جماعتی که در مرتبه ایشان بپست تر اند که پروردگار چه عمل این بندگان را بچنین گرامتی بپسندیده است  
 خداوند جلیل فرماید که ایشان شبها بعبادت بریناستند و خواب بسیار نیکو دارند و روزه میدهند و در روز چیزی نمیخورند  
 و بادشمنان من جهاد میکردند و نمیرسیدند و تصدق نمودند و نخل میوز میزدند و بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام  
 منقول است که طوبی درختی است در بهشت در خانه حضرت امیر المؤمنین و در خانه همیشه شاخی از آن درخت هست و یک برگ  
 آن یک است را سایه میکند و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول حضرت فاطمه صلوات الله و سلامه علیها را بسیار میپوشیدند و  
 این امر بطبع عائشه گران بود و در ذی قین باب اعتراض کرد حضرت فرمودند که ای عائشه شبی که مرا به علاج بردند و نخل بهشت  
 شدم و جبرئیل مرا نزد یک درخت طوبی برد و میوه از آن درخت بمن داد و من تناول نمودم پس حق تعالی آن میوه نطفه  
 کرد و در سلب من و چون زمین آمد هم با خدیجه مقاربت نمودم و او با فاطمه حامله شد پس هر مرتبه که فاطمه میپوشید بوی درخت طوبی  
 از وی شنوم و در حدیث دیگر فرمود که فاطمه علیها السلام حدی سیرت انسی صورت است و هر گاه که مشتاق بوی بهشت  
 میشود فاطمه را می بویم که از بوی بهشت بشنوم و از عبد الله عباس منقول است که حضرت رسول فرمود که حلقه در بهشت از  
 یاقوت سرخ است و بر روی صفا طلا آویخته است پس هر گاه که آن حلقه را بر صفا میگویند صد میکند که با علی و بسند معتبر از  
 حضرت صادق منقول است که حضرت رسول فرمود که چون مرا به علاج بردند و نخل بهشت شدم و آنجا ملکی چند دیدم که بنا میگرد  
 یک خشت از طلا و یک خشت از نقره و گاه دست باز میگرفتند گفتند بایشان که چرا گاهی مشغول میباشید و گاهی دست باز  
 میگیرید گفتند که دست باز میگردد که انتظار خربی میکشیم پس دیدیم که خربی شما چیست گفتند گفتن مومن در دنیا این کلمات  
 سبحان الله الحمد لله لا اله الا الله و الله اکبر هر گاه این کلمات را میگوید یا از برای او بنا میکنیم و چون ترک میکند یا ترک  
 میکنیم و از جابر بن عبد الله انصاری منقول است که حضرت رسول فرمود که بر در بهشت نوشته است که لا اله الا الله  
 محمد رسول الله علی اخو رسول الله یعنی علی بر او رسول خداست و این را بر در بهشت نوشته اند پیش از آنکه آسمان  
 و زمین را بسازند بدو هزار سال و از حضرت صادق منقول است که حضرت رسول فرمود که حق تعالی در بهشت عمود  
 از یاقوت سرخ خلق فرموده است و بر سر آن هفتاد هزار قصر است و بر هر قصری هفتاد هزار غرفه است آنرا براسه جمعی خلوة  
 کرده است که در دنیا از برای خدا یا یکدیگر دوستی کنند و زیارت یکدیگر روند و بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر منقول است  
 که حضرت امیر المؤمنین از حضرت رسالت پنجاه سوال نمود از تفسیر این آیه که میگوید که حق تعالی میفرماید لیکن الذین آمنوا  
 و عملوا الصالحات هم غررهم و غررهم غررهم من تحتها الا انهم وعد الله ان لا یغفوا انهم غررهم غررهم  
 آنانکه بر زمین از مناهای پروردگار خود را بعبادت نمایند برای ایشان میباشده است در بهشت غررهم که آنرا  
 آنرا نیز میگویند و غررهم از آنها فریغ تراست که بر غایت استحکام نباشده جاری میشود و از زیر آن غررهم برای ایشان

در بهشت و از این جهت

حق تعالی این منازل و درجات را بمتقیان و عوید فرموده و خلاف نمیکند خدا وعده خود را و سوال نمود که برای کاین عوید  
 بنا کرده اند بچیز نیک کرده اند یا حضرت رسول است فرمود که یا علی این عرفنا را حق تعالی بنا کرده است برای دوستانش  
 بر و آید و یا قوت و بر جرد و سقنهای آنها از طلاست و بقره نقش و مغزین ساخته اند و هر عرقه هزار دره از طلا و بر هر دره  
 ملکه و پان است و در آن عرفنا فرشتهای عالی بر روی یکدیگر گشته اند که بسیار بلند شده است از حریر و دیباچههای  
 مختلف و در میان آن فرشتهاشک و عنبر و کافور بهشت پر کرده اند پس چون مومن را در بهشت باین منازل در آورند  
 تاج کرامت و پادشاهی بر سرش گذارند و علمهای مطرز از طلا و نقره در او پوشانند و در زیر تاج اکیلی مکرر با قوت و  
 مروارید بچینند و هفتاد و هفتاد رنگهای مختلف مطرز از طلا و نقره و مکرر مروارید و یا قوت سرخ در او پوشانند پس چون مومن  
 سخت خود نشیند سخت از شادی بجزکت آید و بر خود ببالد پس چون مومن در منازل خود قرار گیرد و حضرت طلبد ملکی که ملک  
 است بیباغهای او که در آید و او را تنبیه گوید بیکر امتهای الهی پس گویند بان ملک خدا نگاران مومن از کثیر این مقام  
 که زمانی در اینجا باش که دوست خدا بر تخت خود کعبه فرموده و در وجه العین او همیای ملاقات او شده و صبر کن تا دوست خدا  
 از شغل خود فارغ شود پس چون حوریه که برای او درین منزل جای کرده اند از خمیه خود بیرون آید و در بهشت مومن بخواهد  
 و کثیر آن برود و او را حاطه کرده باشند و هفتاد و هفتاد پوشیده باشد یا قوت و مروارید و علمهایش را بشک و عنبر  
 رنگین کرده باشند و بر سرش تاج کرامت نهاده و تعلیم طلا مکرر یا قوت و مروارید و پاکشیده و هفتاد و هفتاد یا قوت  
 سرخ آراسته پس چون بنزدیک دوست خدا رسد و او اراده نماید که از شوق برای او بخرید و گوید ای دوست خدا امروز  
 روز لقب و شفقت تو نیست بخرید که من از برای تو ام و تو از برای منی و چون بنزد او آید با یکدیگر معانقت نمایند پانصد سال  
 از سالهای دنیا که هیچ یک را ملال حاصل نشود پس نظر بگردن حوریه از گنبد و گوش طوقی مشاهده نماید از یا قوت سرخ و  
 در وسطش لوحی بود که بر آن لوح نوشته باشد که تو ای دوست خدا محبوب منی و من محبوب تو ام شوق من برای تو نهایت  
 رسیده و شوق تو برای من نهایت رسیده پس چون تامل هزار ملک بفرستد که او را تنبیه بهشت بگویند و حوریه را  
 بنزد او در آورند پس چون بد را اول از درهای بهشت آن مومن رسند گویند بملکی که پان در مومل است که برو از دوست  
 خدا حضرت طلبد بنا که خداوند عالمیان ما را فرستاده است که او را تنبیه و مبارکباد بهشت بگوئیم آن ملک گوید که  
 باشی که تا من بجا بگویم تا به من عرض کند که شما آمده اید پس آن ملک بیاید بیژ و حاجب و میلان او و حاجب سیاه چاه  
 باشد و بگوید که بر سر هزار ملک ایستاده اند که پروردگار عالمیان ایشان را ببهشت دوست خدا فرستاده و ایشان صحبت  
 داخل میطلبند حاجب گوید که بزم بسیار و شوار است که درین حال نخست دخول کسی بر دوست خدا بطریق اولی و حوریه خود خلوت  
 کرده است و میباید حاجب مومن و حاجب فاضله است پس حاجب آید بنزد مومن و گوید که پروردگار هزار ملک ایستاده اند که

از کثیر این مقام

جناب ربه عزت ایشان را برای تنبیه فرستاد و نصحت از برای ایشان از دوست خدا بطلب پس قیوم آید نیز در خدمت کاران  
خاص گوید که رسولان خداوند بسیار بر در هر باب ایستاده اند و ایشان هزار ملک اند که حق تعالی ایشان را بر اس  
تثیت فرستاده بولی خدا عرض کنید چون ایشان عرض کنند نصحت فرماید که داخل شوند پس ایشان بیایند نیز و غرض  
و این غرض را هزار در باشد و بر هر در می ملکی مومل باشد پس چون آن ملائکه را نصحت دخول غرض بدید هر ملکی آن در  
را که آن مومل است بکشا پس قیوم هر ملکی را از در می از در با غرض در آورد و هر یک از ایشان رسالت بر در و کار  
خود را برساند و اشاره باین حالت است آنچه حق تعالی میفرماید که **وَلَا تَلْمِزُوا مَا يَلْمِزُكُمْ اللَّهُ إِنَّهُ كَانَ غَفُورًا حَلِيمًا**  
**وَلَوْ يَدْرِكُونَ الْمَوْتَ أَوْ الْقَبْرَ وَسَاءَ مَا يَحْكُمُونَ** اینست که ملائکه داخل شوند بر ایشان از هر در می از در های منازل ایشان  
و گویند که سلام الهی بر شما باد بسبب آنچه بر شقیتهای طاعت و ترک معاصی و بر بلاها و محنتها بر گردید در دینیا  
پس چون نیکوست عاقبت این سرای شما و اشاره باین کرامت است آنچه حق تعالی در سوره اهل اقی فرموده است که **إِذْ  
رَأَيْتَ شِمْرًا لَمَّا كَذَبَ الْفُجُورَ لِقَاءَ رَبِّهِمْ** و چون نظر نمانی در بهشت خواهی دید نعمتهای عظیم که در وصف مومل و ملکی بزرگ  
و تسع با پادشاهی عظیم حضرت فرمود که مراد این نمیم و با و شاهی است که حق تعالی بر دوست خود کرامت میفرماید که  
ملائکه از جانب حق تعالی بر رسالت بنزد او می آیند و بی نصحت بر او داخل نمیشوند پس فرمود که نهرا از نزد پر ساکن ایشان  
با بیست چنانچه حق تعالی میفرماید **يُحْيِيهِمْ مَتَى يَشَاءُ وَيَمُوتُهُمْ لَمَّا يَشَاءُ** و میوه با ایشان نزدیک است بچینیستی که هر میوه ارا  
که مومل طبعش بآن مائل شود بدان خود آنرا می تواند گرفت چنانچه تکلیف کرده است بی آنکه حرکت کند و بدرستی که  
المراع میوه را بسخن می آیند و بدوست خدا میگویند هر یک از ایشان که اول ملا تاول نمایند از آنکه دیگر سے را  
متداول نمائی و فرمود که هیچ مومنی در بهشت نیست مگر آنکه او را با غنای بسیار است بعضی در است کرده و بعضی در پیش  
باز این خوا بیده و نهرا با او کرامت کرده اند از شراب و نهرا از آب و نهرا از شیر و نهرا از حسل و چون دوست خدا  
قدائی را میل نماید بی آنکه گوید آنچه خوا همش کرده نزد او می آورند و گاهی با برادران مومن خود خلوت میکنند و صحبت  
میدارند و گاهی بیدین یکدیگر میروند و در با غنای خود تمنع میکنند و سیر بنمایند و هوای بهشت پر کسسته مانند هوا  
با این شاد و مسرور است تا غلبه آفتاب و ازان بسیار نیکو تر و خوش آینه تر و هر مومنی را به مقدار و جواز حوران میدهند  
و چنانند از او میان و ساعتی با حوری صحبت میدارند و ساعتی با زن دنیا و ساعتی خلوت میکنند با خود و بر کر سها  
نشینند و اندر با یکدیگر صحبت میدارند و گاه هست که مومنی بر تخت خود تکیه داده تا گاه شعاع نوری او را فرامیگیرد و  
در آن حال خود شکاران خود میگویند که این شعاع تابان از کجا بود ایشان میگویند که این نور حوری است که هنوز تر الما تا  
نزد از زمین فرود بر چون کرد و چون نگر کرد از شوق اقامی آرد و خود آن نوشده است و صحبت تو بر او غالب گردیده و چون

و اینست که ملائکه داخل شوند بر ایشان از هر در می از در های منازل ایشان



تراوید که بر تخت تکیه داده از کثرت شوق و فرح متبسّم شد آن شماعی که مشاهده نمودی و نور یکدیگر را گرفت از سندی به صفا و پاکی و  
 تراکت و در انهای اهدویس دوست خدا گوید که او را حضرت و هید که از منزل خود فرود آید بنزد من آید چون دوست خدا این را از یاید  
 هزار غلام و هزار کینه مبارکت نماید و این بشارت را بحوری رسانند و او از خیمه خود فرود آید و هفتاد و هفتاد هزار طلا و نقره و موزن و  
 و یا قوت و زبرد و بلون پیشک و غیره بنگهای مختلف در برداشته باشد و از لطافت سجدهی باشد که مغز استخوان سانش از زیر  
 هفتاد حله نماید و قاشمش هفتاد ذرع باشد و عمر من کتفایش ده ذرع باشد چون نزدیک دوست خدا رسد خدا ان طرخیهای  
 طلا و نقره بر از قوت و مراد برید و زبرد بسیار و نذر او کند دوست و رگرون یکدیگر در آورند و آنها و ایشانرا اطلال حاصل شود  
 بعد از انقل انجیث حضرت امام محمد باقر فرمود که بهشت تا یک حق تعالی در قرآن یاد فرموده جنت عدن است و جنت انفوس  
 و جنت نعیم و جنت المادی و در میان این بهشت با خدا است باسی دیگر هست و بیوسن از جنت با و باغستانها میزند  
 القدر که خواهد در آنها نعم میکند به روش که خواهد و هر چیز که در این بهشت خواهد طلب کردش همین است که گوید **اللهم انزل**  
**السلام علیهم** همین که این را گفت خدا ان مبارکت مینماید و آنچه خواهد بدون طلب نزد او حاضر میسازند چنانچه حق تعالی میفرماید  
**لما سئلتهم فیما سئلتهم انکم و سئلتهم فیما سئلتهم انکم** یعنی خواهد بر ایشان در بهشت خدا را یا چیز را که خواهند  
 چنانچه از بهشت طلب میشود و این وجه باشد که **سئلتهم انکم** یعنی بیای یا میکنیم ترا از هر چه لایق که برای  
 تو نیست و سخت در درو ایشان در بهشت بر یکدیگر سلام است حضرت فرمود که این سختی خدا نگاهداران بر ایشان سلام است  
**و انکم دعوتهم انکم** یعنی **اللهم انزل علیهم** و آخر دعای ایشان آنست که گویند **اللهم انزل علیهم** یعنی  
 حضرت فرمود که مراد آنست که آنچه را طلب نمودند و برای ایشان حاصل شد و از ان لذت خود را یافتند از جماع و نور و ان  
 و آشناییدن بعد از آنکه قانع شدند حمد الهی را بجای آورند و بسند صحیح از حضرت امام جعفر صادق منقول است که این  
 پرسیدند از تفسیر این آیه **فی صراط مستقیم** ایشان فرمود که ایشان زنان مومن عارف شیعه اند که داخل بهشت  
 میشوند و ایشان را بمومنان تزویج مینمایند و آنجا فرموده است که **لما سئلتهم فیما سئلتهم انکم** مراد حوران بهشت است  
 که در نهایت سفیدی اند و کله های ایشان بار یکست و در میان خیمه های درو یا ثوت و مرجان نشسته اند و هر خیمه  
 چهار در دارد و بهر در می هفتاد و نتر با کلاه رسیده ایستاده اند که در بان ایشانند و هر روز از خدا که امتی برای ایشان  
 میرسد و ایشانرا برای این پیشتر خلق فرموده که مومنان بر لب ایشان بشارت فرماید و بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر  
 منقول است که فرمود که گمان نیک بخداوند خود داشته باشید بدستی که بهشت را بهشت در بهشت و عرض در در  
 چهل ساله راه است و از حضرت رسول منقول است که هیچ درختی در بهشت نیست مگر آنکه ساق آن از طلاست و در هر سو که  
 اهل بهشت را بر لب و غایب نمیشد بلکه لبرق از ایشان دفع میشود و از شک خوشبوتر فرمود که اهل بهشت را هر روز

در بهشت در حوران

حسن و جمال و صفات و طهارت زیاده میشود چنانچه اهل دنیا را هر روز پیروی و قیامت منظر زیاده میگردد و فرمود که بشت  
 اهل بشت را هشتاد هزار خادم میدهند و تو و دو مرتبه از مراتب عالییه بشت برای او مقرر میسازند و تبسند معتبر منقول است  
 که محمدی بخدمت حضرت صادق آمد و سوال بسیاری نمود و بعد از جواب شنیدن مسلمان شد از جمله سوالهای او این بود  
 که چگونه است اهل بشت هر سوره که از روز ختان بشت تناول نمایند با آن سوره بهمان بهیئت بر میگردد و فرمود که سببه  
 از بابت چنانست که هر چند از آن چنان برافروزند از نور او چیزی کم نمیشود و اگر چه عالم از او بجز از چنان شود چه سببیک چون میشود  
 که اهل بشت بخورند و می آشامند و ایشانرا فضل نمیباشد فرمود که زیرا که غذای ایشان تا نیک و لطیف است و آنرا  
 نقل نمیباشد بلکه از بدن ایشان بفرق خوشبو و فرح میشود چه رسید که چنانست که هر چند جوری را وطنی میکنند باز با کره  
 می یابند او را فرمود که از طنیت پاکیزه و لطیف خلق شده است و با و آفتی و جراحتی نمیرسد و در سوراخ او چیزی داخل  
 نمیشود و حیض و کثافات از او فرغ نمیشود پس پوسته رحم یکدیگر چسبیده است و بغیر هنگام مقاربت کشوده نمیشود  
 اندر چنین است چه رسید که چون میشود که مغز ساقش از زیر هفتاد حلقه نمایان باشد فرمود که در بی راک در میان آبیانی  
 بیند از می که یک نیزه عمیق آن باشد بسبب لطافت بنماید و تبسند معتبر از عبد الله بن اعلی منقول است که بخدمت  
 بلال مؤذن حضرت رسول رسیدم و وصف بشت از سوال نمودم بلال گفت که از حضرت رسول شنیدم که حصارت  
 یک نشت آن از طلاست و یک نشت آن از نقره و یک نشت آن از یاقوت و بجای گل در میان آن مشک خوشبو  
 کار کرده اند و کنگرهای آن حصار از یاقوت سرخ و سبز و زرد است چه رسید که مدای بشت از چه چیز است بلال گفت که در با  
 مختلف است تا باب از یاقوت سرخ است و باب الصبر و کجاست یک لنگ از یاقوت سرخ و حلقه ندارد و باب لشکر  
 و زیا قوت سفید است و ده لنگ دارد و وصفت آن در پانصد سال راه است و آن در اصدای فناء است میگوید که  
 خداوند اهل بر زمین رسان و باب البلا که جمعی در دنیا ببلا مبتلا گردیده اند مانند عیبها و در دنیا و مرصها و غیر آن  
 از آن در داخل میشوند از یاقوت زرد است و یک لنگ است و بسیار کم است کسی که ازین در داخل شود زیرا که اجر  
 بلا را از بجزع میکنند گفت دیگر نفر ما گفت اما در بزرگ پس بندگان شایسته خدا که ترک دنیا کرده اند و از  
 هم آبی صرع داشته اند و پیوسته بسوی خدا رغبت داشته اند و خدا را انیس خود ساخته اند از آن در داخل میشوند  
 چه رسید که چون داخل بشت میشوند چه کار میکنند گفت کبشتیهای نشینند و در روز عظیم بشت میر میکنند و کشتی از  
 یاقوت است و آنچه کشتی را با آن میرانند از مروارید است و در آن کشتیها ملائکه از نور هستند و جامهای بسیار بنور طلوع  
 چه رسید که آن از چیست گفت جنه الماوی چه رسید که آیا در میان آن بشت بشت دیگر است گفت جنت عدن  
 در میان آن و حصاریش از یاقوت سرخ است و سنگ زردش از مروارید است چه رسید که آیا دیگر بشتی است

در حدیثی از حضرت رسول

گفت بلی بجه الفردوس است چهید که صارش از چه پست گفت دیوارش و غرنایش همه از نورست که حق تعالی خلق فرموده است  
 عزیز است حجت الهی نیست و شدت غضب الهی آنکه شنیدی و این همیشه با صد هزار کدورت آلوده این دوروزه فانی قابل نیست  
 که خود را از چنین رحمتی محروم گردانی و چنان خدایی و شدتی بتلاگردانی و پیکس را راه خجانی بغیر عمل صالح نداده اند و از شریف و شایع  
 و عالم و جاهل و پیر و جوان عمل طلبیده اند اگر حجت الهی خاطر جمع میکنی گاه باشد که من و تو قابل رحمت نباشیم اگر شفاعت  
 اعتماد میکنی چه میدانی که قابل شفاعت هستی و اگر میگوئی که شیعه ام که هم یک از اوصاف شیعیان را که بیان کرده اند داری شیعه  
 یعنی پیرو هست در چه چیز متابعت پیشوایان خود چنانچه باید کرده ایم باز با و غفلت ما عمر خود را فانی میکنیم و چون مرگ در رسیدن شمانی پادشاه  
 نزار و آخر کار میکنی که این بدنی که تاب گرمی آفتاب ندارد و چگونه طاقت آن عذاب خواهد داشت و اگر خاری بدست پیر و پادشاه  
 بر تو نیش مینزد فریاد میکنی چگونه تاب زهر آن مار را و غفر بها خواهی داشت امید که حق تعالی جمیع مومنان را از خواب غفلت  
 و حیرت آگاه سازد و براه نجات و طریق سعادت هدایت فرماید بحق محمد و آله الطاهرین یا ایها الذلیل الخقیق **صَوِّتْكَ عِنْدَ الْجَنَانِ**  
**عِنْدَ الْقِتَالِ عِنْدَ الْقُرْآنِ** یا ایها الذلیل الخقیق **صَوِّتْكَ عِنْدَ الْجَنَانِ** **عِنْدَ الْقِتَالِ عِنْدَ الْقُرْآنِ** **صَوِّتْكَ عِنْدَ الْجَنَانِ** **عِنْدَ الْقِتَالِ عِنْدَ الْقُرْآنِ**  
 ای ایوه صدای خود را پست کن نزد جنار با و نزد قتال با دشمنان و نزد خواندن قرآن آبی ایوه چون ازیری جنار و در دنیا  
 باید که کار تو در آنوقت تفکر و خضوع و شکستگی باشد که تفکر نمائی در غنای دنیا و از حال آن جنار و تشبیه شوی در بهانی که غفلت  
 باطن خواهی شد و آنکه ممکن است که مراد از پستی صدرا هسته سخن گفتن باشد در این سه وقت چون هنگام تشبیه آگاهی است  
 و فریاد زدن و دلالت بر غفلت و بیباکی میکند یا گنایه باشد از حرکت سخن گفتن بغیر فکر خدا و دعا چنانچه نقول است از حضرت  
 امیر المومنین که غنیمت شمارید دعا را و بیخ موطن نزد خواندن قرآن و نزد گفتن اذان و نزد آمدن با اذان و نزد ملاقات  
 صف مسلمانان با صف کافران و نزد دعا کردن مظلومان که دعای مظلوم را هیچ چیز مانع نمیشود تا بگوش میرسد و آنها  
 وارد که گنایه از سبک شدن مطلق باشد چون نزد جنار و وقت تمام تمام تفکر و اعتبار است پس باید که در دل تفکر نمایند  
 و بیای خدا باشند و نزد خواندن قرآن باید سبک باشد و گوش دهند زیرا که ظاهر آیه گرفته و بعضی احادیث آنست که در  
 هنگامی که دیگری قرآن خواند واجب است خاموش شدن و گوش دادن و حرام است سخن گفتن و اکثر علماء را عقا قانست  
 که در مجلس مخصوص کسی است که اقتدا و پیش نماز کرده باشد و او قرأت بلند خواند واجب است خاموش شدن و گوش دادن  
 و اگر واجب نباشد البته سنت است گوش دادن و خاموش شدن هر وقت که قرآن خوانند و ثواب عظیم دارد و چنانچه پسند  
 مستبدر حضرت صادق منقول است که هر که حرفی از کتاب خدا را گوش دهد بدون آنکه بخواند حق تعالی یک ثواب از برای او ثبت نماید  
 و یک گناه از نمازهایش محو نماید و بعد از شبست برای او پندگردد و در خصوص جنار و احتمال دارد که نزد ترک بیخ و فریاد  
 و ناله کردن باشد که منافی مبرور و مناقصاست چنانچه از حضرت رسول منقولست که دو صد مرتبه است که خدا از من دارد یکی فریاد دعا

تفکر و خضوع و شکستگی

که چون در حدیث و دیگری ساز و نختن در هنگامیکه خدا نعمتی که امت فرماید و مقول است که حضرت امیر المؤمنین به شایعیت جنازه  
 میفرستند شنیدند که شخصی از آنجا حتی که شایعیت جنازه میکنند و فرمود که گویا مرگ را درین دنیا بر غیر ما نوشته اند و گویا حق  
 آنست که در دنیا بر غیر ما واجب شده است و گویا که این مرده ها که ما می بینیم مسافری چندانه که در اندک زمانی بسوسه ما بر میگرددند خود ایشانرا  
 در فرودگاه بسیار می بینیم و بسیار است ایشانرا از این خویشیم و گمان میکنیم که همیشه بعد از ایشان خود می بود و فراموش کرده ایم هر دو غلطی و پند و بند  
 را با آنکه هر یک از ما هستیم که قمار شده ایم خوشحال کسی که نفس خود را ذلیل شمارد و کسبش طلال باشد و باطنش شایسته باشد  
 و قمارش نیکو باشد و زیادتی مالش را صرف نماید و زیادتی سخنش را نگاه دارد و شرف خود را از مردم دور گرداند و بسنت پیغمبر عمل کند  
 و میرسد به آنجا که اگر کسی از آن خستگاری خستگاری خستگاری خستگاری خستگاری خستگاری خستگاری خستگاری خستگاری خستگاری خستگاری  
 نماید و بنویسد به سستی و عبادت دانسته و بدون سهو و فراموشی در این فقره حضرت  
 در سستی است و در سستی است و در سستی است و در سستی است و در سستی است و در سستی است و در سستی است و در سستی است و در سستی است  
 خلق را در دنیا از آنجا که پیش دارد در دوزخ باشد البته خنده او کم و سخن او بسیار میباشد چنانچه در باب صفات مؤمن آورده است  
 که خوشحال او در دوزخ است و اندوه او در اول دست و آیین صفت نیز فرمود است که آدمی سپوسته ترش رو باشد که مردم از او متنفر باشند  
 بلکه مؤمن بسیار که گشاده رو و تبسم باشد و خوش طبعی و مزاج قوری از آن مطلوب است اما زیادتی در خنده و مزاج هر دو بد است  
 فرمود است چنانچه در حدیث از حضرت رسول منقول است که بسیار مزاج آبرو بسیار و بسیار خنده ایمان را محو میکند و بسیاری در ذوق بر باد  
 میبرد و از آن حضرت صادق منقول است که مزاج کس که نوریت را میبرد و در حدیث دیگر فرمود که چیزیست که حضرت داؤد سلیمان گفت که  
 ای فرزندان من اگر کسی از شما که خنده بسیار کند که بسیار خنده آدمی در دنیا قیامت فقیر میگردد و در حدیث دیگر فرمود که شیخ چیز است که باعث  
 غضب خدا میگردد و خواب کردن بدون بیداری شب و خندیدن از غیر تعجب و با سیری چیزی خوردن و از حضرت رسول  
 منقول است که عجب و احم از کسی که یقین با آتش جهنم دارد و چرا میخندد و فرمود که احترام از کسی که خنده که دل را میبرد اند  
 و آنست صادق فرمود که چه بسیار کسی که خنده او در دنیا بسیار باشد از روی لعب و طرب و در روز قیامت گریه او بسیار باشد  
 و چه بسیار کسی که گریه او بسیار باشد بر گناهانش از خوف و عذاب الهی و در سستی سرور و خنده او افزون باشد و فرمود که خنده  
 عذبت رسول صلی الله علیه و آله تبسم بود که صد از آن طایفه همیشه در روزی جماعتی از انصار گذشتند ایشان سخن میگفتند  
 در این باره که هر یک از فرمودند که ای گروه کسی از شما که طول امل او را مغرور ساخته باشد و در اعمال خیر عیش کوتاه باشد  
 پس باید که بتوبه نظر نماید و از سبوت شدن قیامت عبرت گیرد و مرگ را یاد کند که نگذرد و جمیع لذتهاست و حضرت صادق  
 فرمود که بسیار خنده ایمان را میگذارد و چنانچه آب نمک را میگذارد و فرمود که از جهالت است خندیدن بی تعجب فکر میسرود  
 آنرا که در دنیا خود را بخندد و در حال تنگداری رسوا کند کرده و امین نیست از شوخ مرگ با عذاب الهی کسی که گناهان کرده است

حدیث از حضرت رسول صلی الله علیه و آله

و فرمود کسی را که دست داری با او مزاج مکن و با او مجاوله و منازعه مکن و فرمود که قنقه از شیطان است و بپند معتبر از حضرت امیر المؤمنین  
علیه السلام منقول است که فرمود که زینهار که مزاج بسیار بکنید که باعث حقد و کینه میشود و مزاج دشنام کوچک است و حضرت امام موسی کاظم  
بیضی از فرزندمان خود را بصییت فرمودند که هرگز در مزاج که نوزاد پانزده را بر سر در وروت و انسانیت را سبک میکند و بپند صحیح از معمر بن قیس و منقول است  
که بخدمت حضرت امام فدا عرض نمود که گاه هست که شخصی در میان جماعتی میباشد که مزاج میکند و خنده میکنند فرمود که باکی نیست با کسی  
نرسد بعد از آن فرمود که اعرابی بود و بخدمت حضرت رسول می آمد و هر می آورد و میگفت یا رسول قیمت هر چه مراد به اینی بسم فرمود حضرت بختی  
و وقتیکه غمی بود و میداد و میفرمود که اعرابی که گاه است کاش می آمد و مرا میخندانید و از حضرت صادق منقول است که هیچ مومنی نیست مگر آنکه در غایب  
پرسیدند که دعا چیست فرمود که مزاج و خوش طبعی و منقول است از یونس شیبانی که حضرت صادق از من پرسید که چنانست دعا و دعا چه  
شما بشیعیان بایکدیگر گفتیم که فرمود که چنین بکنید که خوش طبعی و بداعیه احسن خلق است و تو بداعیه سرور و خوشحالی در دلی هر راه  
مومنین خود را عمل میکنند و حضرت رسول بسیار بود که با کسی خوش طبعی میفرمودند که او را سرور سازند و در حدیث دیگر فرمودند که صدقه  
بسم است و بپند معتبر از حضرت امام محمد باقر منقول است که چون قنقه کنی و خنده و چون فارغ شوی بگو اللهم انی استغفرتک  
مرا و من بعد از حضرت امام موسی کاظم منقول است که حضرت سجی بن زکریا بسیار میگفت خنده میکرد و حضرت عیسی گاه میگفت است و گاه  
میخندید و آنچه عیسی میکرد و بهتر بود آنچه سجی میکرد **فصلت اول** کس بستی در عبادت است و کس از صفات سادات است  
و از ضعف ایمان و یقین ناشی میشود و موجب محرومی از سعادت است بلکه مومن بیاید در عبادت صاحب نشاط باشد و در  
متوجه عبادت شود و کارهای خیر را بزودی بجا آورد و تاخیر نیندازد که در تاخیر آفت بسیار است چنانچه حضرت صادق صلوات الله  
علیه فرمود که پدرم میفرمود که هر گاه اراده خیری نمائی مبادرت کن با آنکه نیندانی بعد ازین چنانچه در حدیث دیگر فرمود که هر  
قصدی که خیری کنی آنرا تاخیر نینداز بدیست که بسیار است که حق تعالی مطلع میشود بر بنده و او باطاعتی مشغول است میفرماید که خیرت  
و جلال خودم سوگند که بعد ازین عمل ترا عذاب کنم هرگز و اگر گناهی را قصد کنی زرنهار که آنرا ترک کن که بسیار است که حق تعالی  
مطلع میشود بر بنده و او را مشغول مصیبتی میاید بفرماید که بغرت و جلال خودم سوگند که بعد ازین عمل ترا عذاب کنم هرگز و حضرت امام موسی  
فرمود که کسی که قصد عمل خیری نماید آنرا بزودی بجا آورد که هر خیر که در آن تاخیری شد شیطان را در آن مملتی و اندیشه هست دور  
حدیث دیگر فرمود که خدا خیر را بر اهل دنیا سنگین کرده است چنانچه در قیامت در میزان اعمال شان سنگین است و شر را بر اهل  
دنیا سبک کرده است چنانچه در قیامت در میزان اعمال شان سبک است و از حضرت صادق منقول است که سپهر خیر از  
و فصلت از منجور و دلنگی ملاکس و تنبلی بدیست که اگر ضعیف کنی هیچ حقی صبر نمیتوانی کرد و اگر کس بیوزری هیچ حقی را ادا  
نمیتوانی کرد یا آباد کرد سر کعبان مقصد تلان فی نظر خیر منقح کم لیلتی و القلب ساه یا آبادی و حق تعالی  
کالباطل خفیف مخلو و دیت شهنی سباعی و دیت حشر تلک و یلا یا آبادی لا یفقد الرجل کل الفقد و یومئذ

در حدیث دیگر فرمود که هر گاه اراده خیری نمائی مبادرت کن با آنکه نیندانی بعد ازین چنانچه در حدیث دیگر فرمود که هر

في جنب الله تعالى لا يكاد يسمع من عباده الا ما يشاء فيكون له الحق والقبول فيكون له الحق والقبول فيكون له الحق والقبول  
 كليم حقيقي في دينهم غفلوا عن حقهم ابو ذر وروايت نماز میان که بسیار طول ببرد و بسیار سبک بجای آوردی که با حضور قلب و  
 نظر باشد بهتر است از ایستادن یک شب بعبادت که با فراموشی دل باشد و از آنچه کنی و گوئی دولت خبرند شت باشد آبی ابو ذر حق طبعها  
 گرانست و نخست در پل سبک و آسان است و شیرینی است بسیار است که شهوت یک ساعت و نیا سوزش سخن طولانی آخرت میگوید که  
 ابو ذر فقیه نیب باشد آدمی تمام فقه و چنانچه باید دانند نمیشود تا آنکه مردم و جنب جلال و عظمت الهی نزد او بشناختن آن بنا فتنه پس  
 بنفس خود کند و خود را از هر کس حقیر تر شمارد آبی ابو ذر بحقیقت ایمان نمیرسی تا همه مردم را چنین ندانی که بحق اند و دین خود و عالم  
 در دنیا می خود در اول کتاب تحقیق بعضی از شراکات عبادت حضور قلب گذشت بر یکی ظاهر است که کردن و شنیدن حق هر دو  
 بر آدمی گران و دشوار است چنانچه اکثر عالم اگر کسی خیر ایشان را با ایشان میگوید هر چند که مانند که صلاح ایشان در آنست  
 آزرده میشوند و کردن باطل خواه در معاصی و شهوات و خود در اعمال بدعت بر طبعها گولدا و در کامها شیرین است و شنیدن  
 سخن باطل اکثر مردم را خوش می آید چنانچه خود شامه گفتن از باب عزت را خوش می آید هر چند دانند که دروغ است و کارهای بد را  
 پس یکی یاد کردن و ایشان را خیر و صلاح ستودن ملائیم طبع ایشان است هر چند میدانند که این گفتن برای خوبی ایشان و کار  
 ایشان نفع نمیدهد و دفع عذاب ایشان نمیکند باینکه بی اعتنا ایشان مردم بودن و دوست دار و یکی ممدوح است و دیگری  
 مذموم آنچه ممدوح است و از این فکرات است آنست که خدا را مالک نفع و ضرر خود دانند و مردم را بیدخل دانند و در عبادت ایشان را  
 تسلیم نماید و در امر خیر می که مرتکب شود از ملامت ایشان بپرهیزد و در جانی که میان رضای الهی و رضای مخلوق متروک شود  
 رضای خدا را اختیار نماید و این معنی از راه شناسائی عظمت و تعالی حاصل میشود و چون آنکه یقین بعظمت او زیاد میشود  
 این صفت کامل تر میگردد و آنچه مذموم است آنست که از راه تکبر مردم را سهل و بیقدر دانند و حقیر شمارد و این از راه عجب و  
 خود بینی و غافل شدن از عیوب خود و از عقاود دشمن خود ناشی میشود و این از بدترین صفات ذمیه است و حضرت درین کلام  
 صریح نظام بر روی اشعار نموده اند که مردم را در جنب خدا از باب شتران دانند که در هنگام طاعت الهی ایشان را لمخوط ندارد  
 چنانکه اگر کسی در جانی نماز کند و شتری چند در آنجا باشد البته ایشان را منظور نمیدارد پس باید که در جنب عظمت خدا عظمت مردم را  
 سهل دانند و بعد از آن جنی دوم شاه فرزند که چون بخود رجوع کند خود را از همه کس حقیر تر شمارد یعنی باعث او در همه عفت  
 بشان مردم عظیم استن خودش نباشد و بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که صاحب سلطنتی را  
 راضی کند چیزی که خدا را از آن بترسم آورد از دین خدا بر سرودد از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که آنچه  
 نیست کسی را که عمل کند باطاعت مخلوقی در حصیت خالق و از حضرت رسول منقولست که هر که طلب نماید خوشنودی مردم را  
 بهیزی که موجب خطا الهی شود حق تعالی چنین کند که آن جمعی که توفیق بدیع از ایشان دارند دست او کنند و در حدیث دیگر فرمود

در این کلام از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست

که نخست میآوردید خدا را بسبب یغما می آید از خلق و تقرب جوید بسوی احدی از خلق بجز یکی که موجب دوری از خداست  
 بدستیکه میان خدا و احدی از خلق وسیله نیست که بسبب او خیر می برساند یا شر می بارگرداند مگر اطاعت او و طلب خشنودی  
 او بدستیکه اطاعت الهی موجب فیروزی است بهر چیزیکه طلب نمایند و موجب نجات است از هر شری که ازان حذر کنند  
 و بدستیکه خدا نگاه میدارد از بدیها کسی را که مطیع او باشد و از عذاب او کسی که معصیت او کند خود را حفظ نمیتواند نمود و  
 کسی که از خدا گریزد و گریزگاه بی نمی یابد نیز اگر امر الهی بخواری او نازل میشود و چنانچه جمیع خلائق کرامت داشته باشند و  
 حق تعالی حضرت امیرالمؤمنین و خواص او را بیخ فرموده که ما میکنیم در راه خدا و نیت ستم از ملامت کنندگان و حضرت  
 امیرالمؤمنین فرمود که از ملامت کنندگان بپرهیز کنید تا خدا دفع شر دشمنان از شما بکند و از حضرت صادق است  
 که هر که حقیه شمارد و معنی را نوازه سکین باشد و خواه غیر سکین پیوسته حق تعالی توفیق او نماید و از او چشم باشد تا ازان برود  
 و احادیث این مطلب بعضی سابقانند که در بعضی بعد ازین مذکور خواهد شد و آنچه حضرت فرمودند که مردم را باید اجتناب  
 بین و عاقل در دنیا نیست مراد غالب مردم است یا مراد از ناس اهل دنیا است **اللهم اعلم ان الله اعلم** یا **اذبحوا** است **نفسك قبل**  
**ان تحاسبهم** و **انفسك قبل ان تعدون** و **بالحسن للعرض** **لا تحسبن**  
**على الله منكم** **خافيت** **انتم** ابو ذر محاسبه نفس خود بکن پیش ازان که با تو محاسبه کنند که حساب روز قیامت بر تو است  
 شود و نفس خود را بیخ در مراتب نقص و کمال پیش از آنکه در روز حساب ترا بسنجند و همیا شو برای عرض اکبر قیامت  
 در روزیکه ترا و اعمال ترا بر خداوندی عرض کنند که هیچ پنهانی از تو بر او پوشیده نیست بدانکه اگر کسی خواهد که از عذاب الهی  
 نجات یابد و بسعادت ابدی فائز گردد و باید که از نفس خود امین نباشد و فریب او را نخورد و پیوسته در مقام عیب بونی او  
 باشد چنانچه دشمنی عیوب دشمن خود را تفحص نماید زیرا که عیوب و نفس مخفی میباشد و هر عیبی که شکافت و در مقام ازاله او در  
 چندین عیب دیگر بر او ظاهر میشود چنانچه از حضرت رسول است که آدمی هیچ عیبی را از خود نمیکنند مگر آنکه عیب دیگر  
 بر او ظاهر میگردد و باید که پیوسته در مقام محاسبه نفس خود باشد و تفکر نماید که روزی خواهد بود که حساب اعمال او بکنند  
 پس درین روز حساب خود را با خود درست کند و جواب هر سوال را میا کند زیرا که خود را غافل کردن برای رفع محاسبه  
 آخرت فائده نمیدهد باز بابت مرغی که چون میرود که آتشکاف کند چشم خود را بر هم میگردد و بداند که این عمر مایه ایست که با و داده  
 اند که بهر دقیقه آن سعادت ابدی تحصیل میتواند نمود پس در هر روز حساب بگیرد از نفس خود که بهر دقیقه را صرف چه کار کرده  
 اگر صرف طاعتی کرده سودمند آید شده و اگر صرف معصیتی کرده زیانکار آید شده و اگر صرف بیچیک نکرده بایک اورا نماند و  
 ضلوع کرده و بدزد شیطان داده پس در صورت اول او را تحسین نماید و ترغیب بر زیادتی آن بکند و در صورت دوم و  
 سوم او را ملامت و آزار کند و هر قدر که مقدر باشد از او تاوان بگیرد و توبه و انابه و تدارک آنچه فوت شده بایه باقی ماند

و از عاقل در دنیا نیست

اگر چه تمام گذشته نمیشد زیرا که هر زمانی را بهره است از اعمال خیر پس عملی که در آن زمان کنی حق آن زمان ادا ده اگر چه گذشته  
از کیست رفتن است و اگر قبول نکند با او مجادله و مجاهد کنی و بفکر آن شخص و تذکر آیات و اخبار و عهد و وعید او را بر او گردانی  
زیرا که نفس آدمی به شایسته است که در صحرای میرود که چندین چاه در هر قدمی در جانب چپ و راست راه بود  
باشند اگر یک لحظه از آن قافل میشوی وقتی خبر دار میشوی که خود را در قحط چاه ضلالت می بینی چنانچه بسند معتبر از حضرت  
امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که فرمود که از آن نیست کسی که مجاسبه خود نکند هر روز پس اگر عمل خیری کرده باشد از  
خدا زیادتی آنرا بطلبد اگر گناهی کرده باشد استغفار و توبه بکند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که فرمود  
بشخصی که بدستیکه ترا طلب نفس خود کرده اند و در آن برای تو بیان کرده اند و علامت صحت را بتو نشانیده اند  
و ترا بدو راه نمائی کرده اند پس نظر کن که چگونه بکار خود قیام بینائی و در حدیث دیگر فرمود که دل خود را قرین و صاحب  
نیکو کاری یا فرزند صریح خود دان و عمل خود را پدری دان که متابعت او نمائی و نفس خود را دشمنی دان که با او مجادله کنی  
و مال خود را عاریت دان که باید بصاحبش رد نمائی و در حدیث دیگر فرمود که نفس خود را حبس کن و منع فرما از چیزی که  
پایان ضرر میرساند پیش از آنکه از تو مفارقت نماید و سعی کن که نفس خود را از گردن آوری چنانکه سعی بینائی و طلب  
حاش بدستیکه نفس تو در گردن تو است و در حدیث دیگر فرمود که از نفس خود از برای خود آنچه میتوانی بگیر غنیمت  
شمار و توشه بگیر از نفس خود در صحت پیش از بیماری و در قوت پیش از ضعف و در حیات پیش از ممات و حضرت  
امیر المومنین علیه السلام فرمود که صغیر و خرد نیست چیزی که در قیامت نفع میدهد و صغیر و خرد نیست چیزی که در قیامت  
ضرر میکند پس در آنچه شمارا خدا خبر داده است بمنزله کسی باشد که بچشم خود معانه دیده باشد و در وصیتی که حضرت امام حسن  
علیه السلام را فرموده میفرماید که ای فرزند موسی را سه ساعت میباشد در یک ساعت با پروردگار مناجات میکند و در  
ساعت دیگر محاسبه نفس خود میکند و در ساعت سوم مشغول لذتی میشود که حلال باشد و در برابر آن حمد کنند و حضرت  
صادق علیه السلام فرمود که نفس خود را محاسبه کنی پیش از آنکه شمارا محاسبه کنند بدستیکه در قیامت نجات  
موقفست و در هر موقفی هزار سال میدارند و حضرت امیر المومنین فرمود که کسی که نقضای نفس خود را بیرون نکند و نفس تپاید  
هو اذ نوابشها بر او غالب میشود و کسی که پیوسته در تقصیر باشد مرگ از برای او بهتر از زندگیست و حضرت علی بن حسین فرمود که ای  
فرزند آدم پیوسته اعمال تو بخیر و نیکی مقرون است با ایمان و مطلق از نفس خود داشته باشی و اعطای خود باشی دهست تو بر محاسبه نفس تو معصوم  
باشی و نوبت آتی را شمار و پیراهن تن خود کرده باشی و اندوه را لباس تن خود ساخته باشی آئی فرزند آدم خواهی مرد و خواهی  
بعثت شد و ترا نزد پروردگار خود حساب باز خواهند داشت و از اعمال تو سوال خواهند کرد پس امروز جوابی از برای آنروز  
میکند یا یاد آید استحقاقی از آنکه فانی و لذتی نفس میدهد لا ظل جان اذهب الی لخالق متقنا بنویس

در این کتاب

۱۲۰



اَسْتَجِبْ مِنْ التَّكْلِيفِ الَّذِي مَعِيَ يَا اَبَا ذَرٍّ اَلْحَبِيبُ اِنَّكَ دَخَلْتَ الْجَنَّةَ فَكُلْ مَا كُنْتَ تَكْفُرُ بِهِ وَاصْبِرْ مَا كُنْتَ تَكْفُرُ بِهِ  
 فَاقْصُرْ مِنَ الْاَمَلِ وَاجْعَلْ لِلْوَيْتِ نَحْبًا عَيْنِيكَ وَاسْتَجِبْ مِنَ اللَّهِ حَتَّىٰ لِيَحْيَا وَاقُلْ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ  
 كُنَّا نَسْتَجِبُ مِنَ اللَّهِ قَالَ لَيْسَ كَذَلِكَ الْحَيَاءُ وَلَكِنَّ الْحَيَاءَ اَنْ لَا تَكْسَىٰ الْمُقَابِرَ وَالسَّلَاةَ وَالْبُرُوكَ وَمَا دَعَا  
 وَكَرَّاسِي وَمَا هَوَىٰ وَمَعِيَ اَمْرًا ذَكَرْتَهُ الْاَخْرَجَةُ قُلْتُ كَيْفَ زَيْنَةُ الدِّينِ اَيُّهَا كَذَلِكَ اُحْيَيْتَ وَلَا يَتَىٰ اللَّهُ  
 اسی ابو ذر از خدا عیان و حاضر شد و بار بدرستی که من بحق آن خود را می که با نام در قبضه قدرت دوست چون به بیت اخلاص می روم حاضر خود را به  
 روی خود می چیم از شرم و دو طای که با من اندازی ابو ذر سنجوا بی که داخل بهشت شوی گفتم بی پدر و مادر هم فدای تو یاد فرمود که پس اصل و  
 آرزوی خود را در دنیا کومه کن و مرگت در بهر چشم خود بدار که پوسته در یاد مرگ باشی و از خدا حیا بدار چنانچه نزد او حیا داشتن است  
 گفتم یا رسول الله ما همه از خدا حیا و شرم داریم فرمود که حیا داشتن چنین نیست و نمیکند حیا از خدا آنست که فراموش نکنی قبر و رسیدن  
 و گشته شدن در قبر را و فراموش نکنی رفعت را و آنچه در جوت است یعنی شکر و فرج را از حرام و شبهه نگا باری و فراموش نکنی سر راه آنچه  
 در سر است یعنی چشم و گوش و زبان و اندیشه و خیال خود را از مصیبت باز داری و بطاعت مصروف گردانی و کسی که امانت و بزرگی  
 آخرت را خواهد باید که زینت دنیا را ترک نماید پس هر گاه چنین باشی اسی ابو ذر بدرجه ولایت اسی میری و دوست خدا میگردد  
 و نیز تمام حضرت سید الانام چندین خلق از اخلاق گرفته اشاره فرموده اند اول حیا است و حیا عبارت از تاثیر نفس است از امریکه  
 قباح آن امر را و ظاهر شود و این باعث انزجار او میگردد و از ان عمل و این بر دو قسم است یکی از افضل صفات کمال است  
 و صورت فوز سعادت است و دیگری نقص است و موجب حرمان از کمالات است اما آنچه کمال است آنست که بعد از آنکه بدین تمیز  
 میان نیک و بد روح و باطل کرده باشد از خدا و خلق شرم کند و ترک کردن عبادات و محاسن آداب شدت و از ترکیب  
 شدن معاصی و تباح آداب که از شرح قباح آنها معلوم شده باشد و محلی از نفس نیز یاد زول کتاب مذکور شد شما هر هست  
 که کسی که متصف با صفت حیا باشد البته هر قسمی را که اراده نماید اگر تفکر نماید که حق تعالی حاضر است و بر فعل او مطلع است و حضرت  
 رسول و ائمه مصومین بر فعل او مطلع میشوند و هر روز اعمال است برابر ایشان عرض نمایند و دو ملک که پیوسته ملازم او باشد  
 البته بر عمل او مطلع میشوند و اگر حق تعالی پرده از او بگیرد ملائکه سماوات بر فعل او مطلع میشوند و در قیامت در حضور خدا است  
 و چهار هزار پیغمبر گروهی و احصا از ملائکه و سایر عباد رسوا خواهد شد و این معنی از روی یقین و ایمان حالی اگر در او البته متوجه  
 آن عمل نخواهد شد و همچنین بر فعل طلاعات و آنچه از دیان معلوم است آنست که امر مستحقه بقل ناقص خود قیاس شمارد و ترک آن کند  
 و این از جمل ناشی میشود مثل آنکه سگ بر او مشکل شده است نمی پرسد و حیا میکند و در مجالست با نسیان اولی ترک میکند برای  
 اینکه در نظر تجار از اشقیاء بد نما است و این حیا موجب محرومی از سعادت است و حق تعالی میفرماید که اِنَّ اَدَاةَ الْاِسْتِحْيَاءِ هِيَ الْخَيْرُ  
 بدوستیکه حق تعالی حیا میکند از بیان حق و راستد و خبر از حضرت رسول منقول است که حیا و حیا است حیا می عقل است و حیا می هفت

بخوان خود حیا و ایمان

و حیای عقل از علم ناشی میشود و باعث عسالم میشود و حیای حماقت از جهل و نادانی ناشی میشود و باعث جهالت میگردد و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که حیای از ایمان است و ایمان موجب دخول بهشت است است و فرمود که حیای از ایمان هر دو در یک ریمان بسته است هر یک که از آدمی جدا شد دیگر با او میرود و در حدیث دیگر فرمود که ایمان نذار و کسی که حیای نذار و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که چهار خصلت است که در هر که باشد آنها را از سر تا پای او گناه باشد خدا گناهان او را جسد مبدل میکند است گوی و حیای حسن خلق و شکر و حضرت صادق فرمود که هر که روی او تنگ است علم او گسست پس حیای طلب علم خوب نیست و از حضرت رسول منقول است که از امثال حکم و ادانیان پیش مانده است مگر یک مثل که اگر حیای نذار می آنچه خواهی بکن اینی ترک حیای سبب از کتاب جمیع قبایح میشود و در حدیث دیگر فرمود که حیای بر تو واجب است یکی از ضعف عقل و سستی رای نیست و دیگری قوت است و سلام است و ایمان است و حضرت صادق فرمود که حضرت عیسی فرمود که کسی که در خانه خود خلوت نشیند باید پرده خانه را بپاویزد بر سرش تا که مستعالی بیاید در میان خلق قسمت فرموده چنانکه روزی را قسمت فرموده و ازین حدیث شریف ظاهر میشود که سنت است که کسی که به بیت اخلار و دجامه بر سر بپزند از دیار بیچد که سرور و رافرا گیرد چون حالت ناخوشی است سناست چنان نیست که روی خود را بپوشد یا آنکه چون در این حالت بر عیوب ظاهره خود از فضیلت و کشفات ظاهری مطلع میشود باید که عیب باطنی و اخلاق فریبرد گناهان خود را یاد کند و از آنها شرم کند که این کشفات ظاهری است و در علمای آداب خلوت اشاره باین معنی هست و اکثر علمای آداب خلوت نقل کرده اند که سنت است سر را پوشیدن که سر بپنجه نباشد و بعضی هر دو معنی را از سنت مانتند و انداخته معنی آن تیره است زیرا که در تفتیح که در حدیث وارد شده است سر پوشیدن هم عمل می آید و فایده بدنی هم دارد که بویهای بد بدماغ سرایت نکند **خصلت و عدم عفت شلم است از تحریات و مکروهات و شبهات و عفت و هب آنست که از خوردن حرام اجتناب نماید و عفت از چیز مانی که نهی است از آن فرموده اند و از شبهه تا که بطاهر شرع حلال باشد و احتمال بودن حرام در میان آن مانع غالب باشد مثل مال جماعتی که اکثر کاسب ایشان حرام است مانند رباب مناصب است و این از عظم کالیف الهی است و معنی کرد تحصیل حلال دشوارترین کار است چنانچه وارد شده است که حلال قوت برگزیده گانست و در بعضی اخبار وارد شده است رحمت امیر المؤمنین صلوات الله علیه بر ای همین بر انسان غذایی خود هم منیز و نند که شبیه و اقل آن نشود و با آنکه غذا را در اعمال آثار و قرب و بعد بخدا عظمت عظیم است زیرا که قوتهای بدن آدمی از روح حیوانیست و روح حیوانی بخاریست که از خون هم پیر و خون از غذا ما هم میرسد پس چون از غذایی حلال قوت بآن اعضا و جوارح در آمد هر یک ما بکار یک پسندیده است میاید و به آن قوت صرف عبادات میشود و لکن حرام که در بدن در آمد و قوت آن با اعضا و جوارح سرایت کرد آن قوتها از حرام بهم رسیده حرام زاده اند و از حرام زاده کار خوب نمی آید چون سر از روی چشم بد میکند چشم را با صافی میاید و در فساد میکند و اگر سر از روی گوش بد میکند او را بشنیدن انواع باطلها میاید و در چنین و در جمیع اعضا و جوارح و اگر لطف میشود فرزندی**

و در این حالت بر عیوب ظاهره خود از فضیلت و کشفات ظاهری مطلع میشود باید که عیب باطنی و اخلاق فریبرد

از دماغ حاصل میشود یک معنی حرام زاده است و یا نخل بیدار میشود و آن حدیث که واقع شده است که کسی که غریب است نیست  
 مسلمانان حلال زاده نیست ممکن است که با نیمی محمول باشد و گفته حلال همه نوره عبادت و معرفت است و موجب توب بخدا  
 میشود و دل را منور میکند و انیم منی تجر بنیر معلوم شده است و از حضرت صادق منقول است که هر که خواهد در عایش مستجاب شود باید  
 کسبش را حلال کند و با سائید مقبر از حضرت امام محمد باقر منقول است که بهترین عبادت های خدا عقیقه نیشگون شکم و فرج است و منقول است  
 که شخصی با حضرت عرض نمود که عمل من بسیار ضعیف است و روزه کم میدارم اما گمان من اینست که نیشگونم بگردد از حلال حضرت  
 فرمودند که اگر ایم عبادت بهتر است از عفت شکم و فرج و حضرت رسول فرمود که بیشتر چیزی که است من بسبب آن در نخل جنم میشود و این  
 میان منی است شکم و فرج و بسند مقبر از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله منقول است که هر که از است من از چهار فصلت سلم  
 باشد بهشت از برای او واجب میشود و از نخل شدن در دنیا و متابعت نمودن هواهای نفس و شهوت شکم و شهوت فرج و تبند  
 معتبر منقول است که حضرت صادق پنج فرمود که ای نجم تمام شامی میان در بهشت با ما خواهد بود اما چه بسیار قبیح است که یکی از شما  
 بقتلک در نخل بهشت شود که پرده اش دریده شده باشد و عیبش فاش شده باشد بنجم گفت فدای تو شوم شیعه شامی پس  
 خواهد شد فرمود که بلی اگر شکم و فرج خود را حفظ کنی حضرت رسول فرمود که بیشتر چیزی که بر است خود میسر هم بعد از خود این کسب است  
 حرام است و شهوت های منعی و ریاض و سود و ربح و قرض و حضرت صادق فرمود که کسی که مال از غیر حلال کسب کند و با آن مال  
 بکند و در طلبیه بگویدند امیرسد با و که لا یتیک ولا ستدیک یعنی لیک گفتن تو و اجابت کردن و خدمت کردن تو قبول در نگاه  
 مانیت اگر از حلال کسب کند و بکند و در طلبیه بگوید و جواب اولیای و سدیای میگوند و از حضرت صادق منقول است  
 که دنیا بخلان بر جیمی سب شد و حلال را بر ایشان جلوه داد و عرض کرد آن حلال محض را قبول نکردند تا از دنیا رفتن پسین  
 بر جماعتی حلال و شبهر را با هم عرض کردند گفتند ما را شبهره احتیاج نیست و حلال را به فراخی صرف کردند و برای جمعی درامد و شبهره ایجاد  
 و او ایشان گفتند ما را بجرام احتیاج نیست و در شبهره بفرافی عیش کردند و دنیا خود را بجرام صرف برای جماعتی جلوه داد و قبول  
 کردند و از پیش رفتند و با نخی خواستند رسیدند و مومن در دنیا بنخورد بقدر حاجت مثل کسی که بخوردن میوه حفظ شده باشد  
 و حضرت امام موسی کاظم فرمود که حرام نمونی کند و زیادتی شود و اگر نمونو کند برکت نیندازد و هر چه را در راه خدا انفاق میکند  
 ثواب منی یابد و هر چه از عقب خود میگذارد تو شسته او است بسوی آتش جنم تبند متبهر از سحابه منقول است که حضرت صادق  
 صادق عرض کرد که شخصی از مناصب و عمال بنی امیه مال بهم رسانیده است و از آن مال تصدق میکند و صلوات  
 احسان بخویشان میکند و حج میکند که خدا آن کار را عیش را با ما مزد و میگوید که خدا فرموده است که حسنات گناهان  
 را بظرف میکند حضرت فرمود که آنچه از مال مردم تصرف می نماید گناه است و گناه گناه را بظرف نمی کند و لیکن ترا  
 گناه را بظرف میکند و منقول است در تفسیر این آیه که حق تعالی میفرماید و قد نزلنا علی عیسی بن ماری السلام ان یخبر بآیاتنا  
 و یخبر بآیاتنا و یخبر بآیاتنا و یخبر بآیاتنا و یخبر بآیاتنا و یخبر بآیاتنا و یخبر بآیاتنا و یخبر بآیاتنا و یخبر بآیاتنا و یخبر بآیاتنا و یخبر بآیاتنا

و در نخل بهشت

که ترجیح ظاهرش نیست که قصد کردیم بسوی آنچه کرده بودند از اعمالی که بصورت عمل خیر بود پس گردانیدم آن عمل را  
مانند ذوای پراکنده در هوا یا غبار متفرق یا خاکستر بر باد داده حضرت صادق فرمود که والله که اعمال شان از  
جامعای سفید مسری سفید تر و نورانی تر خواهد بود پس حق تعالی میفرماید که هب بشو پس پراکنده و باطل میشود برای اینکه  
چون نجرامی میسریند آنرا میگردانند **سوم عفت** تفریح همت از محرمات و مکروهات و شبهات و این نیز از  
تکلیف شاقه آنی است و تحقیقش همانست که گذشت که احترام از زنانی صرف واجب است و زنا از گناهان کبیره است  
و مکروهاتی که در شرع معلوم شده است عفت از آنها مستحب است و شبهه با بر دو قسم است یکی باعتبار اشکال در  
مسئله است و احترام از آنها نیز بنا بر مشهور مستحب است و بعضی این احتیاط را واجب میدانند مگر آنکه طرف مذکر است  
بسیار ضعیف باشد و قسم دیگر شبهه مال بر میگردد و مثل آنکه بزربنده کینتری خریه باشد یا زربنده را خمر کرده باشد یا  
زن را غصب کند و در دادن با قدرت - ضایقه کند تا بر اعضا جوارح منقسم میشود و زنا می فرج معلوم است  
و زنا می چشم نگاه کردن بیسران بشهوت و بزنان غیر محرم است و زنا می گوش شنیدن از زناست که باعث شهوت  
شود و زنا می دست دست بازی با نامحرم کردن است و همچنین در سایر اعضا و آنها نیز حرامی در شبهه بسیار و چنانچه  
بسنده معتبر از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام منقول است که فرمودند که هیچ کس نیست مگر آنکه بهره از زنا  
می یابد و زنا می چشم نظر کردن است و زنا می دهان بوسیدن است و زنا می دستهای دستهای کردن است خواه فرج تصدیق  
این اعضا بکند و خواه تکذیب کند یعنی خواه زنا می فرج تعلق شود و خواه نشود و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام  
منقول است که بدترین مردم در عذاب در روز قیامت مردی است که زنا می کرد در رحمی قرار دهد که بر او حرام باشد و از حضرت  
امام موسی منقول است که فرمود که پیرنیریز از زنا که روزی را بر طرف میکند و دین را باطل میکند و حضرت صادق فرمود  
که زنا کار را شمش عقوبت میباشد و عقوبت در دنیا و بعد عقوبت در آخرت، اما آنچه در دنیا است ناز و راست برد  
و فقیر میکند و فنا و نیستی را نزدیک میکند و آنچه در آخرت است غضب پروردگار است و دشواری حساب و  
خلود در جهنم و حضرت رسول فرمود که چون زنا بعد از من در میان امت بسیار شود مرگ فجاءه بسیار میشود و حضرت  
صادق فرمود که حضرت یعقوب بن زیندش میگفت که ای فرزند زنا کن که اگر مرغی زنا کند پرندهش میریزد و در حدیث  
دیگر فرمود که حواریان در خدمت حضرت عیسی جمع شدند و گفتند که ای معلم خیرات ما را ارشاد کن حضرت عیسی  
فرمود که حضرت موسی کلیم خدا شما را امر فرمود که قسم خدا دروغ نخورید و من امر میکنم شما را که زنی قسم راست بخورید و  
زنی قسم دروغ و موسی پنجم خدا شما را امر میکند که زنا نکنید و من شما را امر میکنم که در خاطر خود هم زنا نگذارید چه جای آنکه  
بجا آورید بدستیکه کسی که در خاطر خود خیال زنا میکند ازند بشاید کسی است که در خانه فرزند طلاقا کسی آتش برافروزد

جان عفت زنا

و دو آن نقشها و زینتها را باطل کند هر چند خانه نشود و از حضرت صادق منقولست که به مفضل بن عمر فرمود که  
 ای مفضل میدانی که چرا گفته اند که هر که زنا بجزمت مردم میکند روزی زنا بجزمت او نیز خواهند کرد گفت نه فرمود که زنی که  
 در میان بنی اسرائیل بود و مردی هم در میان ایشان بود که بسیار بقصد زنا بنزد آن زن میرفت در روز آخری که بنزد آن  
 زن آمد خدا بر زبان آن زن جاری کرد که بخانه خود که میروی مردی را با زن خود خواهی دید آن مرد با خاطر شوشی از  
 خانه آن زنا کار بیرون آمد و در غیر وقتی که همیشه بخانه میرفت داخل خانه شد بجزمت ناگاه مردی را در فراش زن خود  
 دید هر دو را بنجاست حضرت موسی آورد در آن حال تبرئیل نازل شد و گفت هر که زنا میکند روزی با حرمت او نیز بنجاست  
 پس حضرت موسی نظر بایشان کرد و فرمود که عفت بوزید از زنان مردم تا زنان شما با عفت باشند و حضرت رسول فرمود  
 که جبرئیل مرا خبر داد که بوسی بهشت از هزار سال راوشنیده میشود و عاق پدرو مادر و قطع کننده رحم و مردی زنا کار میشوند  
 و از حضرت امیر المومنین منقولست که دروغ میگویی بیکه گمان میکند که حلال زاده است و زنا را دوست میدارد و  
 حضرت صادق فرمود که نیکی کنید با پدر ازین خود تا فرزند این شما با شما نیکی کنند و عفت و زید از زنان مردم تا  
 عفت و زید از زنان شما و فرمود که ولد الزنا ستم علامت دارد مردم را و حضور ایشان آزار میکند و مشتاق است  
 بزنا و بغض با اهل بیت دارد و حضرت رسول فرمود که چهار چیز است که داخل خانه نمیشود مگر آنکه آن خانه خراب میشود  
 هرگز بیکت آبادان نمیشود خیانت در ایانت کردن و دروسی و شراب خوردن و زنا کردن و در حدیث دیگر  
 فرمود که در شب معراج گذشتم بزنی چند که ایشان را با پستانها آویخته بودند پرسیدم از جبرئیل که ایشان کیستند  
 گفت اینها زنی چند اند که زنا کرده اند و فرزندان بهم رسانیده اند و بشوهرهای خود ملحق ساخته اند و مال شوهرها  
 بمیراث بایشان رسیده و از حضرت رسول منقولست که هر که بجزم مردم در بزنی جماع کند یا مردی با پسری اعلام کند  
 خدا او را روز قیامت محشور گرداند از مردار گندیده تر که مردم از بومی او متاوی باشند تا بجهنم داخل شود و خدا را  
 قبول نکند هیچ عملی را و اعمالش را همه جبط نماید و او را در تابوتی داخل کند و بفرماید که او را میبخشای آهین بران تابوت  
 بدوزند و بر فدایی باشد که اگر کسی از رگهای او را بر چهار صد هزار کس بگذارد همه بمیرند و از همه کس هدایش بیشتر  
 باشد و کسیکه زنا کند با زن یهودی یا نصرانی یا مجوسی یا مسلمان خواه آزاد باشد و خواه بنده خدای عز و جل بر  
 او سه صد هزار دراز جنم بکشد که ازان در ناما تا هفتاد شهاب با آتش و قبر او داخل شوند و بسند و تار و ریسمان  
 و چون محشور شود اهل قیامت از گند فرج او متاوی باشند تا داخل جهنم شود و کسیکه بخانه همسایه نظر کند و نظرش بر عورت  
 مردی یا گیسوی زنی یا بدن او افتد خدا تعالی او را داخل جهنم کند با منافقانی که شیخ امور مخفی مسلمانان میکردند و زنی  
 همین نزدت رسوا شود و در آخرت عیبش فاش شود و کسیکه قدرت بزنی یا کنیزی که بر او حرام باشد بجزم رساند و از جنم

بمان عفت زنج

اگر کسی از شرک نماید حق سبحانه و تعالی آتش جهنم را بر او حرام گرداند و او را از خوف عظیم قیامت ایمن گرداند و لو را داخل بهشت  
 گرداند و کسیکه بجرایم دست برزنی رساند چون بصحرا می محشر و آید و شش در گردنش بسته باشد و کسیکه بازن نامحرمی خوشطبعی  
 کند حق تعالی هرگز آن را سال او را محشر حساب کند و اگر زنی رضی شود که مردی بجرایم او را برگیرد و یا بسود یا بجرایم با او ملاقات  
 نماید یا با او خوشطبعی کند بر آن زن نیز گناه آن مرد باشد و اگر مرد را مجبور سازد گناه هر دو بر مرد باشد و کسی که چشمها سے  
 خود را بچشم زدن زنی بجرایم او قیامت چشمهایش میباید و زود چشمش پر از آتش کند تا از حساب خلاص قانع  
 شود و پس بفرماید که او را بجهنم برده هر که با زن شوهر واری زن نکند از فرج آن زن و مرد و دخترها از چرک و ریم روان شود  
 یا بعد ساله راه و صحیح اهل جهنم از ایشان متاثر می باشد و غضب آنی شدید است بر زنی که شوهر داشته باشد  
 و نظر غیر محرم نمود و کسیکه اگر چنین کند خدا ثواب اعمالش ضبط نماید و اگر زنی مرد بیگانه را بفراش شوهر خود در آورده  
 خدا از ایزم است که او را با آتش بسوزاند بعد از آنکه او را در قبر عذاب کرده باشد و کینه معتبر از حضرت صادق منقولست  
 که فرمود که جرئت اعزازم زیاده از زن است زیرا که حق تعالی با غلام استی هلاک کرد و کسی را در دنیا نیز ناپاک نکرد و از  
 حضرت رسول منقولست که هر که با پسری جماع کند در روز قیامت جنب محشر شود و آب نای دنیا او پاک نکند و  
 خدا بر او غضب کند و او را لعنت کند و برای او جهنم را حیا گرداند و بد محل بازگشتی است جنم برای او و حضرت صادق فرمود  
 که هر یک بر پشت مردی سیر و درش الهی بلززه می آید و هر یک بگذارد که با او عمل قبیح بکند خدا او را بر روی جبهه جنم حساب  
 تا از حساب خلاص قانع گردد پس بفرماید که او را بجهنم افکنند و او را در طبقه عذاب کنند تا طبقه زیرین جنم رسد و از اینجا  
 بر دنیا بد حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که لواط آنست که در پایین تر از زور با او مباشرت کند و مباشرت  
 اگر زن در زور کفر است بنی و حضرت امام محمد باقر فرمود که خداوند عالمیان میفرماید که بعزت و جلال خود سوگند  
 میخورم که هر چه تبرق و حریر بهشت یعنی نشیند کسی که مردم در زور او وطنی کند و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام  
 فرمود که چون قیامت قائم شود بیاورند زنی را که با مثل خود مسافت کرده اند جاها از آتش در بر و مقنص  
 از آتش بر سر زور جاها از آتش پوشیده و عمودی از آتش در جوف ایشان داخل کند و ایشان را بجهنم اندازند  
 و حضرت رسول فرمود که هر که پسری را بشهوت ببرد حق تعالی در روز قیامت بجای از آتش بر سر او کند خصلت  
 چهارم هم نگاه چشم است از محرکات و مکرویات و از چشم مفاسد عظیمه در نفس آدمی راه می یابد بلکه در سینه اکثر  
 ساعی چشم است و از اینجا خیال بسیاری از مومنین حاصل میشود و نظر کردن بزنان نامحرم و بفرج غیر زن  
 و متعه و کنیز بیکه ناپاک یا بتخلیل و طیش حلال باشد و اطفال بسیار خورد حرام است و همچنین نظر کردن به پسران  
 ساد و در لذت بانیت و شهوت حرام است و موجب عشق مجازی که حقیقت کفر است میگردند و اگر بت پرست میشود

باید بداند

باید بداند

و در جمیع احوال آن معشوق در نظرش می باشد و از خدا دور میشود و هر فسق یا کفری که معشوقش او را بآن مامور سازد  
اطاعت میکند چنانچه بسند معتبر منقولست که از حضرت صادق پرسیدند از عشق حضرت فرمود که دلها می که از یاد الهی خاست  
حق سبحانه و تعالی محبت غیر خود بآن دلها می چشاند و بسند معتبر از حضرت رسول منقولست که زینهار که حذر نمایند و به پر پیروز  
از نظر کردن و صحبت داشتن با فرزندان ساده اغصیا و پادشاهان که گفته ایشان بدتر است از فتنه و ختر آن که در پرده با  
میباشند و از حضرت صادق منقولست که نظر کردن تیری است از تیرهای زهر آلوده شیطان و هر که ترک کند نظر حرامی را  
از برای خدا نه از برای غیر او حق تعالی ایمانی با او کرامت فرماید که طعم ولذت آن ایمان را بیابد و در حدیث دیگر فرمود که مگر نظر  
کردن شهوت را در دل آدمی میکارند و از برای فتنه آدمی و فریفته شدن او همین نظر کردن کافیست و در حدیث دیگر فرمود  
که ایمن نباشد آن جماعت که نظر بر پشت سر زنان مردم می افکنند از نیک مردم نیز نظر بعقب زنان ایشان کنند و از  
جمله نظرهایی که بد است و مورش فساد میشود و از روی خیرش نظر کردن بر زینت های دنیا و اهل دنیا است که باعث سیل  
و مرتکب شدن محرمات میگردد و چنانچه حق تعالی میفرماید که *وَلَا تَمُدَّنْ عَعُنَيْكَ لِلْإِمَّاةِ عَعُنَا يَهْ أَعْوَجَّا عِمْ زَهْرَقَ*  
*الْحَيْصَةَ الدَّيْبَانَةَ نَسِيءُ خَيْرٌ مِنْ ذِي نَبْتٍ خَيْرٌ وَأَقْبَى وَخَلَاصَةُ مَضْمُونِشْ* اینست که باز کن چشمان خود را و نظر کن بسوی  
چیزهایی که تمتع و بر خوردار ساخته ایم بآن چیز صنفی چند از اصناف مردم را از زینت و بویژه زندگانی دنیا تا بیاییم  
ایشان را در آن چیزها و روزی پروردگار تو که روز بروز بتو میرساند یار و روزی غیر تنهایی که در آخرت برای تو مقرر ساخته  
یار و روزی های سنوی از معارف و کمالات برای تو بهتر است از مالهای فانی بی اعتبار دنیا که بآن تمتع اند و باقی تر  
و پاینده تر است و کمالین زبان و گوش و سایر آنچه سر با شما محیط است بعضی گذشت و بعضی انشاء الله در محل سینه  
بیان خواهد شد یا با ذکر یکی *مِنَ الدُّعَاءِ مَعَهُ الْمَرْمِيَةُ كَيْفِي الطَّعَامِ مِنَ اللَّيْلِ يَا بَاخِرٌ مَثَلُ الَّذِي يَدْعُو أَبْعَادَ*  
*كُنْزِ الْإِنْسَانِ فِي خَيْرِ دُعَائِهِ إِذَا تَوَلَّى الْبُؤْسَ كَأَنَّ فِيهِ نَفْسًا تَدْعُو إِلَى الْبُؤْسِ مَثَلُ الَّذِي يَدْعُو إِلَى الْبُؤْسِ*  
کسی که دعا میکند بی آنکه عمل صالحی داشته باشد مانند مثل کسی است که تیر انداز از کمان بی زره توشیح و تنویر این مطالب  
عالیه بوسیله سیم بچشم حصول می پوزند و نجم اول در بیان فضیلت دعا و فوائد آنست *بِأَنَّكَ أَفْضَلُ عِبَادَاتِ دُنْيَاكَ*  
*رَاهِ فِي قُرْبِ بِنْدَةِ بِنْدَةِ قَاضِي الْحَاجَاتِ طَرِيقُهُ دَعَاؤُهُ وَتَضَرُّعُهُ وَمُنَاجَاةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ*  
صفات کمالیه آنی زیاده میگردد و توکل و تقویض بجناب مقدس او بد بیشتر میشود و موجب قطع طمعها و علایق دنیوی  
میشود و همین طریق از جمیع ایتمه منقولست که بعد از ادای فرایض و سنن پیوسته مشغول تضرع و مناجات بوده اند  
خصوص حضرت سید الساجدین چنانچه حق تعالی میفرماید که *قَالَ رَبُّكَ إِذَا دُعِيَ عِبْدِي اسْتَجِبْ لِكُلِّ دَعْوَةٍ كَتَبْتُ لَكَ*  
*عَنْ عِبَادِي سَبْعِينَ خَلْفًا تَجِبُ لَكَ فِي كُلِّ دَعْوَةٍ تَدْعُو بِهَا إِذْ دُعِيَ شَارِكًا لِي أَوْ تَدْعُو بِهَا إِذْ دُعِيَ لِي*  
هرگاه کسی دعا کند در هر چه که خواهد خواست و دعا را با کسی شریک نکند یا دعا را با کسی شریک نکند

نگاه در این چیزها از راه

بازن تقیست

و اینکه آنجا عبادت که تکبیر نمایند و سرگشته میکنند از عبادت من زود باشد که داخل جہنم شوند باندلت و خواری و دور  
 ایشان بسیار از آنکه منقول است که مراد از عبادت دین آیه دعا است پس حقیقتی اول امر بدعا فرمود و دیگر وعده  
 آنجا بشنود و در بعد از آن دعا را عبادت شمرده و ترک دعا را تکبیر خوانده و برترکش وعده و دخل جہنم فرموده و در بعضی  
 دیگر فرموده که **وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِحْسَانًا فَلْيَسْأَلُونِي وَأَكْرَبُوا**  
 که **لَعَلَّكُمْ يَرْشُدُونَ** که ترجمه اش اینست که چون سوال نمایند از تو بندگان من از صفت من یا نزدیکی و دوری  
 من یا کیفیت دعا کردن من که آهسته دعا کنند یا بلند پس بگو بایشان که من نزدیکم بایشان بعلم و احاطه و لطف و رحمت  
 و مشاب سبب دیگر دعا می دعا کنند یا در هنگامی که مرا خوانند پس باید که بندگان اجابت کنند مراد دعا کردن که از  
 ایشان طلبیده ام یا آنکه چون من اجابت میکنم در دعا باید که ایشان اجابت من کنند و در جمیع کالیفات من و باید  
 ایمان آورند و وعده من در اجابت دعا یا در ایمان نمودن ثابت باشد شاید که راه راست یا بند و برترشد و صلاح خود  
 سپه بزند و بلند مقبر منقول است که از حضرت امام محمد باقر پرسیدند که کدام عبادت بهتر و افضل است حضرت فرمود که توبه  
 عبادتی بهتر نیست نزد حق تعالی از آنکه از سوال نمایند و از جملتهای غیر متناهی که نزد او است طلب نمایند و چنانچه نزد  
 خدا دشمن تر و بدتر نیست از کسی که تکبیر کند از عبادت الهی که دعا است از عطا تا و جملتهای الهی سوال نماید و از میسر من  
 عبد العزیز منقول است که حضرت صادق فرمود که ای میسر و عابکن و مگو که هر چه مقدر شده است خواهد شد بدستی که نزد خدا منتر است  
 که بان نمیتوان رسید مگر بدعا و مسئلت و اگر کسی در آن خود را ببندد و دعا نکند و سوال نماید از خدا چیزی با و نیاید  
 پس بطلب دعا کند ای میسر هر که درسی بسیار بگوید البته برودیش میکند و در حدیث دیگر فرمود که هر که از فضل خدا سوال  
 نماید فقیر میشود و فرمود که بر شما باد بدعا بدستی که شمار اقرب بنجا حاصل نمیشود و بعد از آن شغل دعا و ترک تکبیر طلب کردن  
 حاجت کو یکی را برای خود می آن حاجت بدستی که حاجت کو چاک و بزرگ همه بدست خداست و در حدیث دیگر فرمود  
 که حضرت امیر المؤمنین میفرمود که محبوبترین اعمال نزد خدا در زمین دعا است و فرمود که حضرت امیر المؤمنین دعا بسیار میکند  
 و بلند مقبر از حضرت رسول منقول است که دعا هر یک مومن است برای دفع دشمنان و عمو و دین است که بان دین مومن برپا  
 و نور آسمان و زمین است و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که بصحبا فرمودند که میخواهید دلالت کنم شمار را بر جز نبوتی که  
 شمارا سخبات دهد از شر دشمنان شمار و وزی شمار از یاد گردانند گفتند بلی فرمود که دعا کنید و بخواهید پروردگار خود را در شب  
 و روز بیدارستیکه تر یه مومن دعا است و حضرت امام رضا فرمود که بر شما باد بجز پیغمبران که آن دعا است و حضرت صادق فرمود  
 که دعا از نوره و تیر کارگر تر است و فرمود که دعا میکند قضا را هر چند که از آسمان نازل شده باشد و محکم گردیده باشد  
 یا آنچه که بسیار دعا کنید دعا کلیه جمیع جملتهاست و موجب فیروزی همه حاجتهاست و بگر امتهای الهی نمیتوان رسید

جان و صفت دعا



مگر بدعا و هر دوی که بسیار بکوبند البته بر روی او میکشاید و در حدیث دیگر فرمود که بر تو باد بدعا که شفای جمیع دردها است  
 و از حضرت امام موسی کاظم منقولست که هر بلا یکبار بنویسد مؤمن نازل گردد خدا او را دعا الهام نماید البته آن بلا زود زایل میشود  
 و هر بلا یکبار بر مؤمن نازل شود و توفیق دعا نیاید ترک کند البته آن بلا بطول می انجامد پس بر شما باد بدعا و تضرع بسو خداوند  
 و حضرت رسول فرمود که دو آئین بسیار از خود راستصدق و دفع کنی انواع بلاها را بدعا و حفظ کنی دعای خود را بدادن کوزه بر تن  
 پنج مرغی کنی آفتد مگر آنکه تسبیح خود را ترک نماید و حضرت امیرالمؤمنین فرمود که دفع کنی مویهای بلاها را از خود بدعا پیش از آنکه بلا نازل  
 گردد و چون آن خداوندی که در اثر اشتیاق گدازد از آن بیرون آورده و حلالت را خلق فرمود که بلا بسوی مؤمن نندری آید از سستی که از  
 بلائی که در پائین آید و از دیدن سپان تن در وقت نعمتی و طراوت عیشی از زندگان بر طرف نمیشود مگر گنایان ایشان و اگر شقیبا  
 کنند بلا را بدعا و تضرع و انابت و توبه برایشان نازل نخواهد شد و اگر وقتی که بلا نازل شود و نعمت از ایشان زایل گردد و بنی اینها  
 برند و تضرع نمایند یا بندهای درست و سستی نوزند در عبادت و بندگی و ترک گنایان بکنند البته خدا هر فاسدی را برای ایشان  
 با صلاح می آورد و بر نعمتی را که از ایشان سلب نموده با ایشان بر میگردد و اندوخت حضرت صادق فرمود که سه چیز است که با ستم و خیر میکنند  
 دعا که در وقت در هر هنگام بلا زدند و استغفار کردن بعد از گنایان و شکر کردن در وقت نعمت و در حدیث دیگر فرمود که حق تعالی  
 در مویهای مؤمنان را از جای چند مقرر فرموده که گمان ننداشته باشند زیرا که بنده هرگاه نداند که سفارش از کجا میرسد و عابسی  
 میکند در حدیث دیگر فرمود که هر که چهار چیز عطا فرماید او را از چهار چیز محروم نمیکردند هر که دعا دادند از اجابت محروم نمیشوند  
 و هر که استغفار از گناه کرد و توبه در پیش از قبول بیغیر بماند و هر که شکر عطا کرد و در نعمتش را زیاده می کند و هر که را صبر و انداز  
 از هر دو آیه محروم نمیکردند آنچه در موسم توبه از هر دو آیه و عیب است بعد از آنکه چون دعا و کلامه و سخن گفتن و پیش  
 نیاز کرد است بر حضرت قاضی الحاجات باید که آدمی دعا را بداند و نمیدهد و با حضور قلب دعا کند و لا اقل آنرا بیکبار دعا  
 طلبید این از مخلوقین که در عجز و ناتوانی مثل او پند رعایت می نماید چنان قدر در حاجت طلبیدن از خداوند عظیم الشان  
 که خالق و رازق و مالک جمیع امور و دست رعایت کند و ظاهر است که اگر کسی حاجتی مخلوقی عرض کند البته پند  
 رعایت میکند اول آنکه بداند که چه میگوید اگر از روی سستی و خجری حرفی گوید یا بزرگی و دلش از آنچه گوید خیره شده  
 باشد اگر سیاستش نکند بختش نیز اعتبار نخواهند کرد پس در هنگام مناجات با خداوند خود باید که دلش خیره شده باشد  
 از آنچه بزبانش جاری میشود و از روی جد و جد و اهتمام طلب نماید و حاجت خود را بجا بخواهد چنانچه از حضرت  
 امیرالمؤمنین علی السلام منقول است که حق تعالی قبول نمیفرماید دعائی را که از دل غافل صادر شود و فرمود که چون  
 از برای سیت خود دعا کنی چنین دعا کنی که دل شما از آن غافل باشد و خیرنداشته باشد ولیکن باید که جد و سستی  
 کنید از برای او در دعا و حضرت صادق فرمود که خدا مستجاب نمیکند دعا کسی را که بادل سخت و صاحب قساوت

میان ستم و انصاف

دعا کنند و در حدیث دیگر فرمود که خدا مستجاب نمی کند دعائی را که با اول فراموشی کار فاعل کنند پس هرگاه دعا کنید  
 اول خود را یا خدا در پیش بقیین کنید که دعای شما مستجاب است و دوم آنکه کسی را که شخصی برای دفع شداید یا دینا میبرد  
 البته پرستنده ملازمست او میکند و در غیر حال شدت با و پناه میبرد تا در هنگام شدت و بلائی که رود هر روی آن داشته  
 باشد که با و پناه برود چنین باید که در روز گاه خالق در حالت نعمت دعا و تضرع کند و خدا را بسبب و فور نعمت فراموش نکند  
 تا در حال شدت تا و سختیها که پناه با و برسد حاجت بر روی بر آورده شود با آنکه هیچ آنی نیست که بنده را صد هزار گونه احتیاج  
 در امور دنیا و آخرت بجانب مقدس ایزدی نباشد چنانچه بسند صحیح از حضرت امام جعفر صادق منقول است که کسی که پیش  
 از نزول بلا میویسته دعا کند چون بلا نازل شود دعایش مستجاب است و ملائکه میگویند که این صدای آشنا نیست  
 و دعای او را از آسمان منع میکنند و کسیکه پیش از نزول بلا دعا نکند بعد از بلا دعایش مستجاب نیست و ملائکه میگویند  
 که ماین صدای را نمی شناسیم و در حدیث دیگر فرمود که میگویند که پیش از امر و زکجا بودی و در حدیث دیگر فرمود که کسیکه از  
 نزول بلائی ترسد پیش از نزول آن بلا دعا کند برای دفع آن بلا خدا آن بلا را هرگز با و نماید و در حدیث دیگر فرمود که کسیکه  
 خواهد دعای او در شدت مستجاب شود باید که در هنگام رخا و نعمت دعا بسیار بکند و بر این مضمون احادیث بسیار است  
 شوهر آنکه کسی که بخلوقی حاجتی دارد و خدمات شایسته برای او میکند که مرضی طبع او باشد و از چیزهای که او کراست دارد  
 اجتناب بنماید تا چون حاجتی از او بخوابد بر آورده شود و چنین در روز گاه خدا هر که عبادت و بندگی و اطاعت الهی بیشتر کرده است  
 دعایش با جابت نزدیک تر است چنانچه جناب مقدس نبوی در این حدیث فرموده اند که دعای عمل صالح از بابت تر  
 انداختن از کسان بی زهد است و از حضرت امیر المؤمنین منقول است که بهترین دعا با آنست که صادر شود از سینه پاکیزه از عیبها  
 و صفات ذمیره و دل پزیرگار و در مناجات است سبب نجات و با خلاص در اعمال خلاصی از عقاب حاصل میشود پس هرگاه  
 که فرح و خوت شما بسیار شود پناه بخداوند خود برید و بسند معتبر منقول است که شخصی خدمت حضرت صادق عرض نمود  
 که حق تعالی میفرماید که دعا کنید تا دعای شما مستجاب گردد و ما دعای کنیم مستجاب نمی شود حضرت فرمود که دعای  
 شما برای این استجاب نمیشود که وفا نمیکنید به پیمانها که حق تعالی از شما گرفته است در عمل نمودن با و امر و ترک نمودن  
 مناهای و حق تعالی میفرماید که وفا کنید بعهده و پیمان من تا وفا کنم بعهده و پیمان شما و الله که اگر شما وفا کنید از برای خدا خدا  
 نیز وفا میکند از برای شما و از لوف بحالی منقول است که حضرت امیر المؤمنین فرمود که حق تعالی وحی فرمود بحضرت عیسی  
 که بگو بگردد و بنی اسرائیل که در نخل خانه از خانه های من نشوند مگر با و لهامی طاهر و پاک و دیدهای خاشع و دستهای پاکیزه  
 از کثافت حرام و شبهه و بگو بایشان که بدانید که از هیچیک از شما دعائی مستجاب نمیکنم هرگاه مظلومی کسی نزد او باشد و مال کسی  
 بظلم و زور او باشد و در ابواب سابقه گذشت حدیثی که هر که خواهد دعایش مستجاب شود باید که کسبش را حلال کند

در روز گاه خالق در حالت نعمت دعا و تضرع کند و خدا را بسبب و فور نعمت فراموش نکند

و این امر بسی ظاهراًست که هر چند آدمی را قریب زیاده میشود و عایش بقبول نزدیک تر است چنانچه نزد پادشاهان ظاهر  
 هر که قریب بیشتر است حاجتش بر او تر است و ایضاً چنانچه سابقاً تحقیق کردیم هر چند مناسبت میان فاعل و قابل بیشتر  
 میشود قابلیت استفاضه زیاده میشود و مانعی که از فیض هست از طرف قابل است هر چند قابل کامل تر میشود مانع کمتر میشود  
 و قابلیت رحمت زیاده میشود و فیض بیشتر فائز میشود چنانچه از شرایط استجاب و کمال معرفت آن خداوند است  
 که از وجابت سیطلبه و سابقاً مجمل اشاره کردیم که هر کسی خدا را بقدری از معرفت شناخته بدخورد آن معرفت از ذی فیض  
 سیرد و از خداوند شناخته خود سوال میکند پس هر قدر که در مراتب قدرت و رحمت و کرم و عظمت و جلال و سایر صفات کمال  
 تمام تر و کامل تر شناخته تاثیرات آن صفات با و زیاده عاید میگردد و باین معنی اشاره دارد آن حدیث که با سائید بسیار  
 منقول است که من نزد گمان نیکوئی بنده خودم که بمن دارد و هر قدر که گمان او بمن نیکوتر است با او نیکوتر معامله مینمایم  
 و بسند معتبر از حضرت امام موسی کاظم منقول است که جماعتی از حضرت امام جعفر صادق سوال نمودند که چه علت دارد که ما دعا  
 میکنیم و دعای ما مستجاب نمیشود حضرت فرمود که زیرا که شما کسی را دعا میکنید که او را نمی شناسید و از حضرت صادق  
 منقول است که چون دعا کنی گمان کن که حاجت تو در خانه است و در حدیث دیگر فرمود که اگر کسی از شما خواهد که از خدا هر حاجتی  
 که سوال نماید با و عطا کند باید که از همگی مردم بایوس و نا امید باشد و امید از غیر خدا نداشته باشد پس چون خدا اینجات  
 را از دل او بیاورد هر چه سوال کند با و عطا میفرماید و این معنی در باب سوال از مخلوقین هم ظاهر است که هر که عظمت  
 پادشاهی را بیشتر میداند و وسعت ملک و خزانه و کرم او را بیشتر میداند توقع عطا از او زیاده دارد و پادشاه نیز در خود متوقع  
 او و شناسائی او با و عطا میکند و در این باب سخن بسیار است و این رساله گنجایش تفصیل آن ندارد و چه هم از شرایط  
 استجابت مبالغه و الحاح در دعا است و الحاح نزد مخلوقین باعتبار تنگی حوصله و قلت کرم ایشان بدنام است اما حق تعالی  
 دوست میدارد بسبب وسعت لطف و رحمت نامتناهی که نزد او در سوال مبالغه و الحاح نمایند چنانچه از حضرت امام  
 محمد باقر منقول است که دانند که الحاح نمی نمایند بنده مومنش از خدا در حاجت خود اگر اینک حق تعالی حاجت او را می آورد  
 و حضرت صادق فرمود که حق تعالی مکره و دشمن میدارد الحاح کردن مردم را بر یکدیگر در سوال از برای خود  
 این را پسندیده و دوست میدارد که از سوال نمایند از آنچه نزد او است طلب نمایند و حضرت رسول فرمود که حق تعالی  
 رحم کند بنده را که طلب نماید از حق تعالی حاجتی را پس الحاح نماید در دعا خواه مستجاب بشود و دعای او خواهد نشود  
 و حضرت جعفر بن الصادق فرمود که بنده چون دعا میکند حق تعالی بیست و دو مقام بر آوردن حاجت او است ما و احم که  
 احتمال نکند و حدیث دیگر فرمود که حق تعالی مراد بندگان خود را میداند در هنگام سید او را دعا میکنند ولیکن دوست  
 میدارد که حاجت نامی خود را بیان کنند و ذکر کنند نزد او ششم از آداب دعا تنفی گردانیدن دعا است زیرا که

بیان شرط الکلله آداب دعا



و نزد ظاهر شدن منجرفه از مجتبی خدا در زمین و حضرت امیر المؤمنین فرمود که کسی را که بسوی پروردگار خود حاجتی باشد در سه ساعت طلب نماید ساعتی در روز جمعه و ساعتی که زوال شمس میشود که در آنوقت باو نامی رحمت می فرود آید و در آنوقت آسمان گشوده میشود و رحمت الهی نازل میگردد و خروس باوازمی آید و یک ساعت و راخ شب نزدیک طلوع صبح بدرستی که در سه دو ملک ند میکند از جانب حق تعالی که آیا کسی هست که درین وقت تو بکنی تا او بانش را قبول کنی و آیا کسی هست که سوال کند باو عطا کنیم آیا کسی هست که طلب آموزش کند تا گناهایش را بیا موزیم آیا کسی هست که حاجتی داشته باشد و عرض کند تا حاجتش را برآوریم پس اجابت نماید در آنوقت داعی خدا را و طلب نماید روزی را در این طلوع صبح تا طلوع آفتاب که آن ذیل تر است در روزی از سفر بگردن برای تجارت و آن ساعتی است که خدا قسمت روزی سپاس بندگان خود میفرماید و فرمود که در بامی آسمان را برای شما میکشایند در صبح وقت نزدیک آمدن باران و نزد هبانی سبیل و نزد اذان و نزد خواندن قرآن و نزد زوال آفتاب و نزد طلوع صبح و حضرت صادق فرمود که ساعتی که در آن است دعا مستجاب میشود در روز جمعه و قیامت که امام از خطبه فارغ میشود و تا وقتیکه مردم نماز بر خیزند و ساعت دیگر آخر روز و چهار تا فرود رفتن آفتاب و در حدیث دیگر فرمود که ساعت استجابت اول بر دال است و از حضرت امام زین العابدین علیه السلام منقول است که حضرت فاطمه صلوات الله علیها فرمود که از حضرت رسول شکیب هم فرمود که در روز جمعه ساعتی است که هر مسلمانی که در آن ساعت از خدا چیزی طلب نماید البته باو عطا میفرماید گفتند یا رسول الله که این ساعت است نزد تو و قیامت نصف قرص آفتاب فرود پس حضرت امام زین العابدین فرمود که حضرت فاطمه سجاد هم فرمود که بر او بر بلندی و چون بپینی که نصف قرص آفتاب غروب کرد مرا اعلام کن که من دعا کنم و آینه های متبر از حضرت صادق منقول است که فرمود که بر تو بادید کار کردن در وقتی که در سجود باشی که بنده در سجود از جمیع احوال بجز آنکه یک تر است بپستی از شکر ایل و آداب دعا نضرع و زیادتى ندلت و شکستگی است چنانچه از حضرت صادق منقول است که هرگاه و شمار ارقتم بمرسد و ما گنید که دل بر توست حاصل نمیشود مگر وقتی که از برای خدا خالص گردد و متوجه خدا شود و آن علامت استجابت است و در دعایش دیگر نمیبود که چون بدن تو بقتضیر و آید و بلرز و چشمانت گریان شود پس در دعا اهتمام کن که رحمت الهی متوجه تو گردیده و هنگام اجابت است و در حدیث دیگر فرمود که اگر از امری خالی باشی یا حاجتی از خدا داشته باشی پس اول خدا را بزرگی و عظمت یاد کن و بر او ثنا کن چنانکه او ترا وار است و صلوات بر محمد و آل محمد بفرست و حاجت خود را بطلب و خود را بگریه بدار و سعی کن که گریه کنی اگر چه مقدار کم گسی باشد بدستیکه پدرم میفرمود که نزدیکترین حالات بندد سجده او در هنگامیست که در سجده باشد و گریان باشد و تضرعاتی که بدست میباشد در حالت دعا موافق احادیث معتبره آنست که اگر هنگام عیب در جابا باشد کف دست را بسوی آسمان کنی چنانچه دست پیش کسی میداری که چیزی بپست دهد و اگر حالت خوفت و بیم پاست

باید از او استجابت دعا

بیان حاجت از باب اول

پشت دستار آسمان میدهاری یعنی من از اعمال خود نا امید شده ام و اکثرت بدی اعمال روی طلب از تو ندارم و در حالت  
تضرع انگشت سبایه راست را بجانب راست و چپ حرکت میدهمی که نمیدانم که از صاحب همین اسم یا از صاحب شمال از نیکوکارانم  
تزو تو یا از بدکاران و در هنگامه قبل و انقطاع انگشت سبایه دست چپ را بلند میکنی و دست میکنی مانند کسی که با برام چیزی  
از کسی طلبد یا اشتهای بآب است که نمیدانم که در اینده خواهی کرد یا پست خواهی گذاشت و در هنگامیکه گریه بسیار شود و اسباب  
و علامات اجابت ظاهر گردد دستار از جانب سر خود بلند میکنی یا از پیش روی خود پیش میبری گویا حاجتم را داده اند و دست من از  
سینک که بگیرم آبی عزیز پس که حق تعالی بآن مرتبه جلالت و عظمت و استغنا و بی نیازی با گذایان خوان مسائش و خوشلک  
کرده و ایشان را رخصت چگستاخیا داده و با آن رفعت شان خود را چه نزدیک گردانیده و باین وسائل بندگان آشنائی  
خود خوانده و بندگان با نهایت احتیاج بوسی چستند خدایانه با پروردگار خود سلوک بنمایند و در چنین خداوند گریه که بپوشه خوان جسم  
برای نیکوکار و بدکار کشیده و میگردد و در این اجازت لیکن ممکنات میسرند و از دست خدا خود را محروم میگردد و اندک نعم بداند کسی را  
که حاجتی بدرگاه بزرگ باشد اول بسیار در بانان درگاه را از خود راضی میگردد و آنکه دخول مجلس پادشاه او را باسانی حاصل شود  
و حاجتش زودتر برآورده شود و در بانان درگاه مالک الملوک فقر و مساکین از باید که پیش از طلب حاجت تصدق بکند تا حاجتش  
زودتر برآورده شود چنانچه از حضرت صادق علیه السلام منقول است که فرمود که در نگاه آمدی از شما بیاید و طبیعت سبایه و باو  
چیزی میدهد و اگر حاجتی بپادشاهی دارد رشوت ببرد بانان بیدار پس اگر حاجتی بخدا داشته باشد باید تصدق خواه کم و خواه بسیار کند و هم  
آنکه اگر کسی حاجتی دارد درگاه هست که در درگاه کریمان حاجت دیگران را وسیله حاجت خود میکند باینکه اول حاجت دیگران را  
مقدم میدارد که آن کریم را خوش آید که او اهتمام بشان دیگران زیاده از خود دارد و این معنی موجب زیادتى روى  
حاجت اوست یا آنکه حاجتی که خود دارد برای دیگران میطلبد تا کریم بداند که با وجود احتیاج خود آن حاجت را برای  
دیگران میطلبد پس آن حاجت را برای او نیز بر وجه اکل روا کند یا آنکه در هنگام حاجت خویشتن دیگران را با خود  
میکند و این معنی نیز خوش آئینده طبع کریم است که آدمی همین در فکر خود نباشد و دیگران را در وقتیکه احسانی با او میرسد  
فراموش نکند چنانچه حق تعالی در سوره فاتحه چنین تعلیم بنندگان فرموده است که در عرض عبادت و طلب استعانت بندگان  
با خود شریک کنند و حضرت رسول فرمود که چون یکی از شما دعا کند دعا را عام بکند و مخصوص خود نگذارد که دعا با استجابت  
تر و یک تر میشود و بسند معتبر از حضرت صادق منقول است که هر که چهل مومن را مقدم دارد و برای ایشان دعا کند  
پس از برای خود دعا کند که دعایش مستجاب میگردد و از حضرت رسول منقول است که دعاى زودتر مستجاب میشود از دعای  
غایبی از برای غایبی و حضرت امام محمد باقر فرمود که نزدیکترین دعا با حاجت دعای مومن است که از برای برادر مومن  
خود کند تا که حاجت او برسد و اگر کسی را که برادر مومن است و از برای او دعا کند و برادر او را برادر خود دعا کردی

چ

عطا میفرماید و حضرت صادق فرمود که دعا از برای برادر مومن خود غایبانه کردن باعث زیادتی روزی میشود و بلا را دفع میکند و از حضرت رسول منقولست که هر مومنی که از برای مومنین دعوات دعا کند خدا بعد و بهر مومنی که گذشته است خواهد آمد از اول تا آخر دنیا مثل آنچه برای ایشان دعا کرده است با و برگرداند و بدستیکه بنده را در قیامت بگرداند که بچشم بر پیش ملائکه او را گشت که بچشم بر بند در آن حال مومنان مومنان گویند که پروردگارا این بنده در دنیا برای ما دعا میگردم و ما را شفاعت ده و در حق او پس خدا ایشان را شفیع گویند و او را شفیع ایشان سجات یابد و از برای همین باشد منقولست که گفت عبد الله بن جنید را در عرفات دیدم که یکس و قوت را از دست بردار نیامد و پیوسته دست با آسمان بلند کرده بود و آب دیداش بر و طرت رویش جاری بود بعدی که بز زمین میرفت و چون مردم از قوت فارغ شدند و برگشتند با و گفتند که هرگز و قوتی بخوبی دقوت نوندیده ام گفت و الله که دعا کند مردم مگر از برای برادران مومن خود زیرا که از حضرت امام موسی کاظم شنیدیم که میفرمود که هر که برای برادر مومن خود دعا کند در غیبت او از عرش او را ندا کند که از برای تو با صد هزار برابر آنچه از برای او دعا کردم و آنچه استم که صد هزار برابر بحق مضمون را بدعا در باره برادر مومن ترک کنم برای یکی در باره خود که ندانم مستجاب شود یا نه و از حضرت علی بن حسین منقولست که هر گاه ملائکه می شنوند که مومنی برای برادر مومن خود دعا میکند یا او را بنیکی یاد میکند یا او میگوید که نیکو برادری هستی از برای برادر خود دعای خیر از برای او میکنی و او از تو غایب است و او را بنیکی یاد میکنی حق تعالی تو را عطا فرمورد و برابر آنچه از برای او دعا کردی و بر تو ثنا گفت و برابر آنچه تو برادر مومن خود را ثنا گفتی و ترست فضل به زیادتی بر او و اگر بشنوند که برادر خود را بدی یاد میکند و بر او نفرین میکند یاد میکند که بد برادری هستی برای برادر خود باز است از بدگویی و نفرین او ای آن کسی که خدا گنا بان در عیب های ترا پوشیده است متوجه احوال خود شود و عیب خود خطس کن و غار را شکر کن که عیب با می ترا پوشیده است و بدانکه خدا بنده خود را بر اثر تو شناسد و از حضرت صادق منقولست که چون ظلمی بر کسی واقع شود و او نفرین کند بر کسی که بر او ظلم کرده است حق سبحانه و تعالی میفرماید که شخصی دیگر هست که گمان میکند که تو بر او ظلم کرده و ترا نفرین میکند اگر میخواهی نفرین ترا و او را هر دو مستجاب کنم و اگر میخواهی هر دو را تا غیر کنم تا عفو و رحمت من هر دو را فراموش کند و از جمله آداب دعا آنست که خدا را پیش از طلبیدن حاجت بیز گواهی و عظمت وجود و کرم ستایش کند و نعمتهای او را بر خود و بر دیگران یاد کند و او را بپوشد نعمتهای شکر کند چنانچه اگر کسی بنزد بزرگی میرود که مطلبی عرض کند از آداب نیست که ابتدا شروع بطلب کند بطلب حاجت است که پیش از مطلب او را ستایش در خور بزرگواری او بکند و حق تعالی در سوره که همه حمد این آداب را تعلیم فرموده است که پیش از عرض حاجت حمد و ثنا فرموده و خود را بر حمانیت و رحیمیت و سایر صفات لطیف و رحمت ستایش فرموده و بعد از آن عبادت را بوسیله امام احاطه عرض کرده زیرا که حاجت طلبان را از معافی در خور توانائی خود کند تا سبب مناسب است و بعد از آن طلب استعانت و هدایت را تعلیم فرموده و ایضا حمد الهی را نعمتهای خود نمودن موافق و عده آئی موجب استعانت است

باید که در دعا دعا را با کمال توجه و خضوع بخواند

و محبت طلبیست که تو خداوندی که پیوسته حسان کرده اگر اکنون نیز احسان نمائی بعیند نیست و نعمتهای خدا را بر دیگران یاد کردن نیز محبت طلبیست که چون همه عالم حسان کرده شر او را هست که بمن نیز احسان کنی چنانچه شخصی نزد بزرگی میرود و قصیده یا نثری بر او میخواند و کرمای او را یاد میکند که بر او نیز کرم کند و لهذا وارد شده است که بهترین دعای دعا با محمد صلی الله علیه و آله است و اینها چون گناگان آدمی موجب مسروری از خیرات و سعادات است پیش از دعا استغفار از گناگان باید کرد تا موجب رفع موانع شود و سحر و شنا و اترقی سبحان مقدس ایزدی حاصل شود که حاجتش برودی برآورده شود. برای این مضامین احادیث بسیار است چنانچه منقولست که مفضل بن عمر رضی الله عنه حضرت صادق علیه السلام عرض نمود که دعای جاستی تعلیم من فرما حضرت فرمود که حمد الهی بکن که چون حمد الهی کردی هر که نماز میکند برای تو دعا میکند که میگویی یا رب اغفر لی این سخن که بیخه خداست حاجت دهد گناگان خود را و در حدیث دیگر فرمود که هر گاه یکی از شما خواهد که از خداوند خود حاجتی سوال نماید از حاجتهای دنیا و آخرت باید که ابتدا کند به شنا و مدح خداوند عالمیان و صلوات بر محمد و آل محمد بعد از آن حاجت خود را بطلبد و در حدیث دیگر فرمود که اول خدا را بصفات کمال مدح کن پس شنا بگو او را بر نعمتهای و شکر کن پس اقرار بگناه خود بکن بعد از آن سوال نما و الله که هیچ بنده از گناه بدر نمی آید مگر با اقرار بگناگان خود و در حدیث دیگر فرمود که هر گاه حاجتی داشته باشی خداوند شنای پروردگار خود نماید بدستی که کسیکه حاجتی از پادشاه طلب نماید از برای او میامیکنند از ستایش بهترین سخنانی را که بر آن قدرت دارد که او را بآن سخن بستاند و فرمود که بدستی که شخصی داخل مسجد حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم شد و دو رکعت نماز کرد و از خدای تعالی حاجتی سوال کرد حضرت فرمود که این بنده تجلیل کرد بر خداوند خود و دیگری آمد و دو رکعت نماز گذارد و بعد از آن خدا را شاکفت و صلوات بر پیغمبر فرستاد حضرت فرمود که حاجت خود را بطلب که خدا عطا میفرماید و از او هم از شکر الکیا دعا صلوات فرستادن است بر محمد و آل محمد زیرا که اگر کسی حاجتی بدرگاه پادشاهی ندارد مناسب نیست که تنه برای مقربین آن پادشاه بفرستد تا ایشان شفیع او باشند و اگر ایشان هم شفاعت نکنند چون آن پادشاه مطلع می شود که بایشان تنه داده و مقربان او را نوازش فرموده او را خوش می آید و حاجتش بر او میگذرد و اینها کسیکه محبوب بزرگوار می است نزد آن بزرگوار مدح او کردن و از برای او مطلب طلبیدن هر چند محتاج طلب آن نباشد آن محبوب آن بزرگوار را خوش می آید که محبوب او را ستایش میکند و باین اسباب صلوات موجب قبول دعا میگردد و نکته لطیف کاملی درین باب در بیان شفاعت کبری گذشت و تفصیل این سخن را در شرح صحیفه کامله بیان کرده ایم و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که دعا محبوب است در آسمان دستجاب نمیشود تا صلوات بر محمد و آل محمد فرستند و در حدیث دیگر فرمود که هر که دعا کند و پیغمبر را یا دعا بر بالایی سرش ایستاده مال میزند و چون صلوات فرستد

بیان در کتاب دعا



بالا میرود و در حدیث دیگر فرمود که هر که نماز حاجتی باشد اول صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد بعد از آن حاجت خود را بطلبد  
 پس دعای خود را ختم کند بصلوات بر محمد و آل محمد بر سنی که خاک بر سنی که خاک بر سنی که خاک بر سنی که خاک بر سنی که خاک بر سنی که خاک بر سنی که خاک  
 زیرا که صلوات بر محمد و آل محمد البته مقبول است و روایت میشود و فرمود که چون نام نپیژند که شود بسیار بر او صلوات فرستند  
 که هر یک صلوات بر آن حضرت بفرستد حق تعالی بر او هزار صلوات بفرستد در هزار صفت از ملائکه و بیخ خلق نماید مگر آنکه  
 بر او صلوات فرستند بسبب صلوات خدا و ملائکه بر او پس کسی که بچنین رحمتی نعمت نماید او جاهل و غافل است و خدا  
 و رسول و الهیبت از او تیراند و حضرت رسول فرمود که صلوات بر من و الهیبت من نفاق را بپهرت میکند و بر وایت  
 دیگر فرمود که صدای خود را بلند کند بصلوات بر من که نفاق را زایل میکند و بلند است بر حضرت صادق علیه السلام  
 منقول است که هر که صد مرتبه بگوید **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ** صد حاجت او بر آورده شود که شتی حاجت از  
 حاجتهای دنیا باشد و بر وایت دیگر فرمود که هیچ عملی در میزان اعمال سنگین تر از صلوة بر محمد و آل محمد نیست و بر سنی که  
 شخص را در قیامت اعمالش را بمیزان میکند از آن سبب می آید حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم صلوات خود را  
 در میزان او میگذارد سنگین میشود و بر اعمال بدش زیادتی میکند و بلند است بر منقول است که حضرت صادق علیه السلام  
 سبب فرمود که میخواهی ترا چیزی تعلیم نمایم که خدا بسبب آن روی ترا از آتش جهنم نگاه دارد گفت بلی فرمود که بعد از نماز  
 صبح بگو صد مرتبه **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ** تا خدا روی ترا از گرمی آتش جهنم نگاه دارد و بلند است بر حضرت  
 رسول منقول است که هر که در روز جمعه صد مرتبه بر من صلوات بفرستد حق تعالی شفقت حاجت او را بر آورده شتی حاجت  
 دنیا و شتی حاجت آخرت و بلند است بر حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون شب جمعه میشود نازل میشوند از آسمان ملائکه  
 بعد از آن هوا یا بعد از مورچگان و قلمای طلا و لوحهای نقره در دست دارند و منی را پسندند تا روز شنبه علی را بفرستند  
 بر محمد و آل محمد پس درین شب و روز بسیار صلوات بفرستید و فرمود که سنت مومنان است که در هر روز جمعه بر محمد و الهیبت  
 او هزار مرتبه صلوات بفرستند و در روزهای دیگر صد مرتبه و حضرت امام محمد باقر فرمود که هیچ عملی در روز جمعه بهتر نیست  
 از صلوات بر محمد و آل محمد و بلند است دیگر منقول است که هر که بعد از عصر در روز جمعه بگوید **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ**  
**لَكَ ضِيَاءٌ بِأَنْضِلْ صَلَاتِكَ وَبَلَاغَتِكَ عَلَيْهِمْ يَا أَضَلَّ بَرَكَاتِكَ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَعَلَىٰ آلِهِمْ وَوَجْهٌ لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ**  
 حق تعالی صد هزار سنه در نامه اعمالش ثبت نماید و صد هزار گناه را محو نماید و صد هزار حاجتش را بر آورد و صد هزار  
 درجه بر او بدهد که داند در وایت دیگر آنست که اگر بفت مرتبه بخواند خدا بعد از هر بنده حسنه عطا نماید و عطا شود آن روز  
 مقبول گردد و جوان مر قیامت تا به پیش خود برسد و در پیشش نوری ساطع باشد و در بعضی احادیث این زیاده است  
 که در آنست **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ** و هر یک ماکه بخواند خوب است و حضرت

در روز جمعه صلوات بر محمد و آل محمد فرستد

امام رضا علیه السلام فرمود که هر که قادر باشد بر چیزی که کفاره گناگان خود را بدین صلوات بر محمد و آل محمد بسیار بفرستد  
 اگر گناگانش را در هم میشکند و حضرت امام علی نقی علیه السلام فرمود که حق تعالی ابراهیم را خلیل خود گردانید برای آنکه صلوات  
 بر محمد و آل محمد بسیار بفرستد و تبت معتبر از حضرت صادق منقول است که هر که باین نحو بر محمد و آل محمد صلوات فرستد که  
 صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَسُولِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَآلِهِمْ  
 اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ از گناگان پاک شود مانند روزی که از مادر متولد شده و از حضرت امام محمد باقر سندی معتبر است  
 که چون عطسه کنید بگویید اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَبَرَكَاتُهُ معتبر دیگر منقول است که هر که  
 صدای عطسه کسی را شنود و حمد الهی بکند و صلوات بر پیغمبر و اهل بیت او بفرستد هرگز برودند آن دورد چشم مبتلا نشود  
 و سندی بسیار از حضرت رسول منقول است که فرمود که هر که صلوات بر من و آل من بفرستد بوی بهشت را نشنود با آنکه  
 بوی بهشت از پانصد سال راه شنیده میشود و تبت معتبر از حضرت منقول است که بجز حضرت امیر المومنین فرمود که بشارت  
 میدهد هم ترا که جبرئیل مرا خبر داد که کسی که از است من صلوات بر من بفرستد و بعد از آن صلوات بر آل من بفرستد در نامی  
 آسمان برای او کشوده میشود و ملائکه هفتاد صلوات بر او میفرستند و اگر گناگار باشد گناگانش میریزد چنانچه برگ از درختان  
 میریزد و حق تعالی میفرماید که لبیک امی بنده من و سعید یک ترا اجابت کردم و دعا عانت تو مینمایم و بلائکه میفرماید که ای  
 ملائکه شما هفتاد صلوات بر او بفرستید که من هفت صد صلوات بر او میفرستم و اگر بر من صلوات بفرستد و بر اهل بیت من  
 صلوات بفرستد میان صلوات او و آسمان هفتاد حجاب بهم رسد و حق تعالی فرماید که لا لبیک و لا سعید یک اجابت تو نمیکند  
 و ترا در دعا عانت مینمایم ای ملائکه من دعای او را بالا میآورید مگر آنکه پیغمبر من عزت او را ملحق سازد پس دعای او پیوسته  
 نور حجاب است تا ملحق گردانند من اهل بیت مرا و اطهار حدیث معتبره آنست که هر وقت که نام مبارک آنحضرت مذکور شود و صلوات بر او  
 و بر آل طهارت او فرستادن و بجهت و در احادیث معتبره وارد است که فرمود که کسی که من نزد او مذکور شودم و صلوات بر من بفرستد  
 که گناگانش آمرزیده شود پس او در است از رحمت الهی و در حدیث دیگر فرمود که بنی خلیل و بدترین بنی خلیلان کسی است که من نزد او  
 مذکور شودم و صلوات بر من بفرستد و در حدیث دیگر فرمود که هر که صلوات مرا فراموش کند راه بهشت را گم کرده است و تبت معتبر دیگر  
 از مالک جندی منقول است که گفت من گل بدست حضرت امام جعفر صادق را دیدم حضرت گرفتند و بو کردند و بر دیده های خود گذشتند  
 و بعد از آن فرمودند که هر که گل را بگیرد و بو کند و بر چشمش گذارد و بگوید اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ هُنَّ زَانِ الْغُلِّ رَابِعًا  
 گفته است باشد که خدا او را بسیار از چشمش موم در بیان سجایا نشدن بعضی از دعاها را بلکه حق سبحانه و تعالی وعده فرموده که دعا  
 بندگان خود را استجاب گرداند البته ضعف در وعده الهی مینماید پس اینکه بعضی از دعاها اثر استجابتش ظاهر میشود بچند وجه جواب بفرستد  
 و در اول آنکه چون حق تعالی حکیم است کارهای او البته منوط بحکمت و مصلحت میباشد پس وعده که فرموده مشروط بحکمت است

بنا بر حدیث معتبره

بنا بر حدیث معتبره

یعنی اگر مصلحت شما باشد مستجاب میکند چنانچه اگر گریه گوید که هرگز از من چیزی میطلب عطا میکند و شخصی بیاید و گوید افعی کشنده بدست من بده یا زهر قاتلی را بده که بخورم و آن سائل ضرر آنها را نداند و داون با موجب هلاک و گرد و البته عطا نکردن و چنین سائل بکرم است بلکه عطا کردن جور است و ظاهراً است که اکثر آرزوهای خلائق موجب ضرر ایشان است و نمیدانند و از روی جهالت سوال مینمایند و حضرت امام زین العابدین در دعای طلب حاجات صحیفه کالمه باین معنی اشاره فرموده است که ای خداوند یکم قبل نمیسازد حکمت او را و سبها اگر کسی گوید که هرگاه چنین باشد دعا چه فایده دارد زیرا که هر چه صلاح بندگان در آنست البته حق تعالی بعمل می آید و جواب میگویم که ممکن است که یک امری بدان دعا مصلحت و عطای آن نباشد و مصلحت مشروطاً باشد پس امور بر سه قسم است یعنی آنست که بدون دعا مصلحت و عطای آن است آنرا بدین دعا که امت میفرماید و بعضی است که با دعا نیز مصلحت و داون آن نیست آنرا مطلقاً منع میفرماید و بعضی است که با دعا مصلحت و عطای آن است ولی دعا مصلحت نیست پس چنین امری عطایش موقوف به عاست و چون آدمی تمیز میان این امور بقتل خود نمینماید که در باید که در جمیع امور متوجه بعضی نذر و سپید اند دعا بکنند و اگر حاصل نشود از دعا مایوس نشود و بدانند که البته صلاح او در آن چیز نبوده که حق تعالی دعایش را مستجاب نکرده با آنکه اصل دعا کردن عبادت است بهترین عبادتها و موجب قرب میشود و حضرت صادق فرمود که دعا کن و گوی که آنچه مقدر شده است خواهد شد بدستیک دعا عبادت است و تفصیل این کلام بعد از این انشاء است مذکور خواهد شد و چه دو هم آنست که هر چه را شرطی چند بیاید و مانعی چند بیاید که تا آن شرط عمل نیاید آن مانع بر طرف میشود و ثمره بر آن فعل مترتب نمیشود مثل آنکه حق تعالی فرموده که نماز کنید تا شمار ایام رزم نماز را شرط است که اگر بدون آن شرط عمل آورد مقبول نیست پس اگر کسی نمازی را وضو بکند نماز نکرده است و سحر آفرینش نیست و همچنین مانعی چند از آن است یا در چنانچه فرموده اند که نماز موجب قرب است اگر کسی نماز نکرده جمیع قبائح را بجا آورد تا شایر آن قبائح که موجب بعد و حرمان است مانع است از تاثیر نماز و در قرب و همچنین اگر طیبی گوید که ریوند سهیل است یعنی اگر با شرطی که مقرر است بخورد چیزی که مانع عمل او باشد بجا نیاید و در سال میکند پس اگر کسی ریوند را بدون سحر که یکی از شرطی عمل آنست یا با یک مشقال تریاک که مانعی عمل آنست بخورد و عمل نکند گفته طلب خطا نشود خواهد بود و همچنین دعا شرطی است چنانچه سابقاً استی از تضرع و زاری و اہتمام و خدا شناسی و عبادت و ترک معاصی و خوردن طلال و تقدیم حمد و ثنا و صلوات و غیر اینها از شرطی و رفع موانع که گذشت پس بهر یک از آنها که اخلال کند دعایش مستجاب نشود و منافات با وعده الهی ندارد و چون اینست در ضمن احادیثی که سابقاً در باب شرطی مذکور شد بوضوح پیوسته بهین اکتفا مینمایم و چه سوم آنست که گاه است که حقیقتاً دعائی را مستجاب میفرماید و مصلحت در تاخیر آن میدانند یا برای اینکه در بی وقت با وضو میسرسانند یا میخواهند که او دعا کند و در حاجات او در مراتب قرب زیاد کرده و اگر نزدی حاجت او را بر آورد ترک دعا میکند و بآن حاجات عالی فائز نیگردد و بسیار

در جواب دعای مستجاب

که حاجت موسی را مستجاب گردانند و بعد از چندین سال باو بندگان چنانچه منقول است که از حضرت صادق پرسیدند که آیا میشود که دعا  
 که مستجاب شود و در رسانیدن باو تاخیر شود فرمود که بلی تا بست سال و در حدیث دیگر فرمود که از وقتیکه موسی و مارون بر  
 فراز آن قوش نفرین کردند حق تعالی فرمود که دعای شما مستجاب شد تا وقتیکه خدا فرعون را هلاک کرد چهل سال گذشت و بعد  
 شرح نقولست که ابن ابی نصر نزد حضرت امام رضا عرض نمود که چندین سال است که از خدا حاجتی سوال میکنم و روا نمیشود از او بر  
 شد این حاجت در علم چیزی بهم رسیده حضرت فرمود که ای احمد زینهار که شیطان را بر خود راه ده که ترا از رحمت خدا نا امید گرداند  
 بدینستیکه حضرت امام محمد باقر میفرمود که بدینستیکه مومن از حق تعالی حاجتی سوال مینماید و خدا تاخیر مینماید استجابت او را پس  
 آنکه دوست میدارد و شنیدن آواز دعا و ناله و زاری او را پس حضرت امام رضا فرمود که والله که آنچه خدا تاخیر میکند و از  
 مومن منع مینماید در دنیا و در آخرت با ایشان میدهد بهتر است از برای ایشان از آنچه در دنیا با ایشان میدهد بدستیکه  
 حضرت امام محمد باقر میفرمود که منرا و انیت که دعای مومن در هنگام غمست و در غم است دعا می آید باشد و وقت شدت  
 و نیاز و چنین نیاز شد که همین که با دعا کفایت است شود و دعا را نگذارد پس باید که مومن را هرگز از دعا محال حاصل نشود  
 و در شکی که در راه رسید و منزلت عظیم نزد خدا هست و بر تو باد و امید کردن در بلاء و تشنگی و غلبه محال نمودن و نماز و حمد  
 و در دنیا که در پی میر از عداوت کردن و معارضه کردن یا در دم بدینستیکه ما اهل بیت صلوات میگیریم با کسی که از ما قطع میکند  
 از دنیا و بدینستیکه با کسی که با ما بدی میکند پس دانند که درین امر عاقبت نیکو مشاهده مینمایم و بدانند که صاحب نعمت در دنیا  
 از او بدی میکند و با دعا کفایت دیگر چیزی غیر از سوال نخواهد کرد و نعمت الهی در نظر او سهل خواهد شد و چون نعمت الهی به  
 مسلمانان بسیار شده و با خطر عظیم است بحجت حق تعالی از خدا بر او واجب میشود و بیم آن هست که فریفته شود و حقوق الهی  
 را از دست بدهد و موجب طغیان او گردد و بگویند که اگر من سخن تو بگویم اعتماد بر گفته من خواهی کرد و گفتند فدای تو گردم  
 اگر بفرموده تو اعتماد نکنم بگفته که اعتماد خواهیم کرد و حال آنکه توحمت خدائی بر خلق فرمود که پس اعتماد بفرموده خدا بیشتر  
 بدستگاهش بدینستیکه خدا توبه کرده است آیا خدا انفرموده است که چون بندگان از تو سوال نمایند از حال من  
 آنچه در من با ایشان نزد یکم مستجاب میکنم دعای دعا کنند که مرا بخوانند و میفرمایند که نا امید نشوید از نعمت الهی و میفرمایند که خدا  
 در هر سینه که شما را بفرستد عظیم از جانب خود و فضل بسیار پس باید که تمام بر خدا زیاده باشد از اعتماد بر دیگران و در خدا  
 تا از هر سینه که از گمان نیک جداوند خود تا گمانان شما آرزیده شوده از حضرت صادق منقول است که بسیار است  
 که حاجت موسی را مستجاب مینماید و تاخیر مینماید تا بعد از آنکه دعا را در حدیث دیگر فرمود که گاه هست  
 که دعا کفایت پس حق تعالی میفرماید بدو ملکی که مویکل اند با او که من حاجت او را مستجاب کردم ولیکن الحال بدید تا  
 که آنکه مومن دوست میدارد که آواز دعا بشنود و گاه نیست که بنده دعا میکند و حق تعالی میفرماید که زود انبیاش بدینستیکه

و در دنیا که در پی میر از عداوت کردن و معارضه کردن یا در دم بدینستیکه ما اهل بیت صلوات میگیریم با کسی که از ما قطع میکند

و در دنیا که در پی میر از عداوت کردن و معارضه کردن یا در دم بدینستیکه ما اهل بیت صلوات میگیریم با کسی که از ما قطع میکند

صدای او را دشمن میدارم و در حدیث دیگر فرمود که پیوسته مؤمن با خیر و حالت نیکوست و امیدوار رحمت حق تعالی است مادامیکه استیصال نکند که نا امید شود و ترک دعا کند را وی گفت که چگونه استیصال کند فرمود که استیصال آنست که گوید که اینقدر مدت دعا کردم و اجابت را نمی بینم و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام است که روزی حضرت ابراهیم خلیل الرحمن در کوه بیت المقدس گشت که چراگاهی برای گوسفندان خود پیدا کند که ناگاه صدای شخصی بگوشش رسید از پی صدا رفت و دید که شخصی مشغول نماز است و طولش دو اذوه شبر است چون فارغ شد حضرت خلیل از او پرسید که ای بنده خدا از برای کی نماز میکنی گفت از برای خدای آسمان حضرت ابراهیم پرسید که آیا بغیر تو کسی از قوم تو باقی مانده است گفت نه پرسید که خوراک تو از کجا بدست می آید گفت در تابستان سیوه این وقت را جمع میکنم و در زمستان بآن معاش میکنم فرمود که منزلت در کجاست اشاره بکوهی کرد که در برابر بود حضرت ابراهیم که مرا با خود نمیسیری که مشب با کوه بریم گفت در میان راه آب غلیظی هست که نمیتوان گذشت حضرت فرمود که تو چگونه عبور میکنی گفت بر سو آب راه میرم حضرت فرمود که مرا با خود بیا شاید خدا بمن هم این کرامت بفرماید که بر روی آب راه روم چنانکه تو کرامت فرمود پس عابد دست حضرت را گرفت و با هم رفتند و چون بآن آب رسیدند هر دو بروی آب روان شدند و گذشتند چون بجانای عابد رسیدند حضرت ابراهیم فرمود که کدام روز عظیم تر است عابد گفت که روز جزا که مظلوم بندگان را از یکدیگر میگیرند حضرت فرمود که بیا دست برداریم و خدا را بخوانیم که ما را از شر آن روز آید گروان عابد گفت که دعای مرا چه میکنی و الله که سه سال است که برای من طلبی دعا میکنم و هنوز مستجاب نشده است حضرت ابراهیم فرمود که میخواهی که ترا خیر دهم که برای چه دعای ترا حبس کرده اند گفت بلی که چون حق تعالی بنده را دوست میدارد دعای او را حبس نمینماید و زود بر نمی آورد تا او بسیار حاجات کند و از جناب تقدس او سوال نماید و تضرع کند و چون بنده را دشمن میدارد دعایش را زود مستجاب نمیکند یا نا امید می درود او می افکند که دیگر دعا نکند بعد از آن فرمود که حاجت تو چه چیز بود گفت که روزی گله گوسفندی بر من گذشت پس نیکو روی با آن گله بود و آن پسری سیوی مشکبوی داشت پرسیدم که این گوسفندان از کجاست گفت از ابراهیم خلیل الرحمن پس من دعا کردم که خدایا اگر ترا در زمین خلیلی دوستی هست بمن بنما ابراهیم گفت که خدا دعای ترا مستجاب گردانید منم ابراهیم دوست خداوند رحمن پس حضرت با او معانقت فرمودند و چون حضرت پیغمبر معجوت شدند معافه مقرر شد و چه چهارم آنست که حق سبحانه و تعالی بعضی از بندگان را که حاجتی طلبند و صلاح ایشان در آن نباشد اضعاف مضاعف آن حاجت را در دنیا و آخرت بدیشان امت میفرماید پس دعای ایشان را رد فرموده و حاجت ایشان را بر وجه اکمل رد کرده است چنانچه اگر کسی از پادشاه طلب نماید و آن پادشاه در عوض جواهری باو عطا کند که صد هزار تومان قیمت آن باشد هیچ عاقل نمیکوید که حاجت را رد کرده است بلکه او را مدح میکنند که از اضعاف مضاعف آنچسائل طلبیده باو عطا فرموده پس در نگاه پادشاه پادشاهان بن گدایان جاہل و سائلان نادان مطالب خسیه را منظور نظر خود میگردانند و از حق تعالی سوال نمینمایند

در استجابات دعاهاست

و آن کریم علی الاطلاق نعمتهای بی انتها و جنتهای بی عدد و حساب را بر عطا میفرماید و قدر آنها را نمیدانند و از عدم حصول آن مطلب خلیس شکایت مینمایند اما آنچه در آخرت بایشان کرامت میفرماید درجات رفیع و مراتب عالیه بهشت است که نامزد محرومان عاجات دنیا و ناکامان عمر غصیبی و فنا گردانیده و چنانچه پسند مقبر از حضرت صادق منقول است که بدرستی که گاه هست که پند در حاجتی خدا را میخواهند حق تعالی میفرماید که اجابت دعای او را تاخیر کنید که من مشتاق او از دغای او بویم پس چون روز قیامت میشود و حق تعالی میفرماید که ای بنده من مرا خواندی و دنیا و اجابت ترا تاخیر کردم و فلان ثواب را بعضی بر تو مقرر ساخته ام و در فلان حاجت دیگر مرا خواندی و اجابت ترا تاخیر کردم و فلان ثواب عظیم را بعضی بتو داده ام پس آن مومن از بسیاری عطایا و ثواب با که مشاهده مینماید آرزو کند که کاشکلی میچ دعای من بر دنیا مستجاب نمیشد و اما آنچه در دنیا عطا میفرماید مراتب قرب و کمالات نامتناهی است که لازم دعاست آبی عزیز بدانکه حق سبحانه و تعالی بنندگان نادان از روی حکمت لطیف هر بانی با طبع حیوان ایشان مدامی نمینماید و بدام و دانه خواهشهای طبع سرکش ایشان از روی حکمت ایشان را بساحت کبر بانی خود میکشاند چنانچه بلا تشبیه بازی را پادشاهی نو بد که شکار کند اگر اول با او گوید که بیا که من ترا بر سر دست خود میگیرم و شب از لوج عزت میگردانم هیچ فایده در تخریب نمیکند بلکه اول او را بطعمه و دانه آشنای او هم خود میگردانند و چون قابل طعمه است خوشش با میدهم و هر جائی که میفرستد بزودی بر میگردد و اگر پدر هر بان طفلی را خواهد که کسب علوم و حقایق فرستد اگر سده هزار دلیل و برهان بگوید برای او فایده نمیکند بلکه اول او را بجزیره و معدن قبابی رنگین و عباسی زرین بکشند آشنا میکنند و چون لذت فهم حقایق و حکمتها را یافت بسیار استهای عظیم او را از ان گنفل باز نمیتوان داشت همچنین این حیوانات در عالم شعور و طفل طبعان منور و چون فضیلتی و کمالی و لذتی و بهره بغیر از خوردنی و پوشیدنی و دینار و درهم و خیل و حشم و سایر لذات جسمانی نیافته اند حکیم مطلق و کریم لایزال با نهایت رتبه عظمت و استغنا و جلال ایشان را بدرگاه خود خوانده که هر چه خواهد از من بطلبید و نمک آتش خود را از من بخواهید و شیری طعام را از من بطلبید تا آنکه از من را در برابرگاه او آورند و از بسایک دعا و توسل و مناجات با نهایت بیگانگی بر تبه آشنائی و قرب فائز گردند لذت مناجات او بیاند و از خلوق رو بر تافته و هیچ دوری در با او داشته باشد زهی کریم بی انتها که بدام و دانه و نمک و شیری بساحت قرب خود میسرماند و بوسیله خواهشهای نفسا نزیب حضرت یزدانی میگرواند و آن جاہل نادان شبیه میکند یا دلگیر است که حاجتم بر آورده نشده است ای اگلسان

و این دعا را در وقت حاجت بخواند

و اگر معنی مناجات و لذت آنرا بفهمی باز برای منافی انگوش از شبنوی و دلدار پیاوند به نواز برای آن محبوب خفته

چشم التفاتی از ایشان بر منی تمام حاجت‌های خود را فراموش میکنی همه‌هاست بی‌نیازت جسم خاکی را همین نیست که او را  
 یا جناب رب الارباب بشانده نصرت مکالمه و عرض حاجات داده اند و کلیدهای خزاین رحمت را بزبانش سپرده اند  
 و متکفل امور و مصلح او گردیده اند و حضرت رب العزت میفرماید که تو دعا کن و نیز خود را بمن گذار و او سرکشی میکند و از تو  
 علم ناقص و جبل کامل خود بر آن جناب گستاخی میکند و تخلم بنماید اگر غفلت عقلمان را بر ایشان نکرده بود باست کسی  
 که این احادیث متواتره را بشنود که حضرت رب العزت میفرماید که حاجت او را بر میآورد و هر کس آن را از او دست میدارم  
 و مشتاق ناله اویم در ناگامی حاجت بر نیامدن از شوق بکام او میبرد و دیگر دست جانش و نشان خود را می‌نگیرد چون نشان  
 نازک شد و عبارت نارساست و مطلب وسیع است سخن را مختصر کرده ختم میکنم این بحث را بذکر جماعتی که دعای ایشان  
 مستجاب است و جمعی که دعای ایشان مستجاب نیست پس بدین ترتیب از حضرت صادق منقول است که کسی اندک دعای ایشان  
 مستجاب است کسی که بی‌حج بیت الله الحرام رود دعایش مستجاب است پس نیک باحوال بازمانده گان او برسد تا در حق شما  
 دعا کنند و کسی که بجدانی سبیل الله رود پس نیکو خلافت کند در اهل ایشان و کسی که بیمار باشد دعایش مستجاب است  
 پس او را بخشیم میآوردید و دلنگ مگردانید و از حضرت امام محمد باقر منقول است که پنج دعاست که از پروردگار عالم محبوب میگردد  
 دعای امام عادل و دعای مظلوم مقتدای باد میفرماید که البته از برای تو آقام میکنم اگر چه بعد از منی باشد و دعای فرزند صالح از برای  
 پدر و مادرش و دعای پدر و مادر از برای فرزندش و دعای عیسی از برای مادرش و دعای یونس از برای پدرش و دعای هر که ترا در روز  
 کرامت کردم و از حضرت رسول منقول است که هرگز از فرزند مظلوم که دعای او را از محرابی بیا سگدازند تا آنکه حق تعالی بسپارد  
 آن نظر میفرماید و میگوید بلند کنید دعای او را که من مستجاب میکنم و هرگز از فرزند پدر که از شمشیر تیرت در حدیث دیگر نبرد  
 که چپا کس اندک دعای ایشان رونید شود تا آنکه در نای آسمان برای ایشان گشوده میشود و دعای ایشان بجزش میرسد دعای پانزده  
 فرزند و فرزند مظلوم بر ظالم و دعا که بجهت رفته باشد تا برگردد و دعای زوجه دار تا فطرناید و از حضرت امام جعفر صادق منقول است که  
 سه دعاست که از مقتدای محبوب میگردد و دعای پدر برای فرزند اگر با وی یکی کند و فرزند پدر بر فرزند اگر باق او گردد و فرزند مظلوم بر ظالم  
 و دعای مظلوم برای کسی که او را یاری کند و حق او را از ظالم بگیرد و دعای مومنی که در حق باور و شوقی دعا کند که با او مسادات و  
 احسان کرده باشد برای خوشنودی الهیبت رسول و فرزندنی که مومن بر کسی کند که محتاج باشد به باشد مضطر  
 باشد و او قدرت بر مواسات و احسان با او داشته باشد و کند و بسند معتبر دیگر از ائمه منقول است که پنج کس اند  
 که دعای ایشان مستجاب نیست هر یک حق تعالی طلاق زنش را بدست او گذاشته و آن زن او را آزار میکند و با  
 وار که هر او را بدد او را را کند و نمیکند و بر او نفرین میکند و شخصی که فلامش سحر تبه بگیرد و او را نفرود شد و بطرف  
 نفرین کند یا چون بار دیگر بگیرد و دعا کند که خدا با او برگرداند و شخصی که در زیر دیوار ختم شده شکسته کند و در تنگ کند

دعای که در دعای ایشان مستجاب است





پنهان میکند و مخفی میدارد و خدا البته آنرا برای مردم ظاهر میکند و اندک که او را در دنیا زینت بخشید یا آنچه ذخیره فرموده است از  
 برای او از ثواب بخت و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که محبوب ترین اعمال نزد حق سبحانه و تعالی نماز است و آن آخر  
 وصیت پنجم بر آنست پس چه بسیار نیکوست که شخصی غسل کند یا وضو بسازد و وضو را کامل بجا آورد پس بکناری رود و بپوشد  
 او را نه بپوشد حق تعالی بر او مطلع گردد که گاهی در رکوع است و گاهی در سجود بدستی که بنده هرگاه سجده کند و سجده را طول دهد  
 شیطان فریاد میکند که وای پلایه فرزندان آدم لطاعت خدا نمودند و من عصیان او کردم و ایشان سجده کردند و من از سجده ایبا  
 کردم و احادیث بسیار دلالت میکند بر اینکه عبادات واجب و نماز واجب و زکوة واجب و غیر آن علانیه کردن بهتر است که  
 آدمی مستتر تبرک و اجبات نشود و موجب نجات دیگران گردد و اینها را در آن بسیار بنیاد شده چون حق واجب از صیفت دور آید  
 حقوق لازم چندان فخری و دنیائی میباشد چنانچه پسند معتبر از حضرت صادق منقول است که هر چه را خدا فرض و واجب گردانید  
 علانیه کردنش بهتر است از پنهان کردن هر چه پنهان باشد پنهان کردنش بهتر است از علانیه کردن اگر کسی زکوة مالش در شرف ببرد و علانیه  
 قسمت نماید بر آئینه نیکو و جمیل خواهد بود و بر این مضمون احادیث بسیار است خصوصاً نماز و حجب که جماعت واقع ساختن در ساجد و سجده  
 بجا آوردن فضیلت نامتناهی دارد پس احادیثی که در باب این عبادات واقع شده است مراد از آنها عبادت های سنت است یا مراد از  
 که از باب سمع خود مردم تشفواند و افتخار با آنها نکند و آنچه در این حدیث وارد شده است چون شتمل باذان و اقامه است  
 بر نماز سنت حمل نمیتوان نمود زیرا که در نماز سنت اذان و اقامه بدعت است پس حمل میکنیم بر اینکه در صورتی که در پیشین  
 صحرائی تنامانده باشد و با وجود تنهایی خدا را فراموش نکند و با ادب و شکر ایضا متوجه عبادت شود حق تعالی بسبب اینکه اذان  
 و اقامه گفته تدارک آن میفرماید و ملائکه را برای او میفرستد که با او اقتدا کنند تا از ثواب جماعت نیز محروم نباشد نه اینکه آدمی  
 خود دست ترک جماعت کند و بصحرائی رود که کسی نباشد و خود را از فضیلت جماعت محروم گرداند و بدانکه نماز شب سنت است  
 بینمیران و دوستان خداست و شتمل بر فضائل بی انتهاست و هنگام رازگفتن یا قاضی الحاجات است و چون آدمی در نماز شب متوجه  
 شدن شاغل دنیوی تشویش بسیار در خاطر بزم میرسد و اعمال در حضور قلب کمتر میباشد و چون مردم نیز بر افعال نیکس مطلع میگرددند و غلبه  
 در آن شوار است و چون آدمی در اول شب خوابید چون بر بخیزد و در آخر شب نفس از حیالات و وسوسه خالی است حضور قلب آسان  
 است چون کسی چندان مطلع نیست عمل با خلاص نزدیک تر است چنانچه حق تعالی میفرماید که **إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ هُمُ أَشَدُّ**  
**وَعَطَاؤُهُمْ قِيَادًا** که ترجمه اش آنست که بیدارستیکه نفسی که در شب بعبادت الهی قیام بیناید یا عبادتی که در شب حادث میشود  
 یا ساعتها که در شب نشانی میشوند ثبات قدم و زمین در آن شوار است چون ترک خواب نمودن و عبادت بر خاستن در شوار است  
 یا آنکه موافقت دل با زبان در آن بیشتر است و دل خبردار و از آنچه بر زبان جاری میگردد و در بخشش مست تر است یعنی دعوی اخلاص  
 در بندگی نیکو نماید صادق تر است چنانچه از حضرت صادق منقول است و تفسیر این آیه وارد شده است که مراد آنست که آدمی بر خیزد از زخمت غلب خود

بیت

بیت

و غرضش رضای خدا باشد و غیر او منظور نباشد یا آنکه حق تعالی بر او آن تاریکی شب نورنا و فیض و رحمت با هست  
 که لذت آنها را مستبدان می یابند و با سائید بسیار از بی منتاز و ایضا طهارت منقول است که شرف مومن بر غاستن اوست بنماز  
 شب و عزت مومن با بزرگترین بر خود است از مردم و آن حضرت صادق منقول است که بر شایان و بنماز شب بدینیکه آن سنت پیغمبر شاست و در  
 صاحبان پیش از شاست و دفع کننده در دست از بدنه های نماز و موهله نماز شب در اسفید میکند و خوشبو و خوشبو میگرداند و سبب برود  
 میگردد و در حدیث دیگر فرمود که مال و فرزندان زینت زندگانی دنیا است و بهشت کت نماز که بنده در آخر شب میگذارد زینت آخرت است  
 و آینه متین منقول است که شخصی خدمت حضرت صادق آمد و شکایت از احتیاج و بی چیزی می کرد و افراط کرد و شکایت تا آنکه نزدیک  
 بود که از گزندگی شکایت کند حضرت فرمود که آیا نماز شب میگذاری گفت خیر حضرت با حساب آن فایده نمودند و فرمودند که دروغ  
 میگویند کسی که دعوی میکند که نماز شب میگویم و در روز آخرت است حق تعالی نماز شب را بر او نازل کند و در روز قیامت است و حضرت امیرالمؤمنین  
 فرمود که نماز شب موجب صحت بدن است و سبب خوشنودی پروردگار میشود و در کتاب باطلاق به غیر آن است و تعرض شدن  
 رحمت الهی است و از حضرت صادق منقول است که گاه هست که بنده بخیزد و نماز شب و خواب بر او غالب میشود و او از آنجا  
 راست در بیابان بیدار میشود و نمیشناسد اینست و این چه سپید پس حق تعالی او میفرماید که ای آسمان میکشایند و بلاگه میفرماید  
 که نظر کنید بسوی بنده من که چه زحمت بخود میرساند در تقرب جستن بمن در چیزی که بر او واجب نگردانیده ام و از من امید کنید  
 از سه چیز دارد که یا گنا هوش را بیاید زخم یا تو باش از نماز که در انجم یا روزیش را زیاد کرد و انجم ای ملائکه شمارا گواه بگیرم که هر سه را  
 با و گرفتار است که مردم در حدیث دیگر فرمودند که نماز شب روزانیکو میگرداند و آدمی را در خواب میگرداند و روزی را زیاد میکند و باعث  
 قرض میشود و نعمها را از اهل میگرداند و چشمه را با بلامیدهد و در حدیث دیگر فرمود که خاصنانی که در آن خانه نماز شب میکنند  
 و عبادت قرآن در نماز شب بنمایند اهل آسمان را روشن میگرداند و چنانچه ستاره های آسمان اهل زمین را روشن میدهند  
 و در حدیث دیگر فرمود در تفسیر آن آیه که حق تعالی میفرماید که حسانت و نیکبها به پیمان گنا بان را بر طرف میکند که مراد اینست  
 که نماز شب که مومن میکند گنا بان را بر طرف میکند و آن حضرت سوال منقول است که هر که را خدا نماز شب روزی فرماید از او  
 بارمان و چیزها نماند از برای خدا و وضوی خاص بر ما در او از برای خدا نماز کند با نیت صادق و دل سالم از بدیها و بدن با خشوع  
 و خیر بریان در تعالی در عقب او ثبوت از ملائکه شرف فرماید که عدد آنچه در عرضی از ملائکه باشند بغیر خدا احصا نتواند نمود و یک طرف هر صفت  
 در مشرق باشد و طرف دیگر در مغرب پس چون نافع شود و عهد و کن ملائکه از برای او در جات نویسد و آینه دیگر از آن حضرت منقول است  
 که چون بنده در میان شب تاریک بنشیند و با او نور خلوت کند و با او مناجات کند و از بگوید در تعالی تومی و در دل وثابت گرداند  
 و هر گاه که گوید یا رب یا رب خداوند جلیل تر گوارا و از آن فرماید که لبیک ای بنده من ازین سوال کن تا عطا کنم بر من تو ظل کن تا  
 اموات را کفایت نماید پس بلاگه میفرماید که ای ملائکه نظر کنید بسوی بنده من که خلوت و تنها در نگاه من آمده در میان شب تاریک

در هنگامیکه لجالون از من غافل اند و غافلان در خواب اند گواه باشید گنگنان او را آمرزیم و در حدیث دیگر فرمود که جبیل  
 پیوسته هر نماز شب وصیت میفرمود تا آنکه گمان کردم که نیکان است من خواب نخواهند کرد که مباد نماز شب از ایشان فوت شود  
 و فرمود که یا علی سه چیز است که موجب فرح و شادی مومنان است در دنیا ملاقات کردن برادران مومن را و اطفال نمودن از سر زده  
 و تشکر کردن از خدای عزوجل که حق تعالی ابراهیم را خلیل خود گردانید برای اینکه طعام بسیار بر مردم نچرخانید و در شب نماز میکرد و در هنگامیکه  
 مردم در خواب بودند و بسند صحیح از حضرت امام محمد باقر منقول است که هر که ایمان بخدا آورد و قیامت وارد پاییکه شب او بسر نیاید بجز نماز  
 و توبه و تقوی است که شخصی بخدایت حضرت امیر المومنین عرض نمود که یا امیر المومنین من محروم شده ام از نماز شب فرمود که تو مرد  
 گنگنان ترا در بند کرده است و حضرت رسول فرمود که دو رکعت نماز که در میان شب بخم محبوب تر است نزد من از دنیا و آنچه  
 در دنیا است و از حضرت رسول منقول است که مادر سلیمان با شخص گفت که زینهار که در شب خواب بسیار کنی که بسیاری خواب  
 در شب آدمی را در قیامت فقیر بگیرد و آنکه بسند معتبر منقول است که شخصی بخدایت حضرت امیر المومنین آمد و از فضیلت نماز کردن  
 در شب و قرآن خواندن در آن سوال نمود حضرت فرمود که بشارت با تو را که هر که در شب را از برای خدا نماز کند از روی اخلاص  
 و عرضش محض رضای الهی باشد حق تعالی بلائیکه فرماید بر این بنویسد بعد از پنج از آب رود نیل سیر و پدید آید و برکت بعد هر چه  
 در جنتی و شامی و مرغی که بر روی زمین میرود و سیله نیک شب را نماز کند حق تعالی ده دعای او را استجاب گرداند و در قیامت نامه  
 را بدست برایش دهد و کسیکه هشتیک شب را نماز کند خداوند عالمیان ثواب شیدی که در جنگ ثابت مانده باشد و بانیست راست  
 و درست جهاد کرده باشد تا شهید شده باشد یا در کرامت فرماید و او را در اهل بیت و یاران ایشان در قیامت شفاعت کرامت فرماید و  
 هر که هفتیک شب را نماز کند چون از قبرش معوض شود و ریش مانند ماه شب چهارده باشد و از صراط بگذرد یا ایستادن هر کوشش یک  
 شب نماز کند حق تعالی او را از توبه کاران بنویسد و گنگنان گذشته او را بپامزد و هر که پنجیک شب را نماز کند حق تعالی او را در جنت بریم  
 خلیل الرحمن در بهشت ساکن گرداند و هر که چهاریک شب را نماز کند در قیامت داخل اول فائزان و در ستگاران باشد نماز  
 بگذرد مانند باد شد و غسل بهشت شود و حساب و هر که سه یک شب را نماز کند هیچ ملکی نماید که از روی منزلت او نزد خدا نماید و در قیامت  
 با گویند که از هر درسی از درهای بهشت که میخواهی داخل شود هر که در نصف یک شب نماز کند اگر هفتاد مرتبه روی زمین را بطلا کند  
 و با او دهند با ثواب آن برابری نکنند و این عمل نزد خدا بهتر باشد از آزاد کردن هفتاد بنده از فرزندان اسماعیل و هر که در وقت  
 یک شب نماز کند حق تعالی با او کرامت فرماید از ثواب دست بعد در یک بیابان عاج که کشته گشته از کوه احد ده مرتبه سنگین تر  
 باشد و هر که یک شب تمام را نماز کند که گاهی تلاوت قرآن نماید و گاهی در رکوع باشد و گاهی در ذکر خدا باشد  
 آنقدر از ثواب با و عطا فرماید که کشته گشته آن باشد که بسبب آن از گنگنان بیرون آید مانند روزیکه از مادر متولد شده و بعد  
 خلق خلایقات در نامه عملش نهی شود مثل آن در جات از برای او بلند کنند و قبر او را حق تعالی منور گرداند و گناهان او را

در شب

در شب

از دل او برود و او را از عذاب قبر پناه دهد و بر آیه نزاری از آتش جهنم برای او نبوسند و در قیامت با ایمان از اهل  
قیامت محسوب شود حق تعالی بفرماند که ای ملائکه من نظر نماید بپنده من که کیش را عبادت اجیا کرد برای طلب شکر  
من او را در جنة الفردوس ساکن گردانید و در آن بهشت با او بی صد هزار شهر و در هر شهری جمیع آنچه نفوس عرش آن داشته  
باشد و دیده با آن لذت یابد و بخاطر کسی خطور نکرده باشد برای او مقرر کنی سوای آنچه من از برای او مقرر کرده ام از گناه  
و مزید الطاف و قرب جناب مقدس خود و در این باب اخبار بسیارست و کیفیت نماز شب و دعاهای آن در کتابهای دعا  
و حدیث مذکور است باید که با آنها رجوع نمایند و والد فقیر علیه الرحمه و الرضوان رساله پای کبیر و صنیر درین باب تالیف نموده  
باید که آنها را تحصیل نمایند و اگر درین کتاب متوجه کیفیات و احکام عبادات شویم بسیار بطول میکشد یا با ذکر صامن  
رجل جعل حیفته فی بقعه من بقاع الارض الا تشهدت له بعد ایوم الیقین و صامن منزل نیرال  
قوم الا و اصبح ذلت المنزل یصلی علیهم ما ویلعنهم یا باذکر صامن صبحه و لا یصلی الا و یصلی  
الارض ینادی بعضها بعضا یا جارتی هل یرک ذاکر الله او عید و وضع حیفته علیک ساجد الله  
فمن قائل لا ومن قائله نعم فاذا قالت نعم اهترت و ابتهجت و ترقی ان لها الفضل علی جارتها  
ای ابو ذریح کس پیشانی خود را بر بقعه از بقعهای زمین بزن و نیکدار دیگر اینکه شهادت میدهد آن بقعه زمین بر سجده  
او در روز قیامت هیچ منزلی نیست که جمعی در آنجا فرو آیند گمانیکه چون صبح میشود آن منزل یا بر ایشان صلوات میفرستد  
اگر عبادت آبی در آن کرده باشند یا ایشان اغت میکنند اگر کسیت خای روی آن کرده باشد آبی ابو ذریح صبح و پیمینی نیست مگر آن بقعها  
و قطعهای زمین بعضی از آنها و دیگر از آنها میکنند که ای بسایگان من ای کسی بر شامگندشت که یاد کند حق تعالی را یا بنده پیشانی خود را بر روی  
شامگندشت که از برای خدا سجده کند پس بعضی میگویند بل پس آن قلعه زمین که گیوید بلی بر خود می بالد و شادی میکند  
و افتخار نماید و خود را بر هر سایه های خود تفضیل میدهد بسبب اینکه عبادت آبی بر روی آن شده بد آنکه غفلت آدمی را بخوبی  
مغرور گردانیده که جمادات از او بسیار تر اند و قدر عبادت و بندگی خدا را از او بیشتر میدانند و توحیه این انجمن بسیار  
میتوان نمود اول آنکه محمول بر نیتش باشد و جمادات را یک نحو شعور ضعیفی بوده باشد چنانچه حق تعالی بفرماید که هیچ چیز نیست  
مگر آنکه حق تعالی را شکر و تسبیح میکند و تلبس سجده است ولیکن شامیج آنها را نمیفهمید و وهم آنکه این سخن بروج تقدیر  
باشد یعنی اگر شعور پیدا کنند چنین میگویند سو هم آنکه مراد از قطعهای زمین اهل آن قطعها باشد از ملائکه و صاحبین جن که در  
قطعهای زمین ساکن اند و عبادت میکنند و کسب متبر منقول است که شخصی از حضرت امام جعفر صادق سوال نمود که آدمی نماز را  
تا فله زور یک موضع بجا آورد بهتر است یا تفریق کند و در مکانهای مختلف واقع سازد حضرت فرمود که بلکه بهتر آنست که در جای  
مختلف بجا آورد زیرا که این مکانها برای او شهادت میدهند و در روز قیامت و با سائید معتبر منقول است که هر چه عبادت کند

کتاب

کتابهای تالیف شده

ع

در مجلسی جمع شوند خدا را در آن مجلس یا بکنند و صلوات بر پیغمبر و آل اطهار او نفرستند آن مجلس در قیامت موجب صحت و  
 وبال ایشان خواهد گردید بابا ذر ان الله جعل ثناؤه لما خلق الاكرم من خلق ما فيها من الشجر لعلكم  
 في الاكرم من شجرة يا بنيها كينها ادم الا اصحابها صنفا فلهن في الارض والشجر كذالك  
 حتى تكلم فخر بنی ادم بالکامة العنقا تو اتم لتخل الله ولدا فلما قالوا تسعرا لارض من عيب صنفه الاشجار  
 ای ابو ذر چون حق تعالی زمین را خلق فرمود و خلوق نمود آنچه در زمین است از درختان بیج درختی در زمین نبود که بنی آدم  
 بتر و آن درخت بیاید مگر آنکه از این منقش بر آمدند و پیوسته زمین درخت چنین بر نفع بود تا هنگامیکه بنی آدم تکلم نمودند  
 بان که بنی آدم برای بزرگ گفتند که خدا فرزند را در پس چون این را گفتند زمین بر خود بلرزید و نفع درختان بر طرف شد حق جل  
 و علا فرماید ان الله انزلنا من السماء ماء فاصبنا به الارض فاصبنا به الارض فاصبنا به الارض فاصبنا به الارض فاصبنا به الارض  
 که تزیینش اینست که بویست که آسمانها از زمین کاشته شود از عظمت و شاعت این سخن زمین شگانه شود و در افق کوه تا  
 در زیره ریزه شوند بخت آنکه در اندام برای خداوند خلق فرزند می دانند از نیست خدای را که فرزند بگیرد بلکه هر چه در آسمان و  
 زمین است همه مخلوک و بند خداوند و این کلمه تیره را گفتند و پیش گفتند که ملائکه و فرشتگان خدا بند و پیوسته گفتند که عزیر پسر خدا است  
 و نصایب گفتند که عیسی پسر خداست تعالی الله عما یقولون الظالمین کفرنا و انما یستعبدون و انما یستعبدون و انما یستعبدون  
 که حق تعالی بیج درختی خلق فرموده مگر آنکه میوه داشت پس چون مردم گفتند که خدا فرزند گرفته است برای خود نصف درختان  
 میوه ایشان بر طرف شد و چون شریک از برای خدا قرار دادند درختان خار بر آوردند و از حضرت رسول منقول است که  
 پیغمبری از پیغمبران را بسوی قومش فرستاد و چهل سال در میان ایشان ماند و ایشان را دعوت نمود و هیچیک از ایشان با او  
 ایمان نیاوردند و ایشان عیدی داشتند که در آن عید در کینه خود جمع میشدند پس آن پیغمبر در یکی از عید نامی ایشان  
 بکنیه ایشان رفت و بایشان گفت که ایمان بخدا یاورید ایشان گفتند که اگر تو پیغمبر خدایی و با یکن که خدا میوه باید بزرگ  
 جامهای ما در آن روز جامهای زرد پوشیده بودند آن پیغمبر رفت و چوب خشکی حاضر گردانید و دعا کرد آن چوب بنفشه و میوه  
 زرد آلود و ایشان هگی خوردند و هر که خورد و نیت این داشت که مسلمان شود بر دست آن پیغمبر است آن زرد آلود و دانش  
 شیرین بیرون می افتاد و هر که نیت داشت که مسلمان نشود مستطیع از دانش بیرون می آمد حاصل این سخنان اینست که آدمی  
 به بیهای گفتار و کردار خود را از جنسهای صوری و معنوی محروم میگردد و چنانچه به بیهای بنی آدم نفع درختان طاهری بر طرف  
 شده و پرخار و خاشاک گردیده همچنین درختان معنوی از علم و کمالات که از مزایع دلها و باطنین سینهها سرور دیدنی شود و کم فایده  
 گردیده چنانچه از آن روز که شیطان تصویف باطل را در میان مردم در آورد و جناب مقدس بایزیدی را با هر نفس و خاشاک میخوردند  
 زمین و لهامی دانا یان بر خود بلرزید و از غمات و شجرات علم و دانا فی ایشان بهره نبردند و جالت فدیسان مردم کمال شد چنانچه

پیغمبر است  
 درختان با سوره اوله

حق تعالی مثل زوده است سخن نیکو را بد زشت میفرماید آنکه تر کف صخره بگردد مثلاً کُلُّ طَبِئَةٍ كَسِيحٌ وَحَبِئَةٌ كَاضِلَةٌ  
 قَائِمٌ وَكَرْعَةٌ فِي الشَّجَاءِ تَوَلَّى أَكْلَهَا كُلَّ حَيْثُ يَأْتِيهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَشْجَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ  
 ترجمه ظاهر اینست که آیه ای بینی که چگونه پروردگار تو مثل زوده است کلمه پاکیزه را که ایمان و معارف حق باشد بد زشت طیب و نیکو  
 که پیش محکم یافته و شاخش در آسمان باشد یا بجانب آسمان کشیده شده باشد که سید هر سیوه خود را در هنگامی باذن و مشیت  
 و اراده پروردگارش و نیز خداستلماً برای مردمان شاید که تذکر شوند. بیا بند حق تعالی را و بعد ازین میفرماید که مثل زوده است  
 و حیث که کلمه کفر و عقاید فاسده است مانند درخت ناپاک تلخی است که از روی زمین بلند شده باشد و گنده باشد و آزار ریشه و شاخها  
 و ثباتی نیست و وجه الطبیق این تمثیل بر خطا ظاهر است که ایمان و عقاید حق ریشه اش محکم میباشد و تشکیکات و تسویلات  
 متزلزل نمیشود و بزودی بر طرف نمیشود چنانچه ظاهر است که این مذہب حق شیعہ با آن دشمنان قوی که در هر عصری داشته اند  
 نتوانستند که آنرا نایل گردانند و آن مذہب های باطل شعلهای خش و خاشاک بود که نمایشی کرد و در اندک روزی مضمحل شد  
 و درخت حق ریشه اش ثابت و محکم است و سر آسمان رفعت کشیده و ثبوت پروردگارش چه سیوه های رنگارنگ از انواع عبادات  
 و معارف و کمالات در هر لحظه و ساعتی برای الهی میسرید و اشقیای از آن محروم اند یا با دشمنان اکابر صنیعتی علی الملح من  
 اذا مات اربعین صبحگاه آبی بود بر دستیکه زمین میگرید بر من بعد از فوت او چهل روز همان احتمالات فقره سابقه  
 در اینجا جاریست با آنکه در اینجا مجاز شائع است که مصیبت را که عظمت یاد میکنند میگویند که آسمان و زمین بر او میگرید و این  
 قسم اخبار را مشهور تا دلش نشدن و بر ظاهر گذاشتن با حقیقت او است و بسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر صلوات الله علیه  
 منقولست که چون موسی بمید و گریه میکنند بر او ملائکه و بقعهای زمین که در آنها عبادت پروردگار میکرده در رای آسمان که اعمالش  
 ازان در نایاب بوده اند و از فوت او خند و سلام میدادند و که هیچ چیز آن رخند را نمی بندد زیرا که مومنان فقیه و عالم صلواتی سلام  
 اند که اسلام را از ضرر منافقان و کافران و شیاطین حفظ میکنند چنانچه حصار شهر اهل شهر را حفظ میکنند بدانکه فضیلت مومنان  
 زیاده از آنست که حد و احصا توان نمود چنانچه بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر منقولست که خداوند عالمیان را در وصف نمیدارد  
 و چگونه او را وصف توان نمود و حال آنکه در قرآن میفرماید که وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ تَعْلِيمَ نَكْرَهُنَّ خَدَّارًا وَعَظْمُتَ أَوْرَا  
 نَدْنَهُنَّ نَحْنُ نَزَّارُ عَظْمُتَ أَوْسَتِمْ هَسَّ هَسَّ خَدَّارُ عَظْمُتَ نَكْرَهُنَّ نَكْرَهُنَّ نَكْرَهُنَّ نَكْرَهُنَّ نَكْرَهُنَّ نَكْرَهُنَّ نَكْرَهُنَّ نَكْرَهُنَّ نَكْرَهُنَّ  
 و بدستیکه پیغمبر را وصف نمیتوان نمود و چگونه و وصف توان نمود بنده را که حق تعالی از بهفت حجاب او را گفتمند و با او  
 گرفت و طاعت او را در زمین مانند طاعت خود گردانید و فرمود که آنچه رسول بفرماید و برای شما بیاورد و اخذ کنید و  
 عمل نمائید و آنچه شما را ازان نمی نماید ترک کنید و فرمود که هر که اطاعت نکند اطاعت من کرده است و هر که نافرمانی  
 اید کند عصیان من کرده است و امور دین را با و مفوض گردانید و اهل بیت را و صف نمیتوان نمود و چگونه و صف توان نمود

تمثیل زوده است

ترجمه این آیه در حدیث است

باید

جمعی را که حق تعالی هر شک و شبهه و گناهی را از ایشان برداشته و ایشان را از هیچ عیبی و بدی باطل گردانیده و مومن را در صفت  
 مستوران نمود و بدستیکه چون مومنی بر لور خود را ملاقات مینماید و با او مصافحه میکند چو مستحق تعالی بسوی ایشان نظر  
 جست میفرماید و گنایان از روی ایشان میریزد و چنانچه برگ از درختان میریزد و از حضرت صادق صلوات الله علیه  
 منقولست که چون دو مومن دست در گردن یکدیگر میکنند رحمت الهی ایشان را فرو میگرداند و چون یکدیگر را در بر میگیرند از برای  
 محض رضای خدا که عرضی از آن عرض دنیا نداشته باشند با ایشان میگویند که گنایان شما آفریده شده عمل را از سر گیرید و چون  
 با یکدیگر شروع بسوال میکنند ملائکه کاتبان اعمال یکدیگر میگویند که در شویید از ایشان شاید که متری داشته باشند  
 و خداست ایشان را پوشیده است راوی گفت که عرض کردم که پس سخن ایشان را نمی نویسد و حال آنکه حق تعالی میفرماید که هیچ  
 سخنی نمیگوید مگر آنکه نزد او نگهبانی و حافظه میسازد حضرت آری کشیدند و گریستند بسیار و فرمودند که حق تعالی بعد از او است  
 ملائکه را که از ایشان دور شوند چون با یکدیگر ملاقات نمایند برای اجلال و حرمت ایشان و اگر چه ایشان نمی یابند و اینست  
 اما عالم التبر و انقیاد میداند و اعمال ایشان و گفتنهای ایشان را حفظ مینماید و از حضرت امام محمد باقر منقولست که گفتند  
 مومن را سه خصلت کرامت فرموده است عزت در دنیا و عقبه در ست گاری در آخرت و قیامت در سینه مومن طالمات و حضرت  
 امیر المومنین فرمود که مومن در پنج نور میگذرد و داخل شدنش در امور و مجالس نور است و بیرون آمدنش نور است و چشم  
 نور است و سخنش نور است و نظرش در قیامت بسوی رحمت پروردگارش نور است و بسند معتبر منقولست که بعضی از خواص  
 حضرت امام جعفر صادق در شب مابین دو خدمت آنحضرت نشست بودند گفتند که بسیار نیکوست این آسمان و چه بسیار  
 روشن و نورانی اند این ستارگان حضرت فرمود که شما این را میگویند و چهار ملک عظیم ایشان جبرئیل و میکائیل و اسرافیل  
 و عزرائیل چون زمین نظر میکنند و شما در آردان مومن شمارا در اطراف زمین مشاهده مینمایند نورش از آسمان برآورد این  
 کواکب مییابند و ایشان نیز میگویند که چه بسیار نورانی اند این مومنان و حضرت رسول فرمود که بدستیکه مومنان را  
 معروف است و اهل آسمان او را می شناسند چنانچه آدمی اهل و فرزندان خود را میشناسد و مومن گرامی تر است نزد خدا  
 از ملک مقرب و بر وایت دیگر فرمود که مومن بنور الهی نظر در چیز میکند و از حضرت صادق منقولست که مومن را بر سه  
 این مومن میگویند که امان میدهد از جانب خدا از عذاب الهی و خدا امان او را اجازه میفرماید و بر آنکه چنانچه از امام ایش  
 معتبر و ظاهراً میشود اعمال در ایمان و خیلست و باز کتاب کبار و ترک فرایض از ایمان بدید و چنانچه سابقاً بر وجه  
 باین معنی اشاره کردیم و بنده خالص را گاهی تعبیر از ان مومن میکنند و گاهی شیعه میگویند و گاهی ولی خدا میگویند و گاهی  
 مومن و شیعه را بر کسی اطلاق میکنند که اعتقاد ایش درست باشد پس مغرور نمیتوان شد با ما و ایش که در فضیلت مومن شیعه  
 و ثوابهای ایشان واقع شده است و اگر کسی رجوع نماید با ما و ایش که در باب صفات مومنان در شیعیان وارد شده است میداند

در باب مصافحه مومنان

در فضیلت مومنان

که مومن چه بسیار است چنانچه از حضرت صادق منقولست که مومن نایاب است از گاو و گاو را در هر روز و شب معین از آن حضرت منقولست که مومن با نواز اول است  
که پشت نصرت در او باشد صاحب کار باشد زوقش تا که حادث میشود و زود گمراه نشود و زود بلا با صابر باشد و در هنگام تنگنا شاکر باشد  
و با آنچه خدا تعالی با او روزی فرموده قانع باشد و بر دشمنان خود ظلم نکند و برای دوستان تحمل گناه و در زشتی و بدین خود را پیوسته در تقی  
دارد و در عبادت و مردم از دور رحمت باشد به شکیبای علم عظیم و دوست مومن است و علم و بردباری و زیاد است و صبر سه ساله را شکر است  
و رفیق و همپاری برادر اوست و قری و خلق و مدارا پدید اوست و از حضرت علی بن حسین صلوات الله علیه منقولست که مومن غلامی  
او برای آنست که از گناهای سالم باشد و سخن گفتن او برای آنست که بغیبت مای ثواب آبی قانز گردد و سخن که با او امانت  
سپارد بدوستان خود نمیکوید و شهادت خود را از دشمنان مخفی نمیدارد و هیچ کاری از کارهای مای خیر را برای ریا نمیکند  
و هیچ طاعتی را برای حیایک نمیکند اگر نیکی او را گویند از گفته ایشان میترسد و استغفار میکند از گناهای که مچ کند گناهان او  
نمیدانند او را فریب نمیدهند چنانکه کسی که بر احوال او مطلع نیست اگر او را مدح نماید و تهنیت بد از اخصای آن کسی که احوال او را  
نمیبند و اخصای خود و از حضرت امام جعفر صادق منقولست که مومن در امر دین خود قوی است و با اوست و از نظر دین مای  
و با خلق مدارا میکند و در ایمان بر تکیه یقین رسیده و در علم و یاد گرفتن حقایق صاحب حرص است و در امر پاک و سبب بدست  
اوست صاحب نشاط است و اعمال خیر را با استقامت و راستی بجای می آورد و با نور عظیم صاحب نظم و ثبوت و بارش است  
و با نیر کی صاحب رفیق و همسوا نیست و در امور حق صاحب سخاوت و جوان مردی است و با تو انگری میانه رود است  
و اگر تهنیت فقر ازینست خود میداند و بذلت طلب خود را ضائع نمیکند و از با قدرت در انتقام خود میفرماید و طاعت  
خدا میکند و خیر خواه مسلمانان است و قروا ته از شهوت مای گذرد و با وجود غیبت بمعاصی و مع ذلک کارهای نیکو میکند  
در جهاد کردن حریص است و چون بنامی ایستد دلش مشغول خداست و در ختیا صبر بیناید و از گفته ناز و از جا بر نمی آید  
و در مکروهات شکیهائی دارد و در آنست شکر مینویسد و تکیه نمیکند و با خویشان بدی نمیکند و در نیکی راستی  
مشهور و در کج خلق و در شت نیست چنانچه بر او پیش میگیرد و در تار عنای خدا را در نظر کردن نداند نظر نمیکند و شکرش  
او را بغیبت نمی اندازد که برای شکم مرکب حرام شود و در دنیا و آخرت رسوا شود و فرجش بر او غالب نمیشود که او را  
بجرام اندازد و در مردم را بر نمی برد و او را تغییر و سزایش میکند و او کسی را بر بلای یا گناهی سزایش نمیکند و اسرار نمیکند  
و مظلومان را یاری بینماید و بر سکیندان رحم میکند و خود را با تقی و مردم را با راحت میدارد و کفرهای دنیا رغبت نمیکند  
و از مذلت دنیا خزع و بیگانه نمیکند مردم همه در کار چنداند و او پیوسته در غم خود و کار خود است و غمش نقصی شاید  
نمیشود و در ایش سستی نمی باشد و در ایش راضی نمیکند هر که از مشوره میکند او را بخیر راهنمایی میکند و مسامت  
و همپاری میکند هر که از ویاری طلبد و از فحش و بیخودی گناه میکند و بسند معتبر منقولست که حضرت امیر المومنین

و از اطراف و کلمات و کلمات



از حضرت رسول سوال نمود از صفت مومن حضرت فرمودند که نسبت خصلت است و مومن که اگر در او این خصلت باشد  
ایمانش کامل نیست از اخلاق مومنان اینست یا علی که نماز حاضر شوند و بدان روز نیکو ساعت نمایند و مساکین اطعام نمایند  
و بر سر میان بشفقت دست ببالند و جامهای که خور و پاک و پاکیزه دارند و در عبادت دامن بر میان زنند یعنی هر روز عبادت  
کنند مومنان جمعی اند که چون سخن گویند دروغ نمیگویند و چون وعده میکنند خلف وعده نمیکند و چون ایشان را  
این کنند بر چیزی خیانت نمیکند و در سخن گفتن راست گویند و در شهادت با سبب و متعبد اند و در روز قیامت شهادت  
حق و راست میگویند و جماد میکنند و در روز قیامت در شهادت بر پای ایستاده اند از ایشان به بسیاریان خبر رسیده  
کسیک با ایشان چنانست که از ایشان تقاضی نمیشود بروی زمین به مواری راه میروند گام برداشتن ایشان بجا نماند و نسبت  
و در پی جنازه است بگرداند خدا ما و شمار از جمله پیرنگاران و حضرت صادق فرمود که شیعه ای که همی بودند که شکهای ایشان  
از گشتگی بر پشت پسیپه بود و لبهای ایشان از تشنگی روزه خشک بود صاحب صبرانی و داناتی و بیروباری بودند و تبرک  
دنیا و عبادت معروف بودند پس ما را اعانت و یاری کنید در شفاعت پیرنگاری از بعضی و آیتها هم در طاعات و حضرت شاه  
امام محمد باقر فرمود که مسلمان آنست که مردم از دست و زبان او سالم باشند و مومن آنست که مردم از او امین باشند در مال و  
جان خود و حضرت صادق فرمود که مومنان ملائیم طبعان و نرم خویان هموارند مانند شتر زمی که اگر در ایشان کشند نتواند باشد  
و اگر بروی سنگ سختش بخوابند بخوابد و در حدیث دیگر فرمود که سه چیز است که زلفانات مومن است عبادت زیاد و با کمال خدایت  
میدارد و دشمن میدارد و از حضرت امام محمد باقر نقل است که روزی حضرت سیدالمؤمنین در عراق نماز صبح فرمودند و بعد از  
نماز مردم را موعظه نمودند و خود گریستند و مردم را گریانیدند از خوف الهی بعد از آن فرمودند که دانستند که جمعی را مشاهده نمودم  
در عمده زمان خلیل خود رسول خدا که صبح و شام میگردند و زولیده موسی و گرد آلوده در نهایت لاغری و شکهای ایشان  
بر پشت پسیپه در پیشانی ایشان جای جو بدینه کرده مانند زانوی بجزو شهاب را برای خدا بروی آوردند بجزو و نمازگاه بر پای  
ایستاده بودند و گاه در سجده بودند و تضرع مینمودند در خلاصی خود از جهنم و گویا صدای آتش در گوش ایشان بود و چون نام  
خدا نزد ایشان مذکور میشد سیل زریبند مانند شاخهای درخت در هنگام وزیدن باد و باین حال پوسته خائف و ترسان  
بودند و این گروه که می بینم یکی در غفلت اندیش بجا نرفتند و دیگر آنحضرت را کسی خندان ندید تا شهادت فائز گردیدند و قد  
حدیث فرمود که شیعه جماعتی اند که مالهای خود را در ولایت مابوستان مابذل نمایند بسبب محبت ما با یکدیگر محبت میکنند  
و برای اعیان مشرک یکدیگر را زیارت میکنند و چون غضب می آید بر کسی که از او دوست دارند در دوستی نمانند  
به نیتند و بایرکت باشند بر همسایگان خود و هر که با ایشان خلط نماید از شر ایشان سالم باشد و از حضرت رسول نقل است  
که هر که خدا را شناخت و عظمت او را دانست منع میکند و دانش را از سخن لغو و تشکیش از زیادتی طعام خود و خود را بشفقت می آید

بیان صفات مومن

علامت صفت مومن

بروز و عبادت صحیح بگفتند که پرزان و مادران با فدا می نو با و با رسول الله ایشان اولیا و اولاد و دوستان ضایع حضرت فرمود  
 که بدستیکه اولیا و اولاد با سبک شریفین سکوت ایشان یاد خدا بود و نظر کردند پس نظر ایشان عبرت گرفتن بود و سخن گفتند پس  
 سخن ایشان حکمت بود و چون در میان مردم راه میردند رفتار ایشان برکت است از برای مردم و اگر اولاد ایشان  
 بر ایشان نوشته شده است آنقدر برگزیده است نبی بود و تمامی ایشان در دنیا می ایستند از اولاد ایشان  
 کس بود از شوق ثواب ناشناخته ای و آنکه نام محمد باقر منقول است که از حضرت رسول سوال کردند که چه جانی از ایشان  
 بدکتر است و در او شریک که چون هست که بد خوش حال شوند و چون بد می کنند متفکارانند و چون ایشان از اولاد  
 از برای دنیا دنیا بدگانه بودند و برایشان بیست ساله شد و بدیدند و چون از کسی بشنیدند گفتند که از حضرت امام محمد باقر  
 که بجز برای فرمود که ای بابا و پسران من است کسی با که تشیع را بر خود می بندند که دعوی بیست مانع است که در وقت  
 از کسی از جماعت اولاد یا تقوی در پیگیری گامی داشته باشد کسی جا بدیشتر شیعیه را از این باشد که توبه اند و شکست  
 در بدین خاطر و روزی در سبک از ایشان سخن از فرمود که ساکنین در نزد ایشان و نیز از این سخن گفتند و از آن  
 از غیر علی مردم و اینان خویشان بودند و بیست ساله در ایشان جا گرفته است که این سوال از آن سخن بود از این زمان  
 می شناخته است و خود که ای جا بر زمین ایستاده بود و چون بدیدند که گویید که ای را دوست می مردم و روزی او را  
 از گویید که رسول خدا را دوست میدادیم و حال آنکه حضرت بهترین حضرت امیر المومنین است و با آن حضرت عمل نماید و پیروی  
 کنند آن محبت هیچ بکار نمی آید پس از خدا بترسد عمل کنیدی تا ثوابی آتی را بیاورد برستی که میان خدا و احدی از خلق سخن نیست  
 و محبوب ترین بندگانی و گرامی ترین ایشان نزد خدا کسی هست که بیزیرگاری از محارم آتی نریزه کند و عمل بطاعت آتی بشیر نماید  
 و آن که تقرب بخدی می تواند بست مگر بطاعت او و براتی از آتش بشیر برای شما ندایم هیچ کس را بر خدا حجت نیست هر که  
 مطیع خداست ولی و دوست ماست و هر که محبت آتی میکند او دشمن ماست و به لایت نامتولان رسیدگس و پسرگاری  
 مثل صالح و زینب و غیر از حضرت امام محمد باقر علی السلام منقول است که نیستند شیعه علی علیه السلام مگر خیفان رنگ شکست همان لاغر  
 جسام خفکیه لبان تپنی شکلان که رنگ شان تغییر و داس شان زرد گردیده چون ظلمت شب ایشان با فرابگی زمین را  
 فرش خود میگردانند و زمین را بر پیشانی های خود استقبالی بنمایند سجده ایشان بسیار است و آب دیده ایشان زمین است  
 و دعا و گریه ایشان فراوان است در جنگا میگردم شاو اند ایشان مخزون و اندو هناک اند از حضرت صادق منقول است  
 که فرمود که نیست شیعه مگر کسی که شکم و فرج خود را از حرام بخصت بار دوسعی او در عبادت شدید باشد برای آفریدگار خود  
 کار کند و امید ثواب و ترس از عقاب یا و داشته باشد پس اگر این جماعت را ببینی ایشان شیعه من اند و بسند معتبر از حضرت رسول  
 فرمود که یا علی خوشحال کسی که ترا دوست دارد و وای بر کسی که ترا دشمن دارد و متکذیب تو نماید و دوستان تو سرودند اند

در آسمان به غم زمین و غم در مابین این هر دو دوستان تو اهل دین و دوع و هیبت نیکنند و تواضع و شکستگی و ذلتی است  
 خدا میکند و پاره های ایشان خاشع است و دکلمات ایشان ترسانست برای یاد خدا و حق و ولایت ترا ایشان سزاوار است  
 ایشان پیوسته بفضل تو گویاست و آب زودیه های ایشان ریزانست بسبب محبت و صبر بانی که نسبت به او امانت فرزند است  
 تو در نزد و خدا را عبادت مینمایند چو یک در قرآن ایشان را امر فرموده است و برنجیک از نظر آنچه پیغمبر ایشان نظر هرگز دیده و نگفته  
 میباشد یا بخیر و لا احرار الا انان از ایشان امر فرمایند و با یکدیگر صلوات و حسان بنمایند و از یکدیگر دوری نمیکند و با هم دوستی میکنند  
 و دشمنی ندارند و هر چند که با یکدیگر بر ایشان صلوات میفرستند و دعای ایشان را آمین میگویند و از برای گناه کاران ایشان سختی  
 دین برود و تا جایی که از ایشان و حضرت شیخ و در برگ ایشان گریه میکنند تا در قیامت در روایتی آمده که شبی حضرت امیرالمؤمنین  
 در کعبه بیرون آمدند و با ایشان صحبت روان شدند و شب مابی بود و راشای راه دیدند که جمعی از عقب آن حضرت میروند و در میان  
 پیوسته از زمین پدید میآیند که شبیه تو ایم یا امیرالمؤمنین حضرت در دستان ایشان نظر فرمود و گفت در این شبهای بسیار  
 میگویند که در میان شما است یا امیرالمؤمنین فرمود که در دستان ایشان زرد است از بیداری شب شبهای ایشان کورت است  
 بسیار میگویند و شبهای ایشان هم است از بسیاری نماز و شکلهای ایشان بر پشت چسبیده است از بسیاری روزه و بسیار  
 ایشان را تشنگ است از بسیاری دعا و پیوسته آثار نماشان از ایشان بود است و حضرت صادق فرمود که مومن با ایمان  
 آنکه در دنیا و آخرت کامل نباشد و عقلمش کامل نیست مادام که در دنیا و آخرت نباشد مردم امید خیر از او داشته باشند و از او  
 این با شنیده و خیر بسیار از او و از آنکه شمار و آنکه خیری از دیگران را بسیار شمارد و آنکه از عمل شر خود را بسیار داند و از بسیاری  
 دیگران از آنکه در دنیا و آخرت محبوب تر باشد از آنکه خیری و از دنیا بقدرت ضروری است که آنها نماید و در هم از هر دو شادمانند و بسیار  
 پیش گوید که از من بهتر و پیرگارتر هست و بد رستیکه مردم بر دو قسم اند شخصی هست که از او بهتر و پیرگارتر است شخصی هست که از او  
 بدتر است پس چون بیند آن شخصی را که از او بدتر است نزد او تواضع و فروتنی میکند و سعی میکند که در خوبی با او سخن گوید و چون  
 آن شخصی را که از او بدتر است میگوید که شاید بدی این مرد ظاهر باشد و نیکیش پنهان باشد پس چون چنین کند بلند مرتبه میشود  
 و بزرگ اهل زمانش میشود و از حضرت صادق نقل است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم روزی ملاقات نمودند عماره  
 بن نعمان انصاری را و فرمودند که بر چه حال صبح کرده ای حارثه گفت که صبح کرده ام یا رسول الله با ایمان محقق و ثابت است  
 فرمود که هر چیز را حقیقی و دلیل هست حقیقت ایمان تو چیست گفت دلم از دنیا انسرده شده است و بد دنیا غیبت ندارد و ایمان  
 باعث بیداری من است و تشنگی روزهای من بروزه گردیده است و گویا عرش پروردگار خود را می بینم که بر آسمان  
 حساب نصب کرده اند و گویا اهل بیست را می بینم که زیارت یکدیگر میروند و گویا اهل جنم را می بینم که در جنم معذب اند و حضرت

فرمود که تو مومنی که خداوند را با ایمان نورانی است برین چنانی ثابت باش خداوند ثابت باد و ما نگفت که بر نفس خود از هیچ چیز انقدر اطمینان  
 نماندیم که باعث هلاک من گردد که از چشم خود حضرت از برای ما و عاف نمود و بیانی چشمش بر طرف شد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام است  
 که حدیث رسول در این منی از سفر با بودند و عرض را به منی از سواران بلازم است آنحضرت رسیدند و سلام کردند حضرت پرسیدند که کی رسید  
 شما گفتند ما مومنانیم و فرمود که حقیقت و دلیل ایمان شما بیست گفتند بقضای الهی راضی شده ایم و او امر الهی را نماند اگر دیده ایم  
 و آنرا در این دنیا پیش نموده بر او که کل کرده ایم حضرت فرمود که دنیا نماند و حکما نماند نزدیک است که از حکمت و ادانای بد پرچم غیر این بر  
 پس اگر راست میگویی بنام کنیدی خداوند بخندد که پرستید در آن سکنی نخواهید داشت و جمع کنید مالی را که خواهید خورد و بپرستید و باز  
 نمانت نماند و در دنیا که گشت شما بسوی او است و آنرا درین باب از حد و احصاست و بهترین اخبار این باب حدیث امام است  
 که اول آیه غایب از حد شرح وافی بر آن نوشته اند که در حق تعالی جمیع مومنان را تفریق الکتاب این کمالات و فوز با این سعادت  
 روزی که داند یا با خبر از اذان العبد فی الارض فی شوق و اذینهم تشهدان و اقام و صدی امر الله عن و جعل  
 الله لک فصدق و خلفه صفی الایری طرفه ای که چون بر کوعه و بسجده و سجود و یومنون علیها یلبا ذی مر اقلع  
 و یومنون علیها لکن الله لک فصدق و خلفه صفی الایری طرفه ای که چون بر کوعه و بسجده و سجود و یومنون علیها یلبا ذی مر اقلع  
 پس آن و اقامه بگوید و نماز گذار و حق تعالی ملائکه را امر فرماید که در عقب او صف بکشند بعضی که در طرف آن صف را نتوان  
 شروع کنند آن ملائکه با کوع او و سجود کنند با سجود و آئین گویند نزد دعای او آبی بود هر که اقامه گوید اذان گوید با اذان  
 نمانند که ملائکه مگر در یکی که با او میباشند بدانکه اذان و اقامت از سننهای مومکند حضرت رسول است و اما ویت و فضیلت هر دو صحیح  
 و احصاست و بعضی از علما و نماز جماعت واجب دانستند هر دو را و بعضی اقامت را در همه نمازها و اذان را در نماز صبح و شام و جب  
 میدانند و اعیان طو در آنست که اقامت مطلقا ترک نکنند و اذان را در نماز صبح و شام تا ممکن باشد ترک ننمایند و احتیاطا آنست  
 که شکر اهل که در نماز رعایت می باید کرد و از ایستادن و در بقبله کردن و با طهارت بودن و سخن نگفتن و حرکت نکردن همه را  
 در اقامت رعایت بکنند و اذان و اقامت مخصوص نمازهای واجب بچگانه است و در غیر آنها از نمازهای واجب و سنت بعثت  
 است و از حضرت رسول منقول است که هر که خالص از برای خدا اذان بگوید حق تعالی ثواب چهل هزار شهید و چهل هزار صلیق  
 باو کرامت فرماید و بشفاعت او چهل هزار گناه گار داخل بهشت شوند بدو تکیه چون بخون میگردد اشهد ان لا اله الا الله  
 نو هزار ملک بر او صلوات میفرستند و از برای استغفار میکنند و در روز قیامت در سایه عرش الهی خواهد بود و تا احتیالی از جنات  
 خلایق خارج شود و از او بگفتن اشهد ان لا اله الا الله رسول الله را چهل هزار ملک بنویسند و هر که بنا جماعت حاضر شود و محافظت  
 نماید بر صفت اول و تکیه اول امام را در یاد و آزار مسلمانان نکند خدا ثواب مؤمنان را در دنیا و آخرت باو کرامت فرماید و بسند  
 مستبر از حضرت امام محمد باقر منقول است که هر که ده سال از برای خدا اذان بگوید حق تعالی بیامزد و گناهای او را بقدر آنچه دیده است

در کتاب اذان و اقامت

بیست و پنج

می بیند و صدایش در جانب آسمان بلند میشود و هرگز وحشتی که صدای او را بشنود تصدیق او نمائید و را آنچه میگوید و از ثواب  
هر کس که در آن مسجد با او جماعت نماز میکند هر کار با او بپند و تبعید و هر که بعد از آن اذان او نماز میکند حسنه بیاید و در حدیثی است  
از حضرت رسول منقولست که مؤذنان اینان مسلمانانند بر نماز و روزه ایشان و بر گوشت و خون ایشان از خون تعالی خیرست  
سوال نمی نمایند مگر آنکه یا ایشان خطای فرماید و هیچ امری شفاعت نمیکند مگر آنکه شفاعت ایشان را قبول مینماید و هر که  
بر کعبه چهل سال از برای خدا اذان بگوید خدا او را در روز قیامت با عمل پیل صدیق محشور گرداند و هر که بیست سال اذان  
بگوید در قیامت بقدر آسمان اول او نور کر است فرماید و هر که ده سال اذان بگوید خدا او را در قیامت با عمل پیل صدیق محشور گرداند  
و هر که یکسال اذان بگوید حق تعالی در قیامت گنا گناش را بیامزد و اگر چه بسنگینی کوه احد باشد و هر که خاص از برای خدا  
خدا برای یک نماز اذان بگوید حق تعالی گنا گناش گذشته اش را بیامزد و در بقیه عمر او از گناه حفظ نماید و در بیست او را  
وزر بر شمشیران جاوید و بر دایت دیگر از آن حضرت منقولست که فرمود که مؤذن را در مابین اذان و اقامت تعلق  
ثواب شیبی است که است بفرمایید که در خون خود دست و پا زند و در حدیث دیگر فرمود که هر که یکسال در شهری از شهرهای مسلمانان  
اذان بگوید بیست او را واجب شود و بیست معتبر منقولست که هشام بن ابی اسحاق خبر داد از حضرت امام رضا شکایت نمود از بنی امیه  
که اذان بلند نمیشود و حضرت فرمود که صدای خود را در خانه با اذان بلند کن تا زوی گشت که چنین کرد هم خدا پیوسته به سلامت  
گردانید و فرزندانم بسیار شدند از حضرت صادق منقولست که چون غول شمرش شما شود اذان بگوید دو احادیث صحیح  
از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که با اذان و اقامت نماز کند بار و در عقب او دو صفت از ملائکه نماز کنند و اگر با اقامت  
تنها نماز کند یک صفت از ملائکه در عقب او نماز کنند و در بعضی احادیث آنست که طول هر صفت از مابین شرق و مغرب باشد  
و در بعضی اخبار وارد شده است که صفت کمترش مابین شرق و مغرب باشد بیشترش مابین شرق و مغرب باشد و در بعضی از حضرت  
امام رضا منقولست که هر که اذان و اقامت بگوید دو صفت از ملائکه در عقب او نماز میکنند و هر که اقامت بگوید و اذان بگوید یک صفت  
از جانب راست و یک صفت از جانب چپ او نماز کنند و در حدیث دیگر از حضرت امیر المومنین منقولست که اگر با اقامت تنها  
نماز کند یک صفت از ملائکه در عقب او نماز کند و جمع میان اخبار باین نحو ممکن است که دو صفت در اذان کامل باشد و یک صفت  
غیر کامل باشد و اختلاف اقامت محمول باشد بر اختلاف عدد تا که اگر ترک اذان بسبب غرقوی باشد یک صفت با او نماز کنند  
و اگر بپند سهل ترک کرده باشد دو صفت با او نماز کنند و اگر غیر غرقوی کرده باشد یک صفت با او نماز کنند و الله تعالی اعلم  
ما من شاکت یوم الله الدنیا و هوها و لهم ثواب فی طاعة الله الا انعطاه الله لجرانها من بعد صلی  
یلأخر الذکر فی الغافلین کالمقاتل فی الفارین اسی ابو ذر جوانی که ترک کند برای خدا و نیاید و هوای دنیا را در جوانی خود  
بپیری رساند و طاعت کنی البتة حق تعالی با او عطا فرماید ثواب هفتاد و نه صدیق را اسی ابو ذر کسی که خدا را یاد کند در میان ناظران

در کتب اربعه

در کتب اربعه

تو کسی باشد که بخواهد در میان گریه و زاری صدیق کسی را میگوید که تصدیق پذیران و متابعت ایشان در اقوال و افعال بهتر  
 و پیشتر از دیگران بکنند و این قسم احادیث که در باب ثواب اعمال وارد شده است بر وجه توجیه میتوان نمود اول آنکه مراد صدیق  
 از امتدای دیگر است یعنی ثواب یک جوان صالح این هفتاد برابر است با ثواب هفتاد و دو صدیق از امتدای دیگر و دوم آنکه بر علی  
 موجب استحقاق قدری از ثواب میگردد و حق تعالی افضل خود از صفات آنرا اگر است میفرماید پس مراد آنست که آنچه حق تعالی  
 از آن افضل میفرماید برابر است با ثواب استحقاق هفتاد و دو صدیق و وجود دیگر نیز میتوان گفت و چون این دو وجه  
 تا هر دو در همین التفکر و محم و کسب معتبر از حضرت صادق صلی الله علیه و آله منقول است که سبکس اند که حق تعالی ایشانرا بحساب ذل است  
 سبک تمام عادل و آبرو است گویند که هر که در راه طاعت الهی صرف نموده باشد و از حضرت رسول منقول است که هفتاد  
 برابر آنکه در سایه عرش الهی خواهند بود در روز یکدیگر از ان سایه نیست تمام عادل و جوانی که در عبادت الهی نشود و ناکرده باشد  
 در شخصی که پیش بسبب متعلق باشد و قیام بیرون آید از مسجد تا باز برگردد و در شخص که در طاعت الهی با یکدیگر باشند تا مفارقت  
 نمایند و شخصی در خلوت خدا را یاد کند و آب از چشمانش جاری گردد از خوف الهی و شخصی که زن صاحب خشنی او را بجرم بسوی خود  
 بخواند و او از ترس خدا در تکلیف آن نشود و شخصی که تصدق بدین مخفی که دست چپش نداند که از دست راست چه چیز داده است  
 از حضرت صادق منقول است که هر که قرآن بخواند و او جوان و با ایمان باشد قرآن با گوشت و خون او مخلوط گردد و حق تعالی او را  
 با سوالان نیکو کار از ملائکه محشور گرداند و قرآن در قیامت از جانب او حجت تمام کند و گوید خداوند از عمل کننده مؤثر عمل خود را یافت  
 این مؤثر عمل کننده خود را میخواهم پس حق تعالی دو حله از عالمای بهشت و راه پوشانند و تاج گر است بر سر او گذارد پس بر قرآن  
 شهادت فرماید که گویا ماضی شدی قرآن گوید که زیاد ازین از برای او امید و شکر پس حق تعالی برات ایمنی را بدستش  
 دهد و برات مخلد بودن در بهشت را بدست چپش دهد و او را داخل بهشت کند پس با گویند که یک آیه بخواند یکدر چه بالا رو پس  
 پیشتر فرماید که را معنی شدی گوید که بلی و کسی که بر او حفظ قرآن دشوار باشد و مکر خوانند تا حفظ کند حق تعالی این ثواب را عین  
 با و اگر است فرماید و بسند معتبر از حضرت صادق منقول است که کسی در میان غافلان بیاورد خدا باشد مانند کسی است که بعضی گریه  
 جهاد کند و کسی که بعد از گریختن لشکر جلو کند بهشت از برای او واجب است و احادیث بر این مضامین بسیار است یا باذ سر  
 الجاهل الصلح خیر من الصدق والوحد خیر من السکوت والسکوت خیر من املاء الشر یا باذ سر  
 الاثم و منا ولا یا کل طعام الا تقی ولا تا کل طعام الفاسقین یا باذ سر اطمع طعام من من تجبه  
 فی الله کل طعام من حبک فی الله عن جمل اسی ابو ذر غفاری با صاحب صالح و نیکو بهتر است از تنهایی و تنهایی بهتر است از  
 با اسی و خاموشی بهتر است از سخن بگفتن بد آنرا اطوار لغت بمعنی آنست که شخصی سخن بگوید که دیگری نبویسد و حضرت و لایجا گفتن  
 از این معنی است تعبیر فرمودند برای اشعار با آنکه آنچه از سخنان خود باطل میگوئی بکاتبان اعمال خود املا میکنی که ایشان بنویسند

چهار

چنانچه حضرت امیر المومنین فرمود بشخصی سخنان لغو میگفت که ای مرد بر کاتبان خود نامه الملائکی آبی ابوذر صاحب مکن  
 مگر با من و نباید طعام خود را بخورانی مگر بر پرستار کار و مخوطعام فاسقان را آبی ابوذر بخوران طعام خود را بکسی که از برای خدا  
 اورا دوست داری و بخوطعام کسی که از برای خدا ترا دوست دارد بدانکه حسب تجربه معلوم است که صاحبست را در اخلاق  
 و اعمال دخل غایب است پس باید که آدمی در مصاحبت نیکان اهتمام نماید که شاید اطوار مضیه ایشان در او تاثیر نماید و باطلاق پسندید  
 ایشان منصف گردد و از مصاحبت بدان احتراز نماید که مبادا بدیهای ایشان در او تاثیر کند و صاحبان بد که شیاطین الهی اند  
 ضرر بیشتر رسانند از شیاطین جن زیرا که آدمی از مشاغل و مجانس خود بیشتر قبول میکند تا از غیر مجانس خود بلکه اکثر اغوای شیاطین  
 جن با اغوای شیاطین انس میشود چنانچه از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که حضرت عیسی گفت که صاحب پهنشین خود را  
 بدر خود بتلاسیگر داند و درین بد آدمی را هلاک میکند پس هینیکه باک هشتینی میکند و از حضرت امام محمد باقر منقولست که پدرم حضرت علی  
 بن حسین فرمود که ای فرزند پانچ کس مصاحبت و همزبانی در فاققت مکن گفتیم ای پدر ایشانرا از این اشتیاسان فرمود که زینهار بادر و مگر  
 مصاحبت مکن که باند سراب تر از آب میدهم و نزدیک مابرتو درینا بد دور را برای تو نزدیک میگردد و با فاسق مصاحبت مکن  
 که ترا بیک لقبه یا کمر سفید و شد و دیگری را اختیار میکند و زینهار که با خچیل مصاحبت مکن که ترا در مال خود فرو میگذارد و یاری نمیکند و در  
 نهایت احتیاج داری و زینهار که با احمق مصاحبت مکن که اگر خواهد تو نفع رساند ضرر میرساند و زینهار که با قطع کننده رحم مصاحبت مکن  
 که چون تعالی در سجای قرآن اورا لعنت فرموده و پسند صحیح از حضرت صادق منقولست که مصاحبت مکنید با صاحبان بد عشا و با ایشان  
 هشتینی کنید که نزد مردم مثل یکی از ایشان خواهید بود و حضرت رسول فرمود که آدمی بر دین یابد هفتشین خود است و تبسمه مغرب از  
 حضرت امیر المومنین منقولست که مکر و خطبه ما میفرمودند که مسلمانان را شتر اوار آنست که اجتناب نمایند از برادری سطلایفه  
 قاجران بیباک و آحقان و دروغ گویان تا مابد کار بی پروا پس زینت دهد برای تو کارهای بد خود را و میخواهد که تو مثل او  
 باشی و ترا اعانت نمیکند بر امر دین تو و بر کاریکه در قیامت بکار تو آید و نزدیک او موجب جفا و خلاف اوست و صحبت او  
 سبب تساوت دل میشود و آتشدا و نزدیک او موجب عار و بدنامی است و اما احمق پس او هرگز ترا بخیری دلالت نمیکند  
 و امید دفع شری از او نمیتوان داشت هر چند سعی کند هم از دهنی آید و گاه باشد که خواهد تو نفع رساند ضرر برساند پس  
 مردن او بهتر است از زندگی او و خاموشی او بهتر است از حرف گفتن او و دوری او بهتر است از نزدیکی او و آلودگی  
 پس در مصاحبت او هیچ عیشی برای تو گوارا نیست سخن ترا بدین معنی نقل میکنند و از مردم بدین معنی سخن تو نقل  
 میکنند و بر دروغی را که تمام کرد و از پی آن دروغ دیگر ابتدا میکنند تا بجدی که اگر راستی گوید باور نمیتوان کرد و در میان  
 مردم بنقل کذب دشمنی می آنگند و کینه با در سینه مایه و پانده پس از خدا بپرهیزید و ملاحظه نمایند که باک مصاحبت میکنند  
 و حضرت امام محمد باقر فرمود که متابعت مکن کسی را که ترا میگردانند و خیر خواه آنست و متابعت مکن کسی را که ترا میخندانند

سخن از مصاحبت بدان

سیدنا حضرت محمد صلی الله علیه و آله

سیدنا حضرت محمد صلی الله علیه و آله

و ترافریب میدهد و عنقریب بازگشت همه بسوی قدس است و حضرت صادق فرمود که محبوب ترین برادران من بسوی من کسی است  
 که عیبهای مرا بین بگوید و حضرت صادق فرمود که صداقت و دوستی حدی چند دارند که در هر که آنها نیست او بهره از صداقت ندارد  
 اول آنکه آشکارا و پنهان او با تو موافق باشد و دوم زینت ترا زینت خود دهند و عیب ترا عیب خود دانند و سوم  
 آنکه اگر حکومتی یا مالی بجزرساند با تو تغییر سلوک نکند چهارم آنکه از تو منع نماید هر چه را بران قدرت داشته باشد پنجم خصم است که  
 جمیع خصمهای گذشته در آن جمیع است آنست که ترا در حوادث روزگار که رود و دانگندارد و از حضرت رسول منقول است که سادتمندترین  
 مردم کسی است که با نیکان مردم خلط نماید و منقول است که حواریان از حضرت عیسی پرسیدند که باک بمشینی کنیم فرمود که با کسی که بیاد  
 خدا آورد و شمارا دیدن او در علم شما بیفزاید سخن گفتن او و شمارا راغب با خیرت گرداند کردار او و حضرت امیر المؤمنین فرمود  
 که هر که خورا بجل تمت میدارد ماناست نکند کسی را که گمان بدباد و میسر دور هر که تر خود را پنهان دارد اختیارش بدست خود است  
 و هر که از دوستی یا از دو لب در گذشت فاش میشود و کارهای برادر مومن خورا حمل بر محصل نیک کن تا محملی یابی و سخنی که از او  
 صادر شود بر حنی بدی حمل کن تا محمل خیر برای آن یابی و بر تو باد برادران نیک بسیار از ایشان تحصیل کن که ایشان تیره  
 اند و در هنگام نعمت و تیر اند در هنگام بلا و در امر بیکه خواهی مشوره کنی با جمعی مشوره کن که از خدا ترسند و برادران خود را بقدر  
 پرهیزگاری ایشان دوست دارد از زمان بدی پرهیز و از نیکان ایشان بر خذر باش و اگر شمارا پیکلی امر کنند مخالفت ایشان  
 ناپسند که بطبع نفیقه در بدیها و در حدیث دیگر از آن حضرت پرسیدند که بدترین صاحبان کیست فرمود که کسی که معصیت خدا را از تو  
 نهیست دهد و در حدیث دیگر فرمود که همیشه بدان مورت بدگمانی بد نیکان است و حضرت صادق فرمود که نظر کن هر که این کلمات  
 در دین تو نیرساند اعتماد آشنائی با او نکن و بصحبت او رغبت ننماید رستیکه آنچه غیر خداست همه باطل است و کاریکه براس  
 خدایست عاقبتش نیکو نیست و از حضرت رسول منقول است که سه کس اند که مجالست ایشان دل همیپرانند مجالست مردم است  
 و بی و سخن گفتن با زنان و همیشینی اغنیاء و مالداران و حضرت صادق فرمود که چهار چیز است که ضائع میشود و بطلان و در نیکه  
 معرفت بیوفائی و نیکی و حسانی که بکسی کنی که شکر تو نکند و عذیک کجی که گوی که گوش ندهد و تهری که بکسی بسیاری که حفظ نکند و  
 حضرت امام محمد باقر فرمود که باغنیاء همیشینی مکن بد رستیکه کسیک با ایشان همیشینی میکند اول که با ایشان می نشیند چنان  
 میداند که خدا را بر او نعمت است چون پاره نشست گمان میکند که خدا هیچ نعمت بر او ندارد و حضرت رسول فرمود که چهار چیز است  
 که دل همیپرانند گناه بعد از گناه و با زنان بسیار سخن گفتن و با حق مجادله کردن که او گوید و تو گویی و بخیر بزرگردد و مجالست  
 کردن با مردگان پرسیدند که مردگان کیستند فرمود که هر مالهاری که نعمت او را طامعی کرده باشد و بد آنکه اطعام مومنان  
 فضیلت بسیار دارد و اطعام بسیاری باید کرد شاید که در آن میان مومنی باشد و فضیلت اطعام مومن را در این دنیا و آخرت  
 اینست حضرت رسول منقول است که هر که مومن گرسنه را اطعام نماید حق تعالی او را از میوه های بهشت اطعام نماید



و هر که مؤمن نشد را شربت آبی بخوراند خدا از شربت محرم بهشت با او بخوراند و هر که مؤمن عربانی را بپوشاند جنتی از آسمان بر او  
پوشاند و ملائکه بر او صلوات میفرستند و او هم که ائمان چاره ششباتی باشد و کسیکه اعانت مؤمنی کند یا غمی از او رایل گرداند حق تعالی  
او را در سایه عرش خود جادو کند و در یک نوبت سایه عرش سایه نباشد و تبند معتبر از حضرت امام علی نقی علیه السلام منقولست که حضرت موسی بن  
عمران علی نبینا و علیه السلام از خداوند خود سوال نمود که آنگاه چه چیز است جزای کسی که سکینی را طعام نماید تا اعلان برای رضای تو خطاب میدکند  
موسی در روز قیامت امر میکنم بنمادی را که در میان خلایق ندارد و هر که او را آزاد کرد مای خداست از آتش جنت و از حضرت امام محمد باقر منقولست  
که تریخیزت که موجب رفع درجات مؤمن میگردد و بهر کس سلام کردن طعام مردم خوراندن در شیب هنگامیکه مردم در خوابند نماز کردن آن  
حضرت صادق منقولست که هر که مؤمنی را بپوشد بهشت برای او واجب میشود و فرمود که من شخصی از مؤمنان را طعام کنم نزد من بهتر است از یک  
کس یا زیاد از غیر ایشان را طعام کنم و تبند صحیح از حضرت رسول منقولست که هر که سه نفر از مسلمانان را طعام نماید جنتی از آسمان بر او است  
نماید در ملکوت آسمان از جنة الفردوس و جنت عدن و طوبی که درختی است در بهشت که حق تعالی در جنت عدن بدست  
قرت خود عرس نموده و از حضرت صادق منقولست که هر که مؤمنی را طعام نماید تا او را سیر گرداند هیچک از خلق خدا حصا  
ثواب از نتواند نمود و ملک مقرب و تپنیمبر مرسل مگر خداوند عالمیان بعد از ان فرمود که از جمله چیزها یکد مغفرت را واجب و لازم  
میگرداند طعام مسلمان گرسنه است و تبند معتبر منقولست که حضرت رسول فرمود که هر که مؤمنی را شربتی از آب بدهد در جای  
قدرت بر آب و شت باشد حق تعالی بهر شربتی همقادر است فرماید و اگر در جایی باشد که آب کمیاب باشد  
چنان باشد که ذله بنده از فرزندان اسماعیل را آزاد کرده باشد و تبند معتبر از حسین بن نعیم منقولست که حضرت صادق  
از من پرسید که آیا برادران مؤمن خود را دوست میداری گفتم بلی فرمود که بفقیران ایشان نفع میرسانی گفتم بلی  
فرمود که بر تو لازم است که دوست داری کسی را که خدا او را دوست میدارد و الله که تا ایشان را دوست نداری نفع بایشان  
نمیتوانی رسانیدن آیا ایشانرا بمنزل خود دعوت مینمائی گفتم بلی هر وقت که چیزی بخورم البته دو کس یا سه کس یا کمتر  
یا بیشتر از ایشان با من میباشد فرمود که فضل ایشان بر تو زیاد است از فضل تو بر ایشان گفتم فدای تو گردم  
طعام خود را بر ایشان میخورم و بر لباط خود ایشانرا می نشانم و فضل ایشان بر من عظیم ترست فرمود که بلی چون ایشان  
داخل خانه تو میشوند با مززش گنایان تو و عیال تو و چون بیرون میسر و ندیدند گنایان تو و عیال تو و در حدیث دیگر  
فرمود که در غسل میشوند یا ز روی فراوان و بیرون میروند با مغفرت گنایان تو و در حدیث دیگر فرمود که هر که مؤمن  
مالداری را طعام بخوراند برابر است با آنکه یکی از فرزندان اسماعیل را از کشتن خلاص کند و هر که مؤمن محتاجی را  
طعام بخوراند برابر است که صد کس از فرزندان اسماعیل را از کشتن خلاص کرده باشد و در حدیث دیگر فرمود  
که طعام یک مؤمن نزد من بهتر است از آزاد کردن ذله بنده و ذبح و حضرت رسول صلی الله علیه و آله از اجابت نمودن

طعام کردن

فاسقان بطعام ایشان یلکاذران الله عز وجل عند لسان کل قائل فلیتق الله امر واولیعلم ما یقول  
 یأبذرا ترک فضول الکلام وحبسک من الکلام ما یتلج بحاجتک یا بآذمر کفر بالمسء کذبان  
 یحدث لک ما لیس مع یأبذرها من شیء یصلح یطول السجین من اللسان اسی ابو ذر عن تعالی نزد زبان هر گوینده  
 ایست یعنی بر گفتار هر کس مطلع است پس باید که آدمی از خدا ترسد و بداند که چه میگوید که مباد چیزی بگوید که موجب غضب الهی گردد  
 اسی ابو ذر ترک کن سخنانی زیاده و لغو را و کافیت ترا از سخن آنقدر که بسبب آن بجا جت خود برسی اسی ابو ذر از برای دروغ  
 گفتن این کس همین بس است که هر چه بشنود نقل کند اسی ابو ذر هیچ چیز نرود از ترسیت بسیار مجوس داشتند و زندان کردن از  
 زبان سخن در فضل سکوت و ترک سخن باطل سابقا ذکر شد و آنچه حضرت فرمودند که بشنیده را نقل کردن دروغ است مگر آن  
 که مراد آن باشد که اگر خبرم نقل کنند باید که بقایکش نسبت دهند چنانچه نسبت معتبر از حضرت امیر المؤمنین منقول است که چون حدیث  
 یا سخن نقل کنید آنرا نسبت دهید بآن کسی که شما حدیث نقل کرده است که اگر حق باشد ثوابش از شما باشد و اگر باطل رود دروغ  
 باشد گناهش بر او باشد و تحمل است که مراد آن باشد که نزد مردم دروغ گویشود و بکذب مشهور میشود هر چند وقتی که بقایکش  
 نسبت دهد دروغ نیست اما کسیکه بسیار سخن نقل کرد و دروغ برآمد اعتماد بر قولش نماند چنانکه است که مراد آن باشد که میباید  
 که سخنی که نقل کنید ماخذش را معلوم کنید و از مردی که بر قول شان اعتمادی نیست سخن نقل نکنید که حرفهای بی اصل باشند  
 و نقل کردن بمنزله دروغ است در قیامت و شاعت و الله تعالی یلکاذران من اجل الله تعالی اگر ام ذی الشیمه  
 المسلم واکرام حمله القرآن العامدین واکرام لسلطان القسط اسی ابو ذر از جمله اهل و تعظیم حق تعالی است گرامی داشتن  
 سلماتی که ریشش سفید شده باشد و گرامی داشتن عالمان قرآن که با حکام قرآن عمل نمایند و گرامی داشتن پادشاه عادل  
 مضامین این کلمات فریفته در ضمن سه بیخ روشن میگردد بیخوع اول در بیان اکرام پیران مسلمانانست بدانکه اکرام  
 داشتن مسلمانان یکی لازم است خصوصاً پیران ایشان چون موسی سفید اثر حرمت الهی است و حق تعالی آنرا حرمت  
 میدارد و پس حرمت داشتن از تعظیم امر الهی نمودنست چنانچه در خطب و احادیث بسیار وارد شده است که رحم کنید مردان  
 خود را و توقیر نماید پیران خود را و از حضرت رسول منقولست که تعظیم نماید شایخ و پیران خود را که از تعظیم خداست  
 تعظیم ایشان و بسند معتبر از آنحضرت منقولست که هر که فضل و حرمت مرد پیری را بداند و او را تعظیم و توقیر نماید حق تعالی  
 او را از فرج اکبر روز قیامت ایمن گرداند و از حضرت صادق البزجی منقولست که سه چیز اند که بحق و حرمت ایشان جا بل  
 میباشد گزشتن حق که انفاش معرین و ظاهر باشد کسیکه در اسلام ریش او سفید شده باشد و حامل قرآن و امام عادل  
 و در حدیث دیگر فرمود که هر که مویش را گرامی دارد اول خدا را گرامی داشته و بسبب از آن مؤمن را و هر که سخنان کند  
 به من ریش سفیدی حق تعالی کسی را بر او بگمارد که پیش از مردن با او سخنان نماید و بسند معتبر از حضرت صادق منقولست

و کفر باقیان ایشان

بنا بر اکرام پیران مسلمانان

که حق تعالی گرامی سید او هر هفتاد سال را و شرم میکند از پیر هفتاد ساله که او را عذاب کند و کند معتبر از حضرت صادق علیه السلام است  
 که هر که چهل سال عمر کرد از دیدار اگلی و خوره و سپی خدا و را ایمن میگرداند و هر که پنجاه سال عمر کرد خدا حسابش را در قیامت بک  
 و آسان میگردد و اند چون بشدت سال رسید خدا او را تو بر روزی میکند و چون هفتاد سال رسید اهل آسمان او را دوست میدارند  
 چون هشتاد سال رسید حق تعالی امر میفرماید که حشاش را بنویسند و گناهایش بنویسند و چون به نود سال رسید گناهای گذشته  
 و آینه را می آفرزند و می نویسند که او اسیر خداست در زمین و او را شفیع میگردانند در الهیتش و آینه معتبر از حضرت صادق علیه السلام است  
 که اول کسی که موسی سفید در پیشش ببرد حضرت ابراهیم بود چون دید گفت خداوند این چیست وحی آمد که این نور است و خوب  
 تو قریب است گفت خداوند از یاده گردان و در حدیث دیگر فرمود که هر که یک موسی سفید در پیش او ببرد در اسلام آن موسی سفید نور  
 خواهد بود برای او در قیامت پیغمبر و دو هم در فضیلت قرآن و حامل آن و بعضی از فضایل آیات و سوره است و این شکل  
 بر چند ساقیه سابقیه اول در فضیلت قرآن است از حضرت رسول منقولست که هر گاه ملتبس و مشغول بشود بر شانهها مانند بارهای شتاب  
 پس بر شتابد و بر آن بدرستی که قرآن شفاعت کننده است که شفاعتش را قبول میکنند و با هر که معاهد نماید و جهت بر او نام کند  
 تصدیقش مینمایند و هر که آنرا پیشوا می خود گرداند او را بهشت میرساند و هر که آنرا پشت سر اندازد و با آن عمل نماید او را بسوی جهنم  
 میراند راهتانیست که بهترین راه با دلالت میکند و کتابی است که در آن تفصیل و بیان جمیع احکام است اگر اظنا هر نسبت و باطنیست  
 ظاهرش احکام الهی است و باطنش علوم نامتناهی است ظاهرش خوش آینه است و باطنش عیب است آنرا نجوم و کواکب هستند  
 که بر احکام الهی دلیل اند و بر آن نجوم نجوم دیگر هستند که مردم را بر آن احکام میرسانند یعنی ایام مخصوصین صلوات الله علیهم همین که  
 علم قرآن نزد ایشان است عجایب قرآن را احصا نمیتوان نمود و غرائب آن هرگز کند نمیشود و در آن چراغهای هدایت افزونند  
 و انوار حکمت از آن ظاهر است راه ناست بسوی آفرینش گناهای کسی را که از آن بیاید او صاف آفرینش را پس باید که هر که دیده  
 خود را در قرآن بچولان در آورده دل خود را برای مطالعه انوار آن بکشد تا از هلاک نجات یابد و از ورطهای ضلالت  
 خلاص شود بدترستیکه تفکر نمودن موجب زندگانی دلهای بیناست و در تاریکیهای جهالت و تفکر راه ناست پیش میگو  
 خود را خلاص کنید و در فتنه خود را گذارید و در حدیث دیگر فرمود که قرآن باو است در ضلالت و بیان کننده است و در کفر  
 جهالت و دوست گیرنده است در لغزشها و نور است در ظلمتها و ظاهر کننده بدعتها است و نگاهدارنده از هلاک است  
 و در سنگاری راه ناست و بیان کننده فتنه است و رساننده است از دنیا با خیرت و کمال دین شما در قرآن است و هیچکس  
 از آن عدول نمود مگر بسوی آتش و حضرت صادق فرمود که خداوند عز و جبار کتاب خود را بسوی شما فرستاده است  
 و گویت که بوعدهای خود وفا مینماید و چشمش است بر احوال و اخبار شما و اخبار گذشته و اخبار آینده و اخبار آسمان و زمین  
 اگر آن کسی که طمش را سید انداخته و با سحر و جادو قرآن است از آنها نجیب و علوم بی انتما تعجب خواهید کرد و با سانسید

در فضیلت قرآن

در اوصیاء کامل قرآن

آنحضرت رسول منقول است که فرمود که از میان شما میروم و در چیز عظیم در میان شما میگزارم یکی کتاب خدا که یسمانی است آویخته از آسمان بر زمین و دیگری عترت و اهل بیت من پس ببینید که با ایشان چگونه سلوک خواهید کرد و حرمت ایشان را چون خواهید داشت ساقیه و قومه در بیان فضیلت حامل قرآن است بسمت معتبر از حضرت رسول منقول است که دیوانها که در قیامت حساب میکنند همه دیوان است و دیوان نعمتهاست و دیوان حسنات و دیوان گناها ان پس چون دیوان نعمت و دیوان حسنات را برابر کنند نعمتها تمام حسنات را فرا گیرند و دیوان گناها ان باقی ماند پس فرزند آدم را طلبند که گناها انش را حساب کنند در این حال قرآن بهترین صورتها بیاید و در پیش آن مورد روان شود و گوید خداوند انتم قرآن و این بنده مومن نشست که خود را بتعب می انداخت تملکات من و در روزی شب مرا بر تریل میخواند و چون مرادش میخواند آب از دیده اش جاری میشد خداوند او را راضی کن چنانکه مرادش کرده پس خداوند عزیز جبار فرماید که ای بنده من دست بهشت را بچشای پس بپر کنده حق تعالی آنرا از رضا و خوشنودی خود و دست بهشت پشاید بکن از حرمت خود پس باو گوید که اینک بهشت از برای تو مباح است قرآن بخوان و بالار و پس هر یک آیه را بخواند یکصد هزار بار و در حدیث دیگر فرمود که حق تعالی بقرآن خطاب فرماید که بجزت و جلال خودم سوگند که امر و نگرا می و ایم هر که ترا گرامی داشته و خواه کنم هر که ترا خوار کرده و بسمت معتبر از حضرت رسول منقول است که فرمود که قرآن را یاد گیرید بدرستی که قرآن در قیامت می آید نزد ما مل خود بصورت جوان بسیار خوش رو و میگوید که نعم آن قرآنی که بسبب من شبها بیار بودی در روزی با بسبب روزی خود را نشد میداشتی و بسبب کثرت تلاوت من آب دانت خشک میشد و آب دیده ات جاری میگردد و امر روز با تو ام هر جا که میروی و هر که تجارت کرده امر روز از پی تجارت خود میرود و من بعض تجارت جمیع تاجر انم برای تو بشارت باد ترا که بزودی آری است انی شو میرسد پس تاجی می آورند و بر سرش میگذارند و نامه امان از عذاب را بدست رهاش میدهند و تا سنه منگند بودن در بهشت را بدست چپش میدهند و در حدیثی بر او می پوشانند و باو میگویند که قرآن بخوان و بالار و بعد در آیه پدر خدایا میرو و پدر و مادرش را در علم می پوشانند اگر مومن باشند و میگویند با ایشان که این برای آنست که بفرزند خود بسیار قرآن کردید و حضرت علی بن حسین فرمود که بر شما باد بقرآن بدرستی که حق تعالی بهشت را یک نشت از طلا و یک نشت از نقره خلق فرمود و بجای گل مشک خوشبو و بعض خاک زعفران بجای سنگ نیره مر و اید و ان مقرر گردیدند و در جانش را بعد و آیات قرآن گردانید پس کسیکه قرآن خوانده باشد باو میگویند که بخوان و بالار و و میچکس در بهشت در جانش از و بالار ترشیت که پیغمبر ان و صدیقان و از حضرت رسول منقول است که اشرف و بزرگان است من عالمان آنرا شد و جمعی که در شب عبادت میکنند در حدیث دیگر فرمود که عالمان قرآن بزرگان اهل بهشت اند و فرمود که فرما بندگان پیغمبر اولی را که قرآن را حفظ نماید و بسمت معتبر از ان حضرت منقول است که اهل قرآن در اعلی درجات بهشتند بعد از ان غیر ان پس ضعیف و حقیر شمارند اهل قرآن را و حق ایشان را سهل گردانید که ایشان را نزد حق تعالی منزلت

رفیع است ساقیه سوم در بیان صفات قرآنی و اصناف ایشان است به آنکه حامل قرآن ما بر چند معنی اطلاق  
 میکنند و چند قسم میباشد اول آنست که لفظ قرآن را درست یا دیگر در این لول مراتب حاملان قرآن است و در این  
 مرتبه تفاضیل نبی و اوتی علم قرأت و دانستن آداب و محسنات قرأت میباشد و زیاده حفظ کردن و در خاطر داشتن سوره آیات  
 قرآنی و فهم دانستن معانی قرآن است و در زمان سابق چنین مقرر بوده است که قاریان قرآن تعلم معنی آن نیز نمیدانند  
 و این مرتبه از دانستن لفظ بالاتر است و تفاضل در این مرتبه نبی و اوتی و نقصان فهم معانی قرآن از ظهور و بطون میباشد  
 سوم عمل نمودن با حکام قرآن و تخلیج شدن با خلافت است که قرآن بر مع آسناد و دلالت دارد و عالی شدن از صفاتی است  
 که به نسبت آسناد دلالت دارد پس حامل حقیقی قرآن کسی است که حامل الفاظ و معانی قرآن گردیده باشد و بصفتان  
 آن خود را آراسته باشد و بداند که قرآن خوان اسما من معنوی خداوند رحمان است چنانچه از حضرت رسول منقول است  
 که القرآن مأیة الله یعنی قرآن خوان نعمت خداست و خوان کریمان جامع میباشد و در نور هر کس نعمت و امان میباشد  
 سبزی و تره میدارد و الوان حلوا و نقائیس میدارد و لذایح یکس نیست که از قرآن بهره کند هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد  
 نقطش بهره های دنیا و آخرت میبرد حتی آن کسی که کیش را بعل می آورد و آن کسی که کاندیش را میسازد و آن کاتبی که میگوید  
 و کار فرمائی که فرزند و غیر ایشان از جماعتی که در کتابت قرآن دخیل میباشد اگر از برای خدا کنند بهره دنیا و آخرت میبرد  
 و اگر از برای دنیا کنند بهره دنیوی میبرد و جمعی از تعلیم و تعلم لفظش بهره های دنیوی و آخروی میبرد و صاحبان هر علم  
 از علوم نامتناهی را بهره از قرآن است چنانچه صرّفه از وجه نصاریف و مشتقاتش استنباط نماید و نحو می از اسما  
 ترکیبش استشهاد نماید و معنی بیانی از حکمت غریبه به اش فایده مند میشود و اصحاب بلا از پرکات آیات کریمه اش  
 بتلاوت کردن و نوشتن نفع میبرند و ارباب مطالب دنیوی و آخروی با آیات و سورهش پناه میبرند و مطالبها را میابند  
 و یک راه اعجاز قرآن تاثیرات غریب آیات و سوره است که ارباب تکبر و اصحاب عدو غیر ایشان همه بقرآن پناه میبرند  
 و از راه معانی غریب اش جمیع صاحبان علوم مختلفه منتفع میشوند از متکلم و حکیم و فقیه و اصحاب ریاضی و صاحبان علوم اخلاق  
 و طبیبان و اصحاب کسب و نشیان و شعرا و ادبا و غیر ایشان از جماعتی که از ظاهرا قرآن بهره دارند و هر بطیقا از بطون قرآن  
 جمعی که قایل گن هستند از اصحاب عرفان و ارباب ایقان فواید حکم و سعادت نامتناهی میابند پس حامل کامل قرآن مجید  
 جمعی اند که جمیع بهره های قرآن را بر وجه کمال داشته باشند و ایشان حضرت رسول و الهیت کرام صلوات الله علیهم  
 اجمعین اند زیرا که معلوم است با عادیث متواتره که لفظ قرآن مخصوص ایشان است و قرآن تمام و کامل نزد ایشانست  
 و علوم قرآنی که در میان است هم با اتفاق بحضرت امیر المؤمنین منسوب است و اینها احادیث متواتره دارد است  
 که معنی قرآن را کسی بغیر ایشان نمیداند و علم با کمال و ماکون تار و فرقیاست و جمیع شرائع و احکام در قرآن هست

در بیان حضرت علی علیه السلام

و علمش نزد ایشان مخزون است و قرآن را هفت بطن با هفتاد بطن است و علم هیچ آن بطون نزد ایشان است و چنین عمل نمود  
 بر جمیع احکام و شرائع قرآن مخصوص ایشان است چون از جمیع خطای مسموم اند و جمیع کمالات بشری متصف اند و اینها  
 اکثر قرآن در جمیع ایشان و ذریت مخالفان ایشان است چنانچه وارد شده است که ثلث قرآن در شان ماست و ثلث  
 آن در ذریت دشمنان ماست و ثلث دیگر در لایض حکم است و این معنی نیز ظاهر است که روح هر صفت کمالی که در قرآن واقع است  
 جمیع صاحب آن صفت بر میگردد و صاحب آن صفت بر وجه کمال ایشان تدویمت هر صفت نقصی که وارد شده است بر ذریت  
 صاحبان آن صفات بر میگردد که دشمنان ایشانند و چون قرآن شخصی نیست قائم بذات بلکه عرضی است که در محال مختلفه  
 ظهورات مختلفه میسر و چنانچه پیوسته در علم واجب الوجود بوده و از آنجا در لوح ظاهر گردیده و از آنجا بروح حضرت جبرئیل  
 منتقل گردیده و از جانب خدا بنا واسطه و بواسطه جبرئیل در نفس مقدس نبوی ظاهر گردیده و از آنجا بقلوب اوصیاء و مومنان  
 درآمده و در صورت کتابی ظهور نموده پس اهل قرآن را حرمتی است و بسبب آن در هر جا که ظهور کرده آن محل را حرمتی بخشیده  
 و در هر جا که ظهورش زیاده است موجب حرمت آن چیز بیشتر گردیده پس هر گاه آن نقشی که مرکب و لوح کاغذی که بر آن نقش  
 بسته و جلدهای که مجاور آنها گردیده با اینکه پست ترین ظهورات اوست آنقدر حرمت با آنها بخشیده باشد که اگر کسی خلاف او  
 نسبت با آنها عمل آورد کافر میشود پس قلب مومنی که حامل قرآن گردیده حرمتش زیاده از نقش و کاغذ قرآن خواهد بود چنانچه  
 وارد شده است که مومن حرمتش از قرآن بیشتر است و از مضامین اخلاق حسنه قرآن هر چند در مومن بیشتر ظهور کرده موجب  
 اقرار او زیاده گردیده و هر چند خلاف آن اوصاف از تقایص و معاصی و اخلاق ذمیه ظهور کرده موجب نقصان  
 ظهور قرآن و نقص حرمت گردیده پس این مراتب ظهورات قرآن و اوصاف آن زیاده میگردد تا چون بمرتبه جناب  
 بارفعت نبوی و الهیت که اتم او میرسد مرتبه ظهورش بنهایت میرسد چنانچه در وصف حضرت رسول وارد شده است  
 که کَانَ نَلَقَهُ الْمُرْتَلِنَ یعنی خلق آنحضرت قرآن بود بلکه اگر بحقیقت نظر کنی قرآن حقیقی ایشانند که محل لفظ قرآن  
 و معنی قرآن و اخلاق قرآن اند چنانچه دانستی که قرآن چیز را میگویی که نقش قرآن در آن باشد و نقش کامل قرآن  
 بموجب معنی و لفظ و در قلوب مطهره ایشان حاصل است چنانچه حضرت امیر المومنین بسیار میفرمودند که سم کلام الهی  
 مطلق و آیتست معنی آن حدیث که حضرت صادق فرمود در حدیث طولانی که قرآن بصورت نیگونی بصحرا می خورند  
 و شفاعت حاملان خود خواهد کرد و آدمی پرسید که آیا قرآن سخن میتواند گفت حضرت تبسم نموده فرمود که خدا رحم کند  
 حنیفان شیعیان ما را که آنچه از ما می شنود تسلیم میکنند و از ما می نمایند و بعد از آن فرمود که ما دشمنی است و صورت  
 دارد و خلقی دارد و امر و نهی میکند را آدمی میگوید که صورت من متغیر شد و گفتم این سخن را در میان مردم نقل  
 نمیتوانم کرد و حضرت فرمود که هر که ما را بنام زشتی شناسد حق ما را شناخته و انکار حق ما کرده بعد از آن فرمود که میخوای سخن

قرآن را بتولشنا هم گفت بلی فرمود که در قرآن است که نماز نمی میکند از فحشا و منکر و ذکر خدا بزرگ ترست حضرت فرمود  
 که چون نماز نمی میکند پس سخن میگوید و فحشا و منکر مری چند اند و ما نمی ذکر خدا و ما بزرگتریم چون این مطلب در محل ظاهر  
 اهل بیت بسیار ذلیل است اگر زیاده ازین توضیح نمانیم اصوب است بدانکه هر چیزی را صورتی و معنی و جسمی و روحی هست  
 خواه اخلاق و خواه عبادت و خواه غیر آنها و جمعی که خشویه اند بطاهر با دست زده اند و با ازان بدر نمیگذارند و خود را از بسیار  
 حقانین محروم گردانیده اند و جمعی ببلواطن و معانی چسبیده اند و از ظواهر دست برداشته اند و بسبب این ملحق شده اند  
 و صاحب دین آنست که برود و اسمع یقین بشنود و هر دور از اذان نماید مثل آنکه بهشت را صورتی است که عبارت از رود و هوا  
 و نور است و اینها در تصور است و معنی بهشت کمالات و معارف قرب و لذات معنوی است که در بهشت صورتی میباشد  
 خشوی میگوید که در بهشت بغیر از لذت خوردن و نشامیدن و جماع کردن معنی ندارد و بگوید که بهشت در رود و آری  
 و در معنی شبدر همان لذتهای معنوی را باین عبارات تبیین کرده اند باین سبب منکر ضروری دین گردیده و کافیه  
 شده است اما صاحب یقین میداند که هر دو حق است و در ضمن آن لذتهای صورتی لذتهای معنوی حاصل میشود  
 چنانچه در اول کتاب اشاره باین معنی کردیم و همچنین در باب صراط واقع شده است که صراط دین حق است و واقع  
 شده است که اهل بیت صراط مستقیم اند و وارد شده است که صراط محبت علی بن ابی طالب علیه السلام است و واقع شده است  
 که صراط جسری است بر روی جهنم هم حق است زیرا که صراط آخرت نمونه صراط دنیا است و در دنیا فرموده اند که بر صراط دین حق  
 ولایت اهل بیت مستقیم میاید بود و از چپ و راست شعبهای بسیار از مذاهب مختلفه و گنا مان کبیره است که هر که متوجه  
 آنها میشود ازین صراط بدر میرود و این صراط راهیست در نهایت باریکی و وقت زمانکی و کمین گاه دارد که شیاطین بر آن چنگ  
 و کمین نهشته اند و عقوبت از عبادات شاقه و ترک معاصی دارد که بسیار کسی ازان عقوبت را راه را گم کرده اند و نمونه این بعین صراط  
 آخرت است که در نهایت باریکی و وقت و دشواری است و پیروی جنم میگذارد پس کسی که پیوسته درین صراط مستقیم  
 در آن صراط است چه بهشت میرود و هر که بسبب اعتقاد فاسدی یا کبیره هلاک کننده ازین صراط بدر رفته همان شعبه  
 و کمین گاه کبیره پایش ازان صراط می افتد و بجهنم می افتد و همچنین مارها و عقربهای دوزخ صورت اخلاق و معیبه است  
 و در ختم و حور و تصور صورت و ثمره افعال حسنه است و همچنین نماز را در دنیا روحی و پدنی هست چنان نماز ازان فعال  
 مخصوصه است و روح نماز ولایت علی بن ابی طالب و اولاد او علیهم السلام است و کار روح آنست که بسبب اباباتی میدارد  
 و فشا حرکات و آثار بدن میگرد و پس نمازی ولایت چون موجب کمال بنیگردد و باعث قرب میشود و از عذاب نجات نمی بخشد  
 مانند بدن ده است پس ولایت روح آنست و چون نماز کامل از ایشان صادر میشود و اگر از دیگری صادر شود بیکت ایشان میشود  
 پس بقای نماز ایشان است باین سبب خور و روح نماز اند و چون وصفت نماز در ایشان کامل گردیده و خلق ایشان شده

قرآن و تفسیرات بقرآن و تفسیرات بقرآن

گویند با نماز متحرک اند پس همچنانکه لفظ انسان را بر بدن آدمی و بر روح با بدن هر سه اطلاق مینمایند همچنین نماز را بر این افعال  
و بر آن ذوات مقدسه و بر آن ذوات بالانصاف باین صفت اطلاق مینمایند پس نماز که در قرآن واقع میشود ظاهرش که رکن  
افعال است در اوست و باطنش که ولایت است مراد است و منافات با یکدیگر ندارند و جمعی از ملاحده اسما علییه بسبب اینکه  
این احادیث را تفسیر هاند انکار عبادات کرده اند و کافر شده اند و میگویند نماز کنایه از شخصی است و روزه کنایه از شخصی است  
و این اعمال در کائنات و جمیع از حیثیه بجانب تفریط افتاده اند و انکار این احادیث کرده اند و در کرده اند همچنین بایمان  
چون بحضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله کامل گردیده و آنحضرت بر وجه کمال بآن مقصد گردیده و بقای ایمان  
برکت آنحضرت است و ولایتش رکن اعظم ایمان است و ایمان در جمیع اعضاء و جوارحش سرایت کرده و پوست از آثار و اخلاصش  
انوار ایمان مشاهد میشود اگر ایمان با آنحضرت اطلاق کنند در بطن قرآن بعید نیست و همچنین مخالفان ایشان در باب کفر  
و معاصی چنین اند پس روح و معنی و محل حقیقی صلوة و ایمان و زکوة و غیر آنها از عبادات علی بن ابی طالب و فرزندان بنامند  
و روح و معنی و محل حقیقی فحشا و منکر و کفر و فسق و عصیان ابوبکر و عمر و عثمان و سایر دشمنان ایشان مانند که بسبب ایشان  
کفر و معاصی باقی مانده و در ایشان کامل بود و همچنین کعبه را حرمت داده اند برای اینکه محل فیوض الهی و معبد دوستان  
خداست و دلنمای ائمه معصومین و دوستان ایشان که محل معرفت و محبت و یاد خداست از کعبه اثرش است و کعبه حقیقی ایشان  
اند اما نباید که کسی انکار حرمت این کعبه ظاهر کند یا انکار حج کند تا کافر شود بلکه میباید که اول کعبه ظاهر رود و بعد از آن بکعبه  
باطن رود و از انوار هر دو بهره مند شود چنانچه باسانید متبره از حضرت صادق و امام محمد باقر علیهما السلام منقول است که فرمودند  
که این سنگها را برای ما بنام کرده اند که مردم بیایند بطواف و بوسه بدهند این طواف بخدمت ما برسد و معالم دین خود را از ما یاد  
گیرند و ولایت خود را بر ما عرض کنند زیرا که این معنی را در این مقام بسط نمیتوان داد اما اگر او را که این معنی درست نموده  
بسیاری از مشکلات اخبار بر ظاهر میگردد و معنی نهی کردن نماز را می فهمی که هم نماز خودش در کسیکه کامل شد موجب قرب  
میشود و از معاصی و متابعت ارباب معاصی نهی میفرماید و منع میکند و چهار ائمه معصومین که روح نماز اند منتهی میکنند بلکه  
همان معنی نمازی که در ایشان کامل گردید و موجب اعلامی مراتب قرب ایشان گردید بزبان ایشان متکلم است و ترا منعی میباشد  
زیاده ازین سخن در این مقامات نازک گفتن موصوم معانی کفر آمیز میشود در جمیع میکنم نقل اخباری که در وصف حاملان  
قرآن وارد شده است بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که فرمایند قرآن بر سه قسم اند یکی شخصی است  
که قرآن خوانده است و آنرا سر پای دنیا می خود کرده است و وسیله جلب نوایه و اموال از پادشاهان گرفتار شده است و بقرآن بر  
مردم اهتمام در یادنی و فخر میکنند و شخصی دیگر آنست که قرآن خوانده است و حروف آنرا حفظ و ضبط نموده و در دو احکامش با  
مخالف ساخته است و چون در دست کردن لفظش سی منماید خدا این جماعت را در میان حاملان قرآن بسیار بلند کند و شخص دیگر آنست

تفصیلات بقرآن در کتاب کفر و ایمان



که قرآن خوانده و دوای قرآن را بر روی دل خود گذشته و شبهایش را بقرآن بیدار داشته و بسبب قرآن روزها نشسته  
مانده پرونده داشتند و بقرآن بر پا ایستاده است در ساجد و جاها می نمازد و در شبها پہلو از رخت خواب نمی کرده است  
بسبب قرآن پس بیکت این جماعت خداوند عز و جبار رفع ینما ید بلا نار او باین جماعت غلبه میدهد مسلمانان را به دشمنان  
و باین جماعت حق تعالی باران آسمان میفرستد و الله که این جماعت در میان قاریان قرآن کمتر اند از گوگرد همس  
و تبت و معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که سزاوارترین مردم خشنوع و تضرع در آشکار و پنهان حامل قرآن است  
و سزاوارترین مردم در پنهان و آشکار نماز در روزه حامل قرآن است بعد از ان با او از بلند ندا فرمودند که ای حامل قرآن بسبب  
قرآن تو اضع و فروتنی کن تا خدا ترا بلند مرتبه گرداند و بقرآن طلب عزت از مردم مکن که خدا ترا ذلیل و میگردداند و متنه ترین شیوه  
بقرآن از برای خدا تا خدا ترا زینت بخشد و آنرا برای مردم زینت خود مکن که خدا ترا معیوب و بد نما گرداند بدست کسی که  
قرآن را ختم نماید چنان است که گو یا بنیبری را در میان دو پہلو او جاداده اند بدون آنکه وحی با او بیاید و کسیکه تمام قرآن  
خوانده باشد سزاوار از برای او است که با جاها ان جهالت نمکند و در میان جمعی که بغضب آیندا و بغضب نیاید و زود  
از جا بدرنرو و بلکه باید عفو کند و علم کند از برای تعظیم قرآن و کسی را که قرآن با او غطا کرده باشند و گمان کنند که خدا یکی از  
خلق پذیرد بهتر از آنچه با او کرده است فرموده داده است از اموال و اسباب دنیا این تحقیق که عظیم شمرده است چیزی را که خدا  
حقیر شمرده است و حقیر داشته است چیزی را که خدا عظیم کرده اندیده است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است  
که هر که قرآن را بخواند و با خواندن قرآن برامی یا شاید یا محبت دنیا و زینت های آنرا بر قرآن اختیار کند مستوجب غضب  
الهی گردد مگر آنکه توبه کند و اگر توبه ببرد و در قیامت قرآن بر او حجت نور تمام کند که او را عذری نماید ساقیه چه چهارم  
در بیان آداب خواندن قرآن است و آن مشتمل است بر شریکها بسیار اول ترتیل در قرآن است چنانچه حق تعالی میفرماید  
و ترتیل القرآن مستحباً ان ترتیل کن در قرأت قرآن ترتیل کردنی و ترتیل قدری از ان واجب است و قدری  
سخت و ترتیل واجب بسبب شهور آنست که حروف قرآن را از مخارج اده انما ید و حفظ احکام وقت و وصل میکند که اگر دو  
کلمه را متصل بکند بگوید خواند و فاصله در میان بقطع نفس یا سکت طویل نکند که کلام اول را ساکن بخواند بلکه آخرش را با اولی  
کلمه لاحق و وصل کند اگر وقت کند بر کلام وقت بجزکت نکند چنانچه منقول است که از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه  
سوال نمودند از معنی ترتیل فرمود که ترتیل حفظ و قنایست و آوا نمودن حرفهاست از مخارج و ترتیل مستحب شمرده خوانند  
و بتانی خواندن قرآن است بجهتیتی که حروف در یکدیگر داخل نشود که خوب ممتاز نشود و بسیار پاشان خوانند که حرف از هم بیاید  
و اتصال کلام بطرف شود با رعایت صفات حروف و در با و نسام و قفا که از کتب قرأت تفصیل آنها معلوم میشود و این حال با  
تبر داخل در آنچه حضرت فرموده اند میتوان کرد و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که از تفصیل ترتیل پرسیدند فرمود که حرف

ما اینها در کتب اولیاء است

قرآن

خوب ظاهر گردان و مستخوان بخوبی عربان شعر را میخوانند و از هم میپاشند حرفها را مانند ریگی که باشد لیکن بفرع و خوف آورده بود  
 بخواندن قرآن و لهامی سخت را و چنان نباشد که بهمت بر آخروسهنگارید و تند بخوانید که زود تمام شود و دوم بتدبیر و تفکر خواندن  
 و متوجه معانی آن گردیدن و برقت و شمع خواندن است و بایده که از مواضع قرآن متذکر شود و از احوال گذشتهگان عبرت گیرد و چون  
 بایه رحمتی رسد از خدا بطلبد و چون بایه عزابی برسد متعاضد نماید چنانچه با سینه بسیار از حضرت امیرالمومنین و سایر ائمه معصومین صلوات الله  
 علیهم هم چنین منقولست که خیری نیست در قرآنی که در آن تدبیر نباشد و از حضرت صادق منقولست که قرآن بخزن نماند شده است پس آنرا بخزن  
 بخوانید و آن شخص منقولست که حضرت امام موسی کاظم از شخصی پرسیدند که بقاعده دنیا را بخوابی گفت بلی فرمود که چاک گفت از برای خواندن قرآن موافقت  
 پس حضرت بعد از زمانی فرمودند که ای شخص هر که از دوستان شیعیان ما میرود و قرآن از او در قبر او استخوانی نماند تا در جات او نماند  
 گردانند زیرا که در جات بهشت بقدر آیات قرآن است بقاری میگویند که بخوان بالا و پس آیه که میخواند بکند و بالا برود و حضرت گفت کسی ندیدیم  
 که خوش یا بدیش نیاید از آن حضرت باشد و چون آن بخواند بجز آن اندو اندوه بخواند و بخوبی بخواند که گویا باشد با کسی خطاب میکنند و از  
 چهار بن جنحاک منقولست که حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند که در میان خست خواب میفرستند تلاوت بسیار میفرمودند و چون بایه رسیدند  
 که در آن ذکر بهشت یا دوزخ بود دیگر سینه از خدا سوال بهشت و متعاضد از جهنم نمودند و چون نماز سوره قل میخوانند احد میخوانند  
 بعد از آن است میگفتند الله احد و چون سوره را تمام میکردند مرتبه میگفتند که لک الله ربنا و چون سوره قل یا ایها الکافرون میخوانند  
 بعد از آن کافرون میگفتند ایها الکافرون و چون از سوره فارج میشدند مرتبه میفرمودند ربی الله و دینی الاسلام  
 و چون از سوره و التین و الزیتون فارج میشدند میخوانند بلی و انا علی ذلک من الشاهدين و چون سوره لا اقسم بقرم الاضراس  
 بعد از فارج شدن میفرمودند سبحانک اللهم بلی و چون از سوره فاتحه فارج میشدند میفرمودند سبحانک رب العالمین و چون سوره الاحقاف  
 ربک الاعلی میخوانند بعد از اعلی میفرمودند ایها الله که سبحان ربی الاعلی و بحمد و در هر جای قرآن که یا ایها الذین آمنوا بخوانند  
 ایها الله میفرمودند که لبیک اللهم لبیک و بتند معتبر از حضرت امیرالمومنین علیه السلام منقولست که هرگاه یکی از شما خواند  
 بگوئید سبحان الله الاعلی و سبحات سوره چند اند که در اول شان یاسج یا سح یا سح است و چون بخوانید که ان الله و  
 ملائکته یصلون علی التی صلوات بفرستید خواه در نماز باشد و خواه در غیر نماز و چون سوره و التین خوانید در آخرش  
 بگوئید و سخن علی ذلک من الشاهدين و چون قولوا آمنا بخوانید بگوئید آمنا بالله و تمه آیه را بخوانید تا مسلمین و بتند  
 معتبر دیگر منقولست که حضرت امام رضا علیه السلام در هر روز یک ختم قرآن میفرمودند و میگفتند که اگر خواهم کمتر از ده  
 روز ختم بشوم بگوئید سبحان آیه نمیگذرم هرگز مگر آنکه در معنی آن آیه تفکر نمایم و در سبب نزولش تأمل میکنم و یاد میگیرم  
 که در چه وقت نازل آید و در هر روز یک ختم میکنم و بتند معتبر از حضرت صادق منقولست که چون سوره قل  
 یا ایها الذین آمنوا بخوانند بعد از لا اعبد الا الله و ان الله احد و ان الله واحد و ان الله ذی الجلال و الاکرام  
 یا ایها الذین آمنوا بخوانند بعد از ان الله و ان الله احد و ان الله واحد و ان الله ذی الجلال و الاکرام  
 یا ایها الذین آمنوا بخوانند بعد از ان الله و ان الله احد و ان الله واحد و ان الله ذی الجلال و الاکرام

مستخرج من کتاب فی تفسیر قرآن

علیه ایما و علیہ اموت انشا باشد و از حضرت علی بن حسین منقولست که آیات قرآنی خزینه‌های حکمت ربانی است پس  
 در هر خزانه که میکشانی باید که در آن نظر نمائی و بتفکر جوهر معانی و حکمتها را بیسرون آوری و در روایت دیگر از آنحضرت  
 منقولست که فرمود که اگر هر که در مابین مشرق و مغرب است بمیرند بعد از آنکه قرآن با من باشد و حشت بهم نمیرسانم  
 و چون آنحضرت مالک یوم الدین را میخوانند تکرار میفرمودند کسی که نزدیک بود که هلاک شوند و آتقی چگونه حشت بهم  
 کسیکه اینس او خداوند عالمیان باشد و چون خواهد سخن بگوید با خداوند خود سخن گوید و مساجات کند و راز گوید و اگر خواهد  
 که با او سخن گوید قرآن بخواند که گاهی خدا با او خطاب فرماید و خود را مخاطب بآن خطاب نماید و البته لبیک در جواب  
 گوید و گاهی نیز این با او سخن گویند و خطاب نامی ایشان را چنان دانند که از ایشان پیشتر بود بلکه آنجماعت که پیشتر  
 با ایشان سخن میگفتند کور و کوری چند بوده اند و کسیکه آنگاه است مخاطب بآن خطاب ایشان بیشتر است زیرا که خطابها  
 ایشان برای جمیع عالمیان عام است و گاهی حق تعالی برای اوقصه میخواند و احوال گذشتهگان را برای آن نقل  
 میکند و از شادی این کرامت نزدیک است که قالب تهی کند و گاهی خوان نعمتهای الوان بهشت از برایش میگشاید و آنکه  
 عارت است از نعمتهای بهشت برای این لذت سیر و کز دوست باو میرسد از عده اش نیز همان لذت سیر و بلکه بیشتر و مجانب  
 نشاء شراب طهور بهشت را در این تشابه بیشتری یابند و گاهی اوصاف خود را برای اوبیان میفرماید و او را در گلستانهای  
 صفات کمالیه خود بسیر میدارد و گاهی در گلستان رحمانیت تکلیف سیر میکند که خوانندهای مملو از الوان نعمت برای کمال  
 و مسلمان کشیده چه نعمتهای خفی و جلی بر عاصیان و گناهکاران دارد و گاهی بسیر گلستان رحیمیت میفرستد که چه لطفهای  
 خاص و شفقتهای بی اندازه نسبت بدوستان خود فرموده و گاهی بسیر بدوستان رازقیت میبرد و او را که هیچ برگ و گیاهی نیست  
 که بهره خاصی از خوان رازقیت او نداشته باشد حتی آن برگ ضعیفی که در نعمتهای ذیجنت قدری از روزی برای او مقدر است  
 که از ریشه که در زمین فرو رفته و در آن کشاده از آب و خاک بدان خود میگشاید چه قدر آن برسد و زیاده و کم نرسد و گاهی  
 بسیر گلستان قدرتهای نامتناهی میبرد و گاهی در گنجهای علوم و معارف نامتناهی را بر رویش میکشاید و از انواع جوهر حقائق بچشم  
 دیده اش تاب آورده و بر او عرض مینماید و همچنین در جمیع صفات جلال و جمال و رفعت و کمال و گاهی احوال دوستان خود را  
 و کمالات ایشان را برای او نقل میکند و از بنده نوازیهای خود امیدوار میگرداند که دوستان چندین هزار سال گذشته را احوال  
 ایشان را بچهره ربانی نقل میفرماید و نعمتها که خود با ایشان عطا فرموده ایشان را با نامی شاید و بیان شکیبالی ایشان مشتاق  
 که در راه او کشیده اند میفرماید و بعد از آن بیان تدارک فرمودن خود مینماید و از بیان فرمودن وسعت علم و مزید کرمهای خود  
 نسبت بگذشتهها دستگاه امید را وسیع میگرداند و از هر چه پروردگار کریم که با غایت لطف و مدارا مانند پدر شفق و ادیب مهربان  
 برای تکمیل بندگان گاهی بفرموده و تصور و طعام و شراب تطبیع مینماید و گاهی بوعید انواع زجر و عذاب تند مینماید پس کسیکه از روی

در نعمتهای آبی در رازقیت

همه با گامی و تفکر قرآن خوانند و در باسی گلستانهای فیض تا تنهایی بزدانی بروی عقل او مفتوح گردیده باشد و دیده او روشن باشد  
 نور او پاک و معارف داده باشد در هر صغیر از صنایع قرآن که نظر میفرماید گلستانی از شقایق حقایق برایش مرتب ساخته اند  
 و چراغانی از الوان نور معارف و هدایت برایش چسبانده اند و محفل مملو از دوستان و برگزیده گان خدا برای انس و الفت او  
 نشانیده اند و انواع نغمتهای روحانی و اصناف لذتهای عقلانی برایش حاضر ساخته اند و قدحهای مروارید شراب طهور  
 لطف و محبت برایش پر کرده اند و شیربانش خداوند مهربان است و مصاحبان پیمبران و اوصیای و صدیقان در چنین بزمی  
 اگر کسی از شادمانی نمیرود و حشت چراگیر و شوم با طهارت بودن است در هنگام تلاوت چنانچه از محمد بن افضیل منقولست که بجهت  
 حضرت امام رضا عرض نمودم که من قرآن میخوانم و در ایوان میگیرم و در بیخیزم و بول میکنم و دستنبا میکنم و بر سگروم و شروع تلاوت  
 میکند حضرت فرمود که من تا وضو نسازم و این شرط بر سبیل احتیاط است بلکه ظاهر احادیث معتبره آنست که جنب و مایض  
 تلاوت غیر سوره های سجده مستحب است و بعضی زیاده از هفت آیه را که بوده و آنست که زیاده از هفت آیه گفته اند که ایشان فرمودست  
 ولیکن احادیث صحیح و دلالت دارد بر اینکه هر چند از قرآن که خواهند میتوانستند بخوانند غیر از سوره های سجد و تلاوت سوره های  
 سجد واجب بر ایشان حرام است چنانچه مستحاضه است و نه الا فی نیست در اینکه هر وقت که شروع بقرات کند مستحاضه است  
 و در کیفیت آن میان قرآن تلاوتی است و مشهور میان علمای شیعه یکی از دو صورت است اول **أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ**  
**الرَّجِيمِ** و این میان سنی و شیعه مشهور است دوم **أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ** و در بعضی روایات شیعه  
 بعد ازین **وَأَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ يَحْضُرُونِ** وارد شده است و در بعضی روایات شیعه **أَسْتَعِينُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ**  
 مشاهده شده است و در بعضی **إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ** وارد شده است و در بعضی **سَجِدُ لِعِزَّتِهِ** وارد شده است  
 و در بعضی **أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيمُ الْعَلِيمُ** وارد شده است و آن دو وجه  
 اول اشهر و اولی است چنانچه در بعضی روایات آمده است که بهترین مجالس آنست که آدمی رو بقبله باشد و بعضی دیگر از آن  
 در کتب تفسیر قرآن مذکور است و ذکر آن در این مقام موجب تطویل میگردد و سابقه پنجم در کیفیت ختم قرآن است آنست که در بعضی روایات  
 که شخصی بخیر است حضرت امام جعفر صادق عرض نمود که من در یک شب قرآن را ختم میکنم حضرت فرمود که مرا خوش می آید که در کتبه یکماه  
 ختم میکنم و در بعضی منقولست که ابو بصیر میگوید حضرت صادق عرض نمود که من قرآن را در یک شب ختم کردم فرمود که نگفتی در دو شب  
 فرمود که نه ما بشش شب رسانید حضرت اشاره فرمودند که بل ایضا از آن فرمودند که جمعی که پیش از شما بودند قرآن را در یکماه و کمتر ختم میکردند  
 قرآن را نه نیاید خوانند تا چونکه حرفش گم شوند در یکدیگر و لیکن تیریل میباید خوانند و چون بایگذری که در آن یاد بشت باشد توقف کن  
 و از خدا بشت را سوال کن و چون بایگذری که در آن ذکر آتش باشد توقف کن و هتافه کن بخدا از آتش جنم پس ابو بصیر پرسید که در  
 رمضان که شب ختم کنم فرمود که نه پرسید که در دو شب ختم کنم فرمود که نه پرسید که در سه شب ختم کنم اشاره فرمود که بل ماه رمضان است و در حجت

بهارت در اندک زمان

سازیم از این دست سخن

دیگرت که ماههای دیگر آن شبهاست ندارند و در آن ماه نماز بسیار کمین و کسند معتبر دیگر منقولست که از آنحضرت سوال نمودند که در  
چند روز قرآن را ختم کنیم فرمود که هیچ قسمت که نگیرد یا بهت قسمت و نزد من قرآنی هست که دو اذوه قسمت کرده اند و علی بن الحنفیه  
در خدمت حضرت صادق عرض نمود که پدرم از جدت سوال نموده بود از ختم کردن قرآن در هر شب حضرت فرموده بودند که بلی  
و پدرم در ماه مبارک رمضان چهل ختم میکرد و من گاهی چهل ختم میکنم گاهی زیاده و گاهی کمتر بقدر آنچه فراغ و مجال  
داشت با ششم پس چون روز نظر میشود یک ختم را از برای حضرت رسول مقرر میدهم و یکی را برای حضرت امیرالمؤمنین و یکی  
را برای حضرت فاطمه و دیگران را برای هر یک از ائمه صلوات الله و سلامه علیه جمیعین و یکی را برای شما و اما حال پیوسته  
چنین کرده ام چه ثواب از برای من خواهد بود و سبب این عمل حضرت فرمود که خدا بسبب این عمل چنین خواهد کرد که در قیامت  
تو با ایشان باشی راوی گفت الله اکبر بنیین ثوابی برای من خواهد بود حضرت سه مرتبه فرمود که بلی ساقیه ششم  
در ثواب تعلیم و تعلم و حفظ قرآن است البته قیر از خدمت صادق منقولست که هر که حافظ اش کم باشد و قرآن به مشقت  
حفظ کند حق تعالی دو اجر با او گرامت میفرماید در حدیث دیگر فرمود که سزاوار نیست که سوسن نمیرد مگر آنکه قرآن را یاد گرفته باشد  
یا مشغول یاد گرفتن باشد و در حدیث دیگر فرمود که هر که قرآن را یاد گرفت و مشقت یاد گیرد او را دو اجر است  
و بسند معتبر از یعقوب احمد منقولست که خدمت حضرت صادق عرض نمودم که مرا غمناک و داده که آنچه در خاطر داشتم فراموش  
کرده ام چه بسیاری از قرآن را نیز فراموش کرده ام چون نام قرآن را بر پدرم حضرت را فرغی و خوشی حاصل شد و فرمود که بدرستی که  
شخصی که فراموش کرده است سوره از قرآن را آن سوره در قیامت از او جدا نمیشود از درجات بهشت بر او شرف میشود  
و میگوید السلام علیک او در جواب میگوید و علیک السلام تو کیستی میگوید که من فلان سوره ام که مرا ضایع کردی و ترک  
نمودی اگر بمن تنگ میشدی و مرا از دست میدادی امر فرموده این در جیبم رسانیدم بعد از آن فرمود که بر شما باد یاد گرفتن  
قرآن بدرستی که جمعی قرآن را یاد میکنند که ایشان فارسی بگویند و جمعی قرآن را یاد میکنند که با او از خوش سخنانشان مردم بگویند  
که خوش آوازند در این دو طائفه خبری نیست و جمعی آنها یاد میکنند که شب و روز در نمازها سخنانشان را یاد کنند که کسی بداند یا  
نماند و احادیث بسیار موافق این حدیث در مذمت فراموش کردن قرآن واقع شده است و ظاهر بعضی فراموش کردن  
لفظ است و ظاهر بعضی ترک عمل نمودن معانی آن و معنی دوم ظاهر است که بدست و اول اگر از روی بی اعتنائی باشد  
بدست و اگر بی اعتیاد بسبب ضعف حافظه از خاطرش محو شود و تصور ندارد و بعضی احادیث که وارد شده است که قصور ندارد  
بر این معنی محمولست چنانچه از حضرت رسول منقولست که هر که قرآن را یاد گیرد و وعده آفرایش کند چون بگردد در آید  
دانش در گردنش بسته باشد و خدا بعد و بر آید ماری بر او مسلط گرداند که در آتش بنهم قرین او باشد مگر آنکه خدا او را بیامرزد  
و فرمود که نیکان شما گروهی اند که قرآن یاد گیرند و یاد دهند از حضرت امیرالمؤمنین منقولست که بدرستی که حق تعالی

بدرستی که حق تعالی

گاه هست که قصد میفرماید عذاب اهل زمین را که یکی از ایشان را استثنای فرماید بسبب بسیاری گناهان ایشان پس چون نظر  
میفرماید پیران که قدم بر میدارند بسوی نماز و اطفال که قرآن یا دیگر نهایشان را رحم میفرماید و عذاب را از ایشان  
تاخیر مینماید ساقیه هفتم در ثواب قرات قرآن است بسند مستبر از حضرت صادق منقول است که قرآن عهد و نامه الهی است  
بسوی بندگان پس هر مسلمانی در فرمان الهی نظر نماید و هر روز پنجاه آیه بخواند و از حضرت امیر المؤمنین منقول است  
که خانه که در آن قرآن خوانده میشود و یاد خدا در آن میشود برکت در آن خانه بسیار میشود و ملائکه در آنجا حاضر میشوند و  
شیاطین از آنجا دور میشوند و روشنی میدهد آن خانه اهل آسمان را چنانچه که اکبر روشنی میدهد اهل زمین را  
و خانه که در آن قرآن خوانده نمیشود و یاد خدا در آن نمیکند برکت آن خانه کم است و ملائکه از آن خانه دوری میکنند  
و شیاطین در آنجا حاضر میشوند و حضرت صادق فرمود که خانه که در آن مسلمانی قرآن خواند اهل آسمان آنجا را بیکدیگر  
مینمایند چنانچه اهل دنیا ستاره های روشن را بیکدیگر مینمایند و بسند مستبر از امام محمد باقر منقول است که هر که قرآن ایستاده  
در نماز بخواند حق تعالی بعد هر حرفی صد حسنه از برایش بنویسد و اگر گشت در نماز بخواند به هر حرفی پنجاه حسنه از برایش بنویسد  
و اگر در غیر نماز بخواند به هر حرفی ده حسنه از برایش بنویسد و بسند صحیح از آنحضرت منقول است که فرمود که چه چیز مانع میشود تا جبران شمار  
که مشغول اند در بازار از اینکه چون بخانه برگردند بخوانند تا سوره از قرآن بخوانند تا حق تعالی بجای هر کلمه حسنه برای ایشان  
بنویسد و ده گناه از ایشان محو نماید و از پشیمانی غالب منقول است که حضرت امام حسین علیه السلام فرمودند که هر که آیه  
از کتاب خدا ایستاده بخواند حق تعالی بعد هر حرفی ده حسنه از برای او بنویسد و اگر گوش دهد قرآن را به هر حرفی حسنه  
از برایش بنویسد و اگر در شب قرآن را ختم نماید ملائکه تا صبح بر او صلوات فرستند و اگر در روز ختم کند ملائکه کاتبان اعمال تا شام  
بر او صلوات فرستند و آنگه بعد از ختم قرآن یک دعای مستجاب از برای او هست و ختم قرآن از برای او بهتر است از نمان  
آسمان و زمین که پراز ثواب باشد آدمی عرض نمود که اگر قرآن خوانده باشد چه کند فرمود که حق تعالی بخشنده و کریم است  
اگر هر چه میداند بخواند خدا او را این ثواب میدهد و از حضرت امام محمد باقر منقول است که هر که در مکه ختم کند قرآن را از حبه تا حبه  
یا بیشتر یا کمتر و ختمش در روز جمعه باشد حق تعالی از اجر و ثواب از برای او بنویسد از اول جمعه که در دنیا بوده است تا آخر جمعه  
که خواهد بود و همچنین اگر در روز شنبه دیگر ختم کند و بسند مستبر از حضرت رسول منقول است که هر که در شبی ده آیه بخواند او را از عذاب اطفال  
نویسند و اگر در شبی پنجاه آیه بخواند او را از ذکر ان بنویسند و اگر صد آیه بخواند او را از فاشان بنویسند و اگر ویست آیه بخواند  
او را از فاشان بنویسند و اگر صد آیه بخواند او را از ستگاران و از فاشان بنویسند و اگر پانصد آیه بخواند او را از جاشه  
بنویسند که سی سی بار در عبادت کرده باشد و اگر هزار آیه بخواند برای او قطاری از نیکی بنویسند که هر قطاری پانزده هزار شقال از  
عذاب باشد و هر شقال بیست و چهار تریه باشد و هر قیراط کوکبش مثل کوه احد باشد و قیراط بزرگش مثل این زمین و آسمان باشد و از

باید بخواند در خواب و در آن

۱۰۰

حضرت علی بن حسین علیه السلام منقولست که هر که حرفی از کتاب خدا را گوش دهد بی آنکه بخواهد حق تعالی برای او حسنه بنویسد  
و گناهی از او محو نماید درجه از برای او بلند گرداند و فرمود که هر که حرفی از قرآن بر یاد گیرد حق تعالی ده حسنه برای او بنویسد و ده حسنه  
از او محو نماید و ده درجه از برای او بلند گرداند و فرمود که هر که برای او این ثواب میدهد بلکه بهر حرفی مانند با او تا هر که حرفی  
از قرآن را پشت در نماز بخواند خداوند عالمیان پنجاه حسنه برای او ثبت نماید و پنجاه گناه از او محو فرماید و پنجاه درجه از برای او  
بلند گرداند و هر که حرفی را ایستاده در نماز بخواند حق تعالی صد حسنه برای او ثبت نماید و صد گناه از او محو فرماید و صد درجه برای او  
او بلند گرداند و کسی که قرآن را بختم نماید حق تعالی با او یک دعای مستجاب عطا فرماید از برای او و اینها آنست که حضرت امام زین العابدین کاظم  
فرمود که اگر کسی بآیه از قرآن پناه برد از شر دشمنان اگر از مشرق تا مغرب دشمن او باشند از شر همه این گناهان و اگر یقین بر حق تعالی  
بخواند و پسند معتبر از حضرت صادق منقولست که شخصی بحضرت رسول صلی الله علیه و آله شکایت نمود از در سینه خود را  
حضرت فرمود که خواندن قرآن طلب شفا کن زیرا که حق تعالی میفرماید که قرآن شفای همه در دانی است که در سینه است  
و پسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین منقولست که هر که صد آیه بخواند از هر جای قرآن که باشد و بعد از آن هفت مرتبه بگوید یا الله یاکبیر  
اگر بر سنگی دعا کند خدا آنرا بشکافد و پسند معتبر از حضرت موسی کاظم منقولست که هر که از بلیه ترسد و صد آیه بخواند از هر جای  
قرآن که خواهد بعد از آن بگوید اللهم کشف عني البلاء سه مرتبه آن بکار واقع نماید و از حضرت امام محمد باقر منقولست که هر چه از  
بهاری است و بهار قرآن ماه مبارک رمضان است سابقه هشتم در بیان فضیلت تلاوت قرآن و نگاهداشتن قرآن  
از حضرت جعفر بن محمد منقولست که هر که از صحف تلاوت نماید از چشمش بزکوردار شود و عذاب پدر و مادرش را تخفیف دهند  
هر چند کافر باشند و بروایت دیگر فرمود که دوست میدارم که در خانه صحفی باشد که حق تعالی ببرکت آن صحف شیاطین از آن  
خانه دفع نماید و در حدیث دیگر فرمود که هر چه نیست که سزا شکایت نماند کرد سجده خرابی که الهش در آن نماز نکنند و عالمی که در میان  
جمال باشد و حرمتش را نگاه ندارند و صحفی که او بخندد یا در آن نشسته باشد و از آن تلاوت نمایند و از اسحق منقولست  
که با حضرت عرض نمود که من قرآن را در حفظ دارم از خاطر بخوانم بهتر است یا نظر در صحف کنم فرمود که از صحف بخوان بهتر است  
گنبدانی که نظر کردن در قرآن عبادت است و در حدیث دیگر فرمود که شش چیز است که مومن با آنها منتفع میشود و بعد از مرگش  
فرزند صالحی که از برای او استغفار نماید و صحفی که از او بماند که تلاوت نمایند و جاهلی که از برای خدا بچند و درختی که از برای خدا بنشیند  
و صدقه آبی که جاری گرداند و سنت نیکی که بگذارد که بعد از هر دم بآن سنت عمل نمایند و در حدیث دیگر سنای نبی و دوست  
که نمی فرمود از بیکه قرآن را باب دهن محو نماید یا باب دمان بنویسد و از حضرت رسول منقولست که نظری روی علی بن ابی طالب  
کردن عبادت است و نظر بر سجده و راه پیرانی و شفقت کردن عبادت است و نظر بصحف کردن عبادت است و نظر کعبه  
کردن عبادت است سابقه نهم در بیان فضایل و فوائد بعضی از آیات و سوره که بقرآنی است سوره الفاتحه پسند معتبر است

سابقه هشتم در بیان فضیلت تلاوت قرآن

سابقه نهم در بیان فضایل و فوائد بعضی از آیات قرآنی

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

که حضرت امام رضا فرمود که بسم الله الرحمن الرحيم نزدیک است با اسم اعظم انبی از سیاهی چشم بسفیدی چشم و کینه عقیده از حضرت  
صادق منقول است که هر که اعلیٰ خانی شود در آنوقت هفت مرتبه سوره که را بخواند اگر علقش بجزین بشود و گفتن نماید و گوید حقان  
در نیچه خواند و در نمازهای او عافیت او بکسب و توبه از حضرت رسول منقول است که هر که سوره حمدر بخواند حق تعالی ببرد  
هر آید که آسمان نازل شده است ثواب بدارد که است فرمایند از حضرت امام حسین که هر که منقول است که حضرت رسول فرمود  
که خداوند این میفرماید که من قسمت کردم سوره فاطمه را بکتاب و سوره بقره خود و سوره بقره نصیب آن سوره است  
و نصیب آن از بنده من است و آنچه بنده از آن در آن سوره سوال بپایان با و عطا میفرماید پس چون بنده میگویی بسم الله  
و از من از بندگان تعالی میفرماید که بنده من بنام من در پیش من است که کارهای او را با تمام من و جمیع امور  
بر او برگردانم پس چون بگوید الحمد لله رب العالمین تعالی فرماید که بنده من محمد من کرد و است که نعمتها که از او  
بهدا در جانب من است و بلا که از او دور شده است همه تقبول در آسمان من است ای ملائکه شما را گواه میگيرم که آنچه  
او در دنیا کرد و در بهشتها و دنیا انعامی آنرا در دفع کردم از بلاهای آنرا و آنچه بلاهای دنیا را از دفع کردم  
پس چون از آن بگوید تعالی میفرماید که بنده من بر ای من شهادت داد که من رحمان و رحیم است ملائکه  
شما را گواه میگيرم که بهره او را بپارم و در نصیب او از عطا می نمودم و هر که در دنیا و در آخرت گویم ان لا اله الا الله محمد رسول الله  
فرماید که ای ملائکه گواه میگيرم شما را که چنانچه استرات کرد که من ملائکه را روز جزایم من در روز حساب حساب او را آسان کنم  
و از گناهانش درگذرم و چون ایتانک تعبیه گوید حق جل و علا فرماید که هر که است گفت بنده من مرا عبادت کرد پس گوید  
میگیرم شما را که او را بر این عبادت ثوابی که است فرمایم که جمیع مخالفان او از روی منزلت او نمایند چون در ایتانک استعانت  
گوید حق تعالی فرماید که بنده من بمن استعانت جست و التماس آورد گواه میگيرم شما را که جمیع امور او را عانت نامم  
و جمیع شدائد بفرماید او رسم دور در بلا و سختی با دست او را بگیرم پس چون اهدنا الله الصراط المستقیم گوید  
تا آخر سوره حق تعالی فرماید که آنچه از من طلبید با و کرامت کردم و آنچه آرزو کرد با و عطا نمودم و آنچه آرزو کرد او را از  
این گردانیدم و بنده دیگر منقول است که سوره حمدر بر روی هفتاد مرتبه بخواند که آن در دساکن بشود و بنده معتبر  
از حضرت صادق منقول است که اگر سوره حمدر بر سستی هفتاد مرتبه بخواند درون با و بر گردد و عجب خواهد بود و بنده معتبر از حضرت  
امام محمد باقر منقول است که هر که سوره حمدر عافیت ندهد هیچ چیز او را عافیت ندهد و ایضا منقول است که حضرت صادق بعضی  
بهدا بود که شکایت از تب کرد فرمود که بنده ای بر اینست را بگشا و سر در گریبان کن و اذان و اقامت بگو و هفت مرتبه سوره  
حمدر بخوان شخص چنان کرد بزودی شفایانت و در حدیث دیگر منقول است که شخصی از صلح با حضرت شکایت کرد حضرت  
فرمود که دست خود را بگذار بر منی که در میکند و سوره حمدر آیه الکرسی را بخوان و بگو الله اکبر الله اکبر الله اکبر الله اکبر الله



اللَّهُ أَكْبَرُ لِحُجَّتِ الْبُرْجَانِ وَالْحَاثِمِ وَأَخَذَ رَأْسَهُ ذِي بَالِدِهِ مِنْ عِرْقِ بَعْرِ وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ حَرِّ النَّارِ  
 سوره بقره سوره آل عمران تبند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هر که سوره بقره و آل عمران بخواند  
 این دو سوره در قیامت بر سر او سایه انگنند مانند دو ابرو بر او و بسند معتبر از حضرت علی بن حسین منقول است که حضرت رسول  
 فرمود که هر که چهار آیه از اول سوره بقره و آیه الکرسی تا علی اعظم با و آیه بعد از آن و سه آیه آخر سوره بقره را بخواند بدی از خود  
 در مالش بیند و شیطان نیز در یک او نیاید و قرآن را فراموش نکند و از حضرت امام رضا منقول است که هر که آیه الکرسی را  
 در وقت خواب بخواند از فلج ایمن گردد و هر که بعد از نماز پنجشنبه صاحب منشی با و نذر نرساند و تبند معتبر از حضرت امام محمد باقر است  
 که هر که بکیر تبه آیه الکرسی بخواند حق تعالی از دیگر خواننده هر بلا از بلاهای دنیا و هزار بلا از بلاهای آخرت را که سهل ترین بلاهای دنیا  
 و هتایج باشد و کمترین بلاهای آخرت عذاب قبر باشد و منقول است که ابو ذر از حضرت رسول سوال نمود که کدام آیه عظیم ترین  
 آیاتی است که بر تو نازل گردیده است فرمود که آیه الکرسی و تبند دیگر منقول است که شخصی بحضرت صادق از تپ شکایت کرد حضرت  
 فرمود که آیه الکرسی او طرفی نبویین باب حل کن و بخور و از حضرت امام موسی منقول است که یکی از پدرانم شنیدم که کسی سوره فاتحه را میخواند  
 که شکر خدا کرد و مژویافت بعد از آن شنید که قل هو الله میخواند فرمود که ایمان آورد و ایمن شد بعد از آن شنید که سوره انا انزلناه  
 میخواند فرمود که تصدیق نمود کرد و آمرزیده شد بعد از آن شنید که آیه الکرسی میخواند فرمود که به چه نازل شد بر آت پیاری این مرد را شنیدم  
 و تبند معتبر از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که کسیکه شپش آزاری داشت باشد آیه الکرسی بخواند و در خاطر خود  
 و بد که بر طرف میشود بتوفیق الهی عافیت می یابد انشاء الله و هر که پیش از طلوع آفتاب یا زده مرتبه سوره قل هو الله احد  
 و یا زده مرتبه سوره انا انزلناه و یا زده مرتبه آیه الکرسی بخواند خدا مالش را از مات فقط نماید و چون کسی خواهد که از خانه بیرون رود  
 چند آیه آل عمران را یعنی اِنِّیْ فِیْ خَلْقِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ تَاْخِرُ سُوْرَهٗ بِالْاٰیَةِ الْکُرْسِیِّ وَ سُوْرَهٗ اَنَا اَنْزَلْنَاهُ وَ سُوْرَهٗ یٰس  
 بخواند که موجب بر آمدن حاجتهای دنیا و آخرت میگردد و تبند معتبر از امام رضا منقول است که حضرت رسول فرمود که هر که صد مرتبه  
 آیه الکرسی بخواند چنان باشد که مدت حیات خود عبادت کرده باشد و از حضرت رسول منقول است که حق تعالی فرمود که بتو است  
 تو گنجی از گنجهای عرش خود اگر است کرده ام فاتحه کتاب و خاتمه سوره بقره یعنی آسن الرسول تا آخر سوره و از حضرت  
 امیر المومنین منقول است که فرمود که گمان ندارم که کسی در اسلام که تخلص کامل شده باشد و شبی بدون خواندن آیه الکرسی  
 بسر آورد بعد از آن فرمود که اگر بدانید که چه فضیلت دارد و هر چه عالی با و ترک ننمایید بدرستی که حضرت رسول مرا خبر داد که آیه الکرسی  
 را از زیر گنج عرش من کرامت کرده اند و به پیغمبر و یا پیغمبرین کسی اتی نداده بودند بعد از آن حضرت امیر المومنین فرمود که از آن فرد که این  
 از حضرت شنیدم تا حال بکیشب ترک خواندن آن نکرده ام سه مرتبه بخوانم و هر شبی یک مرتبه بعد از نماز خفتن پیش از ناسله  
 و تبند معتبر از حضرت رسول منقول است که هر که بعد از نماز واجب آیه الکرسی بخواند تا وقت نماز دیگر در امان خدا باشد و در حدیث

فصل آیات  
 سوره بقره  
 سوره آل عمران

و از آیه الکرسی

سوره التین

دیگر منقولست که فرمود که یا علی بر تو باد بسلامت آیه الکرسی بعد از نماز فریضه بدرستی که محافظت و مداومت نمینماید بخواند آن مگر سیمبری یا صدیقی یا شهیدی و بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق منقولست که چون حق تعالی امر فرمود که سوره فاتحه و آیه شهادت و آیه الکرسی و آیه قل اللهم مالک الملك را بر من آوردند ایشان در عرش الهی در آویختند و گفتند هر روز گار ما را بجا میفرستی تتر و اهل خطا را و اهل گناهان میفرستی حق تعالی وحی فرمود با ایشان که بروید بر من بعزت و جلال خود سوگند بخورم که هر که از آل محمد و شیعیان ایشان شمار تلاوت نماید بعد از نمازهای واجب البته بسوی او نظر نماید بنظر مخفی خود یعنی الطاف خاصه خود را شامل حال او گردانم هر روز هفتاد و نظر و در هر نظر کردنی هفتاد حاجت او را بر آورم و تو بیاور قبول کنم هر چه نصیحت بسیار کرده باشد و بسند معتبر از حضرت امام علی نقی علیه السلام منقولست که شیخ سلمی حضرت صادق عرض نمود که من بسیار غمخیزم و در بیابانهای مخوف واقع بشوم آنچه از کتب تعلیم من فرمائی که موجب امین من گردد حضرت فرمود که هر گاه خوف بر تو غالب گردد دست رست خود را بر بالای سر خود بگذارد و با او بلند این آیه را بخواند **أَفْغِيْرُ دِيْنَ اَللّٰهِ تَبْعُهُ رَوْحُهُ** انسلام من في السموات والارضين خلقا و كذا و الی غیره چون شیخ گفت که چون بسفر فرموی رسیدم که می گفتند که جن در آنجا بسیارست ناگاه شنیدم که شخصی میگوید که بگیرش من آید را خواندم دیگری گفت که چگونه بگیرش و حال آنکه نیاید بآیه طیبیه بر سوره النساء از حضرت امیر المؤمنین منقولست که هر که سوره انسا را در هر جمعه بخواند از صفة طیبیه امین گردد سوره المائد بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر منقولست که هر که سوره مائده را در هر روز پنجشنبه بخواند ایمانش بظلم و گناه آلوده نشود و هرگز سبب لشک نشود سوره الانعام بسند معتبر از حضرت صادق منقولست که سوره انعام یک دفعه نازل شد و هفتاد هزار ملک آنرا مشایعت کردند تا نزد حضرت رسول آوردند پس این سوره را تعلیم نماید و بزرگ دانید که تمام عظیم الهی در هفتاد موضع این سوره است و اگر مردم بدانند که در قرآنش چه ثواب هست هرگز ترک ننمایند و قرآنش را از عهد انبیا تا س منقولست که کسی که سوره انعام را هر شب بخواند در روز قیامت از جای ایشان باشد و بیدار خود هرگز بنمیرانند و بسند معتبر از حضرت امام رضا منقولست که سوره انعام را یک دفعه نازل ساختند و هفتاد هزار ملک مشایعت آن کردند و آواز بلند کرده بودند تسبیح و تکبیر و تهلیل تا بنزد حضرت رسول آوردند پس هر که این سوره را بخواند آن هفتاد هزار ملک تسبیح بگویند از برای او تا روز قیامت و از حضرت امام محمد باقر منقولست که اگر علقی داشت باشی که خون بلاک از آن داشت باشی سوره انعام را بخوان که مگر وی بنمیرد از آن علت سوره الاعراف بسند معتبر از حضرت صادق منقولست که هر که سوره اعراف در راه بخواند در روز قیامت از جمله جاهاست باشد از دوستان خدا که حق تعالی در شان ایشان فرموده است که خلی بر ایشان نیست و اندوهناک نمیشوند و اگر در هر جمعه بخواند او را در قیامت حساب نکنند و بدرستی که آیات محکمات در آن بسیارست پس قرأت این سوره را ترک ننمایید که گواهی میدهد و قیامت برامی کسی که آنرا خوانده باشد و بسند معتبر از اصحاب من نبات منقولست که روزی حضرت امیر المؤمنین فرمود که سخن خداوندی که محمد را برستی فرستاده است و پیش از اوست که از پذیرم

ببینی دفع خوف

سوره المائد

سوره الانعام

سوره الاعراف

چنان

طلب نمایند از آن برای سوختن یا عرق شدن یا ذردی یا اگر بختن چهار پایان یا کتیر و غلام است و قرآن است  
 پس هر که خواهد از آن سوال نماید پیش شخص برخواست و گفت که یا امیر المؤمنین چیزی از قرآن بمن تعلیم نما که مرا این سود  
 از سوختن و عرق شدن فرمود که این دو آیه را بخوان **ان وَاذِی اللّٰهِ الَّذِیْ نَزَّلَ الْکِتَابَ عَلَیْکَ وَیُحِیُّ الْمَوْتِیْنَ**  
**وَمَا قَدَرُوا اللّٰهَ حَقَّ قَدْرِهٖ ؕ وَالَّذِیْ یُحِیُّ الْمَوْتِیْنَ لَیْسَ بِکَافِرٍ لِّکُمْ الْفِیْءُ وَالتَّشْمِیْطُ وَطَلْحُ الْاَیْمَانِ بِیْمَانِہِمْ سَجَانُہٗ**  
**وَتَعَاثُرُ الْمَیْمَنِ عَلَی الْمَشْرِیْمِ** هر که این دو آیه را بخواند از سوختن و عرق شدن امن شود پس شخص خواند و آتش در خانه  
 همسایگانش افتاد و او سالم ماند و آتش بجای او نیفتاد پس شخص دیگر برخواست و گفت یا امیر المؤمنین چهار پای دارم و  
 پوشی میکند من از آن میترسم حضرت فرمود که در گوش سبزش این آیه را بخوان **لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْمَنَّانُ** در شکر است  
**وَلَا رِیْبَ لَکُمْ فِی اللّٰهِ یَوْمَ الْقَدْرِ** پس آن شخص چنین کرد و چهار پایش نرم و هموار شد پس شخص دیگر برخواست  
 و گفت یا امیر المؤمنین در آن زمینی که من میباشم حیوانات درنده بسیار است بجای من درخت میشوند و حیوانات را  
 کتند به زمین و حضرت فرمود که این دو آیه را بخوان **لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْحَیُّ الْقَیُّوْمُ** که هر که بخواند بر او نعمت است  
**لَا یَاخُذُہٗ سِنَةٌ وَّلَا نَوْمٌ لَّہٗ مَا فِی السَّمٰوٰتِ وَمَا فِی الْاَرْضِ لَیْسَ لَہٗ کِفٰیءٌ مِّمَّنْ سِوَ اللّٰهِ اَللّٰهُ الَّذِیْ یُحِیُّ الْمَوْتِیْنَ وَہُوَ**  
**لَیْسَ بِکَافِرٍ لِّکُمْ الْفِیْءُ وَالتَّشْمِیْطُ وَطَلْحُ الْاَیْمَانِ بِیْمَانِہِمْ سَجَانُہٗ** و آن شخص چنین خواند و گفت یا امیر المؤمنین  
 دشمن من در غزائی بمردید دست آیات است که بسیار شفا گردند به زودگی سبب آنکه در تمام بیماری فرج کنی بشکم  
 خود آیه الکرسی بنویس و شبی در آن آب را بخور که این ذخیره جان در شکم تو باقی ماند تا سیکردی و بذر شدت آن شخص دیگر برخواست  
 و گفت یا امیر المؤمنین برای گم شدن چیزی بفرما حضرت فرمود که در کتیب نماز بگذر و در آن است **سُوْرَةُ التَّوْحِیْدِ** بخوان پس این  
 گویا هادی الضالین مردمان گردون تعالی گم شده اش را باو گرداند پس شخص دیگر برخواست و گفت یا امیر المؤمنین  
 بنده از سن گزینم است فرمود که این آیه را بخوان **اِنَّکُمْ لَیْسَ بِکُمْ اِلَّا نَفْسٌ لَّیْسَ لَہٗ اِلَّا نَفْسٌ لَّیْسَ لَہٗ اِلَّا نَفْسٌ لَّیْسَ لَہٗ اِلَّا نَفْسٌ**  
**فَوَیْہِ سَعَابٌ مُّطْلَقٌ لَّیْسَ لَہٗ اِلَّا نَفْسٌ لَّیْسَ لَہٗ اِلَّا نَفْسٌ لَّیْسَ لَہٗ اِلَّا نَفْسٌ لَّیْسَ لَہٗ اِلَّا نَفْسٌ لَّیْسَ لَہٗ اِلَّا نَفْسٌ**  
 چون این آیه را خواند نمازش گشت پیش شخص دیگر برخواست و گفت یا امیر المؤمنین خرمی برای ذردی بفرما که در حال مرا بسیار سرد  
 در شب حضرت فرمود که چون میان رفت خوابی سردی این دو آیه را بخوان **اِذْ دَعَا اللّٰهُ اَوْلَادَ الْاِحْبَادِ مَا اَرْسَلْنَا مِنْکُمْ**  
**اِلَّا رِجَالًا نَّرٰوۤا اِلَیْہِمْ اَوْ رِجَالًا نَّرٰوۤا اِلَیْہِمْ اَوْ رِجَالًا نَّرٰوۤا اِلَیْہِمْ اَوْ رِجَالًا نَّرٰوۤا اِلَیْہِمْ**  
**اَوْ رِجَالًا نَّرٰوۤا اِلَیْہِمْ اَوْ رِجَالًا نَّرٰوۤا اِلَیْہِمْ اَوْ رِجَالًا نَّرٰوۤا اِلَیْہِمْ** در شب و شب در بیابانی تنها باشد و آیه نوره را بخوان **بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِیْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ**  
**تَبٰرَکَ اللّٰهُ رَبُّ الْعٰلَمِیْنَ** ملاک او را محافظت و حراست نمایند و شیاطین از او دور شوند پس شخص این را شنید و شبی به خواب  
 رفت و در خواب دید فراموش کرد که این آیه را بخواند چون خوابید و شیطان آمدند یکی دانش را گرفت و نقش با و گفت  
 که دست از دربار او را حمله ده چون دست برداشت آن مرد دیدار شد و آیه نوره خواند آن شیطان که دانش را گرفت بود دیگر

فواصل آیات

حفظ از سوختن و عرق شدن

هموار کردن چهار پای

حفاظت حیوانات

در دفع سرما

بیت گم شده

حفاظت سردی

حفاظت جان از شیطان



از حضرت صادق و ارو شده است که هر کس این آیه را در وقت خواب بخواند در هر وقت که خواب بیدار شود سوره هم از حضرت صادق  
 منقولست که هر که در وقت نماز بر سوره هم نهد تا آنچه خواب در خود مال و فرزند پندیده و آخرت با او بدین مثل ملکی که دست پیمان  
 در دنیا داشت سوره طه از حضرت صادق منقولست که ترک کند سوره طه را که خدا این مرد را دوست میدارد هر کس که این سوره را بخواند  
 دوست میدارد و یک بر او آتش بر آتش بر اوست نماید حق تعالی در قیامت نامش را بر پیشانی او بنویسد و او را بر کف او که را سلام کرده است و تا  
 نماند و در آخرت آنقدر جزای عطا فرماید که او را غنی شود سوره المائید از حضرت صادق منقولست که هر که در دنیا یا دنیا را بخواند یا در دنیا  
 و خوشتر از این است با او بیست و یک روز از عمر او هم با بیست باشد سوره المائید از حضرت صادق منقولست که هر که  
 سوره حج را در هر روز یک مرتبه بخواند آن مال او بیست و یک روز از عمر او هم با بیست باشد سوره حج از حضرت صادق منقولست که هر که  
 که خدا بشارت حقیت می یابد سوره المومنین از حضرت صادق منقولست که هر که در هر روز سوره المومنین را بخواند تا آخرت او را بخواند  
 و در فردوس اعلیٰ منزلتش باشد سوره المومنین از حضرت صادق منقولست که هر که در هر روز سوره المومنین را بخواند تا آخرت او را بخواند  
 نماید اموال و درج خود را از حرام بگذرد و در هر روز این سوره را بخواند تا آخرت او را بخواند و در هر روز این سوره را بخواند  
 در هر شب یا در هر روز در هر وقت نماید چنانکه در این سوره مذکور است و در هر روز این سوره را بخواند تا آخرت او را بخواند  
 که همه از برای او دعا کنند و استغفار نمایند تا بقیه اش که از آن در هر روز سوره المومنین را بخواند تا آخرت او را بخواند  
 علیه السلام شکایت نمود حضرت فرمود که این سوره را در هر روز بخواند تا آخرت او را بخواند و در هر روز این سوره را بخواند  
 راوی گفت که صد میل کمتر کشیدم و دیده ام هیچ از اهل شد سوره الفرقان از حضرت امام موسی منقولست که هر که  
 کن تلاوت سوره فرقان را بهتر استیکه هر که در هر شب این سوره را بخواند حق تعالی او را حساب و عذاب نکند و منزلتش  
 در فردوس اعلیٰ باشد سوره طه از حضرت صادق منقولست که هر که سوره طه را در هر شب بخواند از اولیا  
 دوستان خدا باشد و در حفظ و حراست الهی باشد و در دنیا فقر و بد حالی با او نرسد و در آخرت از بهشت با او نرسد  
 پدیدند که راضی شود و زیاده از رضای او با عطا فرماید و حق تعالی صدق از جوهر العین با او کرامت فرماید سوره طه  
 و سوره الروم پس معتبر از حضرت صادق منقولست که هر که سوره عنکبوت و سوره روم را در شب است و سوره روم را  
 رمضان بخواند و الله که از اهل بهشت است و در این حکم شناسان میکنند و نیت هم که خدا در این سوگند برین گناهی نبوی  
 و این دو سوره را از حق تعالی منزلت عظیمست سوره لقمان از امام محمد باقر منقولست که کسیکه سوره لقمان را در شب  
 بخواند حق تعالی در آن شب ملکی چند بفرستد که او را از شیطان و لشکر بایش حفظ کند تا صبح شود و اگر در روز بخواند  
 او را از شیطان و لشکرش حفظ نمایند تا شب سوره السجده از حضرت صادق منقولست که هر که سوره سجد را در هر شب  
 بخواند حق تعالی در قیامت نامش را بر پیشانی او بنویسد و او را حساب و عذاب نماند و در هر شب از تقاضای

فصل الآيات  
 سوره المائید  
 سوره الحج  
 سوره المومنین  
 سوره الفرقان  
 سوره طه  
 سوره الروم  
 سوره عنکبوت  
 سوره لقمان  
 سوره السجده

خواص آیات

سوره الاحزاب

سوره با

سوره با

سوره با

سوره با

حضرت محمد و الهییت او بوده باشد سوره الاحزاب از حضرت صادق منقولست که هر که سوره احزاب را بسیار تلاوت نماید  
در قیامت در جوار حضرت رسول باشد بعد از آن فرمود که در سوره احزاب نسیح بسیاری از مردان و زنان پیش فریاد ایشان  
و بسیار سوره بقره بود و لیکن کم کردند و جز این دو سوره باقی نماند حضرت صادق منقولست که هر که سوره با و سوره فاطر را  
در شب بخواند و حفظ و حرمت آنی باشد و اگر در روز بخواند آن روز که در آن روز در وقت نماز و آخرت آنقدر بزرگ است فرماید که خدا  
منقول کرده باشد و آنرا پیش او نرسیده باشد و پیشتر از حضرت امام موسی منقولست که هر که در وقت خواب بیاید یا بخواند که این شریف است  
اشهد ان لا اله الا الله و ان محمداً عبده و رسوله و ان الله کان حلیماً عفوئراً  
خانه پرستش از آب نشود و اگر در روز بخواند که شخصی از اهل مرو بخواند حضرت صادق منقولست که هر که در وقت نماز  
که نزدیک بسیار است و دست بر او گذاشته این آیه را خواند آن را در کتاب آخر این سوره آیتس از حضرت صادق منقولست  
که هر چیزی را زمین است و قلب قرآن در آن است هر که این سوره را در وقت پیش از شام بخواند در آن روز از بلا محفوظ باشد  
و خدا او را در آن فراوان عطا فرماید تا شام و اگر کسی در شب پیش از خواب بخواند حق تعالی هزار ملک با او مملک گرداند که در آن  
شر شیطان برود و بیانی ملاحظه نماید اگر کسی در وقت پیش از خواب بخواند غسل او سی هزار ملک با او مملک گرداند  
بیاسی او کند و شایسته او تا نزد قبرش یا استغفار و چون در محشر گناه آن ملائکه در میان قبرش ساکن گردند  
و عبادت آنی کنند و ثواب عبادت ایشان از او باشد و قبرش را فرج کنند تا چشم کار کند او را این گناهان از خشارش  
قبر و پیوسته از قبر او نوری ساطع باشد تا اطراف آسمان تا وقتیکه از قبر بیرون آید پس چون حق تعالی او را از قبر  
بیرون آورد آن سی هزار ملک با او باشد و شایسته او نمایند و با او سخن گویند و بر او پیش خنده کنند و بهر چیزی  
او را بشارت دهند تا او را از صراط و میزان بگذرانند و او را در مقام قرب بجای بدارند که هیچ خلقی قریش از او بیشتر  
نباشد تا اگر لنگه تقرب و پیغمبران مرسل و آباء پیغمبران بایستند نزد حق تعالی در هنگامیکه مردم اندوه داشته  
باشند و او اندوه نداشته باشد و در حالتی که مردم حیرت نمایند و او خیر نماید پس پروردگار عالم با خطاب فرماید که ای بنده من  
هر که خواهی شفاعت کن که شفاعت از قبول بنمایم هر سوالی که خواهی از من بکن که سوالت را رسد بکنم پس او شفاعت کند  
و خدا قبول فرماید و او سوال کند و خدا عطا فرماید و دیگران را حساب کنند و او را حساب نکنند و با دیگران در مقام  
حقابتش بگذارد و مذودت و خواری در آن صحرابا و نرسد و هیچ گناهی از گناهان او را نگیرند پس نامر خود را  
بگیر و بجانب بهشت روان شود پس مردم تعجب کنند که سبحان الله این بنده را هیچ گناه نبوده و از رفیقان هم  
آخر الزمان باشد و بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر منقولست که هر که در عمر خود یک مرتبه سوره فاطر را بخواند حق تعالی بعد  
بر خلقی که در دنیا است و هر خلقی که در آخرت است و هر خلقی که در آسمان است بعد و هر یک از ایشان و هزار مرتبه از برای او

بنویسد و در هر هزار گناه از او فریاد و یقین و قرض و خانه بر سرش فرود آمدن و تعب و مشقت و دیوانگی و خوره و دوری  
 و در دو پا ضرر رساننده مبتلا نشود و حق تمام سکران در هواں مرگ را از او بخت دهد و خود قبض روح او نماید و ضامن شود از  
 او بهشت و فراخی روزی را و قیامت او را شاد گرداند و چندان ثواب با او کرامت فرماید که او را غنی شود و حق تمام کتاب  
 فرماید ببلای که آسمانها وزین که سن از فلان بنده رضی بشم بر او استغفار نماید پسندد و بگردد است که شخصی است  
 حضرت امام رضا از بوسه شکایت کرد حضرت فرمود که بیس با غسل بنویس و حل کن و بخورد و در حدیث دیگر از حضرت صادق  
 منقولست که از بوسه دفع لکه های سفید بزی که در بین بهم برسد سوره یس را بگسل بنویسند و بیست و پنج مرتبه بصافه  
 از حضرت صادق منقولست که هر که سوره صفات را در هر روز بخواند پیوسته از جمیع آفتها و بلاها محفوظ باشد  
 و در دنیا روزیش فراخ باشد و بیدان و مال و فرزندانش که در دنیا نرسدند از شیطان و آفتها و در دنیا سعادت اگر  
 در آخرت در آتش بهر دست او را شمشیر اندر شمشیر سبوت گرداند و با شمشیر آن در آخرت کشته شود و در روز  
 شهیدان او را جادو بد و بسند بهر از سلیمان جعفری منقولست که حضرت امام موسی قاسم فرمودند که هر که بر خیزد  
 فرزند بر پا که سر بر اوست سوره صفات بخواند که از او ای کوشم و بخواند که چون آید استخلاق امام من  
 خلقند اسید قبض روحش شد چون جامه بر او بپوشد کشیدند و بیرون آمدند بجهت سبب در حدیث حضرت عرض کرده اند  
 چنین سید استیم که بر آسانی جان کردن سوره یس را با یاد خواند که شفا فرود آید که در حدیث منقولست که حضرت فرمود  
 که سوره صفات را بر سر هر کسی که شدت جان کردن گرفتار باشد بخواند البته حق است که از او یکس که  
 و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین منقولست که هر که از گزینان که در محراب ترسد این آیات را بخواند سلام علیک فی  
 العالمین انما ذلك یخبر علیا من عبادنا المؤمنین و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین منقولست که کسی که فرود  
 آید در قیامت بکمال دانی ثواب کامل بدهند باید که بعد از هر نماز این آیه را بخواند که سبحان ربك رب العرش العظيم  
 یصنون سلام علی الملائکة العالین و در حدیث دیگر وارد شده است که از هر مجلس که برخیزد این آیه را بخواند  
 گفته گنای آن مجلس گرد سوره یس از حضرت امام محمد باقر منقولست که هر که سوره یس در شب جمعه بخواند حق است که از غیر دنیا  
 آخرت آتقد با و عطا فرماید که هیچ احد از خلق عطا نفرموده باشد مگر به پیغمبر صلی الله علیه و آله و او را در اصل بهشت گرد  
 و هر که او خواهد از این خانه اش حتی خادمی که او را خدمت میکند است سوره الرعد از حضرت صادق منقولست که هر که  
 سوره زمر را بخواند حق است که شرف دنیا و آخرت با او کرامت فرماید و او را عزیز گرداند بی مال و خویشان بحدی که هر که او را ببیند  
 از دنیا باقی در دشت بهر سوره بشناید بر آتش جهنم حرام گرداند و در بهشت از بوسه او هزار شهر بنا کند که در هر شهر قصر باشد و  
 در هر قصری هزار عریه و از چشمه ها و در میان درختان و میوه آنچه در قرآن وصف فرموده با او کرامت فرماید سوره المومنین

فصل الثانی

تفسیر

عاشق

تفسیر

تفسیر

در وقت نماز

از حضرت امام محمد باقر منقولست که هر که سوره سوسن را در هر شب بخواند حق سبحانہ تعالیٰ گناہان گذشته و آئینہ اور پیمانہ  
 و ایمان را از وی سلب نماید و آخرت را بهتر از دنیا گرداند برای او سوره جم سجدہ از حضرت صادق منقولست که هر که  
 سوره جم سجدہ را بخواند حق تعالیٰ در قیامت او را توفیق عطا فرماید آنقدر که چشم کار کند و او را سرور و شادمانی در آن روزگار است فرمایند  
 در دنیا بحالی باشد که دیگر آن آرزوی حال از کس سوره جم معنی از حضرت صادق منقولست که هر که مداومت نماید بر تلاوت  
 سوسن چون در قیامت مبعوث شود روی او مانند برت سفید باشد و مانند آفتاب نورانی باشد و چون مبعوث شود حق تعالیٰ  
 حق تعالیٰ فرماید که ای بنده من مداومت نمودی بر تلاوت سوسن و فیض استی که چه ثواب دارد اگر تلاوت آن سوره در اول  
 شب استی برگز از خواندن آن طلال هم نرسد سائیدی و اکنون چیزی که خود را خواهی داشت ای ملائکه او را داخل بهشت  
 فرماید و از برای او قصری مقبر ساخته ام از باقوت مسج و دریا و کنگره و شیش و برهائش از باقوت مسج است و در لفظ  
 از اندرون بیرون را میتوان بیرون بیرون اندرون را میتوان دید و در آن قصر دختران باکره جوان از حور امین هزار کنیز  
 غلام از پسرات گوشواره در گوشش با پیوسته در آن پانیده با و عطا فرموده ام سوره الحجرات از حضرت امام محمد باقر  
 منقولست که هر که مداومت نماید بر تلاوت سوره جم از حضرت صادق منقولست که هر که مداومت نماید بر تلاوت سوره جم  
 بتمام حسنات بیاورد آن سوره بیاید و با امر الهی او را داخل بهشت گرداند سوره الاحقاف از حضرت امام محمد باقر منقولست  
 که هر که سوره دخان از نمازهای واجب بکند بخواند حق تعالیٰ او را در زمرة ایمان مبعوث گرداند و او را در سایه عرش خود  
 جا دهد و حساب او را آسان کند و نامه او را بهت راست او دهد و بسند معتبر منقولست که ششصد مرتبه حضرت امام محمد باقر  
 عرض نمود که چگونه شب قدر را بشناسم فرمود که چون ماه رمضان بیاید هر شب صد مرتبه سوره دخان را بخوان چون شب  
 بیست و نهم شود تصدیق خواهی نمود با آنچه سوال نمودی سوره الحجیة از حضرت صادق منقولست که هر که سوره جاثیہ  
 بخواند خویش است که جہنم را نبیند و آواز و خروش او را نشنود و بار و کتاف او نباشد سوره الاحقاف از حضرت صادق  
 منقولست که هر که در هر شب یا در هر جمعه سوره الاحقاف را بخواند در دنیا خونی باو نرسد و از فرج روز قیامت امین گردد و آن  
 حضرت صادق منقولست که سوره احقاف را خواند آنرا با بید خدا را حمد و شکر  
 بسیار بکنند که توفیق تلاوت آنها بشمار است فرموده است بستی که بنده که از خواب برخیزد و در نماز عزم بخواند از دین  
 نسیب خوشبو تر از مشک و عنبر بیرون آید بستی که حق تعالیٰ رحم بکند تلاوت کند و خواننده این سوره را در رحم بکند بسیار  
 و آتش نمایان و صاحبان خوششان او را در روز قیامت خوش و گری و ملائکه مقرب از برای او استغفار نمایند سوره  
 از حضرت صادق منقولست که هر که سوره الذین کفرنا را بخواند گناه کند و در دین خود هرگز شک بهم نرساند و بقیصر برگز  
 تبار نشود و هرگز از پادشاهی خونی باو نرسد و همیشه از شک و کفر محفوظ باشد تا بمیرد و چون بمیرد حق تعالیٰ هزار ملک بقراب

در وقت نماز

در وقت نماز

در وقت نماز

در وقت نماز



فرستد که نماز کند و شب نماز ایشان از او باشد و چون از قبر بیرون آید آن هزار ملک اورا مشایعت نمایند تا او را بحمل  
 ایشان از خوشی قیامت بدارند و در آن زمان خداوند بفرموده باشد که این سوره از حضرت صادق منقول است که حفظ نمایند  
 امول و زمان و بنده های خود را بخوانند سوره اما متحنا بدستی که کسی که بخواند این سوره مداومت نماید در  
 قیامت مشاوق از جانب رب العزت اورا ناز کند که همه بندهایش بشنوند که تو از زندگان مخلص مائی ای ملا که اورا مخرج  
 گردانید به زندگان شانه شستن را در او داخل بهشت جاوید کنید و از شراب طهور بهشت که با کافور مخزج است با او خوش  
 سوره الحجرات از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هر که سوره حجرات را بخواند در هر شبی یا در هر روزی  
 در بهشت از جماعتی باشد که بزیارت حضرت رسول علیه السلام مشرف میشوند سوره ق از حضرت امام  
 محمد باقر منقول است که هر که مداومت نماید بخواندن سوره ق در نماز های واجب و سنت خدا تعالی روزی یک بار  
 گرداند نامه اش این است است و در او حساب آسان کند سوره الزاریات از حضرت صادق منقول است  
 که هر که سوره زاریات را در روز یا در شب بخواند امر معیشت اورا با صلاح آورد و دوست دهد روزی یک بار و در روز  
 قبر او بچراغی که نور بخشند روز قیامت سوره الطور از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق منقول است که هر که  
 سوره طور را بخواند حق تعالی نیر و نیا و آخرت را برای او جمع نماید سوره النجم از حضرت صادق منقول است که هر که سوره  
 نجم را در هر شب یا در هر روز بخواند در میان مردم بخیر تمام نیک تغییر نماید و گناهایش آمرزیده شود و محبوب دلها گردد  
 سوره اقصیت از حضرت صادق منقول است که هر که سوره اقصیت را ساقه را بخواند چون از قبر بیرون آید برزاقه از آنجا  
 بهشت سوار شود سوره الرحمن از حضرت صادق منقول است که هر که سوره الرحمن را بخواند از درگاه  
 بدستی که این سوره در دل منافقان قرار نگیرد و حق تعالی این سوره را در روز قیامت به بهترین صورتها در نهایت خوب  
 در صحرا محشر حاضر میگردد اندوی آید و در محل قرب و کرامت می ایستد حق تعالی با خطاب میفرماید که در زندگانی دنیا ترا  
 در نماز بخواند و مداومت نمود و خواندن ترا سیگوید خداوند افلان و فلان پس حق تعالی روای ایشان اسفند میگردد و  
 میفرماید که هر که اخوانی شفاعت کنید پس ایشان آنقدر که خواهند شفاعت بنمایند پس ایشان میگویند که در این بهشت  
 شویر و در هر جا که خوابید ساکن شوید پس معتبر از حضرت منقول است که سنج است که بعد از نماز صبح در روز جمعه سوره الزم  
 را بخوانی و هر مرتبه که گویی فبای اللہ یکما کنذ بان بگوید لاشی من الازرب الازرب و در حدیث مشهور دیگر فرموده که هر که  
 سوره الرحمن را بخواند در هر مرتبه که بگوید فبای اللہ یکما کنذ بان بگوید لاشی من الازرب الازرب اگر در شب بخواند  
 و در شب بیدار شهید مرده باشد و اگر در روز بخواند و در روز شهید مرده باشد سوره الواقعة از حضرت صادق  
 منقول است که هر که در هر شب جمعه سوره واقعه بخواند خدا او را دوست دارد و مردم را دوست دارد و اگر داند و در دنیا بدکار و فقیر

فصل فی التوبه

در هر روز یک بار

در هر روز یک بار

در هر روز یک بار

فصل اول

در احتیاج نه بیند و هیچ آفتی در بلای مبتلا نشود و از رفق حضرت امیر المومنین باشد و این سوره مخصوص آنحضرت است  
 و بسند معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که هر که شش ماه پیش از آن باشد باید که سوره اذوقه را بخواند و هر که خواند  
 و صفت چشم را ملاحظه نماید سوره آلم سجده را بخواند و بسند صحیح از حضرت امام محمد باقر منقول است که هر که سوره واقعه را  
 در هر شب پیش از آنکه بخوابد بخواند در قیامت روی او مانند ماه شب چهارده لوزانی باشد و بسند معتبر از سما عیال بن الحنفی  
 منقول است که حضرت صادق از فرموده که هر چه بعد از نماز مغرب در رکعت نماز نشسته میکردند و در آن دو رکعت صد آیه بخواند  
 و بیغیردند که هر که این دو رکعت را بکند صد آیه درین دو رکعت بخواند او را در شب از غافلان نویسند و سما عیال گفت  
 که حضرت امام محمد باقر در دو رکعت و تیره سوره اذوقه و قل هو الله احد بخواند سوره الحکیم و سوره المجادله  
 از حضرت صادق منقول است که هر که سوره حدید و مجادله را در نماز فریضه بخواند و مداومت نماید خدا او را عذاب نکند  
 و در خودش و مالش بدی و احتیاج نه بیند سوره اکثر از حضرت رسول منقول است که هر که سوره حشر را بخواند جمیع خلق خدا  
 از بهشت و دوزخ و عرش و کرسی و جیب و آسمانها هفت گانه و زمینها هفت گانه و هواد و باد و مرغان و درختان گواه  
 و آفتاب و ماه و ملائکه همه بر او صلوات فرستند و از برای او استغفار نمایند و اگر در آن روز یاد آن شب بمیرد یا شهادت  
 داده باشد سوره استغفر از حضرت علی بن الحسین منقول است که هر که سوره ممتحنه را در نمازهای واجب و سنت بخواند  
 خدا دل او را با ایمان استخوان نماید و دیده اش نور بدهد و خود و فرزندانش بدیوانگی و فقر مبتلا نشوند سوره الصافات  
 از حضرت امام محمد باقر منقول است که هر که مداومت نماید بر خواندن سوره صافات در نمازهای واجب و سنت خدا  
 او را در صحت طراک و از پا جاود سوره الحجه و سوره المنا فقین از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله  
 منقول است که واجب است بر هر که از شیعه باشد که در نماز شام و خفتن شب جمعه سوره جمعه و سجده هم را یک  
 الی غای بخواند و در نماز ظهر جمعه و نماز فقین بخواند چون چنین کند چنان باشد که بعمل حضرت رسول عمل نموده باشد  
 و ثواب او نزد خدا هشت باشد سوره التغابن از حضرت صادق منقول است که هر که سوره تغابن را در نمازهای  
 بخواند آن سوره در روز قیامت شمع او باشد و گواه عادل باشد که شهادت دهد بر او نزد کسی که شهادت او را  
 قبول نماید و از بهر آنست که او را در هر شب گرداند از حضرت امام محمد باقر منقول است که هر که سوره هاسی را  
 در هر شب از خواب بیدار نماید و تا حضرت قائم آل محمد را در آن نماید و اگر بمیرد او را در جوار حضرت رسول جاود سوره  
 الطلاق سوره التحریم از حضرت صادق منقول است که هر که سوره طلاق و سوره تحریم را در نمازهای واجب بخواند خدا او را  
 قیامت پناه دهد از خوف و اندوه و از آتش جهنم عاقبت یابد و او را در هر شب گرداند بسبب تلاوت کردن آن  
 بدون حسرت این دو سوره زیرا که این دو سوره از حضرت رسول اند سوره الملک از حضرت صادق منقول است

سوره الحکیم

سوره الممتحنه

سوره الصافات

سوره التغابن

سوره طلاق

سوره الملک

کہ ہر کہ سورۃ تبارک الذی بیدہ الملک ہر شب در نماز واجب پیش از خواب بخواند بیستہ در امان الہی باشد ہر شب شود  
 و در روز قیامت در امان الہی باشد تا داخل شب شود پس بعد از حضرت امام محمد باقر منقولست کہ سورۃ ملک بالغ است  
 کہ از عذاب قبرت میکند و نامش در توریۃ سورۃ الملک است و ہر کہ در شب بخواند بسیار عبادت و تلوذت کردہ و نیکو کردہ است  
 و در شب اورا از غافلان نوسیند بدستی کہ من در نماز و تیرہ بعد از نماز خفتن ششستہ بخوانم و پیرم در روز شب ہر روز بخوانم  
 و ہر کہ این سورہ را بخواند چون نیکو و نیکو بقبر او آید چون از جانب پائین یا پائین یا پائین یا پائین یا پائین یا پائین یا پائین  
 را ہی نیست زیرا کہ این بندہ ہر شب در روز برامی ایستاد و سورۃ ملک را بخواند و چون از جانب شکش یا پائین یا پائین یا پائین  
 خطاب نماید کہ شمار از جانب من ہے نیست بدستی کہ این بندہ در سن جادو دہ سورۃ ملک را بخواند و چون از جانب پائین  
 یا پائین یا پائین گوید کہ شمار از جانب من را ہی نیست زیرا کہ این بندہ ہر شب در روز سورۃ ملک را بخواند و چون از جانب  
 جاری میساخت سورۃ آت و القلم از حضرت صادق منقولست کہ ہر کہ سورۃ آت و القلم را در زمینہ یا نافذ بخواند خدا  
 اورا زمین گرداند و نیکو ہرگز بفقیر مبتلا نشود و چون ببرد اورا از فشار قیامت نجات دہد سورۃ الحاقہ از حضرت صادق  
 منقولست کہ بسیار بخواند سورۃ حاقہ را بدستی کہ خواندن آن در فراغ نفس و نوافل از ایمان و نجات اورا رسول است زیرا کہ این  
 سورہ در واقعہ حضرت امیر المؤمنین و سوریہ نازل شدہ است و ہر کہ این سورہ بخواند ایمان از او بر طرف نشود تا ہنگام مرگ  
 سورۃ المعلق از حضرت صادق منقولست کہ بسیار بخواند سورۃ سأل سائل کہ ہر کہ این سورہ را بسیار بخواند حق تعالی  
 در قیامت از سبب گناہ او سوال نماید و اورا در بہشت بار رسول اللہ ساکن گرداند سورۃ نوح از حضرت صادق منقولست  
 کہ ہر کہ ایمان بخدا و خواندن قرآن دارد باید کہ خواندن سورۃ نوح را ترک نماید بدستی کہ ہر بندہ کہ این سورہ را از سبب خدا  
 در نماز و جہی یا سنتی بخواند خدا اورا در ساکن نیکو کاران ساکن گرداند و سہ بہشت دیگر اورا کر است فراید و دود کیست  
 و چہ ہزار زن با تزویج فراید سورۃ یحییٰ از حضرت صادق منقولست کہ ہر کہ سورۃ یحییٰ را بسیار بخواند در دنیا و آخرت  
 جنیان و دہید نہاد سحر و کفر ایشان محفوظ باشد و در بہشت از رفقا حضرت رسول باشد سورۃ المزل از حضرت صادق  
 منقولست کہ ہر کہ سورۃ مزل را در نماز خفتن یا در نماز شب بخواند شب و روز آن سورہ ہر شاہد و گواہ او باشد در قیامت  
 خدا اورا با زندگان نیکو زندہ دارد و بگردن نیکو میلند سورۃ طہ از حضرت امام محمد باقر منقولست کہ ہر کہ در نماز شب  
 سورۃ طہ را بخواند بر خدا لازم است کہ اورا در جوار حضرت رسول جادہد و در زندگان دنیا ہرگز شقاوت اورا در دنیا بدست  
 القیامت از حضرت صادق منقولست کہ ہر کہ ہر وقت نماید بر سورۃ لائیم و بان عمل نماید خدا بار و نجات بخشند گرداند  
 بہترین صورت نماز آن حضرت اورا بشارت فراید و بر رویش خندد تا از صراط و میزان اورا بگذراند سورۃ الدھر از حضرت  
 امام محمد باقر منقولست کہ ہر کہ سورۃ ہل علی الانسان را در ہر صبح بخواند خدا با بہشت بخشد و ہر کہ ہر روز

فصل در بیان  
 سورۃ الحاقہ  
 سورۃ المعلق  
 سورۃ یحییٰ  
 سورۃ طہ  
 سورۃ الدھر

نور بعین کرامت فرماید و حضرت رسول باشد و سبب معتبر از علی بن عمر منقولست که بخیرست حضرت امام علی رضی الله عنه  
 در روز کوشش حضرت فرمود که در روز شنبه حرکت کنم حضرت فرمود که هر که خواهد خدا  
 اورا از شر روز و کوشش نگاه دارد و در رکعت اول نماز صبح آن روز سوره ایل آتی علی الانسان بخواند چنانچه حق تعالی  
 در آن سوره میفرماید که پس خدا ایشانرا نگاه داشت از شر آن روز و استقبال ایشان فرستاد نصرت و خوشحالی و سرور  
 و شادای را و در حدیث رجاء بن ضحاک وارد شده است که حضرت امام رضا صبح روز و کوشش و شنبه در رکعت اول  
 سوره ایل آتی علی الانسان بخواند و در رکعت دوم سوره ایل آتی یک حدیث الغاشیة سوره الم سلات و سوره ایل  
 و سوره التازعات از حضرت صادق منقولست که هر که سوره الم سلات را بخواند حق تعالی بیان او و حضرت  
 رسول پستیالی برسد از دو در که هر روز سوره غم قیسا ایوان را بخواند از دنیا زود توفیق زیارت کعبه یابد و هر که سوره التازعات  
 را بخواند غیره مگر سیراب و میوه نشود مگر سیراب و در اصل بهشت نشود مگر سیراب سوره عبس و سوره کورت آن  
 حضرت صادق منقولست که هر که سوره عبس و توستی و سوره اذ الشمس کورت را بخواند در حفظ الهی باشد از زیارت  
 و در سایه کرمت و رحمت الهی باشد تا زنده باشد سوره الانقطار و سوره المطففین و سوره الانشقاق  
 از حضرت صادق منقولست که هر که سوره اذ الشمس انقضت و اذ السماء انقضت را در فریضه و نافلة بسیار خواند خدا هیچ  
 حاجت او را از نماید و از هیچ مانعی از نماند دور نگردد در آخرت و پیوسته اول نظر بر آسمان نماید و خدا نظر رحمت  
 با او بدارد تا از حساب نماند تا تاریخ شود و دستند دیگر از حضرت منقولست که هر که در نماز واجب سوره ایل المطففین  
 بسیار بخواند حق تعالی در قیامت برات برنی از بخش جنم باو کرامت فرماید و او را حساب بهشت بر دسوره البروج  
 از حضرت صادق منقولست که هر که سوره و السمانات البروج را در فرائض بخواند چون سوره غیره است حق تعالی او را  
 در قیامت با سیمبرین و مرسلان و صالحان محشور گرداند و با ایشان او را باز دارد سوره الطارق از حضرت صادق  
 منقولست که هر که سوره و السمار و الطارق را در فرائض بخواند او را نزد خدا تعالی قدر و منزلت عظیم بوده باشد از فضا  
 سیمبرین بوده باشد و در بهشت سوره الاعلی از حضرت صادق منقولست که هر که سوره سج اسم ربک علی را در فریضه و نافلة بخواند  
 در روز قیامت باو گویند که از هر در دراز در بهشت کو خواهی داخل شو سوره الغاشیة از حضرت صادق منقولست که هر که در نماز  
 سوره الغابیر خواندن سوره ایل آتی یک حدیث الغاشیة در نماز واجب است خدا او را فرود گیرد و رحمت خود در دنیا و آخرت و در روز قیامت برات  
 سوره از عذاب جنم باو کرامت فرماید سوره الفجر از حضرت صادق منقولست که بخواند سوره فجر را در نماز فرائض و نافلة که آن سوره حضرت  
 امام حسین است و هر که این سوره را بخواند در بهشت در جوار آن حضرت باشد سوره الم سلات منقولست که هر که سوره لایم سیراب  
 را در نماز واجب بخواند در دنیا از جمله صالحان معرود شود و در آخرت معرود گردد و او را کرمت عظیم نزد خداست در قیامت

سورۃ الشفاء  
 سورۃ المطففین  
 سورۃ التازعات  
 سورۃ الانشقاق  
 سورۃ البروج  
 سورۃ الفجر  
 سورۃ الغابیر  
 سورۃ الم سلات  
 سورۃ لایم سیراب

سورۃ الم سلات  
 سورۃ لایم سیراب

بینبرن شیدان صالحان شهر سوره الشمس و سوره الليل و سوره الفجر و سوره الفتح از حضرت صادق  
 منقولست که هر که بسیار بخواند در روز یکشنبه سوره و الشمس و صبحها و سوره و الليل اذانیثا و سوره الفتح و سوره الفجر  
 با هر چیز که نزد او حاضر باشد در قیامت بر او شهادت دهند حتی بود پوست و گوشت و خون و عروق و عصبها و  
 استخوانها و جمیع اعضا او حق تعالی بفرماید که من شهادت شمار قبول کردم از برای بنده خود ای ملائکه برید او را به  
 هر جا که او اختیار نماید با و عطا کنید گوارا با و فضل و رحمت من از برای بنده من سوره و الفجر از حضرت  
 صادق مرویست که هر که سوره و البقره را در قرآن فص و نوافل خود بخواند عطا فرماید از بهشت با و هر جا که بپسندد  
 سوره العلق از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه مرویست که هر که در روز یا در شب سوره الفجر را با هم یک  
 را بخواند در آن روز یا در آن شب بمیرد چنان باشد که شبید مرده باشد و خدا او را با شهیدان خوش گرداند و چنان باشد  
 که در راه خدا در میان لشکر رسول خدا پیاده کرده باشد سوره القدر بستاند سوره از حضرت صادق منقول است  
 که هر که سوره انا انزلناه فی لیلة القدر را بخواند چنان باشد که شکی نشکند که شهید باشد یا در راه خدا جهاد کند و اگر استر  
 بخواند چنان باشد که در راه خدا شهید شده باشد و در خون خود دست و پا زند و هر که ده بار بخواند خدا هزار گناه از  
 گناهای او را محو فرماید و برود آیت دیگر از آن حضرت منقولست که هر که سوره انا انزلناه را در نماز فریضه بخواند از جانب  
 حق تعالی او را ستادی نماز فرماید که خدا گناهای گذشته ترا آمرزید مثل از سر گیر و سینه معتبر از حضرت امیر المؤمنین منقولست  
 که هر که پیش از طلوع آفتاب قتل بوالله احد و انا انزلناه را بخواند در آن روز گناهای مبتلا نشود هر چند سی نماید شیطان  
 و سینه معتبر از حضرت امام موسی کاظم منقولست که هر که حق تعالی را در روز جمعه هزار نغمه و تسبیح از رحمت خود دست  
 هر بنده را آنچه خواهد عطا فرماید پس هر که سوره انا انزلناه فی لیلة القدر را بعد از عصر روز جمعه صد مرتبه بخواند حق تعالی  
 آن هزار نغمه را در مثل آنرا با و عطا فرماید و از حضرت صادق منقولست که چون ماه مبارک رمضان در آید در هر شب  
 هزار مرتبه سوره انا انزلناه را بخواند و چون شب بیست و نهم شود دل خود را محکم بدار و گوشتها خود را بکشاید از برای  
 عجایب از آنچه خواهی دید و بسند های معتبر از آن حضرت منقولست که اگر کسی در شب بیست و نهم ماه رمضان انا انزلناه  
 فی لیلة القدر را هزار مرتبه بخواند چون صبح کند یقین او شدید و محکم شده باشد با عتران نمودن چیزی چند که مخصوص است  
 از غریب فضائل و نیست این مگر بسبب چیزی که در خواب مشاهده نماید بسند معتبر از حضرت صادق منقولست که  
 هر که جامه نو بپوشد و سوره انا انزلناه را سی و شش مرتبه بخواند و در هر مرتبه چون برسد به تنزل الملائکه اندکی آن را  
 و بر جامه بپوشد یا شیدان سولیس دور کعبت نماز در آن جامه کند و دعا کند و در دعا بگوید اللهم الله الذی  
 ما اقبل به فی الناس و او امری به حوثی و اصلی فیہ لربی رحمة الی بکنه پیوسته در فراخی نعمت باشد تا آن

در روز یکشنبه سوره الفجر را با هم یک  
 در روز یا در شب سوره الفجر را با هم یک  
 در آن روز یا در آن شب بمیرد چنان باشد که شبید مرده باشد و خدا او را با شهیدان خوش گرداند و چنان باشد  
 که در راه خدا در میان لشکر رسول خدا پیاده کرده باشد سوره القدر بستاند سوره از حضرت صادق منقول است  
 که هر که سوره انا انزلناه فی لیلة القدر را بخواند چنان باشد که شکی نشکند که شهید باشد یا در راه خدا جهاد کند و اگر استر  
 بخواند چنان باشد که در راه خدا شهید شده باشد و در خون خود دست و پا زند و هر که ده بار بخواند خدا هزار گناه از  
 گناهای او را محو فرماید و برود آیت دیگر از آن حضرت منقولست که هر که سوره انا انزلناه را در نماز فریضه بخواند از جانب  
 حق تعالی او را ستادی نماز فرماید که خدا گناهای گذشته ترا آمرزید مثل از سر گیر و سینه معتبر از حضرت امیر المؤمنین منقولست  
 که هر که پیش از طلوع آفتاب قتل بوالله احد و انا انزلناه را بخواند در آن روز گناهای مبتلا نشود هر چند سی نماید شیطان  
 و سینه معتبر از حضرت امام موسی کاظم منقولست که هر که حق تعالی را در روز جمعه هزار نغمه و تسبیح از رحمت خود دست  
 هر بنده را آنچه خواهد عطا فرماید پس هر که سوره انا انزلناه فی لیلة القدر را بعد از عصر روز جمعه صد مرتبه بخواند حق تعالی  
 آن هزار نغمه را در مثل آنرا با و عطا فرماید و از حضرت صادق منقولست که چون ماه مبارک رمضان در آید در هر شب  
 هزار مرتبه سوره انا انزلناه را بخواند و چون شب بیست و نهم شود دل خود را محکم بدار و گوشتها خود را بکشاید از برای  
 عجایب از آنچه خواهی دید و بسند های معتبر از آن حضرت منقولست که اگر کسی در شب بیست و نهم ماه رمضان انا انزلناه  
 فی لیلة القدر را هزار مرتبه بخواند چون صبح کند یقین او شدید و محکم شده باشد با عتران نمودن چیزی چند که مخصوص است  
 از غریب فضائل و نیست این مگر بسبب چیزی که در خواب مشاهده نماید بسند معتبر از حضرت صادق منقولست که  
 هر که جامه نو بپوشد و سوره انا انزلناه را سی و شش مرتبه بخواند و در هر مرتبه چون برسد به تنزل الملائکه اندکی آن را  
 و بر جامه بپوشد یا شیدان سولیس دور کعبت نماز در آن جامه کند و دعا کند و در دعا بگوید اللهم الله الذی  
 ما اقبل به فی الناس و او امری به حوثی و اصلی فیہ لربی رحمة الی بکنه پیوسته در فراخی نعمت باشد تا آن

و این است

جامه گفته شود و بسند معتبر منقولست که چون حضرت امام رضا جانم نومی پیشینند قدحی از آبی طلبیدند و در مرتبه  
سوره انزاله دره مرتبه قل هو الله احد و در مرتبه سوره قل یا ایها الکافرین بران طرفت آب میخوانند بعد از آن  
آب را بر جامه می پوشیند و میفرمودند که هر که پیش از پوشیدن جامه چنین کتبه بپوشد در فریض عیش باشد آدم  
که تازی از آن جامه باقی باشد و بسند معتبر از حضرت امیر المومنین منقولست که چون حق تعالی جامه نو یکسے عطا فرماید  
باید که وضو بسیار دو دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی سوره حمد و آیه الکرسی و قل هو الله احد و انما انزلنا کونینا  
حمد گفته خداوندی را که عورت او را بجامه پوشیده و او را در میان مردم زینت بخشیده و کلام لا حول الا بالله  
بسیار بگوید کسی که چنین کند در آن جامه معصیت خدا نکند و بعد از آن که در آن جامه باشد خدا ملک موکل گرداند که  
تقدس خدا کند و از برای او استغفار نماید و بر او دعا و ترجم کند و در روایت دیگر وارد شده است که هر که قدح  
برگیرد و آبی در آن قدح بریزد و سی و پنج مرتبه سوره انما انزلناه را بر آن قدح بخواند و آن آب را بر جامه خود بپاشد چو  
در وسعت باشد تا آن جامه گفته شود و بسند معتبر از حضرت صادق منقول است که از برای عبود از جامه با سبوسه  
نازه بیگیری و از آب بویکی و سی مرتبه انما انزلناه را بر سبوسه بخوانی پس آن سبوسه را می آویزی و از آن آب میخورد  
و وضو میانی و پیش از آنکه آبش تمام شود دیگر آب بر رویش میریزی و بسند معتبر منقولست که شخصی بخدمت حضرت  
صادق عرض نمود که بشت دختر مرا بمرسیده که کسپه ترا حال ندیده ام دعا فرما که خدا را پس که است فرمای حضرت  
فرمود که چون نشینی که مشغول حلق طوسی دست راست خود را بر طرف راست نات زن بگذار و هفت مرتبه سوره  
انما انزلناه بخوان و بعد از آن مشغول شو چون محل ظاهر شود در هر شب هر وقت که از پهلوی پهلوی گرد باز دست  
بر جانب راست بافش بگذار و هفت مرتبه آن سوره را بخوان آن شخص گفت که چنین کردم هفت پس از آن یکدیگر خدا  
مرا روزی که بسند معتبر منقولست از ابی عمر که گفت بسیار عالم پریشان شد از فقر و احتیاج بخدمت حضرت امام  
محمد تقی گزشتیم حال خود را حضرت فرمود که دعا دست کن بی قرابت سوره انما انزلناه تا آنکه تو من یکسال غلام  
و در روزی ندیمم بار دیگر بخدمت حضرت گزشتیم حال خود را عرض کردم که از خواندن آن سوره نفسی من رسید حضرت پس بپوشیدند  
که آنرا که یکسال خواند و کافیست بحال سوره انما انزلناه بخوان من چنین کردم بعد از آنکه وقتی این ابی داد و تو  
را از فقر و وظیفه برای من و عیال من مقرر کردی مرا وکیل کردی و بصره فرستاد و با قصد در هم بر آن من مقرر می فرما  
ند و من از مهر و نامه بیستم بخدمت حضرت امام علی نقی دینار بن مهر یادادم و فرستادم و در آن نامه بیستم که پسر  
مقال خود را عرض نمودم و بمن چنین نوشتند و عمل کردم و حال خوب شده است بخوابم بفرمائی که آیا گفتا کنم در خواندن  
سوره انما انزلناه بخواندن در نمازهای در حجب و سنت یا در غیر نماز هم بیاید خواند و از آنش را بفرمائی که چه مقدما

و این سوره انما انزلناه

بنا بر این

فصل الثانی

میاید خواند حضرت نوشتند که هیچ سوره از قرآن را ترک کن نه کوچک و نه بزرگ و از خواندن آنا انزلناه در شبانه روز صد مرتبه کافیت و بسند معتبر از حضرت امام موسی کاظم است که هر که بعد از نماز عصر ده مرتبه سوره آنا انزلناه بخواند مثل اعمال جمع حلال از ثواب باو کاست فرمایند بسند معتبر منقولست که حضرت امام محمد تقی چون در ماه تازه داخل مشهد در روز اول ماه دو رکعت نماز میکردند و در رکعت اول بعد از حمد سی مرتبه قل هو الله احد و در رکعت دوم بعد از حمد سی مرتبه آنا انزلناه میخواندند و بعد از نماز یا پنج میسر بود و تعذوق نمیدادند و سوا سی کن ماه را این عمل میخریدند و تسبیح معتبر منقولست که ابو علی بن ربه بنده است حضرت امام علی نقی عرض نمود که شما محمد بن الفرج نوشته بودید که بهترین سوره های که در نماز واجب است آنا انزلناه و قل هو الله احد است و برین دشوار است که این دو سوره را در نماز صبح بخواند حضرت فرمود که بر تو آنا نباشد که دانند که فضیلت در این دو سوره است و بسند صحیح منقولست که تیسری بخندست حضرت صاحب الامر نوشت که از آبار شما بار رسیده است حدیثی که عجب دارم از کسی که آنا انزلناه در نمازش میخواند چگونه نمازش مقبول میشود و در روایت دیگر رسیده است که در نماز یک در آن قل هو الله احد میخواند منزه میقبول نیست در روایت دیگر رسیده است که هر که در نمازها در جیش سوره نمزه را بخواند خیر دنیا باو میدهند پس آیا جائز است که نمزه را بخواند و آن دو سوره را ترک نماید حضرت در جواب نوشتند که ثواب این سوره با که بشمار رسیده است و اگر سوره را که ثوابی در آن سوره بشمار رسیده است ترک کنند و قل هو الله و آنا انزلناه بخوانند از سبب فضیلت این دو سوره ثواب این دو سوره را میباید با ثواب آن سوره که ترک کرده اند و اگر غیر این دو سوره را هم بخوانند هم جائز است و نماز شما تمام و کامل است لیکن ترک افضل کرده خواهید بود سوره البیته از حضرت امام محمد باقر منقولست که هر که سوره لم یکن را بخواند از شرک بزرگ و دین پیچیده او کامل شود و در قیامت داخل نوسان کامل سعوت شود و خدا او را حساب نماید حساب سنگین

سوره الزلزله بسند معتبر از حضرت صادق منقولست که طلل بهم مرسانند از خواندن سوره آنا انزلناه از زلزله از زلزله برسی که هر که در نمازهای نافله این سوره را بسیار بخواند هرگز خدا او را زلزله و بلاء عظمی دنیا مبتلا نکند و او را این آفتها نماند و در وقت جان کنن ملک بزرگواری از جانب پروردگارش بنزد او نیاید و بر بالا سرش نشیند و ملک موت از جانب حق نکند بگویم که برفق و مدارا سر کن بادوست خدا که خدا را بخواند سوره آنا انزلناه بسیار یاد میکرد و آن سوره نیز این سفارش ملک موت کند پس ملک موت گوید که حق است که مرا چنین امر فرموده است که سخن او را بشنوم و اطاعت او بکنم و تا مرا امر کند قبض روحش نمایم پس ملک موت نزد او ایستاد تا برده از پیش او دیده آن مؤمن برگردد و جا خود را در بهشت ببیند و بعد از دیدن او امر نماید که قبض روحم بکن پس ملک موت در نهایت ملائمت و آسانی قبض روح او بکند و هفتاد هزار ملک روح او را شایعیت کند و بزودی بهشت را

بسیار بخواند

بسم الله الرحمن الرحيم

دستگیر از حضرت امام رضا منقول است که حضرت رسول فرمود که هر که چهار مرتبه او از لرت را بخواند چنانست که  
 تمام قرآن خوانده است سورة العاديات از حضرت صادق منقول است که هر که مداومت نماید بر خواندن سورة  
 العاديات يا حضرت امير المؤمنين مشهور شود و در بهشت از رفقا آنحضرت باشد سورة القارعة از حضرت امام محمد  
 منقول است که هر که سورة قارعة بسیار تلاوت نماید خدا او را از فتنه و حال در دنیا و آخرت جنم در آخرت امان بخشد  
 سورة التكاثر از حضرت صادق منقول است که هر که سورة التكاثر را در نماز واجب بخواند حق تعالی ثواب  
 صد شهید ببرد او بولسد و هر که در نافه بخواند خدا ثواب پنجاه شهید ببرد او بولسد و در نماز و مجلس چهل صفت  
 از طاعت با او نماز کند و دستگیر از آنحضرت منقول است که حضرت رسول فرمود که هر که سورة التكاثر را در وقت  
 خواب بخواند خدا او را از عذاب قبر نگاهدارد سورة العصر از حضرت رسول منقول است که هر سورة را در عصر و نماز  
 نافله بخواند خدا او را در روز قیامت باروی لوزان و دندان نهند و چشم روشن و خوشحال بسبوت گردانند او را  
 داخل بهشت گردانند سورة الممزة از حضرت صادق منقول است که هر که سورة بیل لکن مجزه را در نماز یا فریضه بخواند  
 خدا فقر را از او دور گرداند و روزی او را قرآن گرداند و او را بزرگ بداند سورة الشیل و در وقت آنحضرت منقول است  
 منقول است که هر که در آن سوره الم ترکیب را بخواند بزرگ او شهادت دهند و قیامت بر پشت او کتبی  
 کاوخی که او از جمله نمازگزاران بزرگان بوده است و حق تعالی آنرا فرماید که راست گفتی شهادت شمار قبول کردیم  
 ملائکه او را بحیاب رخص بهشت کینند که من او را در عمل او را دوست میدارم و آیتها از آنحضرت منقول است که هر که  
 سورة الايلات را بسیار تلاوت نماید چون بسبوت شود بزرگی از اسپان بهشت سوار شود تا بر سر پایده نوز نشیند  
 مشهور میان علمائست که کجی ازین دو سورة را به تنهایی در نماز واجب نمیتوان خواند اگر خواند با هم میباید خواند  
 همچنین است حکم بعضی و الم شرح سورة الم یون از حضرت امام محمد باقر منقول است که هر که سورة التی الی الی  
 بالدین را در نماز یا کجی تلاوت نماید نافله بخواند از جماعتی باشد که خدا سازد و روزی ایشان قبول فرموده است و او را در قیامت  
 در بهشت باقی ماند و حساب نکند سورة الکوثر از حضرت جعفر منقول است که هر که سورة انما اعطیناک الکوثر را در نماز  
 قیامت و تا قیامت بسیار بخواند در قیامت او را از حوض کوثر آب دهند و او را در زیر درخت طوبی در جوار حضرت رسول جای  
 دهند سورة الفجر از حضرت صادق منقول است که هر که سورة قل یا ایها الکافرون و قل هو الله احد را در نماز فریضه  
 بخواند خدا او را و پدر و مادرش را و فرزندان پدر و مادرش را بسیار بزرگداری و اگر شقی باشد نام او را از دیوان شقیان  
 دور بگردانند و او را بولسد و او را در زندگانی دنیا سعادت مند بدارد و او را شهید بگرداند و شهید بسبوت گرداند و بسبوت  
 از دست حق منقول است که هر که سورة قل هو الله احد ثلث قرآنست و قل یا ایها الکافرون رابع قرآن

سورة القارعة

سورة التكاثر

سورة العصر

سورة الممزة

سورة الشیل

سورة الفجر

سورة الکوثر

سورة التی الی الی

بسم الله الرحمن الرحيم



فصل الثانی

و بسند معتبر از آنحضرت منقولست که هر که وقتی که برت خواب رود قل یا ایها الکافرون و قل هو الله احد بخواند و آنرا  
 بیزار از شرک برآورد و بگوید و بسند معتبر از حضرت ایلین منقولست که حضرت رسول در سفر نماز کردند و آنرا  
 اقتدا کردیم در رکعت اول قل یا ایها الکافرون خوانند و در رکعت دوم قل هو الله احد و چون فارغ شدند فرمودند که  
 بیست و شش مرتبه قرآن در بروج قرآن خواندم و بسند صحیح از حضرت صادق منقولست که ترک کن خواندن قل هو الله احد در  
 یا ایها الکافرون را در هفت نماز و در نافله صبح و در رکعت اول نماز پیشین و در رکعت اول نماز اول شام و در رکعت اول  
 نماز شب و نماز احرام و نماز صبح اگر هو بسیار پیشین شده باشد و سوره طه و لای نوتالی خواند و نماز طهارت  
 دیگر وارد شده است که در این نماز با همه در رکعت اول قل هو الله احد بخواند که در نماز صبح که در رکعت اول  
 الکافرون بخواند سوره القصر از حضرت صادق منقولست که هر که سوره اذا جاء نصر الله و الفتح را بخواند  
 یا در نافله بخواند خدا او را بر جمیع دشمنان نصرت دهد و چون از قبر بیرون آید با او نامه باشد که گوید سرانجام او در  
 و از آتش جهنم و صد آه جهنم بوده باشد و بر هر چیز که بگذرد او را بشارت و نیکی و بهشت و قتل بهشت نمود و از هر چیزی که بگذرد  
 از سبب خیر تقدیر حق تکلیف بشاید که بخاطرش خطور کرده باشد و آنرا آنند که سوره القدر را بخواند  
 منقولست که چون سوره تبت یا ای لب را بخوانی لعن و نفرین کند بر او لب که از جهنم نکند و بیاید که در آن روز که  
 پنجم و آنچه او آورده است میخواند سوره التوحید بسند معتبر از حضرت صادق منقولست که هر که سوره قل هو الله احد  
 یک مرتبه بخواند حق تعالی بر او برکت فرستد و هر که دو مرتبه بخواند حق تعالی بر او برایش برکت فرستد و هر که سه مرتبه بخواند  
 حق تعالی بر او باهش و همسایگانیش برکت فرستد و هر که دوازده مرتبه بخواند خدا در بهشت دوازده قصر از بهشت او بنا  
 کند و کاتبان اعمال بیکدیگر گویند که بیایید برویم و بقصرهای برادر خود نظر کنیم و هر که صد مرتبه بخواند خداوند عالمیات  
 گناہان بابت و پنجبال او را یا مرز و بقیع از خون ناحق و مال مردم و کسی که چهار صد مرتبه بخواند خدا او را از جهنم  
 شهید گرداند فریاد از شهیدانی که اسپان و یغما تراپی کرده باشند و خون ایشان را ریخته باشند و هر که بیست مرتبه بخواند  
 روز بخواند غیر و تا جا خود در بهشت نه بیند یا دیگری برآورد بیند و بسند معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که چون حضرت  
 رسالت پناه بر سعد بن معاذ نماز کردند فرمود که مقدار هزار ملک بر او نماز کردند که جبرئیل در میان ایشان بود و جبرئیل  
 پرسیدم که چه عمل مستحب این شده بود که شما بر او نماز کنید گفت بسبب اینکه قل هو الله احد بخواند است تا ده و شصت و  
 و پیاده و در رفتن و در برگشتن و بسند معتبر از حضرت رسول منقولست که هر که صد مرتبه قل هو الله احد را در وقت خواب  
 بخواند خدا گناہان پنجاه ساله او را یا مرز و بسند معتبر از حضرت صادق منقولست که هر که خود را حفظ نماید و شکر مردم  
 بخواند سوره قل هو الله احد را در جانب راست خود کند و بخواند و بجانب چپ رو کند و بخواند و بجانب راست خود کند

در رکعت اول نماز اول شام و در رکعت اول نماز شب و نماز احرام و نماز صبح اگر هو بسیار پیشین شده باشد و سوره طه و لای نوتالی خواند و نماز طهارت دیگر وارد شده است که در این نماز با همه در رکعت اول قل هو الله احد بخواند که در نماز صبح که در رکعت اول الکافرون بخواند سوره القصر از حضرت صادق منقولست که هر که سوره اذا جاء نصر الله و الفتح را بخواند یا در نافله بخواند خدا او را بر جمیع دشمنان نصرت دهد و چون از قبر بیرون آید با او نامه باشد که گوید سرانجام او در و از آتش جهنم و صد آه جهنم بوده باشد و بر هر چیز که بگذرد او را بشارت و نیکی و بهشت و قتل بهشت نمود و از هر چیزی که بگذرد از سبب خیر تقدیر حق تکلیف بشاید که بخاطرش خطور کرده باشد و آنرا آنند که سوره القدر را بخواند منقولست که چون سوره تبت یا ای لب را بخوانی لعن و نفرین کند بر او لب که از جهنم نکند و بیاید که در آن روز که پنجم و آنچه او آورده است میخواند سوره التوحید بسند معتبر از حضرت صادق منقولست که هر که سوره قل هو الله احد یک مرتبه بخواند حق تعالی بر او برکت فرستد و هر که دو مرتبه بخواند حق تعالی بر او برایش برکت فرستد و هر که سه مرتبه بخواند حق تعالی بر او باهش و همسایگانیش برکت فرستد و هر که دوازده مرتبه بخواند خدا در بهشت دوازده قصر از بهشت او بنا کند و کاتبان اعمال بیکدیگر گویند که بیایید برویم و بقصرهای برادر خود نظر کنیم و هر که صد مرتبه بخواند خداوند عالمیات گناہان بابت و پنجبال او را یا مرز و بقیع از خون ناحق و مال مردم و کسی که چهار صد مرتبه بخواند خدا او را از جهنم شهید گرداند فریاد از شهیدانی که اسپان و یغما تراپی کرده باشند و خون ایشان را ریخته باشند و هر که بیست مرتبه بخواند روز بخواند غیر و تا جا خود در بهشت نه بیند یا دیگری برآورد بیند و بسند معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که چون حضرت رسالت پناه بر سعد بن معاذ نماز کردند فرمود که مقدار هزار ملک بر او نماز کردند که جبرئیل در میان ایشان بود و جبرئیل پرسیدم که چه عمل مستحب این شده بود که شما بر او نماز کنید گفت بسبب اینکه قل هو الله احد بخواند است تا ده و شصت و و پیاده و در رفتن و در برگشتن و بسند معتبر از حضرت رسول منقولست که هر که صد مرتبه قل هو الله احد را در وقت خواب بخواند خدا گناہان پنجاه ساله او را یا مرز و بسند معتبر از حضرت صادق منقولست که هر که خود را حفظ نماید و شکر مردم بخواند سوره قل هو الله احد را در جانب راست خود کند و بخواند و بجانب چپ رو کند و بخواند و بجانب راست خود کند

قصاص الایمان

در سوره اول انعام

سوره انعام

و بخوان در وقت سحر و بخوان و بجانب بالای سر نظر کن و بخوان و بجانب پائین نظر کن و بخوان و اگر خوابی نبرد  
 حاکم جاری سبکی چون نظرت بر او افتد سه مرتبه بخوان و هر یک مرتبه که بخوانی انگشت رانقه کن از دست چپ بگشاید  
 را چنین نگاهدار تا از نزد او بیرون آئی و از حضرت صادق منقولست که هر که یک در برابر او بگذرد و پنج نماز کند و در آن  
 پنج نماز قیل هو الله احد بخواند یا و خطاب کنند که ای بنده خدا تو از نماز گذارندگان هستی و بستند دیگر منقولست از حضرت  
 که هر که برای یک هفته بگذرد و قیل هو الله در آن هفته بخواند و پیر و یردین ابولسین مرده باشد و در حدیث دیگر فرمود  
 که هر که او را مرضی پیش آید یا شدنی رود و در قیل هو الله احد را بر سر او ببرد آن بخواند او را زایل آتش است و در حدیث دیگر  
 فرمود که هر که ایمان بخدا آورد و زیارت او داشته باشد باید که بعد از نماز فریضه خواندن قیل هو الله احد را ترک نماید و هر  
 که بعد از نماز فریضه قیل هو الله احد بخواند خدا با او خیر دنیا و آخرت کراست فرماید و گناه او و پدر و مادر او و فرزندان  
 او را دور آید و سوره اول و سینه صحیح از حضرت امیر المومنین منقولست که هر که سوره قیل هو الله احد را بعد از نماز صبح بخواند  
 مرتبه بخواند در آن روز گناهی بر او لازم نشود هر چند بی شیطان بر خاک مالیده شود و بستند معتبر از حضرت صادق منقولست  
 که هر که در خواب رود یا زود مرتبه سوره قیل هو الله احد بخواند خدا خانه او و خانه آنها همسایگانش را حفظ نماید  
 و بستند معتبر از حضرت امیر المومنین منقولست که هر که در وقت خواب قیل هو الله احد بخواند حق تعالی پنجاه هزار ملک  
 موکل گرداند که او را حراست نمایند در آن شب و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقولست که حضرت رسول  
 فرمود که هر که در وقت خواب سوره قیل هو الله احد را بخواند گن پنجاه سال او آمرزیده شود و بستند معتبر از حضرت صادق  
 منقولست که هر که یک مرتبه قیل هو الله احد را بخواند چنان باشد که ثلث قرآن و ثلث توره و ثلث انجیل و ثلث زبور  
 را خوانده باشد و از حضرت امام بحق مطلق جعفر صادق منقولست که حق تعالی بعبودت فاطمه عطا  
 تیب را کرد است فرمود که نبی طبع آن حضرت باشد پس هر که حضرت فاطمه و فرزندان او را دوست دارد و تیبی بهر  
 و هزار مرتبه سوره قیل هو الله احد را بخواند و بحق فاطمه سوال نماید زوال تیب را با امر الهی زایل میگردد و از حضرت  
 امام رضا منقولست که حضرت رسول فرمود که هر که صداعی یا غیر آن عارض شود و دستها خود را بکشد و سوره فاتحه  
 و قیل هو الله احد و قیل اعوذ برب الناس و قیل اعوذ برب اهل بیت و دست بر سر خود بگذارد آن آزار برطرف  
 سوره است و تین بستند معتبر از حضرت صادق منقولست که سبب نزول معوذتین آن بود که حضرت رسول تیب  
 هم را نید چیرگیل این دو سوره را آورد و تعویذ حضرت رسول گردانید و بستند معتبر از صابر منقولست که حضرت  
 صادق است اگر در نماز شام و معوذتین خوانند و بعد از فراغ شدن فرمودند که این دو سوره از قرآنست و از  
 حضرت امام رضا بستند معتبر منقولست که هر که در صبا و طغولیت التمد نماید در پیشی خواندن اعوذ برب اهل بیت

و قتل اعوذ برب الناس سه مرتبه و قتل هو الله احد را صد مرتبه و اگر نتواند پنجاه مرتبه حق تعالی از دو در گذرد  
دیوانگی و مرخصی را که عارض اطفال میشود و استغفار و تسبیح و غلبه خون را تا سن پیرا در یک لحظه و مداومت  
بر این نماید و از حضرت امام محمد باقر منقولست که هر که در سه رکعت و تر معوذتین و قتل هو الله احد بخواند با خطاب  
کنند که ای بنده خدا بشارت باد ترا که خدا ترتر را قبول کرد و بسته به صحیح از حضرت صادق منقولست که هر که بعد از نماز  
جمعه سوره حمد را یک مرتبه و هر یک از معوذتین و قتل هو الله احد را هفت مرتبه و آیه الکرسی و آیه سحره و آخر سوره بر آت  
لقد جاءکم رسول من انفسکم تا آخر سوره هر یک را یک مرتبه بخواند کفاره گناہان او باشد از جمله تا جمعه و از منبرین خود  
منقولست که در خدمت حضرت امام رضا بودم در راه خراسان دو کیل شیخ آنحضرت بودم مرا امر فرمود که غایب است  
کن چون راست کردم و در شیشه کردم حضرت را بسیار خوش آمد پس فرمود که ای معتر ششم زخم حق است از برای  
رفع تاثیر چشم در کانهی سوره حمد و قتل هو الله احد و معوذتین را بنویس و در غلاف شیشه غایب بگذارد و از حضرت  
صادق منقولست که فرمود که تاثیر چشم زدن حق است و این سستی که چشم تو در خودت یاد دیگری تاثیر کند پس اگر تاثیر  
چشم تری سه مرتبه بگو ما شاء الله لا قوة الا بالله العلی العظیم و اگر یکی از شما زینتی کند که خوش آینده باشد  
چون از منزل خود بیرون رود و قتل اعوذ برب الفلق و قتل اعوذ برب الناس بخواند که از چشم بی با وضو نرسد و از  
حضرت امام محمد باقر منقولست که کسی که در خواب ترسد در وقت خواب معوذتین و آیه الکرسی بخواند بیخواب شود  
در بیان مجمل از احوال سلاطین و اماران و معاشرت نمودن با ایشان و عدل و جور ایشانست و ذکر آن در چند جمله  
جاری میگردد جدول اول در بیان عدل و جور ایشان است بدانکه عدل ملوک و اماران عظم مصالح است  
و عدل و صلاح ایشان موجب صلاح جمیع عباد و عمومی بلاد است و فسق و جور ایشان موجب اختلال نظام  
امور اکثر عالمیان و سبب اکثر ناس بطور ایشان میگردد و چنانچه از حضرت رسول بسته به منقولست که در صفت آن  
است من که اگر ایشان صلاح و شایسته اند است من نیز صلاح اند و اگر ایشان فاسد اند و فاسق اند است من نیز فاسق  
اند صاحب پرسیدند که کیستند ایشان یا رسول الله فرمود که نعمت و امر او بسته دیگر منقولست از آنحضرت که فرمود که کسی  
که شفاعت من با ایشان نرسد صاحب سلطنتی که ظلم و جور و تعدی کند و کسی که در دین غلو کند و از دین ببرد و در آن  
حضرت صادق منقولست که فرمود که امید نجات دارم از برای جمیع ازین است که حق با ایشانست و هر که از سلطان  
صاحب سلطنتی که جور کند کسی که بخودش خود بدعتها در دین کند و فاسق که علائق گناہان کند و ببرد و ببرد و ببرد از  
حضرت رسول منقولست که در قیامت آتش جهنم با کسی سخن خواهد گفت با ابرو و قار و صاحب مال پس با ابرو و قار  
که ای آن کسی که خدا ترا سلطنت سپید داد و در بزم پرستان خود عدالت کردی پس او را میباید مانند مرغی که در آید

بازن غلط از این است

در عدل و جور سلاطین

بر باید و بقاری بیگوید که ای آن کس که خود را در نظر من زنت بخونی سید او در حضور الهی معصیت او منبوی پس او را  
 سیر باید و بمال را بیگوید که آن کسی که خدا تو دنیا مانع دال بسیار داده بود و اندکی از آن را از تو قرض طلبید و تو او را  
 و بخل و زیدی پس او را سیر باید و از حضرت امیر المومنین منقولست که بر دین خود حذر نماید از صاحب سلطنتی که گمان  
 کند که طاعت او طاعت خداست و معصیت او معصیت خداست و دروغ میگوید زیرا که طاعت مخلوق جانیست  
 و معصیت خالق و طاعتی لازم نیست از برای کسی که معصیت خدا کند و در جواب اطاعت مخصوص خدا و رسول  
 و اولوالامر است که الله معصومین اند و حق تعالی بر همه این امر فرموده است باطاعت رسول زیرا که او معصوم و مطهر است  
 از گناه و امر بمعصیت نمیکند و امر باطاعت اولوالامر فرموده است پس اگر ایشان معصوم و مطهر اند از بدیها و گناهان  
 مردم را امر بمعصیت نمیکند و در حدیث دیگر از حضرت منقولست که فرمود که در جهنم سیصد سیصد نفر است که در گداز است  
 پیرسیدند که چه چیز را نخر و میکنند یا امیر المومنین فرمود که نخری تا جبر و قماران فاسق و جباران ظالم و وزیران خائن  
 و رؤسا و سرکرده های کذاب را و در حدیث دیگر فرمود که حق تعالی شش کس را پیشش خصمت عذاب نماید عیان را  
 بتعصب و آربابان و اصحاب مزایع را بتکبر و امر او سلاطین را بجزر و کتیم و فقها و علما را بحد و تاجران را بخیانت و اهل  
 روستا را بنادائی و جهالت و باسانید معتبره از حضرت رسول منقول است که آن حضرت فرمود که هفت کس لعنت  
 کرده ام و هر پیغمبر اجابت کرده شده که پیش از من بوده است بر ایشان لعنت کرده اند کسیکه در کتاب خدا چیزی زیاد  
 و کم کند و کسیکه قضا و قدر خدا را کذب نماید و کسیکه مخالفت سنت من نماید و بدعت پیدا کند در دین و کسیکه از عترت  
 من چیزی را حلال گرداند از ظلم بر ایشان و غضب حق ایشان که خدا حرام گردانیده است و کسیکه بجز تسلط بر مردم  
 بامر سازد برای اینکه عویذ کند جمعی را که خدا ایشان را ذلیل گردانیده و ذلیل کند جمعی را که خدا ایشان را عزیز گردانیده  
 و کسیکه سوال مشرک سلطانان ابرهتهائی متصرف شود و این احلال و اداء کسیکه حرام گردانده امی را که خدا حلال  
 گردانیده است و کسیکه معتبر از حضرت رسول منقولست که اول کسیکه در جهنم میشود امیر صاحب تسلطی است که  
 عدل نمکند و مالک است که حق خدا را نه بد فقیر نیست که فقر و تکبر کند و بسند معتبر از حضرت امام رضا منقول است  
 که چون و ایشان دروغ میگویند و حکم نادر میکنند با زبان آسمان محسوس میشود و چون پادشاهان جور و ظلم میکنند  
 و دولتشان است میشود و چون مردم از کوفه بیایند چهار زبان هلاک میشوند و از حضرت رسول منقول است که  
 امیر نمیشود کسی برده کس یا زباده مگر آنکه چون او را در قیامت بیاورند و دستش در گردنش غل باشد پس اگر نیکو  
 باشد و ظلم نکرده باشد دستش را بکشایند و اگر بدکار و ظالم باشد غل دیگر بر او می افزایند و بسند دیگر از حضرت  
 منقول است که هر که سرکرده جماعتی شود و در میان ایشان نیکو سلوک نکند خدا او را در کن جهنم برود که حاکم ایشان

بیان عدل و محروم کردن

در حدیث